

ظالع ییشی چینی

(متن کامل)



اثر: بری فنتونیس

ترجمه: اسماعیل قهرمانی پور

طالع بینی چینی

اثر:

بری فنتونیس

ترجمه:

اسماعیل قهرمانی پور

فنتونیس، بری
طالع بینی چینی / اثر بری فنتونیس؛ ترجمه
اسماعیل قهرمان پور. — تبریز تلاش، ۱۳۷۹.
۴۶۴ ص. : مصور، عکس.

ISBN 964-5750-58-x ۲۲۵۰

فهرستنويسي براساس اطلاعات فيپا.

عنوان به انگلیسي: Complete Chinese horoscopes.

چاپ دوم.

۱. آخر گوشی چینی. الف. قهرمانی پور،
اسماعیل، ۱۳۲۸ - مترجم. ب. عنوان.

۱۳۳/۵۰۹۵۱

BF ۱۷۱۴/۹۹ج

۱۳۷۹

۹۷۷۱-۷۸-۷۸۷۸

كتابخانه ملي ايران

مؤسسه انتشاراتی تلاش

تهران: خیابان انقلاب خیابان فخر رازی بن بست دوم شماره ۷۴ تلفن: ۰۲۴ ۶۴۹۱۰

تبریز: چهارراه شریعتی، تلفن: ۵۵۶۶۵۷۶

طالع بینی چینی

نوشتہ: بری فنتونیس

ترجمہ: اسماعیل قهرمانی پور

چاپ دوم ۱۳۷۹

چاپ سپیده احرار

شمارگان ۵۰۰۰ جلد

حق چاپ محفوظ می باشد.

فهرست مندرجات

شماره صفحه		منوان
۹	۱- مقدمه مترجم.....	
۱۱	۲- بخش نخست- دیباچه	
۱۶	۳- نحوه استفاده از این کتاب.....	
۱۸	۴- حروف ویژه‌ای در مورد کلمه سازگاری	
۲۰	۵- یادداشت مؤلف.....	
۲۱	۶- موش	
۲۳	۷- سال موش.....	
۲۵	۸- شخصیت موش	
۳۳	۹- موش به عنوان والد	
۳۵	۱۰- موش از نظر شغل و پیشه.....	
۳۸	۱۱- موش در عشق و عاشقی.....	
۳۹	۱۲- موش از نظر ازدواج.....	
۴۲	۱۳- سال موش چه تأثیری روی شما خواهد داشت	
۴۴	۱۴- موش‌های مشهور در عرصه‌های:	
۴۷	۱۵- گاو.....	
۴۹	۱۶- سال گاو.....	
۵۰	۱۷- شخصیت گاو	
۵۶	۱۸- گاو به عنوان والد.....	
۵۸	۱۹- گاو از نظر شغل و پیشه	
۶۱	۲۰- گاو در عشق و عاشقی	
۶۳	۲۱- گاو از نظر ازدواج	
۶۵	۲۲- سال گاو چه تأثیری روی شما خواهد داشت.....	
۶۷	۲۳- گاوهای مشهور در عرصه‌های:	
۶۹	۲۴- ببر	

۷۱	۲۵	- سال بیر
۷۲	۲۶	- شخصیت بیر ..
۷۹	۲۷	- بیر به عنوان والد.....
۸۲		۲۸	- بیر از نظر شغل و پیشه
۸۴		۲۹	- بیر در عشق و عاشقی
۸۶		۳۰	- بیر از نظر ازدواج
۸۸	۳۱	- سال بیر چه تأثیری روی شما خواهد داشت ..
۹۰	۳۲	- ببرهای مشهور در عرصه‌های:
۹۳	۳۳	- گربه
۹۵	۳۴	- سال گربه
۹۶		۳۵	- شخصیت گربه
۱۰۳	۳۶	- گربه به عنوان والد.....
۱۰۵	۳۷	- گربه در شغل و پیشه
۱۰۷	۳۸	- گربه در عشق و عاشقی
۱۰۹	۳۹	- گربه از نظر ازدواج
۱۱۱	۴۰	- سال گربه چه تأثیری روی شما خواهد داشت ..
۱۱۳	۴۱	- گربه‌های مشهور در عرصه‌های:
۱۱۵	۴۲	- اژدها
۱۱۷		۴۳	- سال اژدها
۱۱۹	۴۴	- شخصیت اژدها
۱۲۷	۴۵	- اژدها به عنوان والد.....
۱۲۹	۴۶	- اژدها از نظر شغل و پیشه
۱۳۱		۴۷	- اژدها در عشق و عاشقی
۱۳۳		۴۸	- اژدها از نظر ازدواج
۱۳۵	۴۹	- سال اژدها چه تأثیری روی شما خواهد گذاشت ..
۱۳۷	۵۰	- اژدهاهای مشهور در عرصه‌های:
۱۳۹	۵۱	- مار.....
۱۴۱	۵۲	- سال مار.....

۱۴۳.....	۵۳- شخصیت مار
۱۵۳	۵۴- مار به عنوان والد
۱۵۵.....	۵۵- مار از نظر شغل و پیشه
۱۵۷.....	۵۶- مار در عشق و عاشقی
۱۵۹.....	۵۷- مار از نظر ازدواج
۱۶۲.....	۵۸- سال مار چه تأثیری روی شما خواهد گذاشت
۱۶۴.....	۵۹- مارهای مشهور در عرصه‌های:
۱۶۷.....	۶۰- اسب
۱۶۹.....	۶۱- سال اسب
۱۷۱	۶۲- شخصیت اسب
۱۷۹.....	۶۳- اسب به عنوان والد
۱۸۱	۶۴- اسب در شغل و پیشه
۱۸۴	۶۵- اسب در عشق و عاشقی
۱۸۶	۶۶- اسب از نظر ازدواج
۱۸۹.....	۶۷- سال اسب چه تأثیری روی شما خواهد داشت
۱۹۱	۶۸- اسبهای مشهور در عرصه‌های:
۱۹۳	۶۹- بز
۱۹۵.....	۷۰- سال بز
۲۰۵.....	۷۱- شخصیت بز
۲۱۳.....	۷۲- بز به عنوان والد
۲۱۵.....	۷۳- بز از نظر شغل و پیشه
۲۱۸.....	۷۴- بز در عشق و عاشقی
۲۲۰.....	۷۵- بز از نظر ازدواج
۲۲۲	۷۶- سال بز چه تأثیری روی شما خواهد داشت
۲۲۴.....	۷۷- بزهای مشهور در عرصه‌های:
۲۲۷.....	۷۸- میمون
۲۲۹.....	۷۹- سال میمون
۲۳۱	۸۰- شخصیت میمون

۷۴۰	۸۱	- میمون به عنوان والد
۷۴۲	۸۲	- میمون از نظر شغل ر پیشه
۷۴۵	۸۳	- میمون در عشق و عاشقی
۷۴۷	۸۴	- میمون از نظر ازدواج
۷۵۰	۸۵	- سال میمون چه تأثیری روی شما خواهد داشت
۷۵۲	۸۶	- میمون های مشهور در عرصه های:
۷۵۵	۸۷	- خروس یا مرغ
۷۵۷	۸۸	- سال خروس یا مرغ
۷۵۹	۸۹	- شخصیت خروس یا مرغ
۷۶۸	۹۰	- خروس یا مرغ به عنوان والد
۷۷۰	۹۱	- خروس یا مرغ در شغل و پیشه
۷۷۳	۹۲	- خروس یا مرغ در عشق و عاشقی
۷۷۵	۹۳	- خروس یا مرغ از نظر ازدواج
۷۷۷	۹۴	- سال مرغ یا خروس چه تأثیری روی شما خواهد داشت
۷۸۰	۹۵	- مرغ ها و خروس های مشهور در عرصه های:
۷۸۳	۹۶	سگ
۷۸۵	۹۷	- سال سگ
۷۸۷	۹۸	- شخصیت سگ
۷۹۴	۹۹	- سگ به عنوان والد
۷۹۷	۱۰۰	- سگ از نظر شغل و پیشه
۷۹۹	۱۰۱	- سگ در عشق و عاشقی
۳۰۱	۱۰۲	- سگ از نظر ازدواج
۳۰۴	۱۰۳	- سال سگ چه تأثیری روی شما خواهد گذاشت
۳۰۶	۱۰۴	- سگ های مشهور در عرصه های:
۳۰۹	۱۰۵	خوک
۳۱۱	۱۰۶	- سال خوک
۳۱۲	۱۰۷	- شخصیت خوک
۳۲۱	۱۰۸	- خوک به عنوان والد

۱۰۹	- خوک در شغل و پیشه	۳۲۳
۱۱۰	- خوک در هشق و هاشقی	۳۲۶
۱۱۱	- خوک از نظر ازدواج	۳۲۸
۱۱۲	- سال خوک چه تأثیری روی شما خواهد داشت	۳۳۱
۱۱۳	- خوک‌های مشهور در عرصه‌های:	۳۳۳
۱۱۴	- بخش دوم	۳۳۹
۱۱۵	- عوامل پنجگانه	۳۴۰
۱۱۶	- عوامل اصلاحی و کنترل‌کننده	۳۴۱
۱۱۷	- خاصیت اصلاح‌گری عوامل	۳۴۱
۱۱۸	- خاصیت کنترلی عوامل	۳۴۲
۱۱۹	- عوامل ثابت	۳۴۳
۱۲۰	- عوامل متحرک	۳۴۴
۱۲۱	- عامل آب	۳۴۶
۱۲۲	- عامل چوب	۳۴۷
۱۲۳	- عامل آتش	۳۴۸
۱۲۴	- عامل خاک	۳۴۹
۱۲۵	- عامل فلز	۳۵۰
۱۲۶	- عوامل و مصارف آنها	۳۵۱
۱۲۷	- عامل حیوان ماه تولد	۳۵۲
۱۲۸	- عوامل و کار	۳۵۴
۱۲۹	- عامل فلز در کار	۳۵۴
۱۳۰	- عامل آب در کار	۳۵۵
۱۳۱	- عامل چوب در کار	۳۵۶
۱۳۲	- عامل آتش در کار	۳۵۶
۱۳۳	- عامل خاک در کار	۳۵۷
۱۳۴	- ساعات دوازده‌گانه و علایم حیوانی مربوط به آنها	۳۵۷
۱۳۵	- نحوه سازگاری عوامل	۳۵۹
۱۳۶	- موش‌ها و عوامل آنها	۳۶۷

۳۷۲	— موش‌ها و ساعات آنها	۱۳۷
۳۷۶	— گاوهای و عوامل آنها	۱۳۸
۳۸۰	— گاوهای و ساعات آنها	۱۳۹
۳۸۴	— ببرها و عوامل آنها	۱۴۰
۳۸۸	— ببرها و ساعات آنها	۱۴۱
۳۹۲	— گریبهای و عوامل آنها	۱۴۲
۳۹۶	— گریبهای و ساعات آنها	۱۴۳
۴۰۰	— اژدها و عوامل آنها	۱۴۴
۴۰۴	— اژدهاهای و ساعات آنها	۱۴۵
۴۰۹	— مارها و عوامل آنها	۱۴۶
۴۱۳	— مارها و ساعات آنها	۱۴۷
۴۱۷	— اسب‌ها و عوامل آنها	۱۴۸
۴۲۱	— اسب‌ها و ساعات آنها	۱۴۹
۴۲۵	— بزها و عوامل آنها	۱۵۰
۴۲۹	— بزها و ساعات آنها	۱۵۱
۴۳۳	— میمون‌ها و عوامل آنها	۱۵۲
۴۳۷	— میمون‌ها و ساعات آنها	۱۵۳
۴۴۱	— مرغ‌ها و خروس‌ها و عوامل آنها	۱۵۴
۴۴۵	— مرغ‌ها و خروس‌ها و ساعات آنها	۱۵۵
۴۴۹	— سگ‌ها و عوامل آنها	۱۵۶
۴۵۳	— سگ‌ها و ساعات آنها	۱۵۷
۴۵۷	— خوک‌ها و عوامل آنها	۱۵۸
۴۶۱	— خوک‌ها و ساعات آنها	۱۵۹

به نام ایزد منان

مقدمه مترجم

کتاب حاضر دوره کامل طالع‌بینی چینی‌هاست (مجلد کوچکی از این کتاب قبل‌اً چاپ و منتشر شده است) که در مقایسه با طالع‌بینی‌های مصری و هندی هم کامل‌تر است و هم بیش از ۹۰٪ با واقعیات سرنوشت هر تک‌تک ما وفق می‌دهد انگار که سرنوشت و روحیات ما را نوشته‌اند، و همانطور که مؤلف نیز به تطبیق مطالب آن با واقعیات زندگی خود و خانواده‌اش اشاره نموده است، اینجانب نیز تطابق حداقل ۹۰٪ آن را با چگونگی سرنوشت و روحیات خودم و خانواده‌ام مشاهده نموده‌ام. البته مسلم است که سرنوشت را نمی‌توان تغییر داد، ولی در مواردی می‌توان با چراغ روشن در داخل تونل سرنوشت به جلو حرکت نمود که بتوان چاله‌ها را دید و در صورت امکان آنها را دور زد. و البته چاله‌هایی هم وجود دارند که اجتناب‌ناپذیرند و اعمال خودمان در مراحل دوازده‌گانه زندگی موجب آنها شده است. به هر حال اگر آن قسمت از زندگی را که به صورت اختیاری است، در صورت آگاهی از واقعیات و پی بردن به این حقیقت که هر رفتار خوب و اصولی را پاداشی است درخور و شایسته و برعکس هر رفتار و گفتار زشت و ضد موجودات دیگر را عقوبی مساوی و برابر، در آن صورت اگر مراقب رفتار و کردار خود باشیم لاقل در زندگی آینده از عوارض آن در امان خواهیم ماند و به اذن خداوند در ساعت، روز، ماه و سالی به دنیا خواهیم آمد که از هر لحظه سرنوشت بهتری داشته باشیم.

در این کتاب از دوازده سال با نام دوازده حیوان که به ترتیب عبارتند از: موش، گاو، بیر، گربه، اژدها، مار، اسب، بز، میمون، خروس، سگ و خوک نام برده شده است و هر کسی که در یکی از این سال‌ها به دنیا آمده باشد به

اسم حیوان علامت آن سال نامیده خواهد شد. مثلاً اگر بگوییم آقای گاو یا خانم خوک، قصد اهانتی در کار نیست و هر کسی می‌تواند با مراجعت به جدول صفحات ۱۷ و ۱۶، نام حیوان سال تولد خود را معلوم نماید و برای راحتی کار آغاز سال مسیحی‌ها با تاریخ ما ایرانیان تطبیق داده شده است. به هر حال وجود یک جلد از این کتاب را برای هر خانواده توصیه می‌نماییم و استفاده از مطالب آن را برای همه خصوصاً برای دولتمردان و مسئولین استخدام ادارات و سازمان‌هایی که به نحوی با ارباب رجوع طرف هستند توصیه می‌کنم تا در انتخاب اشخاص برای تصدی پست‌های گوناگون از افرادی استفاده بکنند که روحیات فطری آنها با آن شغل وفق بدهد، برای مثال در موقع استخدام افرادی برای شغل شریف آموزگاری از بیرون خصوصاً خانم بیرون استفاده نمایند. و یا پست‌های حساس و دارای قدرت را به گریبه‌ها نسپارند که در این صورت متأسفانه خود را گم نموده و تبدیل به دیکتاتور می‌گردند. و یا اشخاص متولد سال سگ دلسوزترین پرستارها را تشکیل می‌دهند.

در جدول‌های متفاوت مربوط به هر شخص تعدادی سریع کوچک عکس دار در مقابل حیوانات دوازده‌گانه چاپ شده است که تعداد آنها در مقابل هر حیوانی بیشتر باشد میزان سازگاری وی در موضوع مربوطه را نشان می‌دهد.

در بخش دوم کتاب خصوصیات اشخاص، با استفاده از عوامل ثابت و متحرک و علامت‌های حیوانی مربوط به سال و ماه و ساعت تولد مورد ارزیابی قرار گرفته و تشریح شده است که مکمل بخش نخست است. امید است با مطالعه این کتاب و پی بردن به واقعیت سرنوشت زندگی مراقب اعمال خودمان باشیم تا خدای نکرده باعث ناراحتی مخلوقات دیگر خداوند نگردیم.

اسماعیل قهرمانی پور - ۱۳۷۶/۲/۲۸
(شمس خوی)

بخش نخست

دیباچه

شما خودتان را چگونه معرفی می‌کنید؟ اول استمانت را می‌گویید، یا می‌گویید به کدام مدرسه رفته‌اید، یا در کجا زندگی می‌کنید، یا چه نوع کاری را انجام می‌دهید؟ هر چیزی که بگویید این احتمال وجود دارد که به نحوی سعی بکنید به طور خلاصه چیزی یا کسی که تصور می‌کنید باشد بیان نمایید با این امید که عنوان انتخاب شده حق مطلب را در مورد شما ادا نماید.

در مشرق زمین^(۱) معرفی نمودن ممکن است شکل دیگری به خود بگیرد. زیرا بر مبنای رسمی که در طول تاریخ در میان جوامع شرقی رایج شده است هر کسی دارای یک علامت تولد می‌باشد که نام یکی از دوزاده حیوانی است که در بروج دوازده‌گانه زاییچه‌نامه چینی‌ها قرار دارد.

در نتیجه وقتی دو نفر ناآشنا یکدیگر را ملاقات بکنند، این احتمال وجود دارد که یکی از آنها علامت زاییچه‌نامه خود را در نظر گرفته بگوید: «من یک اژدها هستم.»...

طرف مقابل هم ممکن است در پاسخ بگوید: «از ملاقات شما خوشوقتم، من هم یک مار هستم.»

در نتیجه این نوع معرفی نمودن ساده، مقدار زیادی اطلاعات بدون ادای کلامی دستگیر طرف مقابل می‌شود. در مثال بالا اگر آن دو نفر به منظور برقراری همکاری به دیدار هم‌دیگر رفته بودند، هم اژدها و هم مار احتمالاً

۱- در اینجا منظور مؤلف چین است. م

بعد از شناختن یکدیگر برای همیشه از یکدیگر خدا حافظی می‌کردند. اما اگر برای مثال اژدها شریک مار از آب درمی‌آمد، شک دارم که آن دو تاجر چیزی از هم جدا می‌شوند. به همین دلیل ممکن است که علامت یا نام حیوان زایچه که بر مبنای سال تولد تعیین می‌گردد، نقش مهمی در تمامی امورات روزمره مردم مشرق زمین داشته باشد. خود من هم از چندین سال پیش که با این روش آشنا شده‌ام، تحت تأثیر آن واقع شده‌ام. یعنی طالع‌بینی چیزی یک راه تازه‌ای در پیش رویم نهاده است که بتوانم رفتار انسان‌ها را مورد مطالعه قرار دهم که بسیار مؤثر و مفید است. برای مثال می‌تواند ما را در انجام امورات شغلی به مناسب‌ترین شریک برساند، در یافتن بهترین و مناسب‌ترین شریک زندگی یاری نماید و حتی ایده‌آل‌ترین عشاق را به هم رساند. از طریق طالع‌بینی چیزی می‌توانیم پی ببریم که چرا طرز و سلیقه لباس پوشیدن ما این گونه است، چرا بعضی از ما پول‌هایمان را تا دینار آخری پس‌انداز می‌کنیم در حالی که بعضی‌های دیگر آن را بدون اهمیت دادن و بدون دقت خرج می‌نمایند. از طریق آن می‌فهمیم که چرا بعضی‌ها از خانه‌نشینی راضی‌اند، در حالی که بعضی‌های دیگر به چهار گوش جهان سفر می‌کنند. در نهایت نه تنها شخصیت ما را برای دیگران برملا می‌کند، مهم‌تر از آن به ما می‌گوید که واقعاً چه کسی هستیم.

کسی به درستی نمی‌داند که طالع‌بینی چیزی از چه زمانی به وجود آمد. اما همان طوری که در مورد همه افسانه‌ها رایج است، تعریف شعر گونه‌ای وجود دارد که مرا قانع نموده است که سوابق تاریخی آن به چه زمانی برمی‌گردد. طبق روایات موجود، پنج قرن قبل از میلاد حضرت عیسی مسیح، بودا^(۱) همه حیوانات را به دربار خود دعوت نمود تا در جشن سال نو شرکت نمایند. بنا به دلایلی که فقط برای خود حیوانات شناخته شده است، فقط

۱- ما ایرانیان اعتقاد داریم که این شخص حضرت سلیمان بود که حیوانات را دعوت می‌نمود. م

دوازده تا از حیوانات آمدند که به ترتیب ورود عبارت بودند از: موش، گاو، ببر (شیر)، گربه، اژدها، مار، اسب، بز (قوچ)، میمون، خروس (مرغ)، سگ و آخر از همه خوک. بودا که از حضور آنها خشنود شده بود، خواست با تعیین اسم هر سال به نام هر تک تک آنها امتنان خود را نشان بدهد. علاوه بر اینها هر انسانی که در یکی از این دوازده سال به دنیا بیاید، خصوصیات حیوان مربوط به آن سال را به ارث ببرد. بدین طریق موش‌ها مفتون‌کننده و فرصت‌طلب و سگ‌ها نگران و باوفا خواهند بود. گاهشماری چینی‌ها برخلاف مغرب زمین که بر مبنای حرکت خورشید و ستاره‌ها قرار دارد، از سیکل گردش ماه به دور زمین بهره می‌گیرد. بدین طریق هر سال قمری شامل دوازده ماه است که هر سیزده سال یک بار، یک ماه قمری را به آن می‌افزایند، به همین دلیل است که نوروز چینی‌ها هرگز به روز خاصی نمی‌افتد. بدین طریق از دوازده ماه با دوازده حیوان الگوی کاملی پدید آمد. فقط خدا می‌داند که اگر چند تا حیوان دیگر مثلًا چند تا شتر و اردک تصمیم می‌گرفتند در جشن بودا حاضر بشوند، اوضاع چگونه می‌شد.

با در نظر گرفتن توصیف بالا، عمدت‌ترین سؤالی که به ذهن ما غربی‌های شکاک خطور می‌کند این است که چطور امکان دارد افرادی که در یک سال به دنیا آمده‌اند خصوصیات اخلاقی یکسانی را به ارث ببرند؟ البته دلیل این سؤال آنست که ما انسان‌ها یکسان نیستیم. ضمناً عوامل مکمل دیگری از قبیل ساعت تولد ما و عوامل دیگری که به آنها خواهیم پرداخت، در این امر دخیل‌اند. به هر حال وقتی من از شک و تردید دست برداشتم و به جای بررسی صحت طالع‌بینی چینی در مورد انسان‌های دیگر تصمیم گرفتم درستی آن را در مورد خودم بررسی نمایم، آن وقت بود که به درستی و کارساز بودن آن ایمان آوردم. در این رابطه ابتدا آن را در مورد خودم و سپس در مورد خانواده‌ام و دوستانم و در نهایت در مورد تعدادی از انسان‌های نامدار که با خصوصیات اخلاقی و زندگانی آنها آشنا بودم تطبیق

دادم و به این نتیجه رسیدم که طالع‌بینی چینی به طور تعجب‌آوری دقیق است. به عبارت دیگر به جای این که به صورت کلی نتیجه‌گیری نمایم، موارد بخصوص را مدنظر قرار دادم و بعد از این که دست از شک و تردید و بدینی خود برداشتم تازه شروع به درک واضح نکته نظرات چینی‌ها از علایم حیوانات دوازده‌گانه و تأثیری که آنها بر روی زندگی ما دارند، نمودم. از سوی دیگر علایم والدین ما، علایم زوج ازدواج و شرکای شغلی و همین طور علایم بچه‌های ما همگی به نحوی روی علامت حیوان خود ما تأثیر دارند. مثلاً یک پسر با علامت اژدها نشاط و اشتیاق به شادی این خاصیت را از یک مادر مرغ خود به ارث می‌برد، در صورتی که یک موش تندخو و آتشین مزاج یک فرد با علامت سگ نگران و باوفا را برای پیشبرد اهداف خود غیرقابل نفوذ و اعمال نظر خواهد یافت. زمان تولد نیز یک عامل مهم در تعیین جزئیات مربوط به تفاوت‌های اخلاقی و روحی محسوب می‌شود. برای مثال افراد با علامت بز متولد در ایام تابستان کمتر از آنهای که در ایام زمستان متولد بشوند هوسباز و دمدمی مزاج خواهند بود. و همین طور افراد با علامت مار که در حین یک طوفان توأم با رعد و برق ناگهانی متولد بشوند، در سراسر طول زندگی مواجه با خطر خواهند بود.

این کتاب تفاوت بارز بین فرهنگ‌های شرق و غرب را مشخص می‌کند. به دنبال خوشی ولذت بردن از زندگی بخشی از فلسفه ذاتی چینی‌هاست. و در جوامع غربی از کسانی که زندگی را به صورت یک بازیچه می‌بینند خوششان نمی‌آید. در مشرق زمین دریافت‌های نقشی که ما اعم از بزرگ یا کوچک در زندگی بازی می‌کنیم نوعی تلقین است که نه تنها زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه به طرز اسرارآمیزی کلید واقعی برای خودشناسی را در اختیار ما قرار می‌دهد. در غرب انسان‌ها را روی ماه قرار می‌دهند، در صورتی که در شرق آنها را در تماس نزدیک با خودشان یا به عبارت دیگر

با حیوان درونی خودشان قرار می‌دهند.

واضع است که کسی نمی‌تواند آینده ما را به دقت پیشگویی بکند، و حتی اگر کسی بتواند چنین کاری را بکند، عوامل متعددی در آن تأثیرگذارند که آن را ناممکن می‌سازند. طالع بینی چیزی هیچ گونه ربطی با علایم زودیاک مغرب زمین ندارد و کاری که انجام می‌دهد طرح برنامه برای فردا نمی‌باشد بلکه راهی در اختیار قرار می‌دهد تا خودت را در همه ایام بشناسی. برای خودشناسی با استفاده از حیوانی که روی زندگی ما تأثیر می‌گذارد، لازم است در یک بازی جالب باستانی که زندگی را غنی‌تر و شادتر می‌نماید شرکت نماییم.

نحوه استفاده از این کتاب

برای پیدا کردن علامت حیوان شخصی خودتان، ابتدا سال حیوانی را که با سال تولد شما مطابقت می‌کند پیدا کنید. (مطابق جدول زیر) اگر زادروز شما بین ۳۰ دی ماه تا ۲۹ بهمن ماه (۰ ژانویه تا ۲۰ فوریه) سال واقع بشود، باید به تاریخ دقیق ایامی که در اول هر فصل این کتاب اشاره گردیده مورد بررسی قرار دهید. این امر به دلیل آنست که نوروز چینی‌ها هرگز به روز خاصی نمی‌افتند. لذا به خاطر داشته باشید که اگر شما یک روز جلوتر یا بعد از نوروز چینی‌ها به دنیا آمده باشید، علامت سال قبل یا سال جدید را خواهید داشت.^(۱)

| خورشیدی / میلادی |
|------------------|------------------|------------------|------------------|------------------|------------------|------------------|
| ۱۳۲۸/۱۰/۱۱ | ۱۹۷۲ ۱۳۵۰/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۴ ۱۳۶۲/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۶ ۱۳۷۴/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۸ ۱۳۸۶/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۰ ۱۳۹۸/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۹/۱۰/۱۱ | ۱۹۷۳ ۱۳۵۱/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۵ ۱۳۶۳/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۷ ۱۳۷۵/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۹ ۱۳۸۷/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۱ ۱۳۹۹/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۰/۱۰/۱۱ | ۱۹۷۴ ۱۳۵۲/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۶ ۱۳۶۴/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۸ ۱۳۷۶/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۰ ۱۳۸۸/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۲ ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۱/۱۰/۱۱ | ۱۹۷۵ ۱۳۵۳/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۷ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۹ ۱۳۷۷/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۱ ۱۳۸۹/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۳ ۱۴۰۱/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۲/۱۰/۱۱ | ۱۹۷۶ ۱۳۵۴/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۸ ۱۳۶۶/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۰ ۱۳۷۸/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۲ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۴ ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۳/۱۰/۱۱ | ۱۹۷۷ ۱۳۵۵/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۹ ۱۳۶۷/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۱ ۱۳۷۹/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۳ ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۵ ۱۴۰۳/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۴/۱۰/۱۱ | ۱۹۷۸ ۱۳۵۶/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۰ ۱۳۶۸/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۲ ۱۳۸۰/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۴ ۱۳۹۲/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۶ ۱۴۰۴/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۵/۱۰/۱۱ | ۱۹۷۹ ۱۳۵۷/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۱ ۱۳۶۹/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۳ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۵ ۱۳۹۳/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۷ ۱۴۰۵/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۶/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۰ ۱۳۵۸/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۲ ۱۳۷۰/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۴ ۱۳۸۲/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۶ ۱۳۹۴/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۸ ۱۴۰۶/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۷/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۱ ۱۳۵۹/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۳ ۱۳۷۱/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۵ ۱۳۸۳/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۷ ۱۳۹۵/۱۰/۱۱ | ۲۰۲۹ ۱۴۰۷/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۸/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۲ ۱۳۶۰/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۴ ۱۳۷۲/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۶ ۱۳۸۴/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۸ ۱۳۹۶/۱۰/۱۱ | ۲۰۳۰ ۱۴۰۸/۱۰/۱۱ | |
| ۱۳۲۹/۱۰/۱۱ | ۱۹۸۳ ۱۳۶۱/۱۰/۱۱ | ۱۹۹۵ ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ | ۲۰۰۷ ۱۳۸۵/۱۰/۱۱ | ۲۰۱۹ ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ | ۲۰۳۱ ۱۴۰۹/۱۰/۱۱ | |

۱- توجه: بعضی از سال‌های میلادی کیسه است که باید به تاریخ دقیق آغاز آن و مطابقت با تاریخ خورشیدی ما توجه نمود. ضمناً این جدول را می‌توان تا هر تاریخ در آینده افزوده و ادامه داد. م

بعد از این که علامت حیوان سال تولد خود را مشخص نمودید، ممکن است بعضی خصوصیات ویژه‌ای را کشف بکنید که مختص حیوان سال تولد شما می‌باشد. قلب هر فصل از کتاب مختص کیفیات و تأثیرات مربوط به حیوان مورد نظر بوده و به نکات برجسته حالات سه‌گانه زندگی آن خاتمه می‌یابد. به دنبال آن شرح نحوه برخورد و سازگاری یا عدم همسویی با یازده حیوان دیگر و همچنین نحوه برخورد با والدین، فرزندان، شغل، عشق و زندگی آورده شده است.

هر فصل مربوط به هر حیوان با نگاهی به نحوه تأثیرپذیری حیوان مربوط به خودمان در سال مربوطه و با لیست اسامی شخصیت‌های برجسته‌ای که در آن سال بخصوص به دنیا آمده‌اند خاتمه می‌یابد.

نام حیوان	نام حیوان	خورشیدی / میلادی					
موس	1900	۱۲۷۸/۱۰/۱۱	۱۹۱۲ ۱۲۹۰/۱۰/۱۱	۱۹۲۴ ۱۳۰۲/۱۰/۱۱	۱۹۳۶ ۱۳۱۴/۱۰/۱۱	۱۹۴۸ ۱۳۲۶/۱۰/۱۱	
گاو	1901	۱۲۷۹/۱۰/۱۱	۱۹۱۳ ۱۲۹۱/۱۰/۱۱	۱۹۲۵ ۱۳۰۳/۱۰/۱۱	۱۹۳۷ ۱۳۱۵/۱۰/۱۱	۱۹۴۹ ۱۳۲۷/۱۰/۱۱	
بیر (شیر)	1902	۱۲۸۰/۱۰/۱۱	۱۹۱۴ ۱۲۹۲/۱۰/۱۱	۱۹۲۶ ۱۳۰۴/۱۰/۱۱	۱۹۳۸ ۱۳۱۶/۱۰/۱۱	۱۹۵۰ ۱۳۲۸/۱۰/۱۱	
گربه	1903	۱۲۸۱/۱۰/۱۱	۱۹۱۵ ۱۲۹۳/۱۰/۱۱	۱۹۲۷ ۱۳۰۵/۱۰/۱۱	۱۹۳۹ ۱۳۱۷/۱۰/۱۱	۱۹۵۱ ۱۳۲۹/۱۰/۱۱	
ازدها	1904	۱۲۸۲/۱۰/۱۱	۱۹۱۶ ۱۲۹۴/۱۰/۱۱	۱۹۲۸ ۱۳۰۶/۱۰/۱۱	۱۹۴۰ ۱۳۱۸/۱۰/۱۱	۱۹۵۲ ۱۳۲۰/۱۰/۱۱	
مار	1905	۱۲۸۳/۱۰/۱۱	۱۹۱۷ ۱۲۹۵/۱۰/۱۱	۱۹۲۹ ۱۳۰۷/۱۰/۱۱	۱۹۴۱ ۱۳۱۹/۱۰/۱۱	۱۹۵۳ ۱۳۳۱/۱۰/۱۱	
اسب	1906	۱۲۸۴/۱۰/۱۱	۱۹۱۸ ۱۲۹۶/۱۰/۱۱	۱۹۳۰ ۱۳۰۸/۱۰/۱۱	۱۹۴۲ ۱۳۲۰/۱۰/۱۱	۱۹۵۴ ۱۳۲۲/۱۰/۱۱	
بز (قرچ)	1907	۱۲۸۵/۱۰/۱۱	۱۹۱۹ ۱۲۹۷/۱۰/۱۱	۱۹۳۱ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱	۱۹۴۳ ۱۳۲۱/۱۰/۱۱	۱۹۵۵ ۱۳۳۳/۱۰/۱۱	
میمون	1908	۱۲۸۶/۱۰/۱۱	۱۹۲۰ ۱۲۹۸/۱۰/۱۱	۱۹۳۲ ۱۳۱۰/۱۰/۱۱	۱۹۴۴ ۱۳۲۲/۱۰/۱۱	۱۹۵۶ ۱۳۲۴/۱۰/۱۱	
خرسوس (مرغ)	1909	۱۲۸۷/۱۰/۱۱	۱۹۲۱ ۱۲۹۹/۱۰/۱۱	۱۹۳۳ ۱۳۱۱/۱۰/۱۱	۱۹۴۵ ۱۳۲۳/۱۰/۱۱	۱۹۵۷ ۱۳۲۵/۱۰/۱۱	
سگ	1910	۱۲۸۸/۱۰/۱۱	۱۹۲۲ ۱۳۰۰/۱۰/۱۱	۱۹۳۴ ۱۳۱۲/۱۰/۱۱	۱۹۴۶ ۱۳۲۴/۱۰/۱۱	۱۹۵۸ ۱۳۲۶/۱۰/۱۱	
خوک	1911	۱۲۸۹/۱۰/۱۱	۱۹۲۳ ۱۳۰۱/۱۰/۱۱	۱۹۳۵ ۱۳۱۳/۱۰/۱۱	۱۹۴۷ ۱۳۲۵/۱۰/۱۱	۱۹۵۹ ۱۳۲۷/۱۰/۱۱	

حرف ویژه‌ای در مورد کلمه سازگاری^(۱)

در سرتاسر این کتاب سعی وافر نموده‌ام که دیدگاه چینی‌ها از کلمه سازگاری را با دیدگاه خودمان از این کلمه مقایسه و ترجمه نمایم. اما تفاوت‌های مشخصی بین فرهنگ‌های دوگانه ما وجود دارد که نیاز به باز کردن و آشکار نمودن دارد.

از نظر چینی‌ها عشق به ندرت چیزی جدای از ازدواج نمودن است، یعنی تجربه‌ای که باید به دور از دید دیگران از آن لذت برد و به عنوان بخشی از فرایازی طبیعی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، عشق و ازدواج به عنوان یک اصل کلی به حساب آمده و در این زمینه است که سیستم درجه‌بندی و ارزیابی آنها از کلمه سازگاری مفهوم فراوانی می‌یابد. در غرب اگر ما یک ماجراجی عشقی داشته باشیم، آگاه هستیم که این عشق ما ممکن است و شاید هم ممکن نیست که موفق از آب در بیاید. اما در چین چنین نیست.^(۲) در آنجا زوج مزدوج بعداً عشق را می‌یابند، یعنی ازدواج را به عنوان یک رابطه شغلی می‌پذیرند، چیزی که بدون در نظر گرفتن نحوه آن، هرگز از هم پاشیده نمی‌شود. به هر حال این موضوع در چین یک امر لازم‌الجراست، بنابراین برای مثال یک اژدها باید با یک موش یا خروس یا میمون ازدواج نماید و یک اسب باید با یک بز و یک سگ با یک ببر ازدواج بکند.

1- Compatibility

۲- در کشور ما ایران نیز عشق جدای از ازدواج نیست و کسی که عاشق شخصی می‌گردد، یک فکر بیشتر در نظر ندارد و آن ازدواج با اوست. م «۱۸»

به هر حال انتخاب شما هرچه که باشد، جداول سازگاری را باید مانند ده فرمان یا به عنوان قانون تلقی نمود. آنها برای یک فرد خوش خوراک در دنیا است، برای مثال ما اغلب از غذایی که در یک رستوران معمولی مناسب صرف بکنیم لذت می‌بریم تا در یک رستوران خیلی موند بالا مثلً یک رستوران پنج ستاره‌ای. این امر در مورد سازگاری نیز صادق است، یعنی اگر جفت شما از این نظر صفر محسوب شود اما شما وی را دوست داشته باشید، همین کافی و خوب است.

کاری که این جداول انجام می‌دهند این است که شما را برای آینده آماده می‌سازند. تعداد کمی از مردم وقتی وارد یک رابطه تازه می‌شوند، می‌دانند که از آن چه انتظاری داشته باشند. تغییراتی که منجر به یک رابطه بد بشود، همان‌هایی هستند که همه ما آن را تجربه کرده‌ایم. یعنی یک حس حیرت‌آور و به دنبال آن یک حس نامیدی. اغلب تقریباً این اصطلاح: «اگر این یا آن موضوع را درباره او می‌دانستم» را به کار برده‌ایم. به طور ساده، کار جداول سازگاری از بین بردن مشکلات و تluxی این فرایند و با آمادگی داشتن برای انتخاب و جلوگیری از به خطر افتادن است.

بالاتر از همه، جداول سازگاری حق انتخاب را پیش روی شما قرار می‌دهند، بدین معنی که اگر خواهان روابطی از قبل تعیین شده هستید، کاندیداهای مناسب مشخص شده‌اند. و اگر بخواهید برای مثال پول خود را در راه یک کاندیدای خارج از جداول خرج نمایید، باز هم مختارید. به هر حال باید این نکته را تأکید نماییم که جداول سازگاری روی الواح سنگی حک نشده‌اند (یعنی وحی الهی نیستند). ضمناً این ارزش یادآوری را دارند که به مدت هزاران سال است که به موجودیت خود ادامه می‌دهند. به عبارت دیگر در طول زمان امتحان خود را پس داده‌اند که به عقیده من ناشی از مؤثر بودن آنهاست.

یادداشت مؤلف

بعد از این که با علایم حیوانات دوازده‌گانه طالع‌بینی چینی‌ها آشنا شدید، مایلم به اطلاع شما برسانم که تعداد پنج تا از این حیوانات تحت اسمی دیگر نیز شناخته می‌شوند. لذا برای جلوگیری از سر درگمی، توجه به آنها لازم است. خروس^(۱) را بعضی موقع خروس جنگی^(۲) هم می‌نامند. گاو میش^(۳) یا گاونر،^(۴) بز یا گوسفند (قوج)، خوک یا گراز و همان طور که در فصل مربوط به گربه اشاره نموده‌ام، چینی‌ها به جای گربه، خرگوش صحرایی^(۵) یا خرگوش^(۶) را به کار می‌برند. در مورد آخری، قدیمی‌ترین مدارک موجود، حیوان چهارم در سیکل دوازده‌گانه، آن را حیوانی با پشم نرم و پشتی ضعیف توصیف کرده‌اند. با این وصف گربه، خرگوش صحرایی یا خرگوش، همگی دارای این خصوصیات بوده و جزو سنن پذیرفته باقی می‌مانند. مهم‌تر از همه این که تأثیر حیوان بدون در نظر گرفتن هر نامی که به آن بدھند یکسان است. به هر حال در موقع انتخاب اسمی حیوانات، فقط اصولی را در نظر گرفتم که خصوصیات واقعی حیوان مربوطه عملأً اعمال می‌کند.

در پایان، مؤلف مایل است امتنان خود را از منابع زیرین که اطلاعات اضافی را در اختیار قرار دادند اعلام نماید:

طالع‌بینی چینی به قلم پائولا دلسول (پن)، راهی به طالع‌شناسی چینی،
چهار ستون عقل به قلم جین - مایکل هوآن دو - کرمیدک (آن وین)،
یادداشت‌هایی درباره طالع‌بینی چینی به قلم تئودورا لاثو (پیکان)

1- Rooster

2- Cock

3- Buffalo

4- Ox

5- Hare

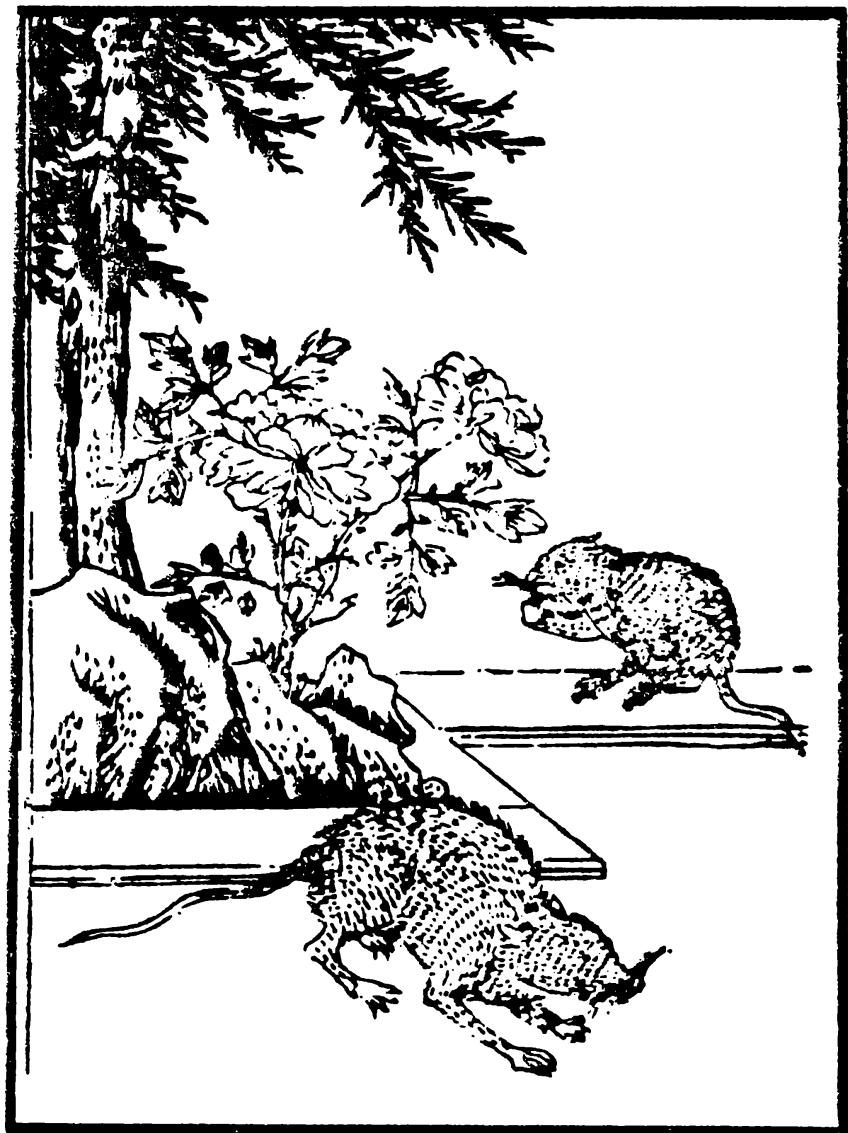
6- Rabbit

موش

THE RAT

鼠

1900	{ از ۳۱ ژانویه ۱۹۰۰ تا ۱۸ فوریه ۱۹۰۱ از ۱۱ بهمن ۱۲۷۸ تا ۲۹ بهمن ۱۲۷۹ }	1901
1912	{ از ۱۸ فوریه ۱۹۱۲ تا ۵ فوریه ۱۹۱۳ از ۲۹ بهمن ۱۲۹۰ تا ۱۶ بهمن ۱۲۹۱ }	1913
1924	{ از ۵ فوریه ۱۹۲۴ تا ۲۴ ژانویه ۱۹۲۵ از ۱۶ بهمن ۱۳۰۲ تا ۴ بهمن ۱۳۰۳ }	1925
1936	{ از ۲۴ ژانویه ۱۹۳۶ تا ۱۰ فوریه ۱۹۳۷ از ۴ بهمن ۱۳۱۴ تا ۲۱ بهمن ۱۳۱۵ }	1937
1948	{ از ۱۰ فوریه ۱۹۴۸ تا ۲۸ ژانویه ۱۹۴۹ از ۲۱ بهمن ۱۳۲۶ تا ۸ بهمن ۱۳۲۷ }	1949
1960	{ از ۲۸ ژانویه ۱۹۶۰ تا ۱۴ فوریه ۱۹۶۱ از ۸ بهمن ۱۳۳۸ تا ۲۵ بهمن ۱۳۳۹ }	1961
1972	{ از ۱۴ فوریه ۱۹۷۲ تا ۲ فوریه ۱۹۷۳ از ۲۵ بهمن ۱۳۵۰ تا ۱۳ بهمن ۱۳۵۱ }	1973
1984	{ از ۲ فوریه ۱۹۸۴ تا ۱۹ فوریه ۱۹۸۵ از ۱۳ بهمن ۱۳۶۲ تا ۳۰ بهمن ۱۳۶۳ }	1985



موس با لحن سرزنش‌کننده‌ای گفت: «شما عجب آدمی هستید که این
قدر خود را می‌بازید، چرا، همین حالا یک در قوطی ساردين بازکن را کاملاً
به وضوح در روی میز آشپزخانه دیدم، همه می‌دانند که معنی آن این است که
در یک جایی در همسایگی‌ها مقداری ساردين وجود دارد...»
باد در میان درختان بید

سال موش



سال موش برای فرصت‌طلبی‌های بسیار است. و برای آنها یعنی که تیزفهم هستند و کمی پول اضافی دارند، یک سال کاملاً مغتنمی می‌باشد. و تحت تأثیر موش، هر کسی که خود را برای سرمایه‌گذاری کلان آماده ریسک نموده است، بهتر است همین حالا این کار را بکند. البته مانند همه قماربازی‌ها، این احتمال نیز وجود دارد که حتی پیراهن خود را نیز از دست بدھید، اما اگر موفق بشوید، خود را برای صرف صباحانه شاهانه با شامپاین در کشتی تفریحی خود آماده نمایید.

این فقط سرمایه‌گذاری مالی نیست که می‌توانید انجام بدھید، بلکه به همان اندازه شانس موفقیت در عشق را نیز خواهید داشت. سال موش به طور خاصی برای کسانی که خود را درگیر ماجراهای عاشقانه و احساساتی نمایند، پربار است. و فرصت‌های خیالی در کجاها هستند: در رستوران یا نوشابه‌فروشی‌ها، در سوپرمارکت‌ها، در مسافرت‌های مرخصی و در تعطیلات در ساحل دریا، به هر طرف که نگاه بکنید یک جفت چشم اغاکننده و یک لبخند محبت‌آمیز را خواهید دید. بالاخره، هوای نفس طبیعت ثانویه موش است، بنابراین بهترین نصیحت این است که به دنبال آن نفس خود بروید که از صمیم قلب عرضه می‌شود. در ماه مه ۱۹۶۰،

شاهزاده خانم مارگارت^(۱) و آتونی آرمسترانگ^(۲)- جونز در کلیسای عظیم وستمینستر با هم ازدواج نمودند.

اگر به طور همه جانبه صحبت نماییم، چون موش برای کارهای عادی ساخته نشده است، ممکن است در یکی دو مورد با عدم موفقیت رویرو بشود، خصوصاً در انجام کارهای اداری. و امکان دارد چند موقعیت پریشان‌کننده‌ای پیش بیاید. در این رابطه می‌توان به شورش بکسرها در سال ۱۹۰۰ میلادی^(۳) و تبعید ۴۰۰۰۰ نفر آسیایی از کشور آشوب‌زده اوگاندا تحت سلطه دیکتاتوری چون ایدی امین در سال ۱۹۷۲ اشاره نمود. به هر حال مشکلات باعث ناکامی زیادی برای سال موش نخواهد شد. و البته همه دوست دارند بدون این که چندان خود را به زحمت بیاندازند، از یک زندگی خوب برخوردار بشوند. ضمناً این سالی است که رکوردهای سرعت نصف می‌گردد، کتاب‌های عشقی که جوازی را می‌برند به رشته تحریر درمی‌آیند و برداشت محصولات کشاورزی به حداکثر می‌رسد. در عرصه هنر، نمایش تئاتر با اقبال مواجه می‌شود و هنرمندان راقص و باله به اوج شهرت و ثروت می‌رسند. بنابراین برای کسانی که در این رشته‌ها فعالیت دارند بهتر است از سال موش حداکثر استفاده را ببرند. ضمناً سال موش برای مشاغل عمومی و سیاستمداران فرصت طلب موقعیت مناسبی است. برای مثال ریچارد نیکسن در سال ۱۹۷۲ برای بار دوم به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد و کشور یونان خود را جمهوری اعلام نمود.

۱- خواهر ملکه الیزابت دوم پادشاه فعلی انگلستان

۲- یک فرد عادی انگلیسی بود که وارد خاندان سلطنتی انگلیس گردید. م

۳- در ۱۹۰۰ عده‌ای از مردم چین تحت عنوان بکسرها یا مشت‌زن‌ها علیه استعمارگران غربی خصوصاً انگلیسی‌ها قیام نمودند که ادعا داشتند با مشت آنها را از خاک چین اخراج خواهند

نمود، و بعد از چندی شکست خورده و منهزم گردیدند. م

شخصیت موش



در موقع مواجه شدن با یک فرصت طلب خونگرم و تیزهوش،
کاملاً مواظب هست و نیست خود باشد

برای آنها یی که در سال موش به دنیا آمده‌اند، این یک مصیبت است که نام موش را علیرغم همزیستی طولانی که با نوع بشر داشته است و هنوز هم از نام بدی در سطح جهانی برخوردار است، یدک بکشد. آنها را مسبب شیوع طاعون، سوراخ و ترک‌کننده کشتی‌های در حال غرق می‌دانند و حتی خود ما نیز وقتی صحبت از جانوران موذی و مزاحم در محیط خودمان به میان بیاید، راحت‌ترین مثال نام موش است. با وجود این‌ها تمامی این اتهامات واهمی هستند. به خاطر داشته باشد که موش بدیخت فقط میزبان کک است که مسئول مرگ سیاه (طاعون) می‌باشد. و در مورد کشتی‌های در حال غرق شدن، موش‌ها فقط با کارکنان و مسافران کشتی که در حال ترک آن هستند، همراه می‌شوند. بدنامی موش‌ها در واقع متوجه ما انسان‌هاست. واقعیت این است که نقش کثیفی از موش را در اذهان به وجود آورده‌ایم. موش‌ها فوق العاده زیرک هستند، در برخوردهایشان خشن می‌باشند و موجودات خلاقی بوده و طوری زندگی می‌کنند که انگار تا ابد زنده هستند و در عین حال طوری زندگی می‌کنند که گویا آخرین روز عمر آنهاست. اگر شما متولد سال موش هستید، مشارکت پرزرق و بررقی را حفظ می‌کنید.

شکسپیر، زولا، تولستوی، مارلوون براندو و آقاخان^(۱) از شخصیت‌های مشهور سال موش هستند.

بالاتر از همه، موش یک فرصت طلب فوق العاده‌ای است. اما این خصیصه با عدم توانایی وی در انکار نمودن خود از هر اتهامی همراه است. مایل است صفت حریص بودن خود را برملا نماید. موش حریص به دنیا می‌آید و مایل می‌شود تمام کیفیات آن را تا آخر تجربه نماید. اگر از یک موش بخواهید که در یک عیش و نوش یا رفتن به یک تماشاخانه مجلل پرخرج یا به یک گردش تفریحی، همراه شما باشد، هیچ کدام را رد نخواهد کرد. و هر چیزی که به وی تعارف بشود، تا آخرین قطره یا ذره آن مورد قبول است و کلمه بس است آخرین حرف در نوک زبان وی است. و هیچ کسی به اندازه موش نسبت به عشق سرد نمی‌باشد و به همان اندازه با محبت بیگانه نمی‌باشد.

موس دارای اعصاب قوی و مزاج سازگاری است، و وقتی مشکلات وی را در بقای زندگی در محیط خود که اغلب خشن و غیردوستانه است، در نظر بگیریم، این را بهتر درک می‌کنیم. موش یک کشاورز نیست و برای کارهای پرزحمت خلق نشده است. او را بیشتر در باشگاه‌های شبانه می‌یابید تا در خانه‌اش و در حال ور رفتن با باعچه‌اش و برخلاف خروس که ذاتاً یک کشاورز است و یا خوک سخت‌کوش و متفکر، موش فقط از دلربایی و ذکاوت خود بهره می‌جوید. و از آنجایی که دایماً در جنب و جوش و حرکت است، هرگز نمی‌تواند برای آتیه‌اش ذخیره‌سازی نماید و همین طور در خانه‌داری نیز محتاط نمی‌باشد. با این حساب آیا موش گنجه خود را پر می‌نماید؟ خیلی احتمال دارد که اگر چنین گنجه پری داشته

۱- آقاخان محلاتی رئیس فرقه اسماعیلیه می‌باشد که سالانه به اندازه همزنش طلا از سوی

پیروانش به وی پرداخت می‌شد. م

باشد، آن را در یک نشست خالی نماید. قانون طلایی موش این است که هر وقت فرصت دست داد باید بار خود را ببندد. یعنی وقتی که غلات جمع‌آوری شد و گونه‌های گندم، برنج و جو لبالب پر گردید. در این فصل وفور نعمت است که غریزه ذاتی وی به کار افتاده و او را کامیاب می‌سازد. در این موقع است که موش خوش خوراک برنج‌های پوست گرفته را می‌خورد که کشاورزان با هزار زحمت به دست آورده‌اند. زمانی یک سرآشپز چیزی به من گفت که برنج قهوه‌ای برای شما مفید است، ولی برنج سفید لذیذتر است. موش نیز با لبخندی این حرف را تأیید می‌کند.

اما موش در زمستان داستان دیگریست. در این موقع است که بیشتر در معرض خطر قرار دارد. انبارهای غله حالا خالی هستند و مقدار کمی برای بقا وجود دارد. در چنین موقعی یا زمانی که نقشه‌ها خراب بشود، موش اولین کسی است که شروع به ایراد گرفتن و غرولند نمودن می‌کند و یک تغییر ناگهانی در اوضاع اغلب باعث خشنودی وی می‌شود. یا در صورت باخت به دنبال دلیل نمی‌گردد و علیرغم بی‌عاطفه بودن به دنبال برخوردهای دوستانه می‌گردد. اما آینده هر چقدر هم که دلسربکننده به نظر برسد، موش همیشه یک برگ برنده در آستین خود دارد. کارت برنده وی دلربایی است. علامتی که موش خودش تحت آن زاده می‌شود، به راحتی خودش را بروز می‌دهد، و تعداد کمی اگر هم وجود داشته باشند قادراند در مقابل آن ایستادگی نمایند. پس تعجبی ندارد که اکثر تماشاجی‌ها هر موقع که کلارک گیبل در روی صحنه حاضر می‌شد، مدهوش می‌شدند.

دلربایی بی‌پایان موش هرگونه ضرر را تبدیل به منفعت می‌کند و هرگونه شکست را به موفقیت مبدل می‌سازد. و اگر تمایل نشان دهد، شب به روز تبدیل می‌شود. پس تحت هیچ شرایطی موش را دست کم نگیرید، زیرا امکانات فراوانی غیر از لبخند افسون‌کننده دارد. اگر به چیزی تمایل داشته باشد، تمام دوز و کلک خود را به کار می‌برد تا آن را به دست آورد. و هدف

مورد نظر خود را تا انتها دنبال می‌کند. اما این خصیصه ممکن است به ضرر خود موش تمام بشود، یعنی همان بلایی که بر سر نیکسن (رئیس جمهور اسبق آمریکا) در ماجراهای واترگیت آمد.^(۱)

افسونگری، فرصت‌طلبی و سمج بودن از مشخصه‌های عمدۀ شخصیت موش است که از ویژگی‌های ایده‌آل برای یک جاسوس محسوب می‌شود. مثل بهترین مأمور مخفی تمام دوران یعنی خانم ماتاهاواری که یک موش بود. علیرغم این واقعیت که موش مایل است از فرصت موجود حداکثر استفاده را ببرد، اما در عمل آن اندازه که باید به وقت ارزش قابل نمی‌شود. برای مثال اگر قرار گذاشته است که سر ساعت هشت برای شام بباید، بهتر است به جای نگاه کردن به ساعت، خود را با یک کتاب سرگرم نمایید. در واقع اگر در آن طرف شهر یک جشن مفصل وجود داشته باشد، ممکن است اصل‌آناید و شما را در انتظار باقی بگذارد. و احتمال زیاد هم وجود دارد که در هر دو جشن شرکت نماید و کمی از این و کمی از آن برخوردار بشود و طبق معمول عذر موش پذیرفته خواهد شد و چنان افسونگری خواهد نمود که جای هیچ گونه گله‌گزاری باقی نماند.

در اینجا می‌توانم تعدادی از طرق مطلوب موش را که به کار می‌برد برای شما بازگو نمایم. چند سال پیش یکی از دوستانم که موش بود از من خواست تا در تنظیم یک نت موسیقی که وی مأمور تصنیف آن بود، او را یاری نمایم. نمایشی که قرار بود این موسیقی در آن اجرا شود، هفت هفته بعد بود. و علیرغم این که تقریباً تمام وقت را کار می‌کردیم، نسخه نهایی را به زحمت توانستیم به موقع ارائه بدھیم. دوست موش خیلی از کار من

۱- ریچارد نیکسن رئیس جمهور وقت آمریکا در جریان انتخابات برای مرحله دوم از طریق طرفدارانش اقدام به نصب وسایل استراحت سمع در دفاتر حزب رقیب در ساختمان واترگیت نمود که بعد از پیروزیش فاش شد و به دنبال جنجال آن مجبور به استغفار شد. م

خشنود بود و خیلی تمجید و تشکر می‌نمود. اما بعد از این که پلاکارت‌ها و پوسترهای آن آماده و چاپ گردید، در هیچ کدام از آنها اسمی از من به چشم نمی‌خورد. برای جبران سوء استفاده از من و خراب شدن آنقدر عذرخواهی نمود که اگر به صورت کتاب درمی‌آمد قطورتر از انجیل می‌شد. البته من هیاهویی راه نیانداخته و ساکت باقی ماندم. کمی بعد از این ماجرا موش و من به مدت حدود دو سال در یک کار معدنی همکاری نمودیم که در آخر به نتیجه‌ای نرسید و تنها کاری که بعد از این همه بیهووده‌کاری نشان داد، شانه بالا انداختن بود.

موش به طور طبیعی اجتماعی بوده و عاشق گروه می‌باشد، خصوصاً اگر انتخابی و مطابق سلیقه وی باشد. باشگاه‌های تر و تمیز، محل گردهمایی‌های همکاران سابق، میخانه‌های معروف و رستوران‌های مجلل اماکنی هستند که می‌توانید موشی را پیدا نمایید که به دنبال طرح‌های خود می‌باشد. اما اگر برخلاف میل او، برای مدتی تنها یش رها کنید، به سرعت شکسته می‌شود. نگران بار می‌آید و قضاوت روشن وی تیره و تار می‌گردد. در این موقع است که یک موش در آسیب‌پذیرترین مرحله خود قرار دارد و ممکن است خود را در اثر افراط در خط نابودی قرار دهد. در این حالت فقط عشق یک موش دیگر یا برخورد با یک اژدهای قدرتمند می‌تواند او را از این ورطه برهاند.

موش علاوه بر عدم وقت‌شناسی و زندگی فقط برای حال، دارای یک نقطه ضعف دیگر نیز است. لذا با این حساب یک موش باید به دنبال یک شغل بی‌دردسر بگردد. اما اگر خدمت در نیروهای مسلح یا ادارات دولتی، جاهایی که وقت‌شناسی یک اصل به حساب می‌آید به کار بپردازد در چنین صورتی خصوصیات وی به طور تعجب‌آوری تغییر می‌یابد. خاصیت دیر آمدن وی از بین رفته و درست سر موعد مقرر حاضر می‌شود. به جای ندیده گرفتن جزئیات، با جدیت به آنها می‌چسبد. موشی که زمانی همه چیز را

ساده می‌گرفت و سهل و آسان زندگی می‌کرد، حالا تبدیل به موجودی می‌شود که عمرش را وقف فهرست اسامی، صورت جلسه‌ها، جداول دیواری، طرح‌های روی میز، کرونومنتر و گزارشات روزانه می‌نماید. و موشی که زمانی سر موضوعات مهم نیز بی‌توجه و تندخو بود، حالا حتی نگران موضوع‌های کم‌اهمیت نیز می‌شود. خلق و خوی گرم و پراحساس وی جای خود را به خیره‌سری و تندمزاجی ناخوشایند می‌دهد. در بعضی مواقع موش ظریف، می‌تواند در لباس فرم کاملاً خطناک بشود. برای نمونه، هاینریش هیملر که زمانی در لباس معمولی یک آموزگار ملایمی بود، وقتی لباس نظامی به تن نمود و رئیس گشتاپوی هیتلر گردید، مرتکب آن همه جنایات گردید و ما نیز خود شاهد چنین جladانی در حال حاضر هستیم.

یک بانوی موش میزبان فوق العاده‌ای می‌شود. در مهمانی دادن‌ها سیلی از انواع غذایها و نوشابه‌ها را همراه با پرگویی سر میز غذا می‌فرستد. اما در سر به موقع رسیدن عجله به خرج ندهید، زیرا شام وی دیر حاضر خواهد شد و تا نیمه‌های شب ادامه خواهد یافت و آخرین مهمان نیز وقتی ترک خواهد کرد که آخرین قطره شراب و آخرین تکه پنیر مصرف شده باشد.

مادران موش اغلب سختکوش هستند و اکثرًا اوقات باقی مانده خود را وقف خانواده اغلب پراولاد خود می‌کنند. بچه‌های او تا حد امکان اجازه تحصیل تا سطوح بالا را خواهند داشت. در نهایت یک موش اهمیت استفاده از هر فرصت را به خوبی می‌داند. همیشه آماده بودن، شعار پیشاهنگ‌ها و مادران موش است. و بچه‌هایی که دارای مادر موش هستند، بدون مهارت پرورش نخواهند یافت.

مردان موش برخلاف عشق خود به اماکن پر تجمل، اغلب دوست دارند لباس راحت به تن نمایند تا مد آن را رعایت نمایند. آنها اغلب همان لباس‌های شب قبل را که روی زمین در اینجا و آنجا ریخته شده است برداشته و می‌پوشند. بانوان موش کاملاً بر عکس‌اند. اگر یک بانوی

شیک پوش را مشاهده بکنید که آخرین مدرارعایت نموده است، به احتمال زیاد یک موش است. لباس‌های او حتی اگر آخرین مدل و از گرانبها ترین پارچه هم نباشد، وی با روش خاص خود آن را طوری به تن می‌کند و جلوه می‌دهد که چنان به نظر برسد.

یک حقیقت عجیب دیگر این است که مردان موش دارای دستخط بدی هستند و در موقع نوشتن چنان عجله به خرج می‌دهند که جمله را به آخر نمی‌رسانند و این یک واقعیت است. موش‌ها عاشق سرعت هستند، سرعت نه تنها فاصله بین فعالیت‌های وی را پرمی‌کند بلکه نشان دهنده علاقه موش به زندگی در زمان حال است و خطرناک نیز می‌باشد. موش‌ها اگر توان مالی داشته باشند، مایل‌اند همه جا از اتومبیل لامبورگنی پرشتاب و سریع استفاده نمایند. برای مثال آقای جرالد اسکارف که یک کاریکاتوریست طنزپرداز می‌باشد، برای آخرین باری که وی را دیدم، در حال رانندگی با یک اتومبیل لامبورگنی بود. وی نیز یک موش است و کار خود را از روزنامه پرایویت آی شروع نمود.

یک موش باید در موقع انتخاب شغل، از کارهای عادی اجتناب نماید. وقت تلف کردن عادی ضرری برایش ندارد. اما سر و کار داشتن با سرمایه‌گذاری بلندمدت او را خسته نموده و به سوی تصمیم‌گیری بد سوق می‌دهد. بر عکس اگر با پول خود اقدام به قماربازی نماید، شанс فراوانی برای بردن خواهد داشت،^(۱) مانند اندرولوید ویر که مشهور خاص و عام است. موش بیش از اندازه مناسب شغلی است که بتواند گاهی با آزادی گشته در اطراف زده و شروع به افسونگری و دلربایی نماید. برای مثال شغلی که ولیعهد انگلستان، شاهزاده چارلز دارد از این نوع و ایده‌آل است،

۱- مترجم در امانت داری نسبت به برگردان همه متن کتاب مجبور به درج این مطالب است.
والا شخصاً شدیداً مخالف قمار به هر شکلی که باشد، می‌باشد.

زیرا وی نیز یک موش است. البته شغل نقادی بهترین وسیله برای پناه بردن یک موش است و با روحیه باز و عالی می‌تواند هنر نقادی را به اوچ برساند و در این رابطه رقیب کمی دارد. شغل‌های مناسب دیگر برای موش عبارتند از: روزنامه‌نگاری، نویسنده‌گی، سفرنامه‌نویسی، پلیس بودن، مدیریت اماکن تفریحی یا هنری از قبیل مدیریت سالن‌های تئاتر، زبانشناسی، افسر یا سرباز ارتش، شکارچی، معامله‌کننده اتومبیل و هنرپیشه.

مراحل سه‌گانه زندگی یک موش عبارت‌اند از: یک دوران کودکی با زندگی ملايم، دوره میانسالی که گاهی توأم با دردسرهای عشقی و عاطفی و مالی می‌باشد و باز هم یک دوره سنین پیری که ملايم سپری خواهد شد. چیزی‌ها عقیده دارند که در دوره میانسالی ممکن است یک موش به زندان بیفتد و یا با یک وضع خشن ناگهانی مواجه شده و بسر برسد. درست است که بعضی‌ها ممکن است از شنیدن این مطلب ناراحت نشوند، اما هاینریش هیملر^(۱) با هر دو تای این موارد مواجه شد. همچنین لارنس^(۲) عربستان نیز که به دنبال زندگی در کویرهای شبه جزیره عربستان بود، با یک مرگ ناگهانی مواجه شد.

در مورد خانه موش هم باید بگوییم که وی به هرچه که دارد قانع می‌شود، و پول زیادی برای تزیین آن خرج نخواهد کرد. و ضمیناً دلبستگی خاصی به یک مکان نخواهد داشت. با یک تصمیم آنی در یک جای تازه خواهد بود و به دنبال تجربه دیگر خواهد گشت. بنابراین موش ترجیح می‌دهد در خانه اجاره‌ای بسر ببرد و بر عکس گربه که خانه‌اش را پر از اشیاء زیبا می‌کند، او به داشتن یک صندلی راحت و یک تختخواب نرم بسته می‌کند. تمام اثاثیه

۱- فرمانده اس‌های حزب نازی

۲- لارنس عربستان یک درجه‌دار انگلیسی بود که باعث تعزیه امپراطوری عثمانی و استقلال عربستان، عراق، مصر و اردن گردید. م

یک موش را در مدت خیلی کم می‌توان جمع‌آوری و بسته‌بندی کرد. اگر یک موش خانه مورد دلخواه خود را داشته باشد، خیلی راحت در اختیار دوستانش قرار می‌دهد. و بعضی مواقع عکس موارد بالا صادق است یعنی هرچه که به دستش بر سر جمع‌آوری می‌کند و خانه‌اش را انباسته می‌کند ولی در خانه‌داری خیلی ضعیف و تبلیغ است و به طور کلی حال کار کردن را آن طور که لازم است ندارد.

موش به عنوان والد

همه موش‌ها والدین خوبی از آب در نمی‌آینند. و اگر با برنامه‌ریزی قبلی دارای یک بچه با علامت موش باشند، ممکن است در درس راهنمایی باشند. اما یک موش والد به کیفیات اخلاقی بچه‌اش واقع است و قبل از این که فرصت از دست برود، نکات ضعف او را تقویت و اصلاح می‌کند. و حسن تفاهم فراوانی بین آنها وجود خواهد داشت. و در هر چیزی هم که کم و کسری داشته باشند، در رسیدن به یکدیگر هیچ کم و کاستی نخواهد داشت. یک بچه از دهها از مهر و محبت بی‌حدی برخوردار خواهد شد، و یک بچه میمون نیز چنین است. پس والدین موش به این دو نوع بچه تمام امکانات را برای رشد و ترقی فراهم خواهند کرد و در بعضی مواقع با تصمیم زیاد به جلو رانده خواهند شد.

اگر بچه با علامت خوک باشد، به طور حتم به خاطر صداقت‌ش تحسین خواهد شد، اما بهتر است به خاطر داشته باشد که فقط سهم خود را بخورد نه سهم دیگران را.

یک بچه خروس والدین خود را از مسیر خودشان به دور خواهد نمود، این بچه رک‌گو بوده و پدر موش خود را به خاطر فرصت طلبی‌اش سرزنش خواهد کرد. و اگر او را در حین حقه‌بازی گیربیاندازد، وای به حال موش پدر!

جدول نحوه سازش موش والد و بچه‌ها

موش	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

فرزنند اگر با علامت بز باشد، با اقتدار هر والدی با هر علامتی سر ناسازگاری خواهد داشت. عقاید آنها با همه از جمله پدر و مادرش فرق خواهد کرد. و اگر این فرزند بز دختر باشد، به محض این که بتواند روی پای خود بایستد، خانه جداگانه‌ای برای خود پیدا خواهد کرد.

گربه یک موجود بادقتی است، و به عنوان یک فرزند، متکی به خود بار می‌آید. چنین فرزندی برای راحتی و خشنودی والدینش راه‌های زیادی پیدا می‌کند. اغلب پدران با علامت موش به وسیله دختران با علامت گربه دچار دلهره می‌شوند. اما بعد از سپری شدن سال‌های نخستین ناپایداری ایام کودکی، این دختر گربه با پدر موش خود دوستان خوبی می‌شوند. یک فرزند با علامت ببر با درخشش لرزان خود والدین موش خود را به

صورت گذرا خشنود خواهد نمود، اما بعد از این که این درخشش از بین برود چطور؟ در این صورت، این فرزند با علامت ببر، بار و بنه خود را به همراه بز خواهد بست. و در سر راهشان به سوی در خروجی اسب جوان را نیز خواهند دید.

فرزندی که با علامت اسب باشد، علیرغم دارا بودن قدرت و استقلال کافی حتی از همان اوان کودکی، افق‌های پایین خود را یافته و والدین دوست خواهد بود. آنها حداقل از نظر استانداردهای اسب پایین خواهند بود.

یک بچه گاو خیلی کاری و کوشایی دارد و روز و شب به مطالعه و تحصیل می‌پردازد. چنین بچه‌هایی از امکانات وسیع و سرمایه والدین خود بهره‌مند می‌شود، و درمی‌یابد که نکته نظرهای معمولاً غیرعادی و خشک وی به طور مرتب به زیر سؤال می‌رود و حتی مورد تمسخر قرار می‌گیرد. لذا این موضوع به خود بچه گاو نیز محول می‌شود که خود را با تأثیرات زیاد روحی والد موش خود قانع نموده و کمتر نگران سبک نامنظم زندگی خود باشد. دختر مار پدر موش خود را که ممکن است به افراط در بخشندگی و نیکوکاری تمایل داشته باشد، افسون خواهد نمود و وقتی به بزرگسالی رسید، قادر خواهد بود نصائح مفیدی ارائه نماید. در صورتی که در مراحل رشد افکارش عوض نشود.

خبر خوبی برای بچه سگ داریم. تنها چیزی که یک بچه سگ می‌خواهد، این است که بدون اغراق دوست داشته شود.

موش از نظر شغل و پیشه

شراکت شغلی بین دو موش فرصت طلب فقط بر کار مأمورین قضایی می‌افزاید. بنابراین موش‌ها باید از همدمیگر مانند طاعون‌زده‌ها دوری

جویند، و خرس و لخرج نیز یک شریک مناسب محسوب نمی‌شود. یک اژدها با تمام تیروهای ذاتی خود بهترین شریک موش محسوب می‌شود و تا زمانی که موش ساكت و آرام می‌نشیند و به اندازه کافی به حرف‌های مفید اژدها گوش فرا می‌دهد و می‌گذارد اژدها به جای هر دو چک‌ها را امضاء نماید، کارها به خوبی به جلو می‌رود. اسب سخت‌کوش به طول مدت صرف نهار موش و دیر برگشتن وی به محل کار با سر و وضع نامرتب، اعتراض می‌کند.

خوک شرافتمند به هر کار بزرگ که بپیوندد، صنعت و ذوق خاص خود را به ارمغان می‌آورد. و تمام اوقات خود را صرف فعالیت می‌نماید. اما باید در نظر بگیریم که موش خیلی افسونگر است و خوک خیلی ساده‌لوح می‌باشد و زود فریب می‌خورد. ولی خوب فرامی‌گیرد که سهم خود از کمک را در جای امن نگهداری نماید. ببر همیشه خلاق نیز میدان فعالیت وسیعی را در اختیار موش قرار می‌دهد. اما موش باید از این میدان به نحو احسن استفاده نماید. و اگر ببر کشف نماید که موش طرح‌های درخشنان خود را در جای دیگری به فروش می‌رساند، لحظه‌ای برای با لگد بیرون انداختن وی درنگ نخواهد کرد. مشارکت موش با ببر شانس پنجاه به پنجاه جهت موفقیت دارد و میمون پرهنر تا حدودی شانس بیشتری دارد، اما چیز بسیار جالبی نخواهد بود. میمون باید تمایلات خود را با واقعیت‌ها وفق بدهد که بیشتر به نفع خودش تمام خواهد شد. برای مثال: مدیران بانک‌ها از حقایق خوششان می‌آید نه از تخیلات. یا گربه مراقب معاملاتی است که موش آنها را مفید تشخیص می‌دهد. علاوه بر این‌ها، گربه سیستمی را برای به نظم کشیدن روش درهم و برهم شغل موش با خود می‌آورد. اما باید بر سر جزئیات پافشاری نماید و یا شروع به دادن درس اخلاق نماید.

اگر گاو اجازه داشته باشد که تصمیمات مهمی اتخاذ نماید، خدمت شایانی به موش انجام می‌دهد، ولی باید این را به خاطر داشته باشد که موش

از پول درآوردن از راههای ساده و آسان بیشتر لذت می‌برد. ببر خوش فطرت می‌تواند کار فراوانی برای موش پیدا نماید، و مانندگاو اگر در زمان کوتاه زیاده طلبی نماید، به خاطر نفع شخصی خود نمی‌باشد. مار عاقل دقیق است و پول خود را در امورات تهورآمیز که موش به دنبال آن است، به هدر نمی‌دهد و در چنین مواردی بحث و جدل فراوانی بین آنها به وقوع می‌پیوندد. بز هم مانند موش، وقتی دلایل سقوط بکنند، با دلخوشی خود بسر می‌برد. وقتی دو تا افسونگر در یک دفتر همکار باشند، یا به فاجعه می‌انجامد یا به موفقیت. از سوی دیگر بز را برای کار کردن باید هل داد، و وقتی به وجود موش نیاز باشد، او کجاست؟ سگ باوفا و قابل اعتماد صبح

جدول چگونگی سازگاری و روابط موش با شرکای شغلی

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

زود سر کار حاضر شده و دیر به خانه اش برمی‌گردد، و متحیر می‌شود که
چرا تمام حواله‌های داد و ستد به خط اوست.

یک پاورقی برای یک جفت موش. اگر این دو در ایام بحرانی از هم جدا
نشوند و در اثر فرصت طلبی و چشم هم چشمی به گونی‌های پر از ذرت
حمله‌ور نشوند، می‌توانند میلیونر بشوند.

موش در عشق و عاشقی

وقتی موضوع اغراض نفسانی و عشق و عاشقی پیش می‌آید، زوج
موس‌ها کامل‌ترین جفت را تشکیل می‌دهند. اگر عشق و عاشقی مطرح
باشد، این‌ها همتای کمی دارند. اما اژدهای اغواکننده و میمون بازیگوش نیز
در دنیای پر از اغراض نفسانی موش، ناآشنا نیستند. سگ ددمدی مزاج نیز
برای مدت کوتاهی از شوق موش بهره‌مند می‌شود، اما موش از بدیینی سگ
خسته شده و رابطه آنها دوام چندانی نمی‌آورد. برای یک گاو با هوس‌های
نفسانی پیچیده نیز عشق به موش کوتاه خواهد بود. خوک خوشگذران یک
عاشق ضمنی و موقتی محسوب شده و به سرعت به آغوش موش افسونگر
می‌افتد، اما چون خیلی از خود راضی است، کمتر بهره‌مند می‌شود. بیر
همیشه حریص چیزهای تازه است، خصوصاً وقتی که عشق در آسمان موج
بزند. لذا وقتی به موش برسد او را ول نمی‌کند، مگر تا زمانی که چیز بهتری
در جای دیگری پیدا بکند. گربه محتاط و موشکاف مانند مراحل دیگر
زنگیش برای موش سرد مزاج در دسر می‌آفريند و آرامش او را به هم می‌زنند.
چون بز با موش دارای خصوصیات مشترک فراوانی است، می‌تواند
جفت عشقی خوبی برای موش باشد. اما اشکال کار در اينجاست، آنها
خیلی شبیه به هم‌دیگر هستند، و بز ماده خیلی بداخل‌لاق و ترش رو می‌باشد و
از شوهر موش خود وقت و توجه زيادي می‌طلبد. مرغ خشك و مقرراتی به

جدول نحوه سازگاری موش در عشق و عاشقی

موس	
گاو	
ببر	
گریه	
اژدها	
مار	
اسب	
بزر	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

پیشرفت‌های کم شوهر موش خود قانع نخواهد بود. و اسب مغروف و خودپسند، طبق معمول یا موش را می‌پذیرد و یا او را ترک می‌کند. مارها عشق خود را با قاطعیت و آهستگی جلو می‌برند، و به ندرت موشی را به عنوان جفت می‌یابند که عشق آنها را رد بکند.

موش از نظر ازدواج

تعجبی ندارد که بدانیم دو تا موش که دارای هدف یکسانی هستند، بندرت برای رسیدن به آن راه یکسانی انتخاب پکنند. با وجود این که در اولین دیدار کلی وعده و وعید به همدیگر می‌دهند، اما اگر شانس بهتری در

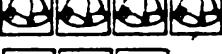
جای دیگری بیابند، نمی‌توانند جلو جدا شدن از یکدیگر را بگیرند. به هر حال دو تا موش از نظر عشق و عاشقی زوج کاملی به حساب می‌آیند. غیر از این همه چیز محکوم به فناست، مگر این که شب و روز حزم و احتیاط را از دست ندهند.

اژدها که مورد پرستش و ستایش خیلی‌ها واقع می‌شود، یار موش خود را تحت حمایت گرفته و از قدرت خود استفاده نموده و جلو افراط کاری او را می‌گیرد. در عوض موش با نمکنشناسی بی‌پایانی که دارد او را مورد ریشخند قرار می‌دهد. خوک جاه طلب و در عین حال واقع‌گرا زوج خوبی برای موش خواهد بود. خوک خانه آبادکن است، ولی موش کجاست تا یک منبع پر از مایحتاج زندگی را خراب بکند؟ بز خودرأی، صفات مشترک فراوانی با موش دارد و تمام خوشی‌های خود را با او شریک می‌شود، اما همیشه نظر خاص خود نسبت به جاهای خوب را خواهد داشت. میمون زن خوبی برای شوهر موش خود خواهد بود. زیرا قدر پول را می‌داند و نیاز موش به بهره جستن از استعدادهایش را درک می‌کند. اما اگر هر دو تایشان شکیبایی زیاد به خرج ندهند، با مشکلات مواجه خواهند شد. پس باید مراقب باشند که پول‌های خود را زیاد خرج نکنند. شاید داشتن پسانداز خوب موجب شود که آنها مشکلات را پشت سر بگذارند. با وجود این که ببر می‌تواند ایده‌آل‌هایی را در زندگی با موش خود پسند به وجود آورد، اما در واقع موش چندان مشتاق ایده‌آل‌ها نمی‌باشد مگر فقط در حرف.

گربه زندگی توأم با فرهنگ را به خانه موش می‌آورد. و تابلوهای نقاشی زیبایی را به دیوار خانه شوهرش نصب می‌کند. موش خوش شناس، اما او هم بهای این‌ها را باگذشتن از آزادیش خواهد داد. ضمناً موش باید قویاً از سگ بدین اجتناب نماید. این شوهر نمی‌تواند بی‌بند و باری اجتماعی زنش موش را به این آسانی‌ها تحمل نماید و شروع به غرولند نموده و خودش را بدخت می‌کند، اما این موش است که در پایان کار متضرر می‌شود. مار

عاقل از دست موش خسته می‌شود. زیرا حوصله تحمل عقاید سطحی

جدول نحوه سازگاری موش در ازدواج

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

شوهرش موش را ندارد. با وجود این‌ها احساسات تند او را می‌ستاید. اسب علیرغم استقلال و گاهی سطحی‌نگری‌اش، از زندگی یک بعدی موش دلزده می‌شود. موش تحریک شده در اثر جر و بحث، لازم نیست که به دنبال چیزی بیش از مرغ پرحرف و با احساس بگردد. موش ممکن است سرزنش‌های اخلاقی مرغ را دوست نداشته باشد، اما این گونه نصایح که گاهی به عمل بیاید، به این شوهر صدمه‌ای نخواهد رساند. در ازدواج موش با گاو نیز خطری وجود ندارد. آقای گاو سخت تلاش خواهد نمود و زنش موش اعتراضی نخواهد کرد. با وجود این‌ها، آن دو نکات مشترک زیادی با

هم ندارند، و گاو لجوج و وظیفه‌شناس ممکن است یک زوج مورد دلخواه باشد. از سوی دیگر ممکن است از شنیدن ماجراهای پر از غم و غصه یکه بخورد، اما عقیده موش در مورد رنج و عذاب کاملاً متفاوت است.

سال موش چه تأثیری روی شما خواهد داشت؟

[سالی برای فرصت طلبان]

برای موش این بهترین سال هاست و به هر اقدامی که دست بزند با موفقیت رویرو خواهد شد. البته برای کسان دیگری هم که مخالف بهره جستن از هوش و دلربایی خود نباشد، سال کم سودی نخواهد بود. اژدها نیز همه روزه از ماجراهای عاشقانه تازه بهره‌مند خواهد شد و روزی نخواهد بود که ماجراهای عاشقانه تازه‌ای برایش پیش نیاید. با این حساب موش و اژدها برابرند و می‌توانند با هم رقابت نمایند. میمون زرنگ و هنرمند نیز به زودی درمی‌یابد که شانس با وی یار است و بیش از هر موقع دیگر بر ثروت او افزوده می‌شود.

خوک خوشگذران نیز به هر طرف روی بیاورد با شادی مواجه خواهد شد، دائمآ در مهمانی و جشن و سرور و رقص و آواز و شاد خواهد بود. این آقای خوک هم ممکن است ماجراهای عاشقانه خود را در سال موش داشته باشد. گاو ماجراهای عاشقانه نخواهد داشت، ولی آنقدر سرگرمی خواهد داشت که افکار او را پر نماید. به اندازه کافی کار خواهد داشت و برای یک بار هم که شده خودش را دور از همکاران خود نخواهد دید. و وقتی یک دوست قدیمی را ببیند از شادی لبریز خواهد شد.

این سال برای بیر غیر قابل پیش‌بینی، سال خوبی نخواهد بود. عقاید و تمام هم او بر حول محور «خوشی برای همه و خوشی سال موش برای من» دور می‌زند. اسب صنعتگر و فردگرا نیز خود را مخالف دخالت در امور دیگران دیده و با دل و جرأت کمی به کار خواهد پرداخت. بز هوسپاز نیز

سالی برای فرصت طلبان

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

طرق ویژه خود برای لذت بردن از زندگی را خواهد داشت و بندرت ممکن است با موس مواجه بشود، هر چند که ممکن است مواجه هم بشوند. جنبه دیگر موس آنست که اهمیت نمی‌دهد که شما در رنج و عذاب هستید یا در خواب غفلت. خانم مار وقتی کار می‌کند که مجبور باشد و سال وی نیز پستی و بلندی خود را دارد. گربه متین و مرتب از زندگی توأم با بی‌نظمی و به هم ریخته موس خوشش نمی‌آید و برای حفظ نظم در زندگی خود با ناراحتی مواجه می‌شود. سگ با او نیز وضع بهتر از او را ندارد. مشکل این آقای سگ در سال موس این است که موس علاقه‌ای به دوستان باوفا ندارد، و فقط مشتاق آدم‌های خلاق است. خانم مرغ شرافتمند از شلخته‌بازی آقا موس و حیف و میل کردن او ناراحت می‌شود ولی از

گرسنگی نمی‌میرد.

موش‌های مشهور در عرصه‌های:

ورژش:

باب چمپیون	هفتر: راپرت بالت
استیو کرم	شارلوت برانت
بری هیرن	پابلو کاسالز
براین جانسن	ریماند چندلر
آیوان لندل	جرالد دورل
گری لاینکر	لارنس دورل
مارادونا	مانوئل دو فالا
گری ساپرز	هیدن
دنیس تیلر	آین هیسلاب
صنعت و سیاست:	تولوز لات‌رک

جرج بوش	تی ای بی لارنس
جیمز کالاقان	لات لنبیا
جیمی کارترا	رویدین

جان دو لورین	دانست گابریل روزتی
کلمنت فرود	جرالد اسکارف
ریچارد نیکسن	رالف استیدمن
ایناک پاول	چایکوسکی

یووس سینت لارت	تولستوی
سلاطین:	کرت ویل

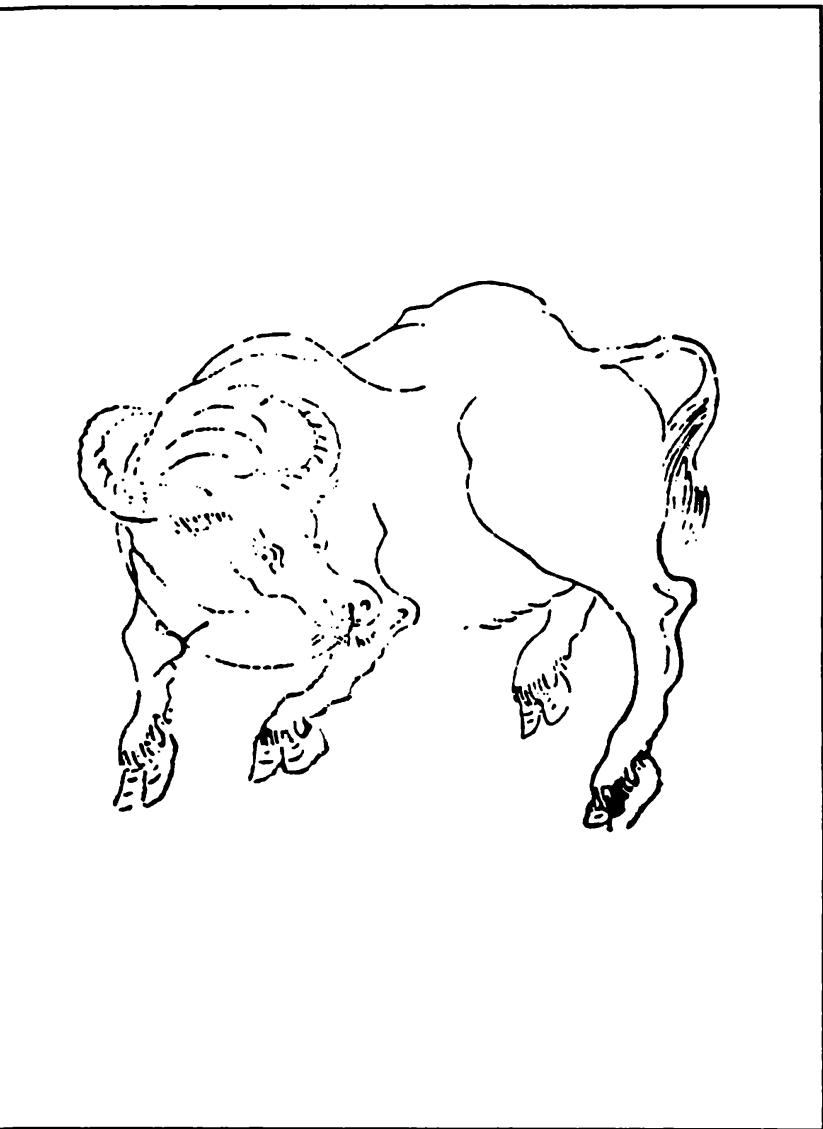
شاهزاده خانم آلکساندرا	امیل زولا
------------------------	-----------

جان ولز	دوک یورک
سندي ويلسن	شاهزاده چارلز
وينسا رد گريو	ملکه مادر
موسيقى پاپ:	مارک فيليپس
آيرولينگ برلين	هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:
باب ديرين	ديو آلن
دوريس دی	چارلن آزناور
دان ايي ورلى	لارن بيکال
بادى هالى	مارلون براندو
لولو	نوئل ادماند
لينسى دو پال	آلبرت فينى
أوليوييا نيوتان جان	كلارك گيبل
روى اورييسن	بنى هيل
وين اسلیپ	روى هاد
تمى استيل	گلندا جكسن
سارا ۋەگن	جن كلى
دايانا واشنگتن	ناستا西ا كينسکى
كيم وايلد	لى ماروين
بيل وايمن	جان لو مسورير
	اندرو لويد وبر

گاو

THE BUFFALO 牛

1901	{ از ۱۹ فوریه ۱۹۰۱ تا ۷ فوریه ۱۹۰۲ از ۳۰ بهمن ۱۲۷۹ تا ۱۸ بهمن ۱۲۸۰ }	1902
1913	{ از ۶ فوریه ۱۹۱۳ تا ۲۵ ژانویه ۱۹۱۴ از ۱۷ بهمن ۱۲۹۱ تا ۵ بهمن ۱۲۹۲ }	1914
1925	{ از ۲۴ ژانویه ۱۹۲۵ تا ۱۲ فوریه ۱۹۲۶ از ۴ بهمن ۱۳۰۳ تا ۲۳ بهمن ۱۳۰۴ }	1926
1937	{ از ۱۱ فوریه ۱۹۳۷ تا ۳۰ ژانویه ۱۹۳۸ از ۲۲ بهمن ۱۳۱۵ تا ۱۰ بهمن ۱۳۱۶ }	1938
1949	{ از ۲۹ ژانویه ۱۹۴۹ تا ۱۶ فوریه ۱۹۵۰ از ۹ بهمن ۱۳۲۷ تا ۲۷ بهمن ۱۳۲۸ }	1950
1961	{ از ۱۵ فوریه ۱۹۶۱ تا ۴ فوریه ۱۹۶۲ از ۲۶ بهمن ۱۳۳۹ تا ۱۵ بهمن ۱۳۴۰ }	1962
1973	{ از ۳ فوریه ۱۹۷۳ تا ۲۲ ژانویه ۱۹۷۴ از ۱۴ بهمن ۱۳۵۱ تا ۲ بهمن ۱۳۵۲ }	1974
1985	{ از ۲۰ فوریه ۱۹۸۵ تا ۸ فوریه ۱۹۸۶ از ۱ اسفند ۱۳۶۳ تا ۱۹ بهمن ۱۳۶۴ }	1986



این حیوان علیرغم ظاهر بزرگ و سنگین اش، خیلی ساده می باشد.
تاپسل

سال گاو



شکی وجود ندارد که این سال زمان خوبی برای کسانی که در مقابل خشونت خود را عقب می‌کشد و از اقدام متقابل خودداری می‌کند، نمی‌باشد. این سال فقط برای مردانه کاری و زحمتکش خوب است. لذا به محض این که به زیر مسئولیت کاری رفتید، آن را به نحو احسن انجام دهید و بدانید که پاداش آن را اخذ خواهید کرد. البته انتظار نداشته باشید که این پاداش از روی بخشندگی زیاد باشد. این سال، سال خوبی برای اندیشه عمیق برای آینده، کاشتن بذر و پایه‌گذاری است. اگر مایل به باز کردن نمایشگاه یا انتشار کتاب درباره ماجراهای بزرگ تاریخی هستید، همین حالا شروع کنید!

سال گاو از نظر جایگزینی اساسی در میان رهبران جهان متمایز می‌باشد. در اولین ماه اولین سال گاو قرن بیستم، ملکه ویکتوریا درگذشت. سال ۱۹۷۳ شاهد درگذشت لیندن بی جانسن، رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا- گوستاو، پادشاه سوئد- پدر اسرائیل مدرن، دیوین بن گوریون بود. در عرصه سیاست نیز جدال فراوانی خواهد بود و آنها بی که می‌توانند از نیروهای موجود بهره بخیرند، پیروز بیرون خواهند آمد. و در اکثر مواقع، آن قبیل سیاستمدارانی که چه از طریق زور و چه از طریق آراء مردم حق حکومت را به دست می‌آورند، این کار را با استفاده از زور

اعمال خواهند کرد. در سال ۱۹۷۳، گلیست‌ها اکثریت آرا را در فرانسه به دست آوردند- در ماه اگوست همین سال، جرج پاپادوپولوس اولین رئیس جمهور یونان شد- ماه اکتبر این سال شاهد شروع جنگ اعراب با اسرائیل شد- در ماه نوامبر ارتش یونان جرج پاپادوپولوس را معزول نمود و در ۱۹۶۱ جان اف کندی سی و یکمین رئیس جمهور ایالات متحده شد.

به هر حال سال گاو جدائی از خونین بودن در صحنه سیاست، نسبتاً آرام سپری خواهد شد و شاهد بلای سیل و یا قحطی شدید نخواهد بود. به خاطر داشته باشید که گاو اکثر وقت خود را در مزارع می‌گذراند. برداشت محصول فراوان خواهد بود، و زحمت کارگران با دستمزد خوب پاسخ داده خواهد شد و کار و کارگری خصوصاً در زمینه کشاورزی رونق خواهد داشت. اما در زمینه عشق و عاشقی سال خوبی نخواهد بود.

در سال گاو دارای بچه بشوید، به کلیسا بروید اما نظر سویی به سوی همکار مؤنث خود نداشته باشید.

شخصیت گاو



یک کروات متین بیند، یک دامن مناسب بپوش و بعد
به دیدن گاو پرکار و قدرتمند برو

هیچ کس نمی‌تواند از مشاهده حرکت سنگین و موقرانه یک گله گاو در دشتی تحت تأثیر عظمت آنها واقع نشود. از نظر سختکوشی و خستگی ناپذیری هیچ کسی به پای گاو نمی‌رسد. هر کاری به هر سختی که

باشد بدون خم به ابرو آوردن انجام می‌دهد و در هر جا باشد، حضور وی باعث دلگرمی و اعتماد به نفس اطرافیان خود می‌گردد و تازه همه این‌ها را یک وظیفه‌عادی خود به حساب می‌آورد. هر کسی در این سال به دنیا بیاید، برای عظمت و رهبری انسان‌ها خلق می‌شود. ناپلئون نمونه بارزی از یک گاو است. و نمونه‌های دیگری نیز وجود دارند مثل: نهرو، امپراتور هیروهیتو، اسقف ماکاریوس، فیدل کاسترو، جرانیمو، دوك ولینگتن و... هرچند یک گاو برای هر مشکلی یک راه حل طبیعی می‌یابد که ناشی از خاصیت رهبری اوست، اما تمام این عوامل او را مناسب هنر نیز می‌نماید. تصنیف آهنگ‌های پیچیده که به حوصله و تلاش فراوان نیاز دارد، کاملاً با خصوصیات روحی گاو وفق می‌دهد. لیست اسامی هنرمندان موسیقی گاو قابل توجه است. برای مثال باخ، هندل و اسکارلاتی همگی در سال گاو ۱۶۸۵ به دنیا آمده بودند، همین طور بنیامین برایتن، دووراک و سایبلیوس.

هنرهای نمایشی نیز در اثر افکار بلند گاو به منصه ظهور رسیده‌اند. برای مثال ون گاف، والت دیسنی. بدین طریق یک میراث عالی که ناشی از سختکوشی و دست‌های هنرمندانه است برای ما به ارث گذاشته‌اند. گاو محافظه‌کار از چیزهای نوظهور و اسباب و وسایل حقه‌بازی متنفر است. دنیای مدرن برای وی مناسب نمی‌باشد. برای مثال اگر ماشینی یا نوار موسیقی بخرد، حتماً از مدل قدیمی خواهد بود. اگر سیگاری باشد، انتظار نداشته باشید از سیگارهای جدید که در تلویزیون تبلیغ می‌نمایند بکشد. یک پیپ کوچک قدیمی چیزی است که توجه او را جلب می‌کند. گاوها خواهان تغییرات در اوضاع نمی‌باشد و مانند تانی بن ریشه در محافظه‌کاری دارند. همچنین آنها را در حال استفاده از وسایل یا اماکن مدرن نخواهید دید.

تلاش برای درک گاو یک کار بیهوده‌ایست و نزدیک شدن به تودارترین

موجودات منجر به این می‌شود که او بیشتر در لاک خود فرو برود. و هر چقدر بر تلاش خود بیافزایید، او هم بیشتر خود را عقب می‌کشد. اما چون ذاتاً رهبر به دنیا آمده است، هیچ چیز ناشناخته یا ترس‌آور در او اثر ندارد و نمی‌گذارد دیگران نیز بترسند. هیچ کس مورد اعتماد قلبی گاو نمی‌تواند باشد. و دیوار محافظی که او در اطراف ما به وجود می‌آورد، اگر روزنه‌ای به بیرون نداشته باشد، مانند زندان خواهد بود. این عوامل باعث محدودیت او شده و منجر به خطرناک شدن وی می‌گردد. در چنین حالتی گاو به طور شگفت‌آوری تغییر حالت می‌دهد. تمام انرژی او فروکش می‌کند و به خودفریبی می‌پردازد.

جالب است بدانیم که کمدی‌ترین و محبوب‌ترین هنرپیشه عالم سینما، یعنی چارلی چاپلین یک گاو بود و در همان سال گاو به دنیا آمده بود که منفورترین و شیطان‌ترین فردی که تاکنون شناخته شده یعنی آدولف هیتلر متولد شده بود.

وقتی گاوی از یک خلف و عده رنج ببرد، ضربه سختی بر او وارد می‌شود. و نجات از آن وضع برایش مشکل می‌شود و اگر یک منبع جدیدی برای تکیه کردن نیابد تا خود را نجات دهد به سرعت هم از نظر جسمانی و هم از نظر عقلانی افت می‌نماید. و در مورد دیگر اگر یک گاو در ازدواج شکست بخورد و منجر به جدایی گردد، به طور حتم برای کسب قدرت از دست رفته‌اش به الکل و حتی مواد مخدر روی می‌آورد.

الکس هوریکین هیگینز که برای خیلی‌ها بزرگ‌ترین متخصص بوشناسی از راه بینی است، باید برای داشتن این قدرت ممنون نشان گاو خود باشد. فقط افراد با علامت گاو هستند که مواجه با افراط و تفریط می‌شوند و این امر را می‌توان به عنوان دو روی یک سکه تعبیر کرد. برای مثال اگر روحانی محل شما با علامت گاو ادعا بکند که با افراد ملحد و منکر خدا همکاسه می‌شود، حرفش را باور بکنید زیرا وی خلافی در این کار نمی‌بیند.

زیرا برای وی به چه چیزی اعتقاد داشتن مهم نیست، بلکه خود اعتقاد مهم است. چیزی که برای او اهمیت دارد داشتن ایمان محکم است و این ایمان می‌تواند به هر چیزی باشد، اما باید قرص باشد. لذا این عقیده و ایمان است که اهداف، قدرت بیان و در حقیقت موجودیت گاو را معین می‌کند.

این مسلم است که یک گاو با فکر عالی و در عین حال جاه طلب نمی‌تواند بپذیرد که اقداماتش عقیم بماند، حداقل نه به وسیله یک گاو دیگر. انتخابات عمومی سال ۱۹۸۳ در انگلستان برای کسب اکثریت کرسی‌ها در مجلس آن کشور مثال خوبی است. در آن موقع هر موقع مارگارت تاچر و رقبیش مایکل فوت رو در روی هم قرار می‌گرفتند، صدای کوییدن سم و خرناسه آنها که به صورت بخار از منخرین بینی‌شان خارج می‌شد، به خوبی قابل شنیدن بود.

خانم تاچر از هر نظر یک گاو درجه اول است و شهرت او به عنوان بانوی آهنین به خوبی قابل درک است. زنی در یک دنیای مردانه که تمام جنبه‌های یک گاو قدرتمند را به نمایش گذاشت و افسوس که تعدادی در دنیای پر از اقتدار و ضعف‌های او همگام وی نشدند. در سمت اعتبار، خانم تاچر سخت‌کوش (از ساعت شش صبح تا نیمه‌های شب کار می‌کرد) بود. در اجرای اهدافش با شهامت جلو می‌رفت و معنی خستگی را نمی‌دانست. وی به افراد خانواده‌اش عشق می‌ورزید، اما نمی‌توانست روی موضوعاتی که نیاز به انعطاف‌پذیری دارد کوتاه آمده و مصالحه نماید، در نتیجه ستیزه‌جو می‌گردید. و همین عمدۀ ترین عامل سقوط وی بود. و سمت کمتر جذاب شخصیت وی همان ایرادات معمولی است که گاوها در همه جا دارند. یعنی انداختن تقصیر خطاهای خود به گردن این و آن. مایکل فوت نیز این عیب را با حداکثر شدت دارا بود. در شکستی که در انتخابات مورد اشاره نصیب وی شد، تقصیر آن را به گردن روزنامه‌ها، تلویزیون و حتی اعضای حزب خود انداخت. و برای یک بار هم که شده قبول نمی‌کرد که

این سیاست‌های غلط وی بود که منجر به شکستش شد.
من شخصاً شاهد اقدامات خارق‌العاده توسط گاو بوده‌ام، اگر بتوان تأسیس و راه‌اندازی مجله هجونامه «پرای ویت آی» را یک اقدام خارق‌العاده به حساب آورد. این کار به وسیله یک گاو تحصیل کرده و به پایان نبردهٔ دانشگاه آکسفورد شروع گردید و در کنار خیابان‌ها به فروش رفت و حالا بیش از یک میلیون خواننده دارد. این گاو ریچارد اینگ رمز نام دارد و حدود بیست سال قبل به این مجله پیوست و سردبیری آن را به عهده گرفت.

اینگ رمز که یک گاو می‌باشد، در سال ۱۹۳۷ به دنیا آمده و جالب است بدانید که تمام همکاران وی از حسن تصادف مانند وی گاو می‌باشند. و هر وقت از من سؤال می‌شود که آیا آنها بی که دارای علامت تولد یکسانی هستند، دارای خصوصیات یکسانی هستند، پاسخ من مثبت بوده و کارکنان مجله پرای ویت آی موفق را مثال می‌زنم.

اگر سال گاو ۱۹۳۷ را یک استثنای بدانیم که باعث تحولات شدیدی در مغز متولدین آن سال شده، و اشخاص سخت‌کوش فراوانی از بین آنها برخاسته است، جواب مثبت است و در عرصه هنر می‌توان به جین فوندا، وارن بیتی و رابرت رد فورد اشاره نمود.

گاوها از زندگی در شهرهای بزرگ و مدرن بیزارند و اگر فرصت یابند مایل‌اند برای همیشه در کنار طبیعت بسر برند. اگر صاحب ملکی باشد اعم از بزرگ یا حتی باغچه خانه‌اش، با سعی وافر شروع به کاشتن می‌کند. خانه وی بینهایت راحت می‌شود و در هر گوشه خانه‌اش سنبلی یا خوش‌های را می‌سیند و روی میزش یا داخل گنجه‌اش پر از کارت پستانه‌ای قدیمی، نقاشی‌های کهنه و عکس‌های یادگاری دوران مدرسه است و فقط خود وی می‌داند که چه چیزی در کجا در دفاتر یا خانه است.

چیزی که یک گاو دوست دارد، تداوم سنت است. اگر برای مثال یک

دوست مدرسه‌ای خود را برحسب اتفاق بعد از مثلاً بیست سال در خیابان ببینید، خیلی احتمال دارد این گاو را با همان زیرپوش پشمی توسي‌رنگ دوران مدرسه ببینید. چون گاو دارای ايمان راسخ است، معمولاً حسود می‌باشد، اما حد اعتدال را نگه می‌دارد. ضمناً گاو خوش حساب است و قسط‌هايش را به طور مرتب می‌پردازد، و اگر کارگری یا کارمندی داشته باشد، حقوق آنها را هرچند که چندان بالا هم نباشد به موقع می‌دهد. درست است که گاو خواهان و فاداری است، اما از چاپلوسی بیزار است. و اگر خیانتی از کسی ببیند، هرگز آن را فراموش نمی‌کند و از آن نمی‌گذرد.

گاو علامت جنس نر و خشن است، اما اگر خانم باشند، فقط کمی تفاوت دارند. آنها در هر خانه باشند، شروع به تحکم می‌کنند و خانم گاو هر چند مانند بز هنرمند نیست ولی کدبانوی خوبی است. از پختن کیک و دوختن لذت می‌برد و اغلب لباس‌های زیبایی برای بچه‌های متعدد خود می‌دوزد. آقای گاو هرچند که متقابلاً قادر به خیانت به همسرش نمی‌باشد، خانم گاو نیز دل و جرأت خیانت به شوهرش را ندارد. اگر خانم گاو به خودش اجازه بدهد که از خانواده‌اش ببرد، این موضوع با جار و جنجال زیاد همراه نخواهد بود.

تمام گاوها وقت شناس هستند. لذا زندگی آنها همیشه مرتب و با برنامه منظم توأم خواهد بود. البته عشق از این امر مستثنی است و شاید به همین خاطر است که آقای گاو مایل به شکسته شدن نمی‌باشد و جدای از گاوها مسن که در موقع گرفتار شدن در دام عشق زود اشتیاق خود را بروز می‌دهند، اکثر گاوها به این آسانی‌ها دریچه قلب خود را به روی عشق باز نمی‌کنند. و بندرت احساسات خود را بر ملا می‌کنند و بیشتر از این را از آنها انتظار نداشته باشید. و اگر منتظر دریافت دسته گل سرخ و غزلیات شاعرانه و عاشقانه از سوی گاو هستید، مأیوس خواهید شد. تنها امکانی که نصیب شما خواهد شد این است که جوراب‌های او را رفو نمایید. جیلی کوپر و

شاهزاده خانم دایانا، هر دو با علامت گاو هستند.

به طور کلی، گاوها از مسافت آن طور که باید لذت نمی‌برند و بندرت به تنها بی دست به سفر به نقاط ناشناس می‌زنند. آنها به طور دسته جمعی حرکت می‌کنند. اما باید در نظر داشته باشیم که گاو قادر به هر کار خارق العاده است، لذا باید از شنیدن این خبر که اولین کسی که به تنها بی با کشتی کوچک خود دور دنیا را گشت، کسی جز سر فرنسیس چیچستر نبود که یک گاو می‌باشد.

در موقع پیدا کردن شغل نیز گاو دچار مشکل نمی‌شود. تقریباً همه او را انتخاب می‌کنند و قدرت تطبیق دادن خود به اضافه نظم و ترتیب ذاتی که دارد، در هر زمینه‌ای با ارزش محسوب می‌شود.

در زندگی یک گاو سه مرحله خاص و متمایز وجود دارد. در دوران کودکی مستعد کناره‌گیری از دیگران است و دوست نزدیکی ندارد. در این مرحله کتاب زیاد می‌خواند، اسباب‌بازی زیاد درست می‌کند و پروانه جمع‌آوری می‌کند. مرحله میانی زندگیش آسان نخواهد بود، و دارای مشکلات مالی خواهد بود. معمولاً دارای زن دوم و خانواده دومی خواهد بود. مرحله نهایی زندگی وی ممکن است به تنها بی سپری شود و او فرصت داشته باشد تا در مورد آن قبیل از دوستانش که برایشان فداکاری نموده است بیاندیشد. در این مرحله سگش را به گردش می‌برد، با باغچه‌اش ورمی‌رود و اگر مشغول نوشتن خاطراتش نباشد، کتاب‌های ایام کودکی اش را مطالعه می‌کند.

گاو به عنوان والد

از آنجایی که گاو ذاتاً تحکم‌کننده است، فقط برای آن قبیل فرزندان که باید به آنها گفت چه کار بکنند، والدین خوبی خواهند بود. در غیر این

صورت باید وانمود بکنند که دستورات والدین خود را اطاعت می‌کنند تا بتوانند تحت این ظاهرسازی به زندگی خواست خودشان ادامه بدهند. از این میان فقط دختر با علامت می‌می‌مون با پدرگاو خود مشکلی نخواهد داشت. و در مواقعي که با دوست پسر خود در سالن رقص از موقعیت بهره می‌برد، به پدرش امکان نخواهد داد تا از روی صندلی راحتیش برخاسته و به دنبال وی بگردد.

بچه دیگری که از والدین گاو خود متنفع می‌شود، بچه خروس است. نقطه نظر محافظه کارانه این فرزند در مورد دنیا مورد ستایش قرار می‌گیرد و حسن اخلاق وی با تشویق مواجه می‌شود. اما بچه اگر ازدها باشد، هیچ نوع تشویقی در کار نخواهد بود. ابدآ! چنین پدری به خود زحمت تشویق فرزند ازدهایش که موفق به کسب مدار طلا شده است نخواهد داد، خصوصاً اگر این پیروزی در کشاورزی باشد. مگر این که این بچه یاد بگیرد که چگونه از بالهایش بهره بجويد.

بچه ببر نیز با تمام نیروی ایده‌آلش هیچ نوع تشویقی را در خانه‌ای که به شدت سنتی می‌باشد، نخواهد دید. بچه سگ تندر و نیز فقط با سرزنش مواجه خواهد شد. دختر بز هم وضع نسبتاً ملایمی خواهد داشت. والدین گاو او کاری بجز تحقیر هوس‌ها و چیزهای مورد علاقه وی نخواهند داشت. محبت زیادی در انتظار بچه اسب نیز نخواهد بود. گرچه پدرگاو، خودآگاهی و سختکوشی پرسش را تحسین می‌کند ولی اقدام دیگری به عمل نمی‌آورد. هیچ نوع خودآرایی در خانه گاو جایی ندارد. دختر مار دل پدرگاوش را به دست می‌آورد. این دختر فوق العاده زیبا می‌شود و از دلربایی خود عاقلانه استفاده می‌کند. بچه خوک سخت کار می‌کند تا پدر گاوش را خشنود نماید، اما خودخواهی آشکار این بچه ممکن است ارتباط بین پدر و پسر را سست نماید. اما پسر موش با شخصیت سرشار از زندگی اش و تیزهوشی اش باعث سرگرمی پدرگاوش می‌شود. و خطاهایش

جدول نحوه سازش گاو و والد با بچه هایش

موش	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

بیش از حد انتظار بخشنوده می شود. اما بچه گاو چنین تأثیری را روی والدین خود نخواهد داشت و از همان آغاز نبرد بر سر قدرت بین آنها به وجود خواهد آمد. زندگی پدر و پسر گاو غیرقابل تحمل خواهد بود، اما مادر گاو ممکن است نشانه ای از درک پرسش را بروز دهد. گربه خانه دوست، کاری انجام نخواهد داد تا آرامش و صلح خانه گاو را به هم بزند.

گاو از نظر شغل و پیشه

مشکلی که گاو از نظر شغلی با آن مواجه می شود این است که وی علیرغم قدرت خود در یافتن راه مقصدش، اغلب مایل نمی شود با شخص

دیگری شریک بشود. و اگر قرار است شغلی در شهر به وجود آورد، به طور حتم شغل بالایی مثلاً مدیریت بانک مرکزی خواهد بود، و اگر عکسی به دیوار دفترش نصب شده باشد، به طور حتم عکس خود وی خواهد بود نه کس دیگری.

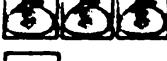
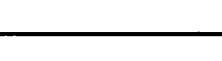
همان طوری که انتظار می‌رود، اسب سختکوش هر کاری را که گاو از وی بخواهد انجام خواهد داد. مناسب‌ترین و سودآورترین کاری که می‌توانند به شراکت دایر نمایند، دندانسازی یا آژانس تاکسی تلفنی است. خوک از هیچ کاری عار ندارد به خوبی می‌تواند شریک ایده‌آلی برای گاو سختکوش باشد. خوک وقتی بهتر کار می‌کند که از نظر فرصت و وقت تحت فشار قرار بگیرد، در این حالت است که فکرش را به نحو احسن به کار می‌اندازد. گاو این واقعیت را می‌داند و به اتفاق هم می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند. اما برای ببریک فاجعه محسوب می‌شود. عقاید بی‌پایان وی، گاو مرتب و اصول‌گرا را کاملاً از مسیر اصلی اش دور می‌کند. شراکت گاو با اژدهای روشنفکر نیز خوشایند اژدها نخواهد بود و این امر مایه تأسف است زیرا هر دو تای این‌ها از توان خیلی بالایی برخوردارند. واقعیت این است که قدرت اژدها در تصمیم‌گیری‌ها به ضرر هر دو تمام می‌شود.

موش فرصت‌طلب به زحمت توان مقابله با گاو درستکار را خواهد داشت، با وجود این‌ها آنقدر عقل دارد که هر موقع لازم باشد از آن به نفع خود استفاده نماید. اما در صورت همکاری موس با گاو آن هم به مدت طولانی، جر و بحث فراوانی از سوی موس به عمل خواهد آمد. در مورد بزر خودرأی و هنرمند، فکر نمی‌کنم کوچکترین موفقیتی حتی به مدت کوتاه به دست آورد. بز و گاو از نظر شراکت شغلی متضاد هم هستند.

سگ چیزی ندارد تا به عنوان سهم شراکت با خود بیاورد، مگر وفاداری که آن هم مورد نیاز گاو نمی‌باشد. خروس هرچند که تا دینار آخر ولخرج

است، اما می‌تواند تحت تأثیر گاو پول‌هایش را به جای دور ریختن در سرمایه‌گذاری به کار اندازد و سود ببرد. گربه نیز مانند گاو قبل از تصمیم‌گیری به سرمایه‌گذاری، مدت طولانی این دست و آن دست می‌کند.

جدول چگونگی سازگاری گاو با شرکای شغلی

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

اشکال کار در اینجاست که گاهی تصمیم‌گیری سریع در شغل لازم است، اما گربه و گاو که تصمیم درستی را اتخاذ نموده‌اند به سود کم قانع می‌شوند، هرچند که شاید مجبور بشوند بعضی روزهای تعطیلی را هم کار بکنند تا مخارجشان تأمین بشود. متاسفانه چنین امری در مورد شراکت دو تا گاو نیز صادق است، اگر به فرض محال چنین شراکتی به وجود بیاید. مار زیرک هم هرچند در موقع خطا از سوی گاو دست و دل باز می‌شود، اما در موقع قطع

شراکت تا دینار آخر هم حساب کرده و مطالبه می‌کند، زیرا ادامه شراکت نیاز به چیزی بیش از دلربایی و زیبایی دارد تا هر دو طرف راضی باشند.

گاو در عشق و عاشقی

عشق چیزی است که اکثر گاوها آرزو می‌کنند هرگز اختراع نمی‌شد. در نتیجه هر موقع ممکن بشود با یکی که برایش خطرآفرین نباشد کنار می‌آید. عشق با یک سرمایه‌دار مرتب و حسابگر منافات دارد، بنابراین حتی در زمانی که یک گاو به شدت عاشق می‌شود، تسلیم شدگی محض از سوی وی دیده نخواهد شد. البته اگر گاو خانم باشد این خودداری نسبت به آقای گاو کمتر است. آنها جفت خوبی برای گربه ساده‌گیر و راحت‌طلب هستند. و خانم گاو، با هوش بودن سگ را که توأم با اشتیاق شدید وی است تحسین می‌کند و آقای گاو از توجه خوب خانم خوک یکه نخواهد خورد، و هیجان ناشی از عشق گرم موش مانند سیخونک زدن و وادار نمودن وی به اقدام متقابل عمل خواهد کرد.

بز هوس باز بندرت وقت خود را برای جلب محبت آقای گاو محجوب تلف می‌کند. اسب هم بیش از اندازه مغور است که بشود مزاحمش شد، هرچند که یک خانم گاو و یک آقای اسب ممکن است برای مدت کوتاهی از عشق هم برخوردار بشوند.

گاو ممکن است جذب مرغ سرزنه و شاداب بشود، اما این هم دوامی نخواهد داشت. زیرا خانم مرغ خیلی مشتاق خرج کردن پول‌هایی است که با کار سخت به دست آمده است. خانم می‌مون آقای گاو را شیفته خود می‌سازد، همان طور که خیلی‌های دیگر را اسیز عشق خود می‌کند.

پراحساس بودن خانم مار نیز او را فریفته خود می‌کند، اما وقتی که خانم مار بخواهد به دور وی چمبره بزند، آقای گاو بلافاصله خودش را خلاص

می‌تماید.

بیر عاشق هیجان برانگیزی است و دلربایی وی آقای گاو را به واکنش خواهد کشاند، اما خانم ببر احساسات او را به عدم اطمینان تبدیل می‌کند و ماجرا با گریه و زاری به آخر می‌رسد. ممکن است یک جفت گاو عاشق، با هم جور دربیایند، اما یکی از آنها باید قدم اول را بردارد. و خیلی احتمال

جدول نحوه سازگاری گاو در عشق و عاشقی

موس	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
گاو	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	
بیر			<input type="checkbox"/>
گربه	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
اژدها	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	
مار	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	
اسپ	<input checked="" type="checkbox"/>		
بزر			<input type="checkbox"/>
میمون	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
مرغ	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
سگ	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	
خوک	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>

دارد که کار آنها از یک دست دادن ساده فراتر نرود. برای اژدهای عاشق‌پیشه، خانم گاو ممکن است مفید واقع شود، اما وی بیشتر به فکر ارضای خود است تا آقای اژدها.

گاو از نظر ازدواج

آقای خانم گاو، انسان‌های راحتی برای شریک زندگی نیستند. و آقای گاو با هر کسی که ازدواج می‌کند، تحت هیچ شرایطی نباید با یک ببر باشد. زیرا آنها هیچ نکته مشترکی ندارند و جذابیت طرف مقابل هر چقدر هم باشد، که اغلب زیاد هم است، نباید با هم ازدواج بکنند. گاو در هر کاری که انجام می‌دهد، به شدت محافظه کار است، در صورتی که ببر انقلابی است و به هیچ چیزی پایبند نمی‌باشد. در این صورت در خانه‌ای که توسط گاو و ببر به وجود بیاید، حتی کوچکترین تصمیم‌گیری نیز با جنگ و دعوا همراه خواهد بود. مشاهدات شخصی خود من هم متأسفانه مؤید این طالع‌بینی چینی‌هاست که نتیجه تحقیق در زمانی طولانی است.

مرغ و گاو برای هم ساخته شده‌اند و می‌توانند چندین ساعت در کنار هم در با غچه خانه با علف‌های هرز و برونده و یا چمن حیاط خلوت را کوتاه نمایند. اما خانم مرغ باید جلو زبان رک‌گوی خود را بگیرد. و آن را برای ایرادات فراوان گاو نگه دارد. گربه متین نیز یک زوج مناسب دیگری برای گاو است. خانم گربه یار اجتماعی عالی برای آقای گاو خواهد بود. زیرا گاو در گردهمایی‌های بزرگ چندان خودی نمی‌تواند نشان دهد و خانم گربه هم جوهر اصلی سیاست‌بازی در جمع می‌باشد.

خوک خانه را زیبا نگاه می‌دارد - معمولاً و همیشه سعی می‌کند غذای مورد علاقه آقای گاو را به موقع سرو نماید و بچه‌ها تکالیف خود را انجام داده باشند. اما از ماندن گاو در خانه خوشش نمی‌آید. ضمناً خواهان کمی تفریح نیز هستند. مار هم ممکن است توجه گاو را به راحتی جلب نماید، ولی فقط همین و بس. ضمناً مار از نظر روابط جنسی خیلی هوش‌باز است. عدم وجود محبت ممکن است مانع بین گاو و موش باشد. اما وجود خانه پراولاد ممکن است باعث گرمی کانون خانواده باشد و حداقل گاو را در

خانه نگه می‌دارد. در مورد سگ نیز، گاو همیشه سعی خواهد کرد وفاداری خود یا خانم سگ را بد تعبیر بکند. و این موضوع مایه تأسف است زیرا سگ چیزی غیر از دوست داشتن و دوست داشته شدن نمی‌خواهد و به دنبال کسی است که به وی اعتماد نماید.

جدول نحوه سازگاری گاو در ازدواج

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

خانم بز نیز مانند گربه در آسوده خاطر کردن مردم دارای مهارت خاصی است، اما آنقدر خودرأی است که پی بردن به انکار او و این که با وی چگونه باید رفتار کرد، مشکل است و برای این که زندگی آنها به نحو احسن ادامه یابد باید دارای خانواده پراولادی (تا سه تا چه) بشوند. هرچند که اسب و گاو در شروع زندگی قول و قرارهای محکمی مابین

خود داشته باشند، اما به تدریج به سوی جدایی کشیده می‌شوند. خانم اسب اغلب خود پسند بوده و خواهان تعریف و تمجید از سوی آقای گاو می‌شود. علیرغم تفاوت‌های زیادی که بین خانم گاو و آقای اژدها وجود دارد، اما ممکن است با هم ازدواج بکنند. و ازدواج آنها تا زمانی که خانم گاو از شوهرش اژدها توقع کمک به شستشوی ظروف غذا را نداشته باشد، آن هم بکرات. زیاد دوام می‌آورد. خانم میمون شادمان با شوهر گاو خود به خوبی زندگی می‌کند، شوهری که شیفتنه دلربایی و عقل او می‌شود. اما این خانم باید به خاطر داشته باشد که دوز و کلک را در خانه‌اش کنار بگذارد.

ازدواج دو تا گاو درست به بدی ازدواج یکی از آنها با ببر است. آنها بر سر هیچ و پوچ دعوا به راه خواهند انداخت و در این ماجرا هیچ کدام از آنها برنده نخواهند بود مگر وکیل آنها در موقع طلاق گرفتن. پس خیلی احتیاط کنید.

سال گاو چه تأثیری روی شما خواهد گذاشت؟

[سالی برای سخت‌کوش‌ها]

سال گاو نه تنها برای گاوها سال خوبی است، بلکه برای کسان دیگر هم که از کار سخت و شرافتمدانه خجالت نمی‌کشند، سال مفیدی می‌باشد. این سال برای اسب پرکار و صنعتکار نیز غنی است. در این سال پول مشکلی خواهد بود و پیشرفت در جریان خواهد بود. ضمناً سال مناسبی برای اسب برای ازدواج و تشکیل خانواده است.

میمون ماهر علیرغم هر نوع علامت تأثیرگذار که باشد، همیشه قادر خواهد بود مراقب خود باشد. اژدهای متھور آرامش گاو را به هم می‌زند و ممکن است خود را زیر انتقاد غیرعادلانه بیابد. حتی در این وضعیت نیز آقای اژدها می‌تواند به آن اندازه که از وی انتظار می‌رود، به اوضاع مسلط بشود و باز هم بر درآمد خود بیافزاید.

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

خروس محافظه کار در سال موس قبلى شرایط سختی داشت. اما اوضاع بهتر می شود و او شاهد تغییرات خوشایندی در سرنوشت خود شده و برتر از همه از نظر مالی وضع خوبی خواهد داشت. برای یک بار هم شده تلاش آنها به ثمر می رسد. اوضاع برای موس برعکس می باشد که تأکید زیادی بر تلاش فراوان دارد. وی نمی تواند نتیجه فعالیت مداومش را ببیند. و از دوری جستن و خود را کنار کشیدن برای مدتی، صدمه نخواهد دید. خوک مطیع هر چیزی که از وی بخواهند انجام می دهد و حتی بیشتر از آن. اما وی خودش را در سطح بالا می داند و گاو نیز به عنوان یک فرد بخشندۀ نسبت به شخصیت‌های لافزن شهره نمی باشد. برای خوک نیز این احتمال وجود دارد که برای شغل بهتر باید یک سال دیگر صبر نماید.

گربه وظیفه شناس علیرغم طولانی بودن ساعت کارش، خود را با آن وفق

خواهد داد و از استراحت و چرت زدن در سایه لذت خواهد بود. خانم مار باید بداند که اگر می خواهد خودش را به جایی برساند، در سال تلاش و عرق ریختن قرار دارد. عقل و چشم بصیرت در یک زمان دیگر خواهد آمد. شک و تردید سگ به وسیله قدرت مجاب‌کننده گاو دو برابر می‌شود. و روح ماجراجوی ببر به وسیله پرکاری و زحمت زیاد دستخوش اختلال می‌شود. اگر ببر و سگ خواهان آرامش هستند، می‌توانند آن را در کنار بز هوسباز بیابند.

گاوها مشهور در عرصه‌های:

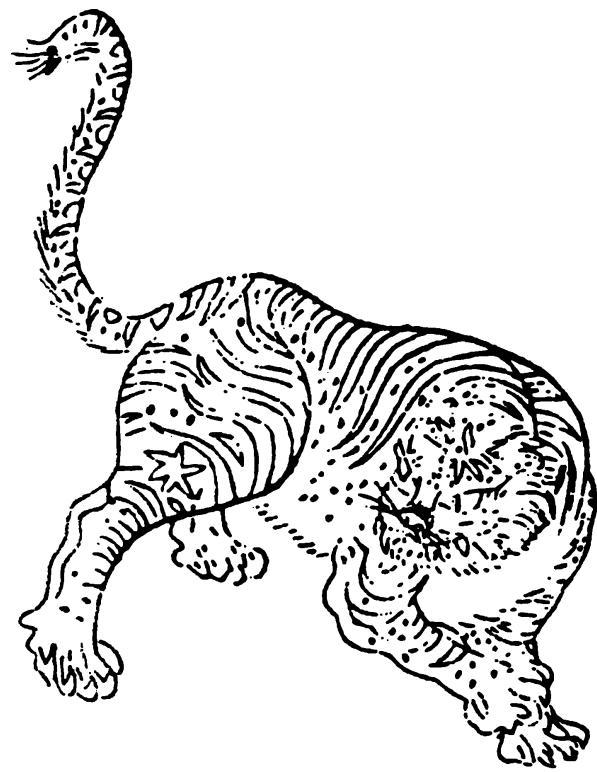
ریوبنر	هنر: مارتین امیس
ساپلیوس	ولادمیر اشکنزری
تام استاپرد	جی اس بچ
وینسنت ون گاف	دیوید بیلی
ورزش: گوردون بنکس	ولیام بلیک
فرنک برونو	بنیامین بریتن
جیاف کیپس	پیتر بروک
هری کارپتر	جین کاکتیو
رابی چارلتون	جیلی کوپر
فرنیسیس ریچستر	والت دیزنی
جو دیویس	دووراک
سانیل گاوسکار	ال گرکو
آلکس هیگینز	هندل
نیکی لادا	دیوید هاکنی
دنیس لی لی	ریچارد اینگرمز
آین راش	اسکار پیترسن

جرج کول	بیل شنکلی
جکی کالینز	پیتر شیلتون
پیتر کوک	فتیما ویتبرد
گری کوپر	صنعت و سیاست: لورا اشلی
تانی کرتیس	مناخیم بگین
مارلین دا پتیریخ	تانی بن
انیتا دابسن	نپولئون (ناپلئون)
جين فاندا	مایکل فوت
داستین هافمن	آدولف هیتلر
راک هادسن	صدام حسین
پل نیومن	آرتور اسکار جیل
مریل استریپ	مارگارت تاچر
توییگی	دوک ولینگتن
آلن ویکر	سلاطین: شاهزاده خانم دایانا(۱)
موسیقی پاپ:	کینگ یوان کارلوس
شرلی بسی	امپراتور هیروهیتو
سمی دیویس (پسر)	هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:
بوی جرج	وارن بیتی
رابین و مورایس گیب	پامیلا بردنز
بیل هیلی	روری برمنر
آلیسن مویت	سارا برایتمن
بروس اسپرینگ استین	ریچارد برتن
ریک ویکمن	چارلی چاپلین

۱- در زمان ترجمه همین سطور یعنی مورخه ۷۶/۶/۹ مصادف با ۳۱ آگوست ۱۹۹۷ متأسفانه پرنس دایانا در اثر تصادف اتومبیلش در فرانسه که ناشی از تعقیب خبرنگاران موتورسیکلت سوار بود درگذشت.

بیر THE TIGER 虎

1902	{ از ۸ فوریه ۱۹۰۲ تا ۲۸ ژانویه ۱۹۰۳ از ۱۹ بهمن ۱۲۸۰ تا ۸ بهمن ۱۲۸۱ }	1903
1914	{ از ۲۶ ژانویه ۱۹۱۴ تا ۱۳ فوریه ۱۹۱۵ از ۶ بهمن ۱۲۹۲ تا ۲۴ بهمن ۱۲۹۳ }	1915
1926	{ از ۱۳ فوریه ۱۹۲۶ تا ۱ فوریه ۱۹۲۷ از ۲۴ بهمن ۱۳۰۴ تا ۱۲ بهمن ۱۳۰۵ }	1927
1938	{ از ۳۱ ژانویه ۱۹۳۸ تا ۱۸ فوریه ۱۹۳۹ از ۱۱ بهمن ۱۳۱۶ تا ۲۹ بهمن ۱۳۱۷ }	1939
1950	{ از ۱۷ فوریه ۱۹۵۰ تا ۵ فوریه ۱۹۵۱ از ۲۸ بهمن ۱۳۲۸ تا ۱۶ بهمن ۱۳۲۹ }	1951
1962	{ از ۵ فوریه ۱۹۶۲ تا ۲۴ ژانویه ۱۹۶۳ از ۱۶ بهمن ۱۳۴۰ تا ۴ بهمن ۱۳۴۱ }	1963
1974	{ از ۲۳ ژانویه ۱۹۷۴ تا ۱۰ فوریه ۱۹۷۵ از ۳ بهمن ۱۳۵۲ تا ۲۱ بهمن ۱۳۵۳ }	1975
1986	{ از ۹ فوریه ۱۹۸۶ تا ۲۸ ژانویه ۱۹۸۷ از ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ تا ۸ بهمن ۱۳۶۵ }	1987



آن ببر را نگهدارید، آن ببر را نگهدارید، آن ببر را نگهدارید...
تایگرگ

سال ببر

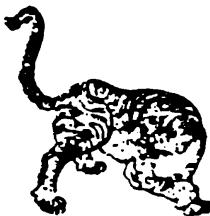


هیچ کس نمی‌تواند سال ببر را نادیده بگیرد. این سالی است که همه چیز زیر و رو خواهد شد. هر روز قول یک طرح عظیم، هر فردا ایده جدیدی که بهتر از ایده قبلی است. انرژی، قدرت و شجاعت عوامل پیروزی هر کسی در سال ببر است. پس اشخاص ملایم و کم رو بهتر است این سال را در خانه بمانند و دست به اقدامی نزنند. اما اگر سال ببر با شادمانی و جشن و سرور آغاز بشود، روز پایانی داستان دیگری خواهد داشت. خیلی چیزها ممکن است عوض بشود (همیشه نویلبخش نخواهد بود) وقتی عامل تغییرات خود ببر باشد، اوضاع تغییر یافته هر چیزی که باشد، تغییر یافته باقی خواهد ماند. حتی در این حالت نیز جای شکرش باقی است و هیچ کس متضرر نخواهد شد.

احتمال دارد در سال ببر جنگ‌هایی بین کشورها به وقوع بپیوندد و دولتها بی سرنگون شوند. در صحنه سیاست، سال ۱۹۷۴ یک سال انفجارآمیز بود. در ایالات متحده آمریکا ریچارد نیکسن به دنبال بزرگترین رسوایی سیاسی در تاریخ آمریکا محکوم شناخته شد. در بریتانیا کبیر دولت ادوارد هیس، نخست وزیر وقت بعد از سه روز از معرفی کابینه اش، بالاخره سقوط نمود. در سال ۱۹۲۶ نیز بریتانیا از اعتصاب عمومی ضربه شدیدی دید.

به هر حال علیرغم فراز و نشیب‌های فراوانی که متوجه خیلی‌ها خواهد شد، سال بیرون برای آن دسته از افراد که بدون ترس و واهمه وارد ناشناخته‌ها می‌شوند و حداقلتر توان خود را ریسک می‌کنند، لبخند خواهد زد. اگر نوازنده هستید و یا سیاح و کاشف می‌باشید، جرأت داشته باشید. این سالی است که می‌توانید بدون در نظر گرفتن شغل‌تان، پی به ماهیت خود ببرید. حالا وقت شروع پروژه‌ای است که فکر می‌کنید کمترین شанс موفقیت را دارد. و آن را تا آنجا که در توان دارید، به جلو برانید. موفقیت فوق العاده‌ای خواهد بود. از جاهای دور و خارج از دسترس دیدن نمایید. سال ۱۹۶۲ شاهد اولین پرواز فضایی سرنشین‌دار آمریکا بود. بنابراین اگر می‌خواهید به قله کوه اورست صعود نمایید یا سرتاسر هفت دریا را به تنها بپارو بزنید، معطل نکنید. به استقبال خطر بروید زیرا سال، سال بیرون است.

شخصیت بیر



وقت تغییر، انرژی و عمل است، بیر شجاع و قدرتمند را
وارد نمایید.

وقتی شاعر ویلیام بلیک این شعر: «بیر، بیر درخشنان می‌سوزد...» را قلمی نمود، نمی‌توانست بیر را بهتر از این، آن طور که مردم آسیا و چین نقش نموده‌اند، تشریح نماید. خصوصاً آسیایی‌ها بیر را تا حد آرم ملی خود بالا برده‌اند. آنها عقیده دارند که بیر آنها را از سه تا فاجعه بزرگ حفظ خواهد

نمود که عبارتند از: آتش، دزدی و ارواح خبیثه. ما هم در غرب پی به قدرت فراوان ببر برده‌ایم. پس تعجبی ندارد که بینیم یکی از شرکت‌های نفتی ما نام نوعی روغن موتورش را با علامت بیر مزین نماید و هر کسی که ببر در حال دویدن را دیده باشد، نظر تبلیغی آنها را تأیید خواهد نمود. هیچ جانوری در روی زمین مانند او ترکیبی از زیبایی، قدرت و انرژی را ندارد. و اگر شجاعت را نیز به این لیست اضافه نماییم، صفت واقعی و رشک‌برانگیز متولدین سال ببر را تکمیل کرده‌ایم. ببر با قدرت جسمانی و عقلانی مخزن ایده‌های جدید است که به بیرون تراوosh می‌کند. برای مثال لرد نلسن^(۱) یک ببر بود. اسکار وايلد، دیوید استیل، دیوید اوون و کریستینا اوناسیس هم نمونه‌های دیگری از ببر هستند.

ببر علیرغم قدرت و قاطعیت فراوان که دارد، بدون مخالف نمی‌باشد و درست است که در خیلی از مبارزات پیروز بیرون می‌آید، اما این دعواها داستانی دیگر هستند.

تحت هر شرایطی که باشد، ببر از نظرها به دور نمی‌ماند. وی پر تحرک و انقلابی است در نتیجه وقتی بینند که به دیگران امکاناتی داده می‌شود، آرام در کناری نمی‌ماند. ضمناً هرگز او را به زور به این طرف و آن طرف نکشید. ببر عاشق جنگ و جدال است ولی در تعداد کمی از آنها پیروز بیرون می‌آید. ببر هم متھور است و هم باهوش و خیلی زود ایرادات دیگران را تشخیص می‌دهد. علیه هر نوع اقتدار با جسارت واکنش نشان می‌دهد، خصوصاً اگر متوجه بشود که به تباہی کشیده شده است. ببر از نظر شغلی رئیس هیئت مدیره بد و رئیس اداره عالی است. واقعیت این است که ببر

۱- دریادار نلسن متولد ۱۷۵۸ در انگلستان در جنگ دریایی ترافالگار در سال ۱۸۰۵ ناوگان ناپلئون را شکست داد و سیادت انگلیس را بر دریاهای مجدداً برقرار نمود و خود نیز در آن جنگ

یک سردسته طبیعی است. در این رابطه کارل مارکس را در نظر بگیرید که چگونه دسته برادرانش را در روسیه شوروی هدایت نمود و بزرگترین انقلاب جهان را به وجود آورد.

ببر در واقع هر کاری را که به وی امکان نشان دادن شهامت و تخیلاتش را بدهد قبول می‌کند. برای مثال سرپرستی عده‌ای، سرکار آگاه، مدیر اجتماعی یا کاپیتان تیم ورزشی که وی بتواند هر دو هنر ش را آزادانه به مرحله اجرا بگذارد. وی می‌تواند افراد زیردستش را سازماندهی و تهییج نموده و در همان زمان جلسات اداره‌اش را به خوبی اداره نماید.

دورنمای ببر حاکی از آنست که وی تمام چیزهایی را که دوست دارد، در اختیار دارد.

خانم و آقای همیشه شیک پوش ببر امورات خود را به راحتی می‌گذرانند. هیچ اثری از کفش‌های کار کرده و کهنه شده گاو را در جا کفشو ببر نخواهید دید. همین طور در روی میز توالت خانم ببر اثری از انواع جواهرات بدلی مورد علاقه مار را مشاهده نخواهید کرد. ببر آدم خوش‌قیافه‌ای است و خودش به این امر واقف است. ضمناً این را نیز می‌داند که نیروی جسمانی وی فقط برای نشان دادن نمی‌باشد. اما ببر یک نقیصه دارد که خیلی هم جدی است. ضمناً وقتی دویدن ببر را مشاهده بکنید متوجه می‌شوید که وی واقعاً یک قهرمان دو می‌باشد. بر و بازوی قوی وی صرفاً برای نمایش دادن نمی‌باشند بلکه باید به موقع از آن‌ها استفاده نماید.

تمام آنها بی که در سال ببر به دنیا آمده‌اند، نیاز به ابراز وجود را در درجه اول اهمیت می‌دانند. البته این بدان معنی نیست که وی می‌خواهد شخص مشهوری بشود، هرچند که هیچ ببری که در خود ارزش لازم را سراغ دارد، شانس تاج افتخار بر سر گذاشتن را رد نمی‌کند. هر کارهای بشود دوست دارد در تشکیلات ساخت خودش باشد و حداکثر تلاش خود را به عمل

خواهد آورد که ثابت نماید مناسب آن شغل است. ببری را می‌شناسم که از یک شغل عالی مطمئن با حقوق زیاد در وزارت امور خارجه دست کشید تا یک نویسنده پشود، آن هم نه یک نویسنده موضوعات قدیمی، بلکه نویسنده داستان‌های تخیلی جدی و بزرگ‌نما شده (از کارهای عادی ببر که نزدیک ترین ستاره را هدف نمی‌گیرد). وی برای نویسنده شدن خانه زیبایش واقع در آکسفورد شایر را فروخت و هزینه زندگی اش نمود، و وقتی آن پول هم تمام شد، وی روزها را کار کرد و در شب‌ها و ایام آخر هفته به نویسنندگی پرداخت. حتی همسر مهربانش که یک اسب بود، در تأمین مخارج خانه کمکش می‌کرد. بدین طریق وی مانند کسی که معدن درجه یک داستان‌هاست، آنها را پشت سر هم نوشت. اغلب چند صفحه از کتابی را ننوشت، آن را کنار می‌گذاشت و بهتر از آن را شروع می‌کرد. برای وی فرقی نمی‌کرد که چند تا از کتاب‌هایش جزو پرفروش‌ترین‌ها باشد یا در قفسه‌ها به فروش نرفته باقی بماند، تنها چیزی که واقعیت داشت این بود که وی یک ببر بود و می‌خواست واقعاً خودش باشد.

به دلیل خاصیت پرتحرک بودن ببر و تا حدودی ذات غیرصبورش، ابتدا اقدام به کاری می‌کند و بعد درباره آن فکر می‌کند. و بر عکس وقتی با یک تصمیم‌گیری مهم مواجه بشود، اغلب طفره می‌رود. اغلب در انجام اموری وارد جزئیات شده و از اصل مطلب غافل می‌ماند و در آخر همه چیز را خراب می‌کند. وقتی کارها خراب بشود، وی آن را با تمام وجودش حس می‌کند. شاید بتوان میزان دلتگی ببر را با استفاده از قوانین فیزیک که در مدارس تدریس می‌شود، ارزیابی نمود. یعنی مقدار انرژی که ببر صرف یک پروژه می‌کند، مساوی مقدار ناراحتی است که آن پروژه با شکست مواجه می‌شود. در چنین موقعی است که وی نیازمند راهنمایی دوستانش می‌شود و زمانی که وی در گیر گرفتاری خودش است، اهمیت زیادی به گرفتاری دیگران قایل نمی‌شود. بعدها وقتی آماده فعالیت می‌گردد، باز هم سرزنش و

سراپا گوش می‌شود، اما نه در موقعی که با شکست مواجه شده است. ضمناً پرستار خوبی نیز نمی‌باشد. و با مرضی که باعث عدم تحرک وی گردد نمی‌تواند بسازد. وقتی در موقعیت بدی گیر بکند به هر راهنمایی چه خوب یا بدگوش می‌دهد و هر دستی را که به سویش دراز شود چنگ می‌زنند. و بعد از خلاصی از آن وضع دویاره آماده فعالیت مجدد می‌شود. به عبارت دیگر سر و وضع خود را مرتب و آراسته نموده و طوری به سوی مقصدش حرکت می‌کند که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است. وی با امیدواری و انرژی تجدیدیافته‌ای به پیش می‌رود و در این حالت توجه چندانی به آنها بی که در موقع گرفتاری وی به کمکش شتابته بودند، از خود نشان نمی‌دهد. یا وقتی در تعقیب اهداف فردایش می‌باشد، فرصت اندیشیدن به شکست دیروزش را ندارد.

بیر تجسمی از یک مرد دارای ایده‌های است. هیچ کس به اندازه او دارای منبع دائمی ایده‌ها نمی‌باشد، و وقتی صحبت از انرژی و شجاعت می‌شود، بیر کیلومترها از بقیه جلوتر است. برای مثال خیلی‌ها عقیده دارند که بتهون در تصنیف آهنگ‌ها از همه آهنگ‌سازان مقدم‌تر است، و من خیلی‌ها را دیده‌ام که ادعا می‌کنند او یکی از بزرگترین مردان تاریخ است. حتی وقتی وی یک پسریچه‌ای بیش نبود، ساختن آهنگ‌ها برایش به آسانی نفس کشیدن بود. تراویش ایده‌ها از مغزش سریع‌تر از قدرت نوشتمن آنها بود، و موقعی که به سینین میانسالی رسید، ترکیب نمودن آهنگ‌هایش جامع‌تر و ژرف‌تر شد. وی به عنوان آهنگ‌ساز و نقاش مایه افتخار وین بود، اما خودش از این همه دستاوردهای راضی و قانع نبود. مثلاً برای ساختن تنها یک اپرا به نام فیدلیو حداقل چهار تا مقدمه تنظیم نمود که غیر از یکی بقیه را به کنار گذاشت. سپس درست در اوج قله شهرت و افتخار بود که سرنوشت، بدترین ضربه را بر او وارد نمود و او ناشنوا گردید. بدین طریق بزرگترین موسیقیدان جهان قادر نشد آهنگ‌های ساخت خود یا دیگران را

بشنود. بنابراین تعجبی ندارد که بشنویم وی در لاک خود فرو رفت و حتی به فکر خودکشی افتاد. اما روح تسخیرناپذیر بتهوون شجاع او را طوری هدایت نمود که مجدداً شروع به تراوش نت به دنبال نت دیگر نمود. ثمره این بهبودی او نواهای روحنازی هستند که بشر تاکنون شنیده است. بتهوون ببر پیروز شده بود.

درست است که ببر علامت مردانگی است، اما خانم ببر نیز هیچ چیز از او کم ندارد. خانم ببر فوق العاده با بچه‌های خود و حتی بچه‌های دیگران مهربان است. ضمناً آموزگار ایده‌آلی می‌شود و محبت قلبی شاگردانش را به سوی خود جلب می‌کند. در مورد انجام تکالیف توسط شاگردان زیاد سختگیری نمی‌کند، آنها را کتف نمی‌زند و وادارشان نمی‌کند که از روی اجبار طوطی وار یاد بگیرند. راز موفقیت معلمین ببر در آنست که با روانشناسی خواسته‌های شاگردان را پیدا نموده و تا اندازه توانشان از آنها تکالیف و درس می‌خواهند. ضمناً هیچ کسی بهتر از ببر داستان نمی‌گوید. گوش و مغز بچه ببر پر از انواع داستان‌ها و افسانه‌های جالب و شیرین خواهد بود.

اما از خانم ببر انتظار نداشته باشید که زیاد وقت خود را صرف شستن ظروف نماید و یا از وی نخواهید که پیراهن شما را اطونماید. خانم از هر لحظ آزادیخواه است و وقتی چیزی را بخواهد، قدم جلو گذاشته و آن را به دست می‌آورد. موضوعی که به اتفاق خانم ببر به سرعت شروع بشود، در مدت کمی هر دو طرف را از پا می‌اندازد، اما این امر ببر را نگران نمی‌کند. چیزی که اتفاق افتاده دیگر گذشته است و جایی برای احساس گناه باقی نمانده است. در نتیجه کوچکترین ناراحتی برای وی نخواهد داشت.

خانم ببر در لباس پوشیدن بی‌پروا و حتی گاهی افراطی می‌باشد. وضع ظاهری وی زود جلب توجه می‌کند و اغلب از لباس‌های با رنگ روشن استفاده می‌کند. مانند روسربی قرمز، دستمال گردن خط خطی، چکمه چرمی

و کمربند چرمی و گاهی اوقات از لباس‌های مدل مردانه مانند کت و شلوار استفاده می‌کند.

بیر اکثراً بیش از نیازش پول کسب می‌کند، ولی موقعی هم پیش می‌آید که مجبور می‌شود با کم بسازد. اما هرگز به بی‌پولی کامل نمی‌رسد، زیرا منبع ایده‌هاست. از سوی دیگر به دلیل این که اغلب ریسک می‌کند، در نتیجه زندگی آرامی ندارد. یک چیز در مورد ببر محرز است و آن اینست که هرگز اسیر هوای نفسانی نمی‌شود. از آنجایی که ببر تحت علامت شهامت متولد شده است لذا از هیچ شغلی که دارای ریسک باشد روی گردان نخواهد بود. و اگر این مشاغل دارای عنوان‌هایی از قبیل مدیر، رئیس یا کاپیتان باشد چه بهتر. بیرها روزنامه‌نگاران، قهرمانان دو (در فاصله‌های کوتاه)، ستاره‌های سینما، مدل، نوازنده‌گان موسیقی جاز و مکتشفین ایده‌آلی می‌شوند. اما ببر مانند آنهاست که زندگی توأم با ریسک را قبول می‌کنند، ممکن است موفق از آب درنیاید. در واقع چینی‌ها عقیده دارند که ببر ممکن است در اثر قبول ریسک با مرگ دردناک و ناگهانی مواجه شود که عامل آن جاهطلبی خود است. بیرهایی که در وسط روز متولد بشوند، آسیب‌پذیرتر می‌شوند. متأسفانه این امر در مورد زیباترین و جذاب‌ترین بانوی تمام دوران، ماریلین مانرو مصدق پیدا کرد.

علیرغم این که خانم ببر دقت فراوانی به زیبایی خانه‌اش به عمل می‌آورد، اما در این امر دست به افراط و ولخرجی نخواهد زد، با وجود این‌ها وسایل منزل وی زیبا و از کیفیت خوبی برخوردار می‌شوند. و برتر از همه این که راحت خواهند بود. آقای ببر خیلی موقع از دست محیط خود خسته می‌گردد. آنها برای مدت کوتاهی هر کجا که باشند آنجا را دوست دارند. ولی بندرت خود را وابسته به آنجا می‌کنند. و به محض این که هوس آنها از بین رفت از آنجا کوچ می‌کنند.

در شخصیت نیز، ببر اغلب با دوستانش آن گونه رفتار می‌کند که با

خانه اش عمل می کند. ببر که فوق العاده اجتماعی است، مایل می شود تمام هستی خود را فدای رفاقت نماید و چیزی برای خود نگاه ندارد. متأسفانه در اکثر موقع این رفاقت وی دوام نمی آورد. به عبارت دیگر علیرغم آغاز آتشین دوستی اغلب متوجه می شوید که یواش یواش آن جوش و خروش اولیه از بین می رود و فاصله دیدارها زیاد می شود. اما با وجود این ها طول مدت دوستی شما با ببر خواه یک هفته، یک سال یا در طول زندگی باشد، هر موقع به ملاقات شما بباید، نشانه ای از گرمی را خواهد آورد. برای مثال اگر کادویی برای شما بیاورد، حتم بدانید که آن را قبلاً به خاطر شما و با سلیقه انتخاب و خریده بوده است. کسی در دست و دل بازی به پای ببر نمی رسد چه از نظر بذل محبت و چه از نظر خرج پول. و هیچ کسی به اندازه ببر از کم توجهی رنجیده خاطر نمی شود.

مراحل سه گانه زندگی یک ببر غیرقابل پیش بینی است. در مرحله کودکی به طور دائم موجب نگرانی والدین خود است. آنها اغلب از جای وی و این که مشغول چکار است بی خبر می مانند. تا این که بالاخره صدای آشنای وی را می شنوند که داد می زند: من آمدم، من آمدم، من آمدم! اما سر و وضع وی معلوم نیست که چگونه باشد. مرحله میانی زندگی ببر خطرناک ترین آنهاست ولی او به فراز و نشیب های آن فایق می آید. دوران پیری ببر توأم با صلح و رضایت خواهد بود، همان طور که آرزویش را دارد.

ببر به عنوان والد

وقتی خانم ببر دوران پر از جوش و خروش جوانی را پشت سر بگذارد و شوهر نماید و دارای اولاد زیادی (سه تا فرزند) بشود، مادر فوق العاده خوبی می شود. شاید وی هر کدام از بچه هایش را به عنوان یک پروژه در نظر می گیرد تا با انرژی بی پایان خود آن را به مرحله کمال برساند. اما ممکن

است یک بچه ببر که نتوانسته باشد توجه و محبت والدین اش را به سوی خود جلب نماید، عقب بماند. اما باید این حقیقت را نیز در مدنظر داشته باشیم که خود این بچه ببر نیز منع ایده‌های عالی است. اما شاید این بچه ببر چیزی بیش از توجه و تحسین ایده‌های جوانی خود می‌طلبد. از سوی دیگر اگر بچه سگ باشد، نیازهای او فوراً اجابت می‌شود. زیرا نیازهای وی خیلی زود تشخیص داده می‌شوند و والدین ببر او حداکثر تلاش خود را برای برآورده آنها و دل و جرأت بخشنیدن به وی به کار می‌برند. در حقیقت قلب باز و حس وفاداری این بچه سگ، مادر ببر او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، طوری که هیچ بچه دیگری نمی‌تواند چنین کاری را بکند. بچه اژدها نیز تحت نظر والدین ببر خود به خوبی به شکوفایی می‌رسد. درخشش بچه اژدها نیز تحت نظر والدین ببر خود به خوبی به شکوفایی می‌رسد. درخشش بچه اژدها در هر چیزی که انتخاب می‌کند، حداکثر محبت پدر یا مادر ببر خود را جلب می‌کند.

بچه موش نیز از همان اوان کودکی خیلی سریع بهترین نقاط و جلب کمک را تشخیص می‌دهد. نقطه ضعف وی متأسفانه در آنست که رفتار وی مورد خواشایند والدین ببرش نمی‌شود. مثلاً بچه موش می‌فهمد که منشاء هر چیزی از چه چیز است، اما والدین او قادر به این کار نیستند. به همین دلیل است که این بچه از همان اوان جوانی شروع به ترک خانه می‌نماید. زیرا سقف خانه ببر شادی و هیجان فراوانی برقرار می‌گردد. دختر بزر نیز علائق مخصوص خود را دارد و مانند بچه موش از همان اوان نوجوانی بقچه خود را بسته و راه ترک خانه را در پیش می‌گیرد. اما بچه خروس و گاو بیش از حدا انتظار، مثلاً یک شیشه مربا از خانه خود توقع دارند. حتی اگر به دست آورند باز هم قانع نمی‌شوند.

بچه اسب خیلی سریع می‌تواند خود را با اوضاع دائمی در حال تغییر والدینش وفق بدهد و اغلب برانگیخته می‌شود. دختر مار ممکن است

جدول نحوه سازش ببر والد با بچه هایش

موس	<input type="checkbox"/>
گاو	<input type="checkbox"/>
ببر	<input type="checkbox"/>
گربه	<input checked="" type="checkbox"/>
اژدها	<input checked="" type="checkbox"/>
مار	<input checked="" type="checkbox"/>
اسپ	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
بزر	<input checked="" type="checkbox"/>
میمون	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
مرغ	<input type="checkbox"/>
سگ	<input checked="" type="checkbox"/>
خوک	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>

زندگی را عاری از هیجان و دلخوشی تشخیص بدهد و احتمالاً نیاز به فضای بیشتری برای تنفس پیدا نماید. بچه خوکها در هر خانه‌ای که امکانات فراوانی برای سرگرمی آنها داشته باشد، دلشادند. و ببر بیش از نیاز آنها وسائل سرگرمی در اختیارشان قرار می‌دهد. بچه میمون تمام چیزهایی را که می‌آیند یا می‌روند، می‌ستاید، اما در مورد خرج پول توجیبی اش که پدرش به وی می‌دهد، دیوانه‌بازی نمی‌کند. این موضوع در مورد بچه گربه نیز صادق است.

بیر از نظر شغل و پیشه

وقتی موضوع گردانیدن حرفه‌ای مطرح می‌شود، ببر نیاز به یک پشتیبان قرص و پا بر جا دارد. اژدها با وجود این که در اکثر خواص پرجنب و جوش ببر با وی اشتراک دارد، اما مغز فعالی برای بالا بالاها دارد، و اگر می‌خواهند سود فراوانی ببرند، اژدها باید خیالش راحت باشد که یک حساب بانکی با موجودی کافی در جای امنی دارند. اسب که همیشه مایل است به اندازه سهم خود زیر بار برود از این که ببر چندان توجهی به جزئیات ندارد آتشی می‌شود. اگر شراکت ببر با اسب در همان اوایل کار مواجه با ورشکستگی مهمی نشود، شراکت پایداری پدید می‌آید و در زمینه سازندگی قایق موتوری، کایت‌های پروازی و اتومبیل‌های مسابقه پیشرفته می‌کنند.^(۱)

دو تا ببر باید در اقتصاد از هم اجتناب نمایند هرچند که عوامل منفی از آنها فاصله داشته باشد. شанс توافق و همفکری آنها برای اشتراک خیلی بعيد است.

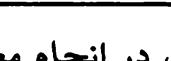
خانم مار حساس و روشن‌بین در محیط آرام بهتر کار می‌کند. این خانم علاقه‌ای به ببر پرتحرک که آرام و قرار ندارد، در داخل هنرکدهاش ندارد. بنابراین بهتر است هر کدام از آنها به تنها بی مغازه خود را اداره نمایند. سگ یک آرمانگرا می‌باشد و شراکت خوبی با ببر به وجود می‌آورد، البته در صورتی که جو انقلابی به اوضاع حاکم باشد. اما اگر بخواهند به کار تولید مشروبات بپردازنند، بهتر است از هم جدا بشوند.

خروس روی هم رفته در همه زمینه‌ها از جمله در شراکت شغلی باید از

۱- هوطنان عزیز در صورت داشتن شرایط مشابه بالا می‌توانند به صنایع مشابه که امکان‌پذیر است اقدام نمایند. م

ببر به دور باشد. زیان تند و تیز وی به زودی شروع به انتقاد از عدم آینده‌نگری ببر نموده و ضمناً آن دو هیچ‌گونه وجه مشترکی با هم ندارند. تا زمانی که آینده نویدبخش به نظر بررسد، بز هوسباز بدش نمی‌آید همراه و شریک ببر بشود، اما موقعی که طلبکاران برای گرفتن طلب خود هجوم آوردند، انتظار نداشته باشید که وی باقی مانده و با آنها مواجه بشود. اما موش از ایده‌های ببر در کار اشتراکی تعریف و تمجید می‌کند و تا زمانی که شخص دیگری حساب دخل و خرج آنها را نگهداری بکند، این دو به خوبی می‌توانند پیشرفت بکنند.

جدول نحوه سازش ببر در شغل و پیشه

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

گربه گرچه شم ویژه‌ای در انجام معاملات پرسود دارد، اما خیلی طول

می‌کشد تا تصمیم به همکاری با ببر پرتحرک اتخاذ نماید. میمون با آن همه تجربه‌اش، شریک مفیدی برای همه است، اما ببر از نظر وی خطرناک جلوه می‌کند لذا دوز و کلک جسارت‌آمیزی به کار می‌برد. پس بهتر است مواطن خود در مقابل ببر باشد. اما خوک به صداقت روز است و برای پیشرفت کار ببر پایه محکمی می‌گذارد. اما ببر خیلی راحت کم حوصله می‌شود و ممکن است بیش از توان خوک از وی توقع داشته باشد.

بدترین شراکت بین ببر و گاو است، البته نه به خاطر این که نخواهند توانست سودی حاصل نمایند، بلکه به این دلیل که هر دو کم حوصله و عصبی مزاج هستند، و هنوز امضاء قراردادشان نخشکیده یقه یکدیگر را خواهند گرفت.

ببر در عشق و عاشقی

ببر و موش نقاط مشترک فراوانی در احساسات نفسانی با هم دارند، اما وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، روابط عاشقانه عمیقی نمی‌توانند ایجاد نمایند. مخصوصاً آقای موش ممکن است درست در لحظه حساس از نظر خانم ببر کمی بی‌وفا جلوه نماید. زوج ببرها خیلی بی‌قرار و دلشادند و عشق آن دو اغلب نیاز به شراکت و درک متقابل دارد. گاو با وجود این که بهترین زوج ببر محسوب می‌شود، اما هر دو تای آنها کوچکترین اطلاعی از نیازهای احساسی یکدیگر ندارند. آنها در دو انتهای خط عواطف زندگی می‌کنند و هرگز نباید همدیگر را ببینند. آقای ببر ممکن است به راحتی تحت تأثیر زیبایی گربه قرار بگیرد. اما گربه‌ها تلاش فراوانی برای حفظ طرف عاشق خود به عمل نمی‌آورند، و ببر نیز به زودی علاقه‌اش به او را از دست می‌دهد. مار خود آراکه خیلی زیرک و حساس است، از عشق ناگهانی ببر خشنود و راضی نمی‌شود. اما ازدهای پراحساس بهترین زوج برای ببر

می شود. هر دو تای این ها از هرگونه بند و گرفتاری اظهار تنفر نموده و با روابط آتشین خودشان، عشق به آزادی را بروز می دهند.

جدول نحوه سازگاری ببر در عشق و عاشقی

موش	
گاو	<input type="checkbox"/>
ببر	<input type="checkbox"/>
گربه	
اژدها	
مار	<input type="checkbox"/>
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

خانم اسب باشکوه و اغلب زیبا می تواند لحظات خوشی با ببر پرانرژی داشته باشد. و آقای اسب در مقابل ایام عدم اطمینان خانم ببر، صبر و حوصله از خود نشان می دهد. تمام خوکها از جست و خیز تفتنی لذت می برند و ببر نیز از این موضوع خوشش می آید. سگ نگران ممکن است به طور تعجب‌آوری در بودن با ببر احساس راحتی نماید. اما این آقای سگ نباید به خودش اجازه دهد که بیش از حد تحت تأثیر درخشش خانم ببر قرار بگیرد. بز عاشق شادی با ببر سازش خوبی به وجود می آورد و می توان

امید داشت که ماجرای عشق و عاشقی آنها به ثمر برسد. اما این ماجرا کوتاه خواهد بود و در موقع خدا حافظی قلبی از طرفین شکسته نخواهد شد. عشق نه چندان آتشین ولی واقعی بین خانم ببر و آقای خروس به وجود می‌آید که با تمام تکبرش در اصل به خودش چندان اطمینانی ندارد. و در خفا از شدت توجه خانم ببر یکه خواهد خورد. خانم میمون ممکن است به راحتی ببر را تحت تأثیر عواطف خود قرار دهد. اما باید مراقب دوز و کلک خود باشد والا ممکن است ضربه ببیند.

ببر از نظر ازدواج

ببرها علیرغم عدم داشتن حق انتخاب شریک زندگی، دو تا روزنه به رویشان باز است. اژدهای غیرقابل پیشگیری و مالامال از روح زندگی، تحت فشار ببر پژمرده نمی‌شود. بلکه بر عکس او خانم ببر را تشویق نیز خواهد نمود. در طرف دیگر سگ باوفا و قابل اعتماد را داریم که خود را کاملاً در اختیار ببر و حسن عدالتخواهی او قرار می‌دهد. این دو به خاطر حمایت از دیگری تا حد جانشاری فداکاری خواهند نمود. به هر حال به نفع ببر است که این کار را برای گاو نکند، زیرا این دو از نظر مزاجی متضاد ولی شبیه به هم هستند. مار که هیچ چیز را به آسانی از دست نمی‌دهد، اما این کار را در مورد آقای ببر انجام می‌دهد، و او نیز با مشاهده دام، با جهش بلند از آن دوری می‌جوید. ببر با وجود بی‌فکر بودن، وقتی تله‌ای را ببیند، فوراً آن را تشخیص می‌دهد.

هر دو تای گربه و بز از حضور جمع لذت می‌برند و میزبان‌های خوبی از درمی‌آیند. با وجود این که ببر از جشن‌های بزرگ خوشش می‌آید، ضمناً اکثراً مرد عمل نیز می‌باشد. شاید تعداد زیاد شب‌های برنامه‌ریزی شده مؤید پیروزی وی در این آزمایش باشد. خانم‌های خوک جزو بهترین آشپزهای

دنیا هستند. حتی ببر نیز خوشحال می‌شود که گاهی به اتفاق بچه‌ها در بعضی شب‌ها به بیرون رفته و شام و دسر را در رستوران با صفاتی صرف نمایند. علاوه بر این‌ها، خوک هم پرستار بدکرداری نیست و هر وقت ببر با شکستی مواجه شود، با کلمات محبت‌آمیزی او را دلداری خواهد داد. اسب خوش‌باور که دیر خشم و زود شاد است نیز زن یا شوهر مفیدی برای ببر خواهد بود. اما گاهی عدم درک یکدیگر نیز وجود خواهد داشت و هر دو تای آنها خواهان کنج خلوت برای خود خواهند بود.

جدول نحوه سازگاری ببر در ازدواج

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

خروس باوفا علیرغم گزاره‌گویی، زن ببر خود را خواهد ستود. مشکل کار در این رابطه در آنست که تنها عشق برای ازدواج کافی نیست، مادیات

نیز برای آن مورد نیاز است. بیر و مرغ می‌توانند بدون فکر و آینده‌نگری بسر ببرند، در نتیجه فقیر ولی شاد یا نیمه شاد زندگی بکنند. زندگی میمون و بیر موقعی دوام می‌آورد که هر دو تا وقت زیادی را خارج از خانه مشغول کار بشوند. بدین طریق بدون این که اعصاب یکدیگر را خراب بکنند از زندگی لذت می‌برند. به طور کلی دو تا بیر نمی‌توانند زیر یک سقف بسر ببرند و ما آن را توصیه نمی‌کنیم. ولی گاهی پیش می‌آید که آنها را وادر می‌کند که با هم بسازند. و اگر تعداد فرزندان آنها زیاد باشد (تا سه بچه) شانس آنها را افزایش می‌دهد. اما این موضوع در مورد موش با بیر صدق نمی‌کند.

سال بیر چه تأثیری روی شما خواهد داشت؟

[سالی برای عمل]

بعد از دو سال طولانی و توأم با ناراحتی، بیر خود را آزاد می‌یابد تا خواسته‌هایش را آن طور که مایل است مطرح نماید. در این سال هیچ کدام از بیرها آرام نخواهند نشست، بلکه همه آنها با جدیت تمام در تلاش خواهند بود. اما بهتر است مواظب باشند، زیرا ممکن است در اثر اعتماد به نفس زیادی، شانس و فرصت طلایی را از دست بدهند و به صفر برسند. سگ وفادار هم که در طول سال‌های موش و گاو زندگی واقعاً سگ‌ها را پشت سر گذاشته است، یواش یواش در این سال شروع به لذت بردن از زندگیش خواهد نمود. خروس محافظه کار در اثر اختلاف به وسیله اطرافیان دچار سردرگمی خواهد شد. سرکشی بیر در تأسیساتشان به خاطر مرغ نیست و این خانم غرق در سرخوشی‌های خود خواهد بود.

دلخوشی موش در راه بیر از بین خواهد رفت زیرا وی فرصت این که دمی بنشیند و اجازه بدهد که به وی برسند نخواهد داشت. گاو متین و پرکار نیز به خاطر محافظت از بیر فعال و پرجنب و جوش به شدت عقب می‌ماند. خوک ملایم هم راه خود را بدون برخورد با موانع زیاد به راحتی

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

طی خواهد نمود. مار کاملاً عاقل نیز می داند که کدام موقع ببر سعد است تا اهداف خود را به جلو ببرد. اسب سازگار هم چیزهای خوب را به راحتی تشخیص می دهد.

بز هم عقاید مخصوص به خود درباره نیازهای متغیر را دارد، اما عقاید وی بندرت با طرح های ببر جور درمی آید. گربه ها همیشه قبل از شروع به اقدامی جنبه های مثبت و منفی آن را در نظر می گیرند و این کار مورد دلخواه ببر نمی باشد. اما این احتمال هم وجود دارد که اگر گربه روی یکی از طرح های دیوانه وار ببر ریسک بکند برند بشود. میمون هنرمند نیز همیشه می تواند کسی را پیدا نماید که به اجرای فنون او کمک نماید و ببر هم عاشق این گونه بازی هاست. اژدهای همیشه پر از منابع و امکانات نیز از ببر پر نشاط کوچکترین و اهمهای به خود راه نمی دهد و با آغوش باز به استقبال

وی می‌رود.

بیرهای مشهور در عرصه‌های:

دوایت دیزنهاور	هنر:
ریچارد برنسن	دیوید اتنبرو
جنرال گالتایری	بتهوون
جیافری هوو	الن کورن
رمزی مکدانلد	الک گوئینس
کارل مارکس	لاری لی
لرد نلسن	رادولف نوریف
دیوید اوون	دایانا ریگ
جوناتان پاریت	جان ساترلند
دیوید استیل	دایلن تامس
سلطین:	اسکار وايلد
ملکه انگلستان	ورژش:
شاهزاده خانم انگلستان	جان آرلات
هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:	جک برابام
کیتی بویل	جو باگنز
پل دنی یلز	دیوید کولمن
سوزن جرج	بری شین
هیو هفتر	هاروی اسمیت
دیوید جکوبز	مارک اسپیتز
آین مکسکیل	جیمی وايت
جرج ملی	صنعت و سیاست:

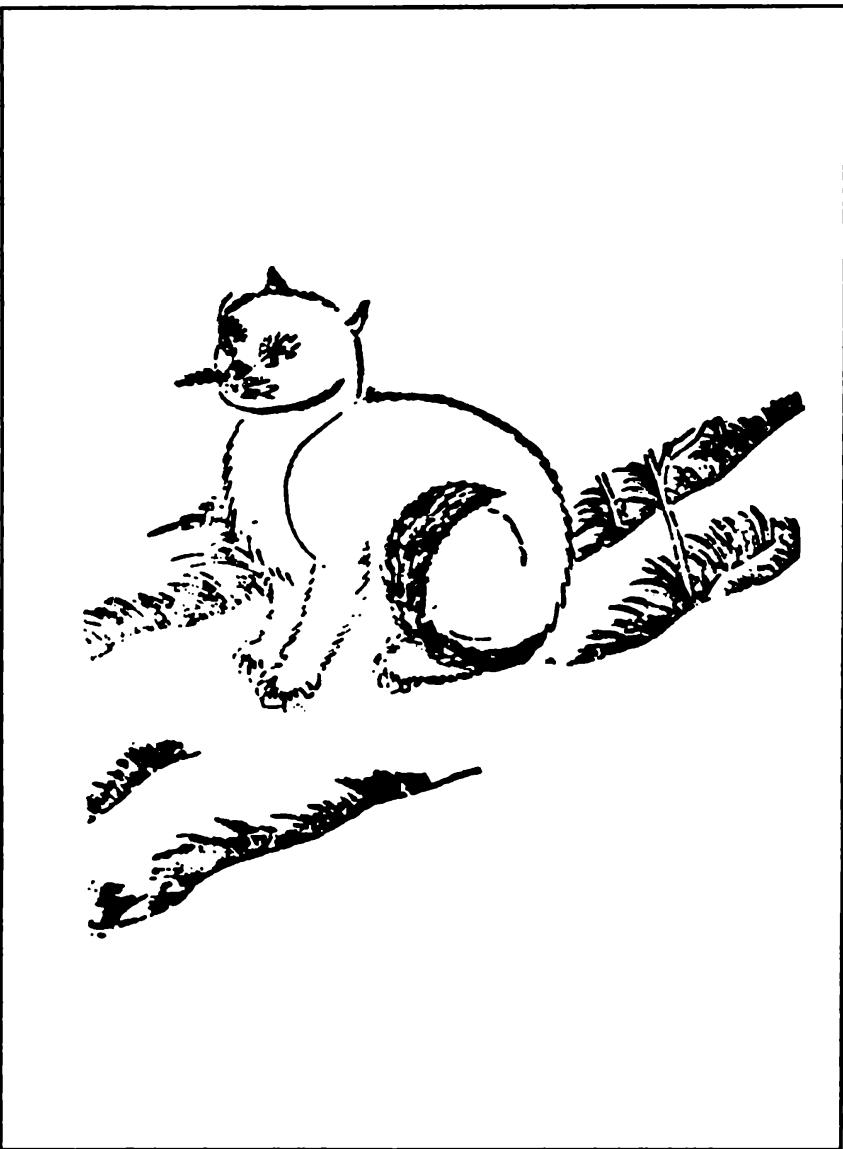
فیل کالینز	ماریلین مانرو
فیل اورلی	پملا استیفنسن
دیوید همیلتون	جولی والرز
جیمی سویل	تری وگن
تاینا ترنر	موسیقی پاپ:
استیوی واندر	کیرن کارپنتر
	ادی کاکرین

گَرْبَه

THE CAT

貓

1903	{ از ۲۹ ژانویه ۱۹۰۳ تا ۱۵ فوریه ۱۹۰۴ از ۹ بهمن ۱۲۸۱ تا ۲۶ بهمن ۱۲۸۲ }	1904
1915	{ از ۱۴ فوریه ۱۹۱۵ تا ۲ فوریه ۱۹۱۶ از ۲۵ بهمن ۱۲۹۳ تا ۱۳ بهمن ۱۲۹۴ }	1916
1927	{ از ۲ فوریه ۱۹۲۷ تا ۲۲ ژانویه ۱۹۲۸ از ۱۳ بهمن ۱۳۰۵ تا ۲ بهمن ۱۳۰۶ }	1928
1939	{ از ۱۹ فوریه ۱۹۳۹ تا ۷ فوریه ۱۹۴۰ از ۳۰ بهمن ۱۳۱۷ تا ۱۸ بهمن ۱۳۱۸ }	1940
1951	{ از ۶ فوریه ۱۹۵۱ تا ۲۶ ژانویه ۱۹۵۲ از ۱۷ بهمن ۱۳۲۹ تا ۶ بهمن ۱۳۳۰ }	1952
1963	{ از ۲۵ ژانویه ۱۹۶۳ تا ۱۲ فوریه ۱۹۶۴ از ۵ بهمن ۱۳۴۱ تا ۲۳ بهمن ۱۳۴۲ }	1964
1975	{ از ۱۱ فوریه ۱۹۷۵ تا ۳۰ ژانویه ۱۹۷۶ از ۲۲ بهمن ۱۳۵۳ تا ۱۰ بهمن ۱۳۵۴ }	1976
1987	{ از ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷ تا ۱۶ فوریه ۱۹۸۸ از ۹ بهمن ۱۳۶۵ تا ۲۸ بهمن ۱۳۶۶ }	1988



قبل از این که گربه خودش را جمع نماید
مانند یک دوست با شما رفتار می نماید
بعضی نشانه های کوچک اعتبار
مانند ظرفی پر از خامه مورد نیاز است.

تی. اس. الیوت

سال گربه



هیچ سالی به اندازه سال گربه دارای علایم متناقض نمی‌باشد که به دنبال سال پر از جنب و جوش ببر می‌آید. به هر حال بعد از این که گرد و خاک می‌خوابد، یک آرامش عجیب ولی خوشایند مشاهده می‌گردد. حالا دیگر جنگ و جدال و به دنبال اهداف تقریباً ناممکن دویدن سپری شده و به جای آنها دنیای راحت‌تر و ساده‌تر را می‌یابیم. و هر صدایی که بشنویم احتمالاً دارای تن ملایمی خواهد بود. در سال گربه اتفاقاتی که قابل ثبت در تاریخ یا رکورددشکن باشد روی نخواهد داد. هیچ قله‌ای فتح نخواهد شد، کسی رکورد دو سرعت را نخواهد شکست، اما اشتباه نکنید، فکر نکنید که چیزی روی نمی‌دهد. بر عکس انرژی زیادی در همه جا مصرف خواهد شد، و اکثراً در محیط خود گربه.

این سالی است برای عیش و نوش، دایر نمودن نمایشگاه‌ها در شهرهای بزرگ. در ماه می ۱۹۵۱ اعلیحضرت جرج پنجم فستیوال بریتانیا را در مقابل پله‌های کلیساي بزرگ سنت پل افتتاح نمود. آن نمایشگاه قابل توجه‌ترین نمایشگاه از مهارت‌ها، صنایع دستی و تکنولوژی بریتانیا بود که تاکنون برگزار شده است. نمایشگاه سال ۱۹۷۵ فرانسه نیز در نوع خود بی‌نظیر بود و صادرات نوشابه‌های آن نمایشگاه در طول ربع قرن بی‌سابقه بود. عمده‌ترین تغییری که ممکن است در سال گربه شاهد باشیم منحصر به

تغییراتی در مدلباس و از این قبیل خواهد بود و باید به یاد داشته باشیم که گربه نمی‌تواند شاهد فاجعه‌های بزرگ جهانی باشد. این بدین معنی است که اگر بلوایی آغاز بشود، گربه نمی‌تواند جلو توسعه آن را بگیرد. در سال ۱۹۳۹ هیتلر به بریتانیا اعلان جنگ داد و تمامی تلاش‌ها برای جلوگیری از آن که همه ما را دچار بلا و فاجعه نمود، بی‌اثر ماند. یا در سال ۱۹۶۳ به جان اف کندی سوء قصد شد و تمام دنیا بدون این که بتواند کاری بکند، فقط نظاره‌گر ماند. با وجود این‌ها، موقعی پیش آمده که گربه توانسته است صلح را برقرار نماید. برای مثال در سال ۱۹۷۵ جنگ مهیب ویتنام به پایان رسید. به هر حال جدای از جنگ‌ها، سال گربه روی هم رفته در صلح و آرامش سپری خواهد شد.

شخصیت گربه



راحت در کنار بخاری بنشین و مشغول نوشیدن باش
و گربه حساس و اجتماعی را ملاقات کن.

قابل توجه‌ترین گربه‌ای که در ایام طفولیت دیدم، از آنها بی نبود که راحت در روی زیلو بخوابد و خرخر نماید، بلکه بانویی به نام آلیس بود که مرتب در سیر و سیاحت بود. مسلماً خیلی‌ها لبخند غیرعادی چشایر^(۱) را

۱- شخصیت کارتونی گربه‌ای که در تلاش شکار قناری داخل قفس می‌باشد و انواع بلاها بر سرش نازل می‌شود. م

به خاطر دارند. این خنده در مورد تمامی گربه‌ها در سرتاسر جهان یکسان است و پی بردن به مفهوم آن یعنی رخنه نمودن به افکار اسرارآمیزترین و محیل‌ترین موجودات جهان.

خانم گربه معمولاً دارای حسن اخلاق می‌باشد. و گربه‌ها معمولاً شیک‌پوش و سیاستمدار خوبی می‌باشند و شکوه طبیعی دارند. این‌ها خانه‌های خود را از هر لحاظ خوب تزیین می‌کنند و هیچ کس به اندازه گربه به نیازهای مادی خانواده‌اش رسیدگی نمی‌کند. و در عالم کار و حرفه هیچ کسی مانند گربه‌دارای شم سودیابی و به موقع آن را به دست آوردن، نمی‌باشد. اگر شما هم در سال گربه به دنیا آمدیده‌اید، از این بابت هم علامت با شخصیت‌هایی چون شاهزاده آلبرت، ملکه ویکتوریا، کری گرانت، فرنک سیناترا، اینگرید برگمن و لرد کلارک می‌باشد.

گربه‌ها که دارای قدرت اسرارآمیز درونی هستند و خیلی‌ها آن را ترس‌آور و سحرآمیز می‌دانند، بعضی از آنها را تبدیل به مردان بزرگ و نامی می‌نماید که از آن جمله می‌توان به تراتسکی، جرج اول، دکتر اسپاک (متخصص کودکان) و بزرگترین دانشمند فیزیک تمام دوران یعنی آلبرت اینشتین اشاره نمود.

گربه که حساس و در برخوردهایش با ارباب رجوع ملاحظه کار می‌باشد، به اضافه نیاز زیاد به داشتن اطرافیان تابع و موافق وی، او را در هر اداره‌ای که باشد تبدیل به بهترین عامل دیپلماسی و سیاست می‌کند. او از یک حافظه قوی برخوردار می‌شود و می‌تواند تمام جزئیات هر نوع مکالمه یا جر و بحث مؤدبانه را به خاطر بسپارد. وقتی مورد گفتگو قرار می‌گیرد شنونده خوبی است و در چنین موقعی گوش‌هایش را کاملاً می‌گشاید و خیلی آرام و بدون حرکت می‌نشیند که می‌توان او را دیپلمات خوبی به حساب آورد و اگر شغل قانونی برای خود انتخاب نماید می‌تواند پیشرفت نماید. به عنوان وکیل دعاوی می‌تواند به هر نوع اظهارات طرفین گوش

بدهد، بدون این که از وی چنین تقاضایی را به عمل آورند. روی هم رفته گربه‌ها دارای این خاصیت هستند که شنونده خوبی باشند تا گوینده نصایح به دیگران. مثلاً اگر می‌خواهید از همسرتان جدا بشوید، نباید به گربه مراجعه کنید و از وی انتظار داشته باشید که شما را نصیحت نماید که مثلاً موضوع را با گفتگو حل نمایید. این صحبت جدایی شما او را دچار دلهره می‌نماید و به یاد زخم‌های خودش می‌اندازد. و اگر جرأت ابراز نصیحتی را داشته باشد، اغلب سطحی خواهد بود و ظاهر قضایا است که به حساب می‌آید نه محتوا آنها. اگر خواهان شنیدن حرف‌های مفت و بی‌محتوا هستید، بهتر است به گربه مراجعه کنید. اما اگر می‌خواهید راجع به انجام حتمی طلاق از همسرتان با وی صحبت نمایید، از او راجع به سروسامان دادن نظرخواهی نمایید. به هر حال گربه بهترین رهنما در مورد پول می‌باشد.

هر نوع فاجعه‌ای از قبیل جاری شدن سیل، قحطی، جنگ، مرگ ناگهانی یکی از نزدیکان و از این قبیل، گربه را به شدت وحشت‌زده می‌کند. و با هر نوع رویدادی که مواجه بشود، بلاfacile عقب‌نشینی می‌کند. اگر رئیس اداره‌ات گربه است و با یک هفته مخصوصی اضافی شما موافقت می‌کند، کافی است وی را تحت فشار زیاد قرار دهید، نه تنها دو هفته مخصوصی اضافی به شما خواهد داد، بلکه مقام و حقوق شما را هم بالا خواهد برد. زیرا رئیس گربه‌ات از اوضاع تشنج‌آور و ناراحت‌کننده اصلاً خوش نمی‌آید. ضمناً این را هم بدان که در صورت عصبانیت و در تنگنا قرار گرفتن، می‌تواند فوق العاده خشن باشد و به هیچ چیز اهمیت ندهد. و با وجود این که فکر جنگ نمودن آخرین ایده وی می‌باشد، ولی اگر مجبور بشود، می‌تواند خطرناک بشود. و اگر بخواهیم توان تحمل او را امتحان نماییم، چیزی عایدمان نمی‌شود تا این که می‌بینیم به طور ناگهانی کار از کار گذشته است. به طور کلی گربه‌ها از احساسات زیاد خوششان نمی‌آید و نمی‌توانند با آن کنار بیایند. من شخصاً آقای گربه‌ای را می‌شناسم که با شنیدن هر نوع

صدای بلند و خشنی به شدت می‌ترسد و خرد می‌شود. خصوصاً از صدایی که در اثر جر و بحث بلند بشود. و جر و بحث طولانی او را دچار اختلال مشاعر می‌کند. یادم می‌آید که یک بار در رستوران با زن گاوی وارد بگومگو شدیم و وقتی صدای ما به اوج رسید، دوست گربه‌ام از رستوران به بیرون دوید و تقریباً حاشش به هم خورد. و بعد از دقایقی با رنگ و روی پریده برگشت و ساکت در سر جایش نشست و تا آخر غذاکلمه‌ای حرف نزد. بدین طریق مشاهده می‌کنیم که گربه‌های معمولی در اثر یک تندباد و خشونت درهم فرومی‌ریزنند. و در یک مورد دیگر یک گربه در حین اجرای نقش در تئاتر، در اثر شنیدن موسیقی متن و تحت احساسات قرار گرفتن، از خود بی‌خود گردید و غش نمود.

روی هم رفته گربه‌ها موجودات احساساتی و ژرف‌نگر نیستند. در واقع برای آقای گربه هر اتفاقی که در دنیای زشت خارج از خانه‌اش روی می‌دهد، هیچ اهمیتی ندارد. و نسبت به رویدادهای ناراحت‌کننده احساس بیزاری می‌کند و اگر با چنین حالتی مواجه بشود ممکن است رفتار عجیب و به طور باور نکردنی خشنی از خود نشان بدهد. گربه خانه و لوازم آسایش آن را برتر از هر چیزی می‌داند و نیاز به بدست آوردن آنها را مایه دلخوشی خود می‌داند که هستی وی به آن وابسته است. اما آیا لازم است در مقابل گربه به خشونت متول شد و یا تظاهر به این کار نمود، بهتر است یادآور شویم که گربه می‌تواند تبدیل به دراکولا هم بشود. در چنین موقعی از مکان امن خود با ظاهری آرام ولی با پنجه‌های باز جهت محافظت خانه و خانواده‌اش حمله می‌کند و هیچ اهمیتی به قربانی خود که در اثر هجوم وی در حالت بحرانی بسر می‌برد نمی‌دهد. با آگاهی به این امر، تعجبی ندارد بشنویم که بعضی از خشن‌ترین دیکتاتورهای دنیا گربه بوده‌اند. استالین و آخرین نخست وزیر رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی گربه بودند. به عقیده من نباید به افراد گربه قدرت داد، زیرا این‌ها نمی‌توانند تشخیص بدهند که هر

چیزی که به نفع اوست به نفع دیگران هم است یا نه. و نتیجه کار به ضرر هر دو طرف خواهد بود. این‌ها حتی به مرده قربانیان خود نیز رحم نمی‌کنند. اما اگر به گربه که خواهان زندگی آرام و به دور از خطر و صحبت از فاجعه‌های بی‌پایان دنیا باشد امکان زندگی بدھند که وی مجبور نباشد غم دیگران را بخورد، در حرفه انتخابی خود پیشرفت زیادی می‌کند. البته اگر کار مورد نظر سخت و ساعات کار دراز نباشد (گربه به خواب بعد از ظهری و هر موقع که فرصت بیابد، خیلی علاقه دارد) در این حالت است که خودش را نشان می‌دهد و می‌درخشد. گربه به طور آشکاری باید از کارهایی که توأم با ریسک و درگیری باشد اجتناب کند و در صورت امکان باید شغلی برای خود دست و پا کند که خودفرما باشد. و این شغل باید طوری باشد که به وی شانس ابراز استعدادهای استثنایی خود را بدهد تا بتواند به مخارج جورواجور خود سر و سامانی بدهد و با افراد دلخواه خود مراوده نماید. با این حساب گربه‌ها بهتر است گالری هنری، مغازه عتیقه‌فروشی، بیستر و یا سالن آرایش دایر نمایند. اگر خانم گربه علاقه به کاری در کنار خانه‌داری دارد، می‌تواند به داستان‌نویسی (داستان‌های کوتاه) یا نقاشی غیر وابسته به گروهی یا سیاستی بپردازد.

خانم‌ها اغلب در کنار آقای گربه بهتر جلوه می‌کنند. آقای گربه می‌داند که خانم‌ها چگونه باید لباس بپوشند. و تا حدودی احساسات آنها را نیز تشخیص می‌دهد. هر دو جنس گربه نسبت به نوع و کیفیت لباس‌شان مشکل‌پسند و باریک‌بین می‌شوند. لباس آقای گربه خواه نو یا کنه باشد حتماً تمیز و اطوطه شده است، و ضمناً تکه‌ای از لباسش طوری است که چشمگیر است، مثلاً جوراب به رنگ روشن می‌پوشد. و اگر آقای گربه به اجبار لباس کنه به تن نموده باشد، به طور حتم تکه‌ای از آن، مثلاً کراواتش تازه و به رنگ روشن است یا چشمگیر می‌باشد. گربه‌ها معمولاً ریش و سبیل نمی‌گذارند و اگر به طور تفننی بگذارند، موقتی خواهد بود.

گربه که ذاتاً منظم و محتاط است، مرتکب تغییرات ناگهانی در امورات خود نمی‌شود، درست مانند گربه خانگی خودتان که هر موقع وارد قلمرو تازه و ناشناخته‌ای بشود، با احتیاط و قدم‌های آهسته به جلو می‌رود. چیزی که گربه خوشش می‌آید، چیزهای آشنایی است که در اختیار دارد. بنابراین گربه‌ها واکنش بدی در مقابل ایده‌های نواز خودنشان می‌دهند که گاهی علیه خودشان تعبیر می‌شود. گربه‌ها با برنامه منظم زندگی می‌کنند، این گونه روش زندگی برنامه‌ای بعضی موقع منجر به سختگیری ناراحت‌کننده می‌شود. اگر شخصی را در هوای معمولی چتر به دست دیدید که اگر باران ناگهانی ببارد به کار آید، مطمئن باشید که یک گربه است. وی همان شخصی است که دفتر بایگانی مخصوصی برای قبوض دارد، کت و شلوارش را همیشه بعد از درآوردن سر جایش آویزان می‌کند و به طور کلی تمام کارهای زندگیش طبق برنامه و به دقت ساعت سویسی است.

گربه‌ها را بعضی موقع به خاطر حس نوع دوستی که آن هم گاهی از روی زیاده‌روی است، می‌ستایند. این‌ها معمولاً نشست و برخاست با اشخاص سطح بالا را می‌پسندند. و مایل می‌شوند خود را در سطح آنها نشان بدهند و گاهی به آن حد نیز می‌رسند. نمونه‌ای از این‌ها دیوید فراست است.

خانم‌های گربه وقت زیادی را صرف آرایش موهای اغلب فوق العاده زیبای خود می‌کنند. اکثر آنها موهایشان را بلند می‌کنند خصوصاً وقتی که مشکی باشد. در لباس پوشیدن هم لباس‌های شل و بلند را به شلوار تنگ و چسبان ترجیح می‌دهند.

خانم‌های گربه معمولاً دستخط مرتب و خوشی دارند. در صورتی که خط آقا گربه‌ها با وجود تلاش زیاد، چندان تعریفی ندارد. ولی حالت استثناء نیز دارد.

نکته مهمی که باید در موقع شراکت و همکاری با گربه در نظر گرفت این است که وی تصمیم خود را عوض نمی‌کند. از نظر وی معامله معامله است و

تمام شده محسوب می‌شود. و به همین کیفیت اگر پولی به شما بدھکار باشد، تا دینار آخر پس خواهد داد. همین طور تمام نیکی‌های را که در حقش انجام داده باشی فراموش نکرده و به موقع جبران خواهد نمود. اگر به خانه وی دست خالی رفته باشی، او هم با دست خالی به خانه شما خواهد آمد. و اگر او را از خود برانید، می‌رود و دیگر برنمی‌گردد.

خیلی از خانم‌های گربه مجرد ماندن را به ازدواج ترجیح می‌دهند، اما گربه‌ای که شوهری نداشته باشد تا بر سرش نق بزنند، ممکن است کمی افسرده گردد و وقت خود را اکثراً بیش از آن مقدار که لازم است در مؤسسه‌های بانوان و یا در کلیسا سپری نمایند. چنین بانوی تنها مانده تمایل زیادی به گریستان از خود نشان می‌دهد و آن هم اغلب روی چیزهای کوچک و بچگانه.

علیرغم اتهامی که بر بی‌وفایی آقای گربه وارد می‌شود، واقعیت این است که وی کاملاً وفادار است. و بر عکس آنچه شایع است گربه‌ها مایل هستند شبگرد باشند، آنها به خواب و استراحت خوب علاقه زیاد دارند.

مراحل سه‌گانه زندگی گربه‌ها چندان تمایزی از یکدیگر ندارند. هر کدام از آنها با عشق به خانه راحت و خوب آراسته شده، گفتگوی دوستانه و موافق و برنامه منظم و گاهی سختگیرانه در زندگی مشخص می‌شوند.

مردم چین سال گربه را سال خرگوش می‌دانند و عقیده دارند که خرگوش عمر طولانی به ارمغان می‌آورد. در کتاب طالع‌بینی چینی‌ها، تئودورا لائو یادآور می‌شود که در فستیوال نیمه پاییز، کودکان فانوس‌های کاغذی را که مزین به عکس خرگوش است با خود به بالای تپه حمل می‌کنند. در آن بالا آنها بهتر می‌توانند شکل یا عکس مرد در روی ماه را ببینند. اما آنها در مورد «خرگوش ماه» چه می‌دانند؟ ما در مغرب زمین عقیده داریم که گربه ۹ تا جان دارد، و این با عقیده مشرق زمینی که گربه دارای طول عمر است فرق چندانی ندارد. آن طور که به خاطر دارم، سر رابرت میر که زمانی به خاطر

کنسرت برای بچه‌ها شهرت داشت در موقع فوت در سال ۱۹۸۵ دارای ۱۰۵ سال سن بود. و ملکه ویکتوریا نزدیک به یک قرن زندگی نمود. اما طولانی شدن عمر گریه‌ها تا حدودی به دست خودشان است. متأسفانه آنها در سطح جهانی قربانی پیش‌داوری‌ها و موهم‌پرستی هستند و در غرب به مدت چندین قرن گریه را همدست قدرتمند جادوگران می‌دانستند. حتی امروزه نیز خیلی‌ها گریه سیاه را شوم و مایه بدینختی می‌دانند. همین طور آرزوی ناشی از وجود گریه خیلی رایج است. با این حساب گریه‌ها باید مراقب خود باشند و بشناسند با چه کسی همراه هستند. لذا اگر همراه خود را با احتیاط انتخاب نکرده باشد، بهتر است به تنها بی بروند.

گریه به عنوان والد

گریه اعم از مرد یا زن، والدین عالی می‌شوند. برای گریه‌ها رفاه خانواده در مرحله اول قرار دارد، بنابراین هیچ کدام از بچه‌های گریه از بی‌تفاوتوی یا کمبود در رنج نخواهند بود. به یاد داشته باشید که دنیای گریه متعادل است نه افراط است نه تفریط. محبت و دیسیپلین در حد اعتدال اعمال خواهد شد، و وسائل راحتی به اندازه کافی در اختیارشان قرار خواهد گرفت. گریه‌های والد بدون این که خود را زیاد به زحمت اندازند، هر کاری که از دستشان بباید برای بچه‌هایشان انجام خواهد داد تا در حد امکان از بهترین پوشاش و امکانات دیگر برخوردار بشوند. بخصوص اگر بچه سگ باشد زیر نظر والدین گریه خود به خوبی و بدون دغدغه خاطر پرورش خواهد یافت و از تمایل به زندگی با چیزهای نامناسب بازداشته خواهد شد. پدران گریه در اثر زیبایی دختر مار خود بی‌اراده می‌شوند (پدران اژدها نیز چنین هستند) و او نیز از این فرصت حداکثر استفاده را می‌کند، بیچاره پدر.

جدول نحوه سازش گربه والد و بچه هایش

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

بچه خوک نیز برای تلاش پر زحمت خودخواهان پاداش می شود و گربه نیز خواست او را اجابت می کند. اما وقتی دادن پاداش فرامی رسد، ارزش کمتری به آن داده می شود. بزها و گربه ها موجودات اجتماعی هستند و مادر گربه هر چه از دستش باید در مورد دختر بز خود انجام می دهد تا به جاهای مناسب رفت و آمد نماید و با اشخاص مناسب دیده شود. بر عکس این ها، موش کوچولو که خیلی جاه طلب و تشنه تجربه است، والدین گربه خود را دچار مشکل می سازد. بچه گاو نیز ثبات گربه را که به آن عشق می ورزد، به خطر می اندازد. و چنان بچه غیر عادی می گردد که والدین خود را به وحشت می اندازد. و کم رویی آنها را بر ملامی کند. بچه ببر هم به اندازه ببر بزرگ سال سر و صدا راه می اندازد. او نیز پدر و مادر خود را به وحشت

می‌اندازد. اما به خاطر آرامش آنها فوراً بیرون می‌رود.
بچه اسب سپاسگزار و سربالا هم ممکن است خطری برای بطالت
پدرش باشد، دختر اسب نیز احتمال دارد خانه را خیلی زود ترک و
مهاجرت نماید. خروس کله شق نیاز به فضای کمتری برای تکامل دارد. و
وقتی شروع به اوقات تلخی بکند منتظر واکنش مثبت از سوی والدگربه‌اش
می‌شود که از این کار عاجز است. بچه اژدها وقت خود را به نقشه برای
آینده کشیدن و رویایی دست‌آوردهای بزرگ، صرف می‌کند. اما طبق قاعده،
گربه‌ها دست‌آوردهای زیادی نصیبیشان نمی‌شود. لذا فقط بچه اژدهای هنرمند و
ملایم رابطه عاطفی هماهنگ با والدین گربه خود ایجاد می‌کند. بچه
میمون‌ها می‌توانند با هر کسی در هر زمانی و در هر جا کنار بیایند. اما باید
فراموش نکند که گربه از سبکسری در دور و بر خانه‌اش خوشش نمی‌آید.
لذا شعار این است یا قبول کن یا ترک کن و برو.

گربه در شغل و پیشه

گربه شامه خاصی در شغل دارد و اگر از رقابت زیادی اجتناب نماید،
صاحب نام می‌شود. کنار آمدن راحت با اجتماع و خوش‌رفتاری وی از او
یک شریک شغل ایده‌آل می‌سازد. و از نظر برخورد با مردم در هر طبقه‌ای،
بی‌نظیر است. اما گربه با تمام مهارت‌ش در انجام معاملات، فکر اساسی
ندارد. میمون هم چنین است و اکثراً به حافظه قوی خود متکی می‌باشد. در
صورتی که شغل نیاز به سرمایه و ایده‌های تازه دارد.

ببر بهترین شخص برای فکر نمودن به طرح‌های تازه و بدیع است، اما
طولی نمی‌کشد که از دو دلی گربه خسته می‌شود و از سوی دیگر اتحاد
شغلی بین آنها اصلاً خوب نیست. به هر حال بهترین ایده برای یافتن
شریک شغلی توکل به شانس است، یعنی بین گربه و موش. هر دو تای آنها

سود خواهند برد، به شرطی که موش را با پرکاری و ماندن تا دیر وقت در سرکارش خسته ننمود.

خوک پرده و جرأت هر نوع کاری که به وی محول شود، با شادی انجام می‌دهد، اما علیرغم این که گربه و خوک احتمالاً سودی عایدشان بشود، اما سود سرشاری عاید آنها نخواهد شد. گاو پرکار نیز در صورت شراکت با گربه متنفع می‌شوند، اما وی مرتباً گربه را به دلیل عدم توانایی در حل مشکلات به صورت اصولی مورد انتقاد قرار می‌دهد. سگ پر از شک و تردید نیز شریک میانه‌رو و معتدلی برای گربه خواهد شد. گربه به صداقت و امانت داری سگ ارزش قابل می‌شود، اما آن دو باید به مبلسازی بپردازند. خروس اگر پول‌هایش را به جای هدر دادن، پسانداز نماید، می‌تواند شریک خوبی برای گربه باشد. هر دو تای آنها حساب و کتاب خود را دقیق نگهداری خواهند نمود، اما با وجود این‌ها شغل آنها توسعه چندان نخواهد یافت و احتمال دارد که یکدیگر را مورد انتقاد قرار دهند. بزها از شلوغ و پلوغی خوششان می‌آید و شریک خوبی برای گربه در باز نمودن بوتیک یا رستوران کوچک و تمیز می‌باشد. ضمناً شراکت بین گربه با مار یا اژدها پیشنهاد می‌گردد، زیرا اژدهای پرخیال و مار عاقل هر دو تا گربه را با مهارت خاص از حالت احتیاط افراطی خارج نموده و به جای آن وی را وادار به شتاب و اقدام مؤثر و به موقع می‌نمایند.

اسب صنعتگر از روش منظم گربه بهتر استفاده نموده و درست است که خواهان ریاست می‌شود، اما گربه سیاستمدارتر از آنست که این اختیار را به او بدهد. اگر این دو تا به وظایف خود خوب عمل بکنند، سود سرشاری می‌برند و کارشان خیلی توسعه می‌یابند.

اما بهترین و مناسب‌ترین شراکت بین دو تا گربه است و در این رابطه کمتر رقیب دارند. درست است که ممکن است آغاز کار آنها با سرمایه و سود کم باشد و پیشرفت آنها آهسته باشد، اما شراکت و درآمد آنها پایدار و

محکم خواهد ماند.

جدول نحوه سازگاری گربه در شغل و پیشه

موس	
گاو	
بر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

گربه در عشق و عاشقی

اگر زوج عاشق هر دو گربه باشند، از کلیه جنبه‌های رماناتیک یک عشق جالب برخوردار خواهند شد. اکثر گربه‌ها هم‌شربی با یک هم‌سلیقه را به مجلس شادی توأم با دیوانه‌باری ترجیح می‌دهند. اگر دو تا گربه شدیداً عاشق هم بشوند، در آن صورت بهتر است آنها را شوخ طبع تلقی نمود. مرغ ظاهرساز یک عاشق‌پیشه محافظه کار است. این خانم برای کسب

جدول نحوه سازگاری گربه در عشق و عاشقی

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

خواسته‌های خود نیاز به حمایت و توجه زیاد دارد، و گمان نمی‌رود که گربه دارای این توانایی باشد. خانم گربه ممکن است توجه گاو را به سوی خود جلب بکند چون از خونگرمی وی خوشش می‌آید. بدین وسیله این خانم به خود احتمال می‌دهد که شاید جایی در قلب وی برای خود بازنماید. اما کسی که نصیب گربه می‌شود، یک عاشق سینه‌چاک نیست بلکه گاو او را فقط برای شستن جوراب‌هایش می‌خواهد. بیچاره گربه. بیر شاد و سرزنه طولی نمی‌کشد که از دست غش و ریسه رفتن گربه خسته می‌شود. و آقای موس عاشق پیشه خواهان پاسخ گرمی از سوی خانم گربه به عشق سوزانش می‌گردد. هر دو تای آنها باید از بیهودگی خودشان را کنار بکشند. سگ همیشه شادی‌آفرین هر موقع اراده نماید، در دل گربه جای دارد. او نیز به

گربه کلک نمی‌زند و توقع زیادی از خانم گربه ندارد. خوک بلند همت می‌تواند جفت مناسبی برای گربه باشد، درست مانند میمون حقه باز. اما هر سه نفر این‌ها عقاید بلند و بالایی دارند و از این‌که کدام یکی در چه چیزی برتر است، باعث جر و بحث بین آنها می‌شود.

اسب خودخواه و مغورو از گربه ستایش می‌کند، همان طور که مار تحسین برانگیز این کار را انجام می‌دهد. اما هر دو تای این‌ها از عشاق رقیب هستند و رابطه آنها شکوفا نمی‌شود. خانم بزر اهل لاس‌زنی، گربه را به عنوان جفت واقعی خود می‌بیند، و تا زمانی که اوقات خوشی بین آنها وجود داشته باشد، با آقای گربه همگام می‌شود. اما تنها اژدهای محبوب است که جفت ایده‌آل گربه محسوب می‌شود. زیرا وی به هر سازی که خانم گربه بنوازد می‌رقصد، تقریباً به هر سازی.

گربه از نظر ازدواج

خانم یا آقای گربه به امر ازدواج ارزش فراوانی قابل می‌شود و حداکثر توان خود را به کار می‌برد تا ازدواج وی هرچه بیشتر ملایم و دلنواز باشد. اما گربه‌ها تقریباً همیشه حالت غیرانفعالی دارند و خواهان برداشته شدن قدم اول از سوی طرف مقابل می‌باشند. گربه‌ها دارای احساسات پاکی هستند و برای کسی که به احساسات ارزش قابل بشود زوج مناسبی خواهند بود. در این رابطه آقای اژدها که از نظر عواطف به خود اطمینان دارد می‌تواند به سرعت جنبیده و از وجود همسری که احساسات هنرمندانه از خود بروز می‌دهد بهره‌مند شود. مار فصیح نیز جفت مناسبی برای گربه بوده و به روابط خود یک حال و هوای افسانه‌ای می‌بخشد.

اسب سپاسگزار از همزیستی با کسی که به اندازه وی خوبی را فراموش نکند، لذت می‌برد. هیچ ازدواجی بهتر از ازدواج بین دو تا گربه نیست. بز

هم یک موئس اجتماعی عالی است و مانند اسب در کنار گربه می‌درخشد. اما بزها برخلاف اسب‌ها به خلق و خوی خیلی سریع واکنش نشان می‌دهند. بیر با لطافت طبع، از همزیستی با گربه به اندازه کافی خوشحال می‌شود. اما طولی نمی‌کشد که ساعات طولانی نشستن و گوش کردن به موسیقی یا صحبت نمودن را کار بیهوده می‌داند.

جدول نحوه سازگاری گربه در ازدواج

موش	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

موش جاهطلب زندگی منظم گربه را به هم می‌زند. زیرا خانم گربه هرگز نخواهد فهمید که مثلاً چه ساعتی شام او را بدهد. و خانم مرغ اغلب بی‌نزاکت هم مرتباً از رفتار گربه انتقاد می‌کند. زیرا به نظر وی ناراحت‌کننده می‌آیند. از سوی دیگر سگ رک‌گو هرچند از ضعف خانم گربه در مقابل

سختی‌ها عصبانی می‌شود، اما خانه وی را پناهگاه خوبی می‌یابد. و علیرغم عدم وجود علائق عاشقانه بین گربه و گاو، ازدواج آنها انتظارات زیادی را به بار می‌آورد. ضمناً خانم گاو مادر ایده‌الی می‌باشد، و آقای گربه بچه‌هایش را می‌ستاید که مقدار زیادی به بلندهمتی خانم گاو بستگی دارد. آقای خوک محجوب و معروف تمایل دارد کمی بیش از اندازه خود را برای گربه حساس نشان بدهد. در اینجا شاید دعاها پدر روحانی تنها چاره کار باشد.

سال گربه چه تأثیری روی شما خواهد داشت؟

[سالی برای تهذیب اخلاقی]

بر عکس گربه که غرق در شکوه خود است، موش فرصت طلب در این سال که تأکید بیشتری روی دنیای منظم و مرتب و توأم با تهذیب اخلاقی است، اوقات سختی خواهد داشت. با وجود این که ببر پسرعموی دور گربه است، در اثر پرداختن به جزئیات از کارها بازداشت می‌شود. گاو چیزی بیش از پرداختن به کارش، از زندگی توقع ندارد. و گربه هم به طور حتم کاری برای بازداشتن وی انجام نخواهد داد، هرچند که در جهت کمک به وی نیز اقدامی به عمل نخواهد آورد. خروس وظیفه‌شناس می‌داند که وقتی نیاز ایجاد نماید چگونه کار بکند، اما نیاز به پشتیبانی و به جلوه ل دادن از سوی گربه دارد که بیش از توان گربه است. فقط بز هوس باز همدم همطراز برای لذت بردن از امکانات فراوان در همه زمینه‌ها برای گربه می‌باشد. فقط خانم بز که به مدت طولانی به کنار مانده بود، می‌تواند آن نوع زندگی را که مایل است شروع نماید. و یک بار دیگر او را در بهترین جاها که پر از شایعات است خواهید دید که همه را تحت شعاع قرار داده است.

موش	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

در این سال پر از رقابت، سگ شرافتمند سال پربارتر از حد انتظارش خواهد داشت. رفتار متین این آقا به وی کمک خواهد نمود تا مشکلات شخصی اش را فراموش نموده و از خودش دور نماید. در این سال گربه آرامش خواهد داشت و عصبانیتی در کار نخواهد بود. سگ هم طبق معمول نگران و مراقب خواهد بود. هم خوک خوشگذران و هم اسب معروف و محبوب در این سال زندگی پرباری خواهند داشت. شاید عضو جدیدی به خانواده خود اضافه خواهد نمود و یا به خانه مطلوب تری نقل مکان خواهند کرد. اما گربه‌ها طبق قاعده به اندازه خوک یا اسب کارکن نیستند، بنابراین ممکن است مشکلاتی در اداره برایش پیش بیاید.

اژدهای سازگار در هر انجمنی خواهد درخشید، و در جوار میمون پرهنر از آرامش خاطر استفاده نموده و امکانات فراوان برای جشن و سرور

بعدی ذخیره خواهد نمود. این سال برای میمون و اژدها فرصت خوبی برای پیشبرد اهدافشان می‌باشد. خانم مار متین هم از صلح و آرامش حاکم به محیط خود حداکثر استفاده را خواهد برد و از فرصت استفاده نموده و دلبری خود را به رخ همه خواهد کشید. این خانم که در سال‌های ببر و گاو اوقات سخت و بدی داشته است، حداکثر استفاده را از حساسیت گربه خواهد برد. در سال گربه هیچ کس به اندازه مار در زمینه‌های مالی و عاطفی بهره‌مند نخواهد شد.

گربه‌های مشهور در عرصه‌های:

پل کلی	هنر: فرا آنجلیکو
پتریک لیچفیلد	آلن آیکبرن
آرتور میلر	سیسیل بیتان
جرج اورول	اینگرید برگمن
جان پایپر	لرد کلارک
جاشوا رینالدز	جانی دنک وُرث
کن راسل	مارگارت دربل
الیزابت شوارز گُف	باب فالس
کیث تاینن	جیمز گال وی
آبیران وَه	مایکل گمبان
جو لین لوید وبر	استن گتنز
ورزش: جان بارنز	جرمین گریر
جان کاتنه	باربارا هپ وُرث
کنی دالگلیش	بیلی هالیدی
ادی ادواردز (عقاب)	هیو جانسن

هنری سوم	راشل هیهو فلینت
هنری پنجم	ایول نیول
هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:	استنلی متیوز
پمیلا آرمسترانگ	آلن مینتر
ملوین برگ	جک نیکلاس
جان کلیز	شیلا اسکات
کن داد	جکی استیووارت
پل ادینگتن	صنعت و سیاست:
صی‌دبليو فیلدز	نسی استور
دیوید فراست	استنلی بالدوین
سندي گل	لرد بی‌وربروک
باب هوپ	لیان برایتن
جان هرت	فیدل کسترو
پنه‌لوپ کیث	جان کل
نیت نیومن	ماری کوری
سلینا سکات	ماش دایان
لنا زاورونی	آلبرت اینشتین
موسیقی پاپ:	جان پروفیمو
جینگر بیکر	رامل
تاني هچ	استالین
ادیث پیاف	تری ویت
نیل سداکا	تراتسکی
فرنک سیناترا	سلاطین:
داستی اسپرینگفیلد	شاهزاده آلبرت
استینگ	ملکه ویکتوریا

اژدها

THE DRAGON



1904	از ۱۶ فوریه ۱۹۰۴ تا ۳ فوریه ۱۹۰۵ { از ۲۷ بهمن ۱۲۸۲ تا ۱۴ بهمن ۱۲۸۳	1905
1916	از ۳ فوریه ۱۹۱۶ تا ۲۲ ژانویه ۱۹۱۷ { از ۱۴ بهمن ۱۲۹۴ تا ۲ بهمن ۱۲۹۵	1917
1928	از ۲۳ ژانویه ۱۹۲۸ تا ۹ فوریه ۱۹۲۷ { از ۳ بهمن ۱۳۰۶ تا ۲۰ بهمن ۱۳۰۷	1929
1940	از ۸ فوریه ۱۹۴۰ تا ۲۶ ژانویه ۱۹۴۱ { از ۱۹ بهمن ۱۳۱۸ تا ۶ بهمن ۱۳۱۹	1941
1952	از ۲۷ ژانویه ۱۹۵۲ تا ۱۳ فوریه ۱۹۵۳ { از ۷ بهمن ۱۳۳۰ تا ۲۴ بهمن ۱۳۳۱	1953
1964	از ۱۳ فوریه ۱۹۶۴ تا ۱ فوریه ۱۹۶۵ { از ۲۴ بهمن ۱۳۴۲ تا ۱۲ بهمن ۱۳۴۳	1965
1976	از ۳۱ ژانویه ۱۹۷۶ تا ۱۷ فوریه ۱۹۷۷ { از ۱۱ بهمن ۱۳۵۴ تا ۲۸ بهمن ۱۳۵۵	1977
1988	از ۱۷ فوریه ۱۹۸۸ تا ۵ فوریه ۱۹۸۹ { از ۲۸ بهمن ۱۳۶۶ تا ۱۶ بهمن ۱۳۶۷	1989



چشمان اژدها سنگ‌های پربها هستند، و در درخشش چون آتش، که پر از
اطمینان از داشتن خاصیت علیه امراض فراوان است.

تاب سل

سال اژدها



سال اژدها از همان اولین روز تماشایی اش اعلام می‌کند که یک سال وفور شگفتی برانگیز خواهد بود. در چین سال نو را با گرداندن اژدهای کاغذی پرزرق و برق و تماشایی در تمام خیابان‌ها جشن می‌گیرند. و سپس به عنوان سپری شدن سال کهن و آغاز سال نو آن را با تشریفات خاصی می‌سوزانند.

سال نو اغلب با یک رویداد عمدی یا خارق‌العاده شروع می‌شود: در اولین روزهای ۱۹۲۸ شهر کورینث در اثر زلزله ویران گردید. در فوریه ۱۹۵۲ جرج پنجم، پادشاه انگلستان درگذشت و در ژانویه ۱۹۷۶ اولین هواپیمای مسافربری موفق صوت (کنکورد) وارد خدمت شد. شاید اگر اسم این هواپیما را به جای کنکورد، اژدها می‌گذاشتند بهتر می‌بود. به هر حال در سال اژدها یک چیز کاملاً حتمی است، هر اتفاقی که روی بدھد مهم و پرسر و صدا مانند جشن سال نو توأم با آتش‌بازی خواهد بود.

چینی‌ها به اژدها ارزش فراوان‌تر از سایر حیوانات دوازده‌گانه قایل هستند، زیرا در زمینه مال و ثروت خوش‌شانسی به همراه می‌آورد. برای مثال در سال ۱۹۶۴ گروه بیتل‌ها اولین هنرمندان عالم موسیقی در تاریخ بودند که هنوز آلبوم یکی از موسیقی‌هایشان به بازار نیامده، بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نسخه از صفحات آن را پیش‌فروش نمودند. اما اژدها شانس و

خوشبختی را برای همه به همراه می‌آورد. برای مثال ورزشکاران رکورد قرن‌ها را می‌شکنند، سیاستمداران در انتخابات با اکثریت آرا پیروز می‌شوند. و در عالم عشق و عاشقی، خدای عشق در اثر فعالیت شدید از پا خواهد افتاد. در این سال باید احتیاط را کنار گذاشت، بدینه را به دور انداخت و به جشن و سرور پرداخت. و در این میان خواه خود در جشن و سرور شرکت نمایید و خواه در کناری ایستاده و تماشاگر باشید، شادی‌ها و جشن‌ها در همه جا و در طول سال ادامه خواهد یافت. با شکفته شدن گلسرخ‌های تابستانی، فرصت‌های مناسب و شانس و اقبال روی خواهند آورد و تمام درها به روی شما باز خواهند شد. اما دیر نجنبید، سال فقط دوازده ماه دارد و سال ازدها نیز هر دوازده سال یک بار می‌آید. در این سال مانند قصه‌های افسانه‌آمیز، سطح خیابان‌ها از طلا پوشیده می‌شود. و تنها کاری که باید بکنیم این است خم شده و جمع‌آوری نماییم، و ضمناً باید به خاطر داشته باشیم که فلز برآقی که در چنگ خود داریم باید حتماً طلای خالص باشد نه فلز درخشان ولی قلابی بی‌ارزش. آخر این سال نیز تکراری از آغاز آنست. برای مثال در اکتبر سال ۱۹۷۶ بزرگترین معدن زغال سنگ جهان در سلبی یورکس کشف گردید. در ۲۹ دسامبر ۱۹۴۰ شهر لندن در اثر بم‌های آتش‌زای هیتلر غرق در شعله گردید. بنای عظیم و مجلل گیلهال با خاک یکسان گردید و بیش از هشت کلیسا‌ای باشکوه و قدیمی منهدم شد. در آخرین ساعت سال ازدها نیز شاهد شراره و آتش خواهیم بود. اما بعد از این که آتش خاموش شده و خاکسترها سرد می‌شوند، این قول به جای خود باقی است که ازدها یک بار دیگر برخواهد گشت و کارناوال شادی و زندگی را رهبری خواهد نمود.

شخصیت اژدها



هر کاری که در دست داری بلا فاصله زمین بگذار! زیرا اژدها با حضور وجود یزدانی خود به شما خیر و برکت خواهد داد.

برای مردم چین و همسایه‌های نزدیک آن کشور، اژدها سمبول ملی قدرت و مقاومت است. او رهبر باعظمت و شکوه و جلال کارناوالی است که چهار اصل خیر و برکت شرقی‌ها را به همراه می‌آورد که عبارتند از: عمر طولانی، تقوا و پرهیزکاری، توازن و عدالت، و ثروت و مکنت. اگر یک فرد اژدها در خانواده شما باشد، اگر همه این خیر و برکت‌ها هم نصیب شما نشود، حداقل یکی از آنها نصیب شما خواهد شد.

اگر اژدهایی را ملاقات می‌کنید، حتم بدانید که یکی از بزرگترین نمایشگرها و تبلیغاتچی‌های دنیا را پیش رو دارید. هنر بازیگری وی واقعی‌تر از خود زندگی خواهد بود، اگر لافزن باشد بی‌نظیر خواهد بود، گردن‌فراز و در نهایت محتاط خواهد بود. او درست به هیجان‌انگیزی و تهییج‌کنندگی اژدهای کاغذی رنگارنگ مزین به زورق‌ها و پولک‌های طلایی که چینی‌ها در جشن سال نو هر سال در خیابان‌ها می‌گردانند خواهد بود.

اژدها که دارای استعدادهای خدادادی خارج از اندازه است، باعث وحشت آمیخته به احترام چینی‌ها نسبت به این مخلوق خودشان می‌شود، و حق دارند بترسند. نعمت‌های خدادادی کدام‌ها هستند! از الهام‌بخشی تا سروری مطلق، از موسیقی و خواننده پاپ تا میلیونری و این قدرت را دارد

که دست پرمهارت خود را به روی هر چیزی که بخواهد بگذارد و صاحب آن شود. و با متکی به نفس بودن شگفت‌آور خود و کاردانی و ابتكار بی‌نظیرش می‌تواند اهداف را به نفع خود تغییر بدهد و خویشن را به موفقیت پرطینین برساند. مانند این است که اژدها به خود بگوید: «چیزی که فکر می‌کنم نه به خاطر آنست که من هستم، بلکه من هستم بنابراین فکر می‌کنم - لذا در سر راه من نایستید».

اگر شما در سال اژدها متولد شده‌اید، از این بابت آن را با حضرت عیسی مسیح شریک هستید (طبق مدارک موجود آن حضرت در سال اژدها متولد شده بود). همین طور با یهودی منوهین، شرلی تمپل، سیگماند فروید، جرج برنارد شاو، فلورنس نایتینگل، جیافری بویکات، پله و کلیف ریچارد، مارلین دایت ریخ، باربارا کارتلند، پل گتی و بینگ کراسبی هم علامت هستید. به هر حال اگر فرد اژدها چه یک ستاره پرآوازه جهانی بشود یا خانه‌نشین بی‌نامی باشد، بزرگترین نعمت‌های خدادادی را که همان قدرت خودباوری و متکی به نفس بودن است، به ما تلقین و الهام‌بخش خواهد بود.

برگ برنده‌ای که اژدها در آستین خود دارد چیزی غیر از اتکاء به نفس مطلق نمی‌باشد که در اثر تقوا و پرهیزکاری ناشی از عزم راسخ و نیروی اراده خارق‌العاده وی است که با رغبت به دیگران انتقال می‌دهد. به عبارت دیگر، شدت اعتقاد وی به خودباوری آنقدر زیاد است که ما را هم وادر می‌کند خودمان را باور بکنیم و متکی به نفس باشیم. بعضی از اژدهاها، مانند یهودی منوهین ممکن است این کار را از طریق نواختن لطیف و دلنشیں ویولن انجام بدهند و بعضی‌های دیگر مانند سیگماند فروید ممکن است راه پیچیده روانکاوی را برای این منظور انتخاب بکنند. به هر حال هر روش یا راهی که اژدها انتخاب بکند، وزین بودن وسیله‌ای که وی در تمام اقداماتش به کار می‌برد، تحسین و ثناگویی ما را بر می‌انگیزد. اما زندگی

کردن یا کار کردن در کنار اژدها از هر جنسی که باشد، به این سادگی‌ها نیست. زیرا وی تمایل شدید و تعصّب‌آمیزی به کامل و بی‌نقص بودن کلیه امور دارد، در نتیجه برای کسانی که کارشان کمتر از ۱۰۱٪ باشد و یا کمتر از ۲۵ ساعت در شباه روز تلاش کنند، فوق العاده سختگیر خواهد بود. وی متعجب و عصبانی می‌شود که چرا شما توانمند نیستید. در این رابطه داستانی از سختگیری اژدها در کمال هر چیز به خاطر دارم که چنین است: عمه پیر و محبوی دارم که چندی قبل وی را به بیمارستان برداشتند، وی نیز مانند خیلی از افراد مسن که نیاز به کمی محبت و مراقبت اضافی دارند، گله‌مند و ناراحت بود. روزی که برای اولین بار به ملاقات وی رفتم، فرقی با روزهای معمولی دیگر نداشت. من آن روز کاریکاتورهای مورد نظر را برای مجله تایمز کشیده بودم و چون سوژه مورد نظر بحث و جدل برانگیز نبود لذا انتظار مشکل در آخرین دقایق را نداشتم (اگر موقعیت ناجور ناگهانی پیش بیاید، یک کاریکاتوریست ضابطه‌دار باید آمادگی داشته باشد که کاریکاتورهایش را تغییر و اصلاح نماید) من آن روز بعد از ظهر توانستم به وقت ملاقات برسم و داشتم یک جعبه شکلات را برای عمه‌ام باز می‌کردم که خانم پرستاری به شانه من زد و گفت: «شما را پای تلفن می‌خواهند، به نظر اضطراری می‌رسد.» با عجله خودم را به تلفن رساندم و بعد از شنیدن صدای طرف مقابل فهمیدم که خانه‌ام آتش نگرفته یا درهم فرو نریخته و یا همسرم به وسیله یک تروریست دیوانه به گروگان گرفته نشده است. بلکه این شخص یکی از همکارانم در مجله تایمز بود که رد مرا تا بیمارستان و کنار تخت عمه‌ام پیدا کرده بود تا به من بگویید که مایل است کمی تغییرات در نقاشی‌هایم انجام بدهم تا کامل کامل باشد. با اوقات تلخی به وی گوشزد نمودم که تازه به بیمارستان رسیده‌ام، ولی او اصلاً گوش شنوازی نداشت. از عمه متعجب و ناراحتم خداحافظی نموده و با عجله و به سرعت در زیر بارش برف و بوران - ایام کریسمس بود - در آن ساعت شلوغ و پرتردد، به

دفتر مجله راندم و کاریکاتور دیگری را کشیدم که بلا فاصله جهت چاپ به زیر دستگاه رفت. او را که یک اژدها بود درک می‌کردم و امیدوارم عمه مری من هم بفهمد و از دست من دلخور نباشد.

مثال دیگری از اشخاص اژدها که خواهان کمال در هر چیز هستند، مربوط به ماجراهای نویسنده‌ای بنام جفری آرچر است که کتاب‌ها و مقالات وی جزو پرفروش ترین‌ها می‌باشد. اولین رمان وی به نام نه یک دینار کم-نه یک دینار اضافی که حدود ده سال قبل چاپ شد، بیش از یک میلیون پوند نصیب وی نمود و به دنبال آن کتاب‌های دیگری نوشت که در مجموع بیش از ده برابر آن فروش داشتند. خیلی از نویسنده‌ها اگر به جای آرچر باشند، خودشان را بازنشسته می‌کنند و بدون این که مالیاتی بپردازند نوشتن کتاب‌ها را فراموش نموده و به یک زندگی بهشت‌آسا می‌پردازند، ضمناً هیچ کدام از آنها به فکر نقایص احتمالی موجود در کتابی که حدود ده سال قبل نوشته‌اند، نمی‌افتنند، اما نه آرچر. در واقع او مجدداً قسمت‌هایی به آن اضافه نمود و ناشرین را وادار نمود تا آن را مجدداً به چاپ رسانده و نشر بدهند. آرچر ممکن است به عنوان صاحب سبک و مكتب خاص یک تولستوی یا یک پراست نباشد، اما همان طور که ناشرین وی می‌گویند، یک کمال‌گرای بی‌نظیر به سبک آمریکایی است.

در غرب، برداشت ما از اژدها همان طور که در افسانه‌ها آمده، وی را یک قدرت شیطانی قلمداد می‌کنیم. و طبق آن افسانه‌ها به دست پهلوانانی به نام‌های پرسیوس، کادموس و ماردوک به قتل رسیده است. یعنی آنها وارد غار اژدها شده و کله او را به ضرب تبر یا شمشیر یا گرز قطع می‌نمایند و دختری را که وی ربوده و به غار برد بود تا وی را اغوانموده و یا بخورد یا هر دو، نجات می‌دهند. نامی ترین اژدهاکش‌ها دوست و ناجی آن دختر، سنت جرج می‌باشد. در قرون وسطی شایعه و حرف خوبی درباره اژدها وجود نداشت، اما یک انتقاد اعتراض‌آمیز وجود داشت. بارتولومو در کتابی

که در قرن سیزدهم نوشته شده اعلام کرده بود که: «اژدهاها بعضی موقع در دریا بسر می‌برند و بعضی موقع در داخل غارها کمین می‌کنند و بندرت می‌خوابند و تمام شب را بیدار می‌مانند.» اما هیچ صحبتی از دختری که به آغوا به آنجا برده شده باشد به عمل نیاورده است.

به هر حال باید قبول کرد که اتهام اغواگری در مورد اژدها تا حدودی حقیقت دارد. هیچ کسی به اندازه اژدها دل‌ها را تسخیر نمی‌کند. و هر کسی که در عشق اژدها اسیر شود، بی اختیار به سوی او کشیده خواهد شد. با وجود این‌ها خود اژدها بندرت از ته دل عاشق کسی می‌شود. و اگر واقعاً عاشق بشود، آن را مانند دیدن یک ذغال سرخ شده فوراً تشخیص خواهید داد. اگر وی عاشق شما باشد، مرکز تمام حواس و روح و جسم او خواهید بود و تمام استعدادها و نبوغ وی جهت ستایش و ابراز عشق خود به شما متمرکز خواهد شد، و تنها شخص شما! اژدها در صورت عاشق بودن همتا ندارد. اگر از جلو اژدها فرار نمایید، وی شما را دنبال خواهد کرد، زیرا مانند مار نمی‌باشد. و اگر نسبت به وی سرد باشید، وی اهمیتی نخواهد داد. به همین دلیل است که در رفتن از پیش وی این قدر مشکل است. اگر گرمی عشق اژدها نسبت به شما به سردی گراید، آن را بروز نداده و فوراً از شما دوری نمی‌جوید. تمام وجود وی در نظم و شیک پوشی اش خلاصه می‌شود و با احساسات تمام برای همیشه به دوستی اش ارزش قابل می‌شود و گرامی می‌دارد. به هر حال عواطف عاشقانه در دل اژدها قرار دارد و ابراز عواطف عاشقانه مانند عشق وی به آزادی در الوبیت خاص قرار دارد. رفتار عاشقانه وی کلید درهای آزادی است که هر کجا که دلش می‌خواهد آزادانه شناور باشد و اکثر عشاق یا معشوقه‌های وی ابزار فرار بزرگ او می‌باشند.

اژدها در بیان امورات مربوط به خود حرف زیردستی نیست و همیشه حقایق مربوط به خود را به صورت ناقص یا غلط تحويل خواهد داد. وی از زندانی شدن متنفر است - اگر او را به دام اندازید یا زندانی کنید، از ناراحتی

تا حد جنون دیوانه می‌شود. وی آدم ریاکاری نمی‌باشد و اگر غرور وی را جریحه‌دار نمایید، هرگز شما را نمی‌بخشد. وقتی غرور او جریحه‌دار شود یا علائق وی به تمسخر گرفته شود، کسی مانند او کینه‌توz نمی‌شود. غرور وی مشخص‌ترین علامت قابل شناسایی اوست و به نظر می‌رسد که به تمام اعمال او رسوخ نماید. اگر شطرنج بازی بکند، همیشه ادعا می‌کند که حرکت او صحیح‌ترین حرکت در بازی است و اگر جدول کلمات متقاطع را پر نماید، کلمه انتخابی وی است که با خانه‌ها جور درمی‌آید و اکثرًا نیز چنین می‌شود. و اگر از او پیشی بگیرید، با یک دعوا و مرافه روپر و خواهید شد. اگر اشتباه او را مسخره نمایید، در عرض یک ثانیه یک دشمن دائمی برای خود تراشیده‌اید. هر چقدر غرور وی را بیشتر شکسته باشید، به همان اندازه طولانی‌تر نسبت به شما کینه خواهد داشت. و اژدهای عصبانی راه انتقام گرفتن می‌داند و زودرنج است. ضمناً از این بابت کاملاً متفاوت هستند. اگر از دست کسانی دلخور بشود که دوستشان دارد، مانند یک گاو نر عصبانی نسبت به رویداد احمقانه و ناچیز، واکنش نشان می‌دهد. و در موقع برطرف کردن اشکال کسانی که دوستشان دارد با حوصله خواهد بود. البته تا حدودی. اگر بدانید که اژدهایی شما را به شدت دوست دارد، هر قدر هم که نسبت به او بدرفتاری نمایید، تحمل نموده و شما را می‌بخشد.

بر عکس گاو، اژدها یک نقطه ضعف دارد- نمی‌تواند حتی با کوچکترین کار برنامه‌ریزی شده خود را وفق بدهد. عادت یک کلمه ناخوشایندی برای اوست. و کار کردن در ادارات مستلزم رعایت و انجام کارهای برنامه‌ای و منظم می‌باشد. ضمناً اژدها نمی‌تواند یک سیاستمدار بشود. هر چیزی که به فکرش برسد می‌گوید و نمی‌داند که بعضی مواقع گفتن حقایق تلخ است و یا چه ناراحتی ممکن است به وجود آورد.

سر هارولد ویلسن (نخست وزیر اسبق انگلستان) یک اژدها بود. وی از هر لحظه یک سخنگوی عمومی و بر ملاک‌مند بہتری بود تا ریاست دولت.

وی فقط از این بابت شانس آورد که زنش یک زوجه کاملاً مناسب وی بود.
و هر جا کاری را خراب می‌کرد، خانم وی فوراً آن را راست و ریست و
برطرف می‌نمود. پس علیرغم بدگویی‌هایی که مخالفین وی می‌گفتند (تعداد
آنها زیاد بود) همکاری می‌می‌مون و اژدها موفق از آب درآمد.

از خصیصه‌های نامطلوب دیگر اژدها بدون انگیزه و فکر خاص کار
کردن است. به طور خلاصه اژدها نمی‌تواند منتظر اقدامی بماند. و می‌توان
حالت انتظار کشیدن را نوعی احساس زندانی بودن برایش تعبیر نمود. به
همین دلیل اغلب بدون این که در مورد کاری که می‌کند اندیشه نماید و
ارزش آن را بسنجد با عجله اقدام می‌کند.

درست است که اژدها ترجیحاً به عنوان علامت مرد تلقی می‌شود، اما
خانم اژدها نیز در خیلی از خصوصیات شبیه به اژدهای مرد است. این
خانم اکثراً لباس ساده به تن می‌کند، آن هم نه به خاطر تأثیر آن بلکه برای
راحتی حرکت و کار کردن. ضمناً کمتر از لوازم آرایش صورت و مو استفاده
می‌کند. در اینجا نیز این اتکاء به نفس وی است که حاکم است نه مقداری
پودر صورت و یا شیشه‌ای از رنگ مو. ضمناً لباس وسیله دیگری برای هر
دو جنس اژدهاست که از طریق نوع آن نیاز به آزادی خود را بیان نمایند.
مردان اژدها از کفش‌های اتفاقی و خانم‌ها از لباس آستین کوتاه نرم
خوششان می‌آید (اگر یک اژدها را در یک مهمانی رسمی شام با یک
تی‌شرت و پوتین آموزشی دیدید، تعجب نکنید) خانم‌های اژدها لباس‌های
تمیز ولی ساده به تن می‌کنند. و هر دو جنس اژدها اگر از مدى خوششان
بیاید، به آن می‌چسبند. عدم اطمینان یک مانع دیگر در مقابل اژدهاست،
بنابراین اژدهایی را پیدا نمی‌کنید که چندین ساعت از وقت خود را در جلو
آینه نگذراند. ضمناً آقای اژدها از پیروی نمودن از مد خاصی خودداری
می‌کند، بلکه خودش مد را خلق می‌کند و دیگران از مد او پیروی می‌کنند.
خانم اژدها طبق قاعده مادر یا همسر ایده‌آلی نمی‌شود. این‌ها اغلب در

سنین کوچکی ازدواج می‌کنند و خیلی سریع رشد می‌کنند. اگر در سنین بالا ازدواج بکنند اغلب بدون فرزند می‌مانند یا خیلی ساده از ازدواج کردن شانه خالی می‌کنند. چیزی که بعضی مواقع مشاهده می‌کنیم این است که یک مادر ازدها با دو تا بچه‌اش با هم زندگی می‌کند. در چنین حالتی اغلب مورد تحسین شدید اطرافیان قرار می‌گیرد. و به احتمال قوی دارای شوهری بوده که به دلیل لاابالی بودن و عدم پرداخت نفقة از وی مجزا شده است.

ازدهاها دارای اشتها را می‌کنند و اگر به دلایلی تحت رژیم نباشند، تقریباً هر چیزی را که جلوشان بگذارند، می‌خورند. علیرغم این موضوع اغلب از مریضی رنج می‌برند. ضمناً خواب درست و حسابی هم ندارند و از تعرق، زکام، سینوزیت و... کمی دچار ناراحتی می‌شوند. به همین دلیل است که ازدهاها خیلی از خودشان مراقبت به عمل می‌آورند تا جایی که تقریباً حالت وسوسات پیدا می‌کنند. اما اگر ازدها واقعاً مریض بشود خیلی زود بهبودی می‌یابد، بدون این که عوارض بعدی بر جای بماند. به هر حال اگر ازدها احساس خودباوری را از دست بدند و بدون هدف باشند، به زودی چاق، تنبیل و طعنه‌زن می‌شود، از چنین ازدهایی باید اجتناب نمود. ازدهاها با تمام تندی و شدت عمل که دارند، پول و وقت خود را با دست و دلبازی تمام در اختیار می‌گذارند، و نصیحت و راهنمایی آنها همیشه بالارزش است. هر چیزی را که بخواهند در اختیار قرار می‌دهد، خواه چیزهای مورد علاقه خود باشد و خواه تمام پساندازش، آن هم بدون این که در فکر پس گرفتن یا پاداش متقابل باشد. انگار هدایایی را که داده است، فراموش می‌کند. به عبارت دیگر انگار امیدی به پس گرفتن بخشش‌هایش ندارد.

مراحل سه‌گانه زندگی ازدها از هم متفاوت هستند. دوران کودکی سختی خواهد داشت زیرا افکار او را هم والدینش، هم آموزگارانش و هم دوستان مدرسه‌ای اش به درستی درک نخواهند کرد. خواست او به کمال هر چیز

باعث ترس اطرافیان وی شده و آنها را از او بیگانه خواهد نمود. مرحله میانی زندگی وی در هم آمیخته خواهد شد، و علیرغم این که پول فراوانی به دست خواهد آورد، ولی به تعداد دوستانش دشمنانی هم خواهد داشت. اما از اواخر ده چهل سن خود تا دوران پیری با عمر طویل واقعاً شاهانه زندگی خواهد نمود. در چین اژدها علامت خوشبختی و خوش‌اقبالی است. و اژدها با تمام نعمت‌های خدادادی که دارد، نیازی به شانس و اقبال ندارد.

اژدها به عنوان والد

مردان اژدها روی هم رفته پدران ایده‌آلی نمی‌شوند. برای سرپرستی یک خانواده یک فرد دور از خانه در روزها (برای کسب و کار) و کمتر احساساتی لازم است. با این حساب وقتی یک اژدها به عنوان پدر تمام توجه و محبت خود را نثار فرزندش بکند و در خانه بماند، دیگر نیازی به توجه از سوی شخص دیگر (مادر) باقی نمی‌ماند.

بچه خروس با روحیه قوی و حسن اخلاق و اشتیاق شدید به استقلال، حداقل استفاده را از والدین اژدهای خود کسب می‌کند. و دختر بچه مار با استفاده از زیبایی و عقل خود تمام توجه و محبت لازم را به دست می‌آورد. بچه اژدها که اغلب به طور کامل خودباور و متکی به نفس است، غیر از غذا و مسکن توقع دیگری از والدین خود نخواهد داشت، و وقتی متوجه بشود که والدین او نبوغ و برجستگی‌های وی را با افتخار به دیگران منعکس می‌کنند، از این کار آنها اظهار دلتنگی نموده و آنها را بازمی‌دارد. اژدهای پدر از این که دختر و پسر وی مزاحم وی در اطاق شخصی اش نمی‌شوند خیلی خوشحال می‌شود. بچه موش خیلی زیاده طلب است و همه چیز را طلب می‌کند، اما اژدها مشتاق دلربایی است.. و دختر می‌می‌مون که همیشه چشم و گوش و متفکر است، به طور حتم به راه خود می‌رود. دختر اسب

زیبا و بذله گو باعث می شود تا پدرش ازدها از مبارات برکد، اما باید بدانیم که اسب ها فقط مشتاق خودشان هستند و به همبستگی های شدید خانوادگی علاقه مند می باشد. بیچاره پدر ازدهایش.

جدول نحوه سازگاری ازدهای والد و بچه هایش

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
ازدها	
مار	
اسپ	
بزر	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

بچه بزر اغلب با هنر و بذله گو می شود که باعث خشنودی والدین ازدهای خود می شود، اما وی یک کودک دمدمی مزاج است و اگر می خواهد دلبری نماید، باید زیاده روی نکند. بچه گربه از همان اوان کودکی ماهیت مشکل پسندی خود را بروز می دهد. اما این خاصیت وی مانند کمال پسندی ازدها نمی باشد. به هر حال بچه گربه گریه و زاری زیادی می کند. اما بچه بیر با انکار پرنشاط خود دل والدین ازدهای خود را تسخیر می کند و آنها

حاضر می‌شوند هر اقدامی را که لازم است به عمل آورند تا خواسته‌ها و افکار او عملی گردد.

بچه خوک پرکار و صادق ممکن است دریابد که تمام تلاش‌های وی ندیده گرفته می‌شود مگر این که خود آنها را به زبان آورد. هر وقت از اژدها بخواهند، دل و جرأت می‌بخشد و تشویق می‌کند. اما بچه گاو منزوی را به حال خود می‌گذارد تا سرش به کار خودش بند باشد. که شاید بهترین روش باشد. و بچه‌سگ نگران با شک و تردیدهایش والدین خود را بهسته می‌آورد.

اژدها از نظر شغل و پیشه

ورق برنده اژدها که همیشه در آستین دارد کم و بیش به قدرت خودباوری و اتکاء به نفس فراوان او بستگی دارد. این نعمت خدادادی در دنیای تجارت و موارد دیگر بالارزش‌ترین امکانات است. و با وجود این که وی این قدرت خود را به رایگان در اختیار همه قرار می‌دهد، اما هر کسی نمی‌تواند از آن استفاده نماید. اژدها که ذاتاً موجود شرافتمند و درستکاری است، سگ را تحت الشعاع قرار می‌دهد، در نتیجه او هم هر وقت گیر بیاورد از اژدها بدگویی می‌کند. گاو مقتدر که دوست دارد رئیس خود باشد، به عدم اطمینان و بدینه سگ نسبت به اژدها پیوسته و از روش پرزرق و برق اژدها در کسب پول انتقاد می‌نماید. اگر خانم بز بتواند جلو هنرمند بازی خود در مقابل نیروی اراده اژدها را بگیرد، می‌توانند خیلی جلو بروند، شاید در زمینه ترانه‌سرایی و آوازخوانی؟ اسب باهوش و صنعتگر نیز می‌تواند شریک سودآوری برای اژدها باشد، ولی فقط در زمینه رقابت حرفه‌ای که پیش بیاید، خوش می‌درخشند. اما باید این را در نظر داشته باشد که اژدها سر و صدای زیادی به راه می‌اندازد که ممکن است از حد تحمل فراتر رود.

جدول نحوه سازگاری اژدها در شغل و پیشه

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

وقتی دو تا اژدها به طور شراکتی کاری را شروع نمایند، همه چیز به خوبی پیش می‌رود آن هم در صورتی عملی می‌شود که یکی از آنها ریاست دیگری را قبول بکند که برای خانم یا آقای اژدها کار خیلی مشکلی می‌باشد. خروس خوشحال می‌شود که تصمیم‌گیری‌های مهم را به عهده دیگری محول نموده و خود به کاری که دم دست دارد بپردازد. وقتی اژدهایی در شراکت وجود داشته باشد، کار فراوانی برای انجام دادن وجود خواهد داشت. مous زرنگ و نقطه‌سنج مورد دلخواه اژدها می‌باشد که به قضاوت‌های وی ارزش قابل می‌شود. شانس و دعا اگر در زاویه خلاقیت قرار گیرند می‌توانند خیلی کارساز باشند. به همین دلیل هر دو تای خوک و میمون می‌توانند کمک بکنند و از کمک اژدها بهره‌مند شوند. میمون با

زیرکی خاص به بزرگی طرح‌های اژدها پی می‌برد. و خوک هم هیچ کاری را تا به آخر نمی‌رساند - چیزی که اژدها از دستش برنمی‌آید.

مار تنها کسی است که به اندازه کافی از شعور باطنی برخوردار می‌باشد و اژدها را به سوی انتخاب صحیح ترین راه هدایت می‌نماید. و اگر می‌خواهند شریک بشوند، بهتر است هر دو آقا یا خانم باشند. در غیر این صورت ممکن است کار و عواطف نفسانی آنها در هم آمیخته و به شراکتشان لطمه بزنند. اژدها، ببر عجول را که گاهی بدون فکر عمل می‌کند، به حال و فکر خود رها می‌کند و در صورت خطأ کردن نیز نه تنها سرزنش نمی‌کند، بلکه مورد تشویق هم قرار می‌دهد. گریه نیز با ذوق اژدها کنار می‌آید ولی این خطر هم وجود دارد که افکار پایین‌تر از حد معمول وی با افکار عالی و پرماجرای اژدها تصادم نماید.

اژدها در عشق و عاشقی

آقای اژدها خود را اغواگر بزرگ تلقی می‌کند، و هر دو جنس اژدها دنیا را به عنوان مثال صدف خود تصور می‌کنند. اما هر کسی چنین عقیده‌ای را که آقای اژدها نسبت به خود می‌دهد، قبول ندارد. برای مثال خانم اژدها مشتاق خود است و اموراتی دارد که نگران آنها باشد. دو تا اژدها که عاشق و معشوق باشند خیلی کم است، ولی اگر چنین باشد، خیلی جالب است. از سوی دیگر عشق خانم سگ به اژدها نیز زیاد توصیه نمی‌شود. به هر حال امکان دارد که این خانم شیفتۀ همنشینی با اژدها باشد و از صحبت صاف و ساده او خوشش بیاید، ولی در آخر شروع به انتقاد از وی می‌کند.

خانم گاو به خاطر اژدها مبارزه زیاد می‌کند و ممکن است مانند سگ به آسانی اسیر قضاوت نادرست خود نسبت به وی بشود. به هر حال وقتی خانم گاو عاشق بشود، معشوقه سفت و سختی می‌شود. ولی باید این را به

خاطر داشته باشد که ذخیره دلربایی وی در جایی که اژدها مد نظر باشد، محدود خواهد بود. از سوی دیگر دلربایی بز به حد فور است و این چیزی است که اژدها طالب است و ضمناً خواهان عواطف بیش از یک لبخند شرمگینانه آن هم گاه و بیگاه، خانم بز هم این مطلب را کاملاً واقف است و می‌داند چکار باید بکند تا دل اژدها را به دست آورد.

جدول نحوه سازگاری اژدها در عشق و عاشقی

موس	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
گاو	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>		
ببر	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
گربه	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
اژدها				
مار	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
اسپ	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
بز	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
میمون	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>
مرغ	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>		
سگ				
خوک	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>		

مرغ نیز چندان از عشق اژدها بهره‌مند نمی‌شود. زیرا با کار با دقت بیگانه است. اما وقتی نوبت به موس برسد از دلربایی چیزی کم نمی‌آورد. در اینجا باید یادآور شد که موس قهرمان عشق‌بازی است و اژدها هنرمند آن. ببر هم مانند موس از احساسات دست نخورده به و حشت نمی‌افتد، و

مانند گریه حساس زوج عشق مناسبی برای اژدها به حساب می‌آید.
اسب هم تحت علامت دوقلوی ظرافت و گرمی زاده شده است، و
اژدهایی را نمی‌یابی که بتواند در مقابل خانم اسب مقاومت نماید. روابط
عاشقانه آنها ممکن است چندان دوام نیاورد، اما خاطرات آن به یاد ماندنی
خواهد بود!

میمون هنرمند در مورد رموز عشق آگاه است و در نشان دادن آن
چیره دست می‌باشد. مار نیز می‌تواند قلب اژدها را تسخیر نماید. به هر حال
این خانم نیز مانند اژدها و از جنس وی است ولی مانند اژدها یال ندارد.
خانم خوک نیز به نوبه خود به اندازه کافی عاشق پیشه است، اما اژدها در
گروه دیگری قرار دارد. با وجود این‌ها خانم خوک امتیاز‌هایی دارد که اژدها
نمی‌تواند از آنها صرف نظر نماید.

اژدها از نظر ازدواج

هر کسی که خواهان ازدواج مستحکم و دائمی است، اگر طرف مقابل
وی یک اژدها باشد باید مجدداً فکر نماید. مرغ بی‌تزویر و صاف و ساده،
می‌داند چگونه با بلندپروازی اژدها کنار بیاید و با کمی بده و بستان از دو
طرف باید به یک نتیجه موزون برسند. خانم میمون هنرمند و زیرک جفت
مفیدی برای اژدها خواهد بود. هر دو تای این‌ها بلند همت هستند و به
یکدیگر یاری خواهند نمود.

خانم موش رقیق القلب و مهربان جفت ایده‌آلی برای اژدها می‌باشد و
برای پریارتر نمودن زندگی مشترکشان هر چه بخواهد تقدیم خواهد نمود.
گربه متین اژدها را مورد ستایش قرار می‌دهد و شکوه و جلالی که در زندگی
خود به وجود آورده‌اند سهمی طلب نمی‌کند. اما ببر از این که بدون توجه
مانده است با خوشرویی برخورد نمی‌کند. اما اژدها از بودن این خانم در

کنارش در موقع توزیع جوایز به ستاره‌های سطح بالا ناراحت نمی‌شود. اما این حرف را نمی‌توان در مورد خوک معصوم زد. زیرا این خانم خودش را در سطح خیلی بالایی می‌داند، درست است که وی سزاوار این حق است، اما نه به وسیله اژدهاکه همیشه فکرش به خودش مشغول است.

جدول نحوه سازگاری اژدها در ازدواج

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

مار افسونگر با وجود این که عاقل و عمیقاً حساس است، اما دارای این عادت است که خودش را درگیر بحران می‌کند، چیزی که اژدها اهمیتی به آن نمی‌دهد. اما وقتی چشم محبتی به سوی آقای اژدها معطوف بکند، آن وقت همه چیز عوض می‌شود. بز هوسباز در واقع نیاز به جلوکشیدن دارد، اما آقای اژدها خیلی مهم‌تر از آنست که وقت خود را صرف بستن طنابی به

دور گردن بز برای جلو کشیدن وی نماید.

خانم اسب بذله گوی جسور و زیبا از لاف زدن به اژدها خیلی مشعوف می شود و می تواند مستقیماً توی صورت او بخندد. اما خانم سگ کار دیگری به جزء ایراد گرفتن انجام نمی دهد و این کار را مرتبأ تکرار می کند. سگ احمق! و اما ازدواج دو تا اژدها یا منجر به یک موفقیت جنجال برانگیز می شود و یا به احتمال قوی منجر به بزرگترین تراژدی خواهد شد. پس بهتر است انجام نشود.

این موضوع در مورد ازدواج گاو با اژدها نیز صادق است. هر دو تای اینها چه در خانه و چه در جامعه، برای کسب برتری با هم رقابت خواهند نمود. هم اژدها و هم گاو ذاتاً رهبر هستند، اما همدمیگر را درک نمی کنند. علیرغم وجود شرایط ایده آل، هیچ چیز جلو این دو موجود قادر تمدن را از دریدن یکدیگر نخواهد گرفت.

سال اژدها چه تأثیری روی شما خواهد گذاشت؟

[سالی برای جادو]

اژدها در سال خودش دست به خاک بزنند، تبدیل به طلا می شود. و کمتر کسی است که از عظمت رهبر کارناوال این سال بی بهره بماند. برای خانم مرغ هم سال بزرگی است و می تواند امیدوار باشد که بالاخره بعضی از رؤیاها یش جامه عمل خواهد پوشید. خانم مار چنان عاقل و حساس نیز داهیانه ترین طرح هایش را اجرا خواهد نمود. موش همیشه فرصت طلب به همراه میمون هنرمند جادوی سال اژدها را کشف می کند که به نفع هر دو تای آنها تمام می شود و هر دو نفر آنها به خواسته های مورد علاقه خود به حد وفور دست می یابند. اگر شما با شرکت موش سرمایه گذاری کنید، این سالی است که بیشترین سود را می بردید.

برای اولین بار تمام ایده های ببر به واقعیت خواهند رسید. و بهترین

سال برای وی است که کتاب بنویسد، آهنگ کنسرت تصنیف نماید یا ازدواج نموده و تشکیل خانواده بدهد. اسب مغورو و مستقل قبل از این که از کانون توجه دور شود، فقط چیزی را که می‌خواهد برمی‌دارد که بی‌عقلی زیاد او را می‌رساند. و اما بز عشه‌گر به طور حتم اهمیت زیادی به این همه توجه که به یک شخص دیگر قایل می‌شوند نخواهد داد، خصوصاً شخصی به بزرگی و پرزرق و برقی اژدها. اما آنقدر در آن نزدیکی‌ها خواهد پلکید تا مقداری از خاک طلای اطراف اژدها به لباس او بچسبد.

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

گربه کم رو و ترسو درخواهد یافت که دنیای منظم وی رشته رشته شده است، و اژدها نیز فرصت نخواهد داشت تا اینجا و آنجا نشسته و به حرف‌های کم ارزش گوش بدهد. این سال برای گاوهای نیز مبارک نخواهد بود. سرشاران به کارشان گرم خواهد بود، هی کار... کار... کار... می‌کنند و چیزی از

جشن و سرور و رقصن جاری در خیابان‌ها نصیب آنها نخواهد شد.
خوک هم کار برای انجام دادن خواهد یافت، اما هیچ توجه عمده‌ای به
تلاش او نخواهد شد. سگ نگران نیز شادی نخواهد داشت. هر چند که
اژدها خیلی مایل خواهد بود دست یاری به سوی او دراز نماید.

اژدهاهای مشهور در عرصه‌های:

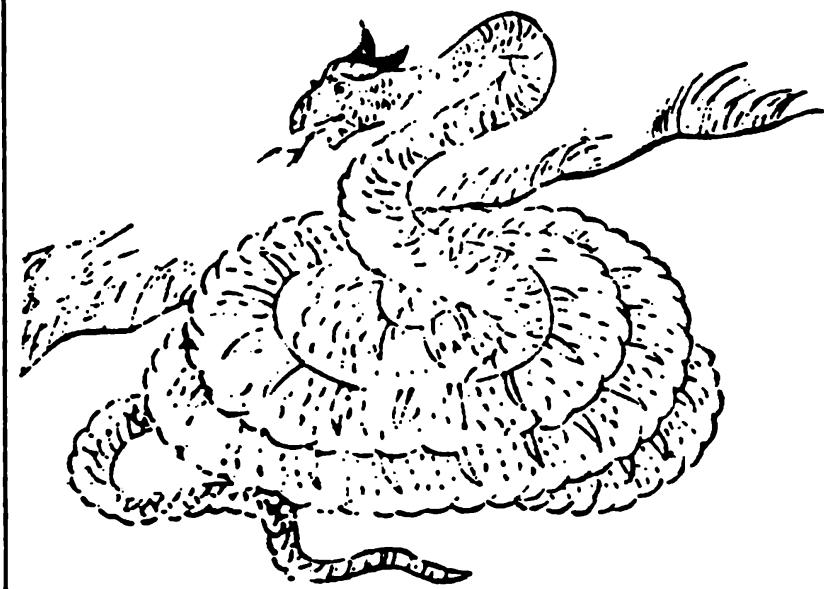
دیوید بروم	هنر:
جیمی کانرز	کانت بیسی
پت ادری	سارا بارنهارت
جیمی گریوز	رولد داهل
جیمی هیل	سالوادور دالی
لن هاتن	پلاسیدو دامینگو
دنیس لا	جان جیلگود
جان پروت	جايلز
پله	گراهام گرین
نلسن پیکوئت	استنلی کابریک
مری رند	برنارد لووین
سرگوردن ریچاردز	يهودی منوهین
ویو ریچاردز	گلن میلر
الن ولز	استاکهاوزن
صنعت و سیاست:	ورژش:
پل گتی	جیاف بویکات
چه گوارا	مارکوون باستان
ادوارد هیث	کریس برشر

جرج ڀک	مارتن لوترکینگ
إستر رتنز	کلایو سینکلیر
زندراء رودز	سايريل اسميث
الکسی سیل	هرولد ویلسن
مل اسمیث	سلطین:
پتریک اس ویز	لیدی سارا آرمستانگ جونز
شرلی تمپل	شاهزاده ادوارد
موسیقی پاپ:	کینگ کانستنتن
جان بیز	لیدی هلن ویندسور
بینگ کراسبی	هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:
کریس کراس	جفری آرچر
استیووارت کوپلند	باگز بانی
وال دونیکن	سرآلیستیر بریت
ادم فیٹ	باربارا کارتلند
تام جونز	جوئی کریستی
جان لنون	کرک داگلاس
منفرد مان	فی دوناوی
کلیف ریچارد	باب هالنس
برادران رایتیوس	گلوریا هانیفورد
کووین رالند	دکتر داریوش قهرمانی پور
فیل اسپکتور	بانی لنگفورد
دیو استیووارت	ایلین پیج
رینگو استار	نیکولاس پارسنز

مار THE SNAKE



1905	از ۴ فوریه ۱۹۰۵ تا ۲۴ ژانویه ۱۹۰۶ از ۱۵ بهمن ۱۲۸۳ تا ۴ بهمن ۱۲۸۴	1906
1917	از ۲۳ ژانویه ۱۹۱۷ تا ۱۰ فوریه ۱۹۱۸ از ۳ بهمن ۱۲۹۵ تا ۲۱ بهمن ۱۲۹۶	1918
1929	از ۱۰ فوریه ۱۹۲۹ تا ۲۹ ژانویه ۱۹۳۰ از ۲۱ بهمن ۱۳۰۷ تا ۹ بهمن ۱۳۰۸	1930
1941	از ۲۷ ژانویه ۱۹۴۱ تا ۱۴ فوریه ۱۹۴۲ از ۷ بهمن ۱۳۱۹ تا ۲۵ بهمن ۱۳۲۰	1942
1953	از ۱۴ فوریه ۱۹۵۳ تا ۲ فوریه ۱۹۵۴ از ۲۵ بهمن ۱۳۳۱ تا ۱۳ بهمن ۱۳۳۲	1954
1965	از ۲ فوریه ۱۹۶۵ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۶۶ از ۱۳ بهمن ۱۳۴۳ تا ۳۰ دی ۱۳۴۴	1966
1977	از ۱۸ فوریه ۱۹۷۷ تا ۶ فوریه ۱۹۷۸ از ۲۹ بهمن ۱۳۵۵ تا ۱۷ بهمن ۱۳۵۶	1978
1989	از ۶ فوریه ۱۹۸۹ تا ۲۶ ژانویه ۱۹۹۰ از ۱۷ بهمن ۱۳۶۷ تا ۶ بهمن ۱۳۶۸	1990



زمین حتماً دوست دارد که مار نوشود
لباس زمستانی اش بیشتر پوشیده شود
عرش لبخند می‌زند، و ایمان‌ها و شاهان می‌درخشند
مانند تکه‌های یک رؤیای حل شدنی

شلی

سال مار



حداقل اوایل سال مار به طور عمدۀ بستگی به این خواهد داشت که سال ازدهای قبلی چگونه به پایان رسید. اگر تمام طرح‌های بلندآوازه سال ازدها به نتیجه مطلوب توأم با جشن و پیروزی رسیده باشند، در این صورت سال مار نیز خود به خود در سطح مطلوب و عالی شروع خواهد شد. در غیر این صورت ماه‌های اولیه این سال با عدم اطمینان و احتمالاً خطرناک خواهند بود. در ماه مارچ ۱۹۱۷ انقلاب روسیه به وقوع پیوست. در همان ماه، البته یک روز بعد، سال ۱۹۴۱، ایالات متحده آمریکا علیه آلمان نازی اعلام جنگ داد. به هر حال همان طوری که سال به سرعت پیش می‌رود، مار آن را تحت تأثیر و اراده کامل خود درمی‌آورد. و به زودی آشکار می‌شود که خصوصیات سال مار در تضاد با سال قبل از خود است. سالی که سپری شده است پر از جشن و نمایش غرور و شادی بود و جای آن را سالی تیز و نافذ و حتی بعضی موقع با حالت اسرارآمیز گرفته است.

اگر سال مار را به حال خود بگذارند، در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگ، بیشتر شبیه به حرکت مار به جلو می‌رود. مار با استفاده از حواس خود حرکت می‌کند. برای مثال در سال ۱۹۵۳ ادماند هیلاری به همراه راهنمای بومی خود به نام تنزینگ، راه خود را اینچ به اینچ به جلو برد و قله اورست را فتح نمودند. یعنی اولین انسان‌ها در تاریخ بودند که موفق به این صعود

شدند. اما گول نخورید. در زیر سطح آرام افکار عمیقی در جریان است. فراست و بصیرت سنگ پایه تغییرات عمدہ‌ای است که روی می‌دهد. و به دلیل این که این تغییرات از منبع ژرفی سرچشمه می‌گیرند لذا تا ابد باقی ماندنی هستند.

با وجود این که سال مار شاهد قدم‌های بزرگ و اساسی در جهت صلح و مصالحه جهانی خواهد بود، اما این اقدامات با احتیاط کامل به عمل خواهد آمد. نشانه ویژه سال مار عقل است و تمام اقدامات با طرح عاقلانه اداره خواهد شد. و هیچ گونه نمایشی از خودنمایی و لاف و گزارگویی در کار خواهد بود. در این سال به کسی نخواهند گفت که شب و روز کار بکند، و کسانی که به دلخواه خود سخت‌کوشی بکنند، به حال خود گذاشته خواهند شد تا بدون مانع به تلاش خود ادامه دهند. در واقع سال مار می‌تواند برای افراد بلندهمت و نامجو سال پرشکوفایی چه در کسب مقام بلندمرتبه در اداره و یا اندوختن پول کلان باشد.

تقاضای فراوانی برای آثار هنری وجود خواهد داشت، لذا نقاشان، شاعران و نوازنده‌گان، خواننده‌گان آوازهای پاپ (بیشتر به خاطر زیبایی چهره‌شان تا دلنوازی موسیقی‌شان) پله‌های ترقی را به سرعت بالا خواهند رفت. سال مار به طور مطلق از آن مردم زیباروی است و اگر دارای شرایط هستید می‌توانید شانس خود را به عنوان مانکن لباس یا ملکه زیبایی آزمایش کنید.

این سال مناسب‌ترین موقع برای استخراج گنجینه‌های زیر خاکی است. امکان دارد که طلا، نفت و اجنباسی در هر شکل و اندازه به قیمت‌های کلان به فروش برسد، و یا کاملاً بی‌ارزش بشوند و سقوط نمایند. رکود اقتصادی و در هم ریختن وال استریت ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۲۹ روی داد. متأسفانه راهی برای تشخیص این دو وجود ندارد. ضمناً در سال مار کشفیات فراوانی در زمینه علوم و پیشرفت زیادی در زمینه پزشکی به عمل

خواهد آمد.

بالاتر از همه، سال مار فرصت مناسبی برای امورات رماتیک است، البته منظور رسیدن به مرحله ازدواج و تشکیل خانواده نیست. اگر متوجه شدید که در سال مار عشق به سراغ شما می‌آید، با هر دو دست به آن بچسبید. زیرا اموراتی خواهد بود که نه می‌توانید اظهار تأسف و پشیمانی نمایید و نه فراموش نمایید. اگر دوست دارید هجونامه بنویسید، اشکالی ندارد، اما اگر می‌خواهید شرط‌بندی نمایید، بهتر است دست نگهدارید تا سال بعد برسد. این سال زمان مناسبی برای دور ریختن پول‌های با زحمت کسب کردہ‌ات روی املاکی که دلالان زمینخوار پیشنهاد می‌نمایند نیست. در مقابل تصمیم‌گیری روی طرح‌های درازمدت ایستادگی کنید، قبل از این که اقدامی بکنید لحظه‌ای اندیشه نمایید. و قبل از این که متوجه بشوید، عشق و مال و منال جلوی شما می‌ریزد.

شخصیت مار



بی سرو صدا گام بردارید، راحت بنشینید و به دقت گوش بدهید.
مار عاقل است، و دنیا اسرار فراوانی را دربر دارد.

از نظر دنیای غرب، مار را به چشم افعی منفوری می‌نگرند که نقش اصلی در سقوط انسان داشته است. یعنی این مار شریر در بهشت عدن میوه ممنوعه را به حوای عزیز تقدیم نمود و باعث لعن و رانده شدن وی و آدم از آنجا شد. در این مورد کتاب مقدس انجیل داستان را چنین ادامه می‌دهد که:

بعد از آن ماجرا خداوند مار را بدلتر از سایر مخلوقات نفرین نمود که به نظر می‌رسد از عدالت به دور باشد، زیرا خود خداوند آن میوه را خلق کرده بود نه مار. ضمناً بباید از خودمان بپرسیم که اگر حضرت آدم و حوا هنوز هم در بهشت سرگردان مانده بودند، حالا ما در کجا بودیم؟ به خاطر همین داستان جالب اما افسانه‌آمیز، مار از نظر اکثر ما غربی‌ها موجودی مکار و غیرقابل اعتماد جلوه می‌کند. این امر چیزی جز حقیقت نمی‌باشد. اگر در غرب کسی را مار صدا بکنید، این بدترین توهینی است که به وی نموده‌اید. مثل: «تو مار داخل علف‌ها» بدترین اهانت است. اما اگر در چین در خیابانی به یک خانم یا آقا مار خطاب بکنید و به واکنش آنها نگاه بکنید، می‌بینید که چشمان آنها از شادی و رضایت خاطر می‌درخشند و اظهار امتنان از چشمانشان می‌تراود. لذا در مشرق زمین نمی‌توانید تعریفی از این بالاتر از کسی به عمل آورید.

خانم مار هم که یک زن کامل به حساب می‌آید، تحت علامت عقل متولد شده است و در سراسر مشرق زمین به همان نسبت مورد احترام است. و عقیده دارند که در زمینه‌های عشق و ثروت خوش شانسی به همراه می‌آورد، و اگر در خانواده‌ای یک مار وجود داشته باشد، فرزندان آنها ازدواج موفقی خواهند داشت و مزارع برنج پربار می‌شوند. ضمناً مارها خصوصاً خانم‌ها فوق العاده زیبا می‌شوند. هر دو شاهزاده خانم گریس کلی موناکو و گرتا گاربو، مار می‌باشند. ژاکلین کندی هم مار است. مردان مار هم از زیبایی و خوش تیپی بی‌بهره نیستند که رئیس جمهور اسبق آمریکا، جان اف کندی شاهدی بر این مدعی است. یا آقای لای بریس هم از این گروه است و کسی هیچ شکی در زیبایی وی ندارد.

از آنجایی که مار دارای هر دو موهبت عقل و زیبایی به طور یکسان آن هم به مقدار فراوان است، لازم است در آغاز اشاره نماییم که در مورد چه نوع زیبایی صحبت می‌کنیم. زیبایی زنان مار لازم نیست از همان نوعی

باشد که در هالیوود تبلیغ می‌کنند. شکل و اندازه اعضای بدن و صورت خانم مار هر طور که باشد، زیبایی وی گیج‌کننده و افسونگر خواهد بود. ضمناً دارای دستان ظریف، پوستی شفاف و چشمانی اغواکننده است و نگاه وی تا عمق روح کسی که می‌نگرد، نفوذ می‌کند و در عین حال از آنها معصومیت می‌بارد. لذا خانم مار را فقط می‌توان به عنوان «زن افسونگر» تعریف نمود. خانم‌های مار از لباسی خوششان می‌آید که اسرار مخفی وی را برجسته‌تر بنمایاند.

ضمناً خانم مار هر نوع لوازم در هر اندازه یا شکل را خیلی دوست دارد. ولی او را نمی‌توانید ببینید که از لباس یا گردنبند مروارید بدلى ارزان قیمت استفاده کرده باشد، و هر چیزی که داشته باشد حتم بدانید که اصلی و گران قیمت است. و اگر یک زن مار از مردی خوشش بیاید، به هیچ وجه آن مرد را رها نمی‌کند تا او را به انقیاد خود درآورد. وقتی صحبت از دارایی پیش می‌آید، مار از این لحظه بی‌نظیر است.

به عنوان مثال از چسبندگی مار به چیز مورد علاقه‌اش به یک ماجراجی وحشتناک دریاره دو تا مار عظیم پایتون در باغ وحش استرالیا توجه کنید: آن دو مار را جهت تغذیه وارد قفسی نمودند. آنها که قبلاً هم‌دیگر را ندیده بودند، هر کدام به گوشهای خزیده و آن دیگری را زیر نظر گرفت. غذای آن روز آنها خرگوش زنده بود. وقتی اولین خرگوش را وارد قفس نمودند، آن دو آن را ورآنداز نموده و هر دو ناگهان خود را به آن رسانده و یکی از طرف سر و دیگری از طرف دم آن را به دهان خود فروکشیدند تا در وسط آن پوزه به پوزه چسبیدند و چشمان خود را که چند سانتی‌متر از هم فاصله نداشت به هم دوختند، ولی هیچ کدام حاضر به صرفنظر نمودن از سهم خود نبود، و مسئول آنها هاج و واج مانده بود که چکار بکند، تا این که پایتونی که از نظر جثه کمی بزرگتر بود، کله مار دیگر را نیز وارد دهان خود نموده و او را نیز یواش یواش بلعید و حدود یک ساعت بعد تمام مار دوم در کام مار بزرگتر

قرار داشت ولی حاضر به رها نمودن نصفه سهم خود نشده بود. محافظ آنجا در گزارش ماجرا اشاره کرده بود که رنگ آن مار به سفیدی گراییده و حدود یک ماه مریض شده بود.

حالا که صحبت از خود مار شد، لازم است اشاره نماییم که بیش از ۲۵۰۰۰ نوع مار وجود دارد که کوچکترین آنها به اندازه بند پوتین است و بزرگترین آنها آناکوندا می‌باشد که طولش به ۱۲ متر می‌رسد و قادر است یک اسب کامل را یکجا ببلع. پس تعجب ندارد که بینیم اکثر آنها بی که متولد سال مار هستند، اغلب از پرخوری از دلدرد بنالند. این‌ها نیز مانند پسرعموی دور خود اژدها، از سلامتی شکننده برخوردارند و سیستم عصبی خانم‌های مار ظریفترین و حساس‌ترین سیستم در عالم خلقت است. شاید به این خاطر است که آدم‌های مار از بصیرت قوی برخوردار هستند. به هر حال سیستم عصبی، مرکزی در ناحیه شکم دارد و هر شوک عصبی بلاfaciale در شکم اثر می‌گذارد.

مارها علاوه بر این که دارای قدرت افسونگری و تحت انقیاد درآوردن دیگران هستند، ولی لازم است این عمل را با استفاده از حسن اخلاق که از خصوصیات فردی آنهاست به مورد اجرا بگذارند. و مارها با وجود این که در سنین بالا موقر و باشرف می‌باشند، اما بدون استثناء در ایام جوانی دارای ماجراهای عاشقانه چه قبل از ازدواج و چه بعد از آن بوده‌اند. ضمناً سرزنش نمودن خانم مار به خاطر روحیه پایین‌اش بی‌نتیجه است، زیرا او آن طوری که شما به اوضاع می‌نگرید، نگاه نمی‌کند. مار نیز مانند خانم اژدها از زیبایی خود به عنوان بخشی از زندگیش استفاده می‌کند که به عنوان عملی برای خودکاوی محسوب می‌شود. و به این خاطر است که اغلب عشق‌بازی مارها خیلی خودپسندانه است. به همین دلیل است که لازم است در سر راه عشق مار قرار نگیرید. اگر خانم مار بو ببرد که به وی خیانت شده است، بلاfaciale واکنش نشان می‌دهد. اگر مخفی بشوید، شما را پیدا می‌کند، دروغ

تحویل وی بدھید، مج شما را می‌گیرد. و اگر به وی کلک بزنید، به شما خیانت خواهد کرد. و فراموش نکنید که چیزی از خاطر مار فراموش نمی‌شود، و هیچ کس مانند مار انتقام نمی‌گیرد. درست است که مارها از حیوانات خونسرد می‌باشند، اما در رگ‌های خاتم مار خون داغ در جریان است.

درایت مار مانند حالت تسلط وی در همان آزمایش اول معلوم می‌شود. و از آنجایی که عقل و فراست وی از عمق ناشناخته وی سرچشم می‌گیرد، خودش کنترلی بر آن ندارد. خیلی موقع خانم مار حرفی را به زبان می‌آورد که هیچ منظوری از ادای آن نداشته است و در واقع نمی‌فهمد که منظورش از آن حرف (اکثراً حکیمانه) چه بوده است. لذا به نظر می‌رسد که توسط یک ضمیر ناخودآگاه درونی هدایت می‌شود. منبع باطن‌بینی اسرارآمیز مار هر چیز که باشد، شکی وجود ندارد که نقش مهمی در اتکاء وی به دنیاهای روحانی و بعضی موقع مافوق طبیعی دارد. مارها قادر به پذیرش انواع مختلف تفکرات مذهبی و فلسفی بوده و می‌توانند خود را به آسانی با ماهیت انفعالی و فکری زندگی مذهبی وفق بدهند. حالا خواه شور و اشتیاق به مذهب بودا باشد و یا مذهب مشکوک و بدنخاد ناشی از رؤیت احتمالی بشقاب‌های پرنده باشد، باز هم تعداد مارهای حاضر شونده در کلیساها کم نخواهند بود. با در نظر گرفتن این حقایق در مورد مارها، نباید متعجب بشویم که بشنویم الهام‌بخش ترین رهبر ایام اخیر، مردی که با دست خالی تمام ملت خود را به آرزوهای مذهبی و سیاسی خود هدایت نمود. یعنی ماهاتما گاندی در سال مار متولد شده بود.

مارها علاوه بر سهم خود در تفکرات مذهبی، ارتباط دیگری با پیروان خود دارند. آن‌ها در طول تاریخ باعث ترقی هنر نقاشی و موسیقی شده‌اند که ناشی از الهام‌بخشی یزدانی آنهاست. شاید مشهورترین آهنگ‌ساز چنگ و عود تمام دوران، فرنز شوپرت یک مار بوده است. وی در طول تنها سی و

یک سال عمر خود، بیش از یک هزار آواز، نه سمعونی و تعداد بیشماری کنسرو تصنیف نمود.

پابلو پیکاسو نیز یک مار بود، و می‌توان وی را بدون اغراق غیرعادی‌ترین نقاش دانست که دنیا به خود دیده است. بچه اعجوبهای به نام پابلو پیکاسو تعداد بیشماری از شاهکارها را به وجود آورد و تا آخر عمرش یعنی نود و دو سالگی مشغول نقاشی بود. لذا نمی‌توان منکر این حقیقت شد که پیکاسو چهره نقاشی مدرن را عوض کرد و به عبارت دیگر آن را ابداع نمود. ضمناً در موقع مرگ ثروتمندترین نقاشی بود که تاکنون دنیا به خاطر دارد. حالاکه صحبت از ثروت و پول شد، ما را به یاد سومین نعمت خدادادی مار می‌اندازد. آن هم پول بی‌حد و حساب.

گرایش مار به پول حالت ضد و نقیض با خصوصیات دیگر وی دارد. یعنی در بذل و بخشش همه چیز بدون مضایقه است، اما در دادن قرض یا سرمایه‌گذاری و حتی خرج کردن به خودش امساك نشان می‌دهد، شاید دلیل آن مشکلات مالی است که در ایام کودکی با آن مواجه بوده است. در چنین حالتی آن مار ممکن است تبدیل به یکی از آن آدم‌های بدبخت قدیمی بشود که روی رختخواب کثیفی بنشینند و بخوابد که داخل تشک آن انباسته از پول باشد. میلیاردر معروف، هاورد هیوز،^(۱) عمر خود را تقریباً به شرح بالا به پایان برد. یعنی در یک چهار طاقی محقر یک آپارتمان نسبتاً کثیف شهر پرزرق و برق لاس وگاس آمریکا. وی تمام شیشه‌های خانه‌اش را تیره‌رنگ نموده و درهای خانه را عایق‌بندی کرده بود تا جلو میکروب‌ها را که فکر می‌کرد باعث کشتن وی خواهند شد، بگیرد. وی غیر از قرص چیزی نمی‌خورد و با وجود این که آدم بلندقدی بود، وقتی او را از آنجا

۱- هاورد هیوز آمریکایی، مالک کارخانه هواپیماسازی و شرکت هواپیمایی معظم به نام خود

خارج نمودند، کمتر از پنجاه کیلو وزن داشت. سوی سرش تا سینه‌اش می‌رسید و ناخن‌های دستش به ۵ سانتیمتر بالغ می‌شد. و در روز مرگ (از کار افتادن کلیه‌هایش که ناشی از عدم تغذیه و گوارش صحیح بود) ثروت او بیش از ۲/۳ بیلیون دلار بود.

مار خواه با داشتن ثروت بی‌حد و حسابش، یا زیبایی فوق العاده‌اش یا احساسات عاشقانه رمانتیک‌اش، به ارزش خود در دنیا واقف است و به آن می‌نازد. مار همیشه یک چیز خصوصی یا سری ویژه خود دارد. با وجود این هر وقت از وی بخواهند، تمام افکار خود را بر ملا می‌کند، اما حرف‌های خود را با دقت انتخاب می‌کند. او هرگز در موقع حرف زدن من و من نمی‌کند، بلکه حرف‌های خود را آرام و شمرده و با صدای مطبوع بیان می‌کند. و به دلیل صدای صاف خود اغلب خواننده می‌شوند، نَتْ کینگ کل و آرت گارفانکل در سال مار متولد شده بودند.

مارها اغلب به نصایح خوب دیگران به دقت گوش می‌دهند و اغلب بعضی از آنها را قبول می‌کنند، ولی اکثر مواقع به هوش ذاتی و قضاوت دقیق خود متکی می‌شوند. اما خانم مار نصایح هر کسی را هم که بپذیرد، نمی‌تواند در حالت انفعालی و عدم تصمیم‌گیری قرار بگیرد. اگر در بین دو افکار واقع بشود، برای مار خطرناک است. اگر برای تصمیم‌گرفتن درباره امری تحت فشار قرار بگیرد و فرصت لازم برای تصمیم‌گیری عاقلانه را نداشته باشد، بدون استثنای تصمیم غلط را انتخاب می‌کند. و این امر نه تنها کمکی به رفع مشکل نمی‌کند، بلکه بر و خامت اوضاع می‌افزاید. پدر خود من یک مار بود و قتی در رستورانی در مورد انتخاب نوع غذا بقیه افراد خانواده را در حال انتظار می‌دید، با عجله غذایی را انتخاب می‌کرد که حداقل علاقه را به آن داشت، در نتیجه بقیه روز را با غرولند به پایان می‌برد. عقل آنها کمکی به خودشان نمی‌کند، در واقع انگار که فقط صاحب آن هستند و همین عقل و فراست و درک مستقیم آنها را به کلی از بین می‌برد.

ضمناً مارها در خیلی موقع دارای نعمت خدادادی باطن‌بینی هستند که به اندازه شگفتی آن، مفید هم واقع می‌شود. هر دو دایی خانم من مار هستند، مادرخانم که خواهر بزرگ آنها بود به طور ناگهانی درگذشت و آنها از این ماجرا بی‌خبر بودند. در روز فوت وی برادر کوچکترش وقتی وارد اطاق استراحت خود می‌شد، می‌بیند خواهرش در کنار مادرشان که سال‌ها قبل وفات یافته بود، روی کاناپه نشسته‌اند و دارند با هم صحبت می‌کنند. من از شنیدن این حرف لرزیدم، اما او آن را کاملاً طبیعی تلقی می‌نمود.

تمام مارها حس انسان‌دوستی قوی دارند و با نقطه نظرات داهیانه و تیزبینی خود، هر انجمنی را سرزنش و شاداب می‌کنند. از نظر اجتماعی، این حس نوع دوستی قسمتی برای جلب تحسین شما به کار می‌رود و بخشی برای خلع سلاح شما. مار به خوبی می‌داند که وقتی شما شاد و خندان می‌شوید، از سختگیری شما تا حدودی کاسته می‌شود و وی می‌تواند از آن در جهت زندگی در صلح و آرامش خیال استفاده نماید. خانم مار اگر ببیند لطایفش آن طور که باید کارگر نیفتاد، از امکانات دیگر خود بهره می‌گیرد. آنایی که کتاب‌هایی درباره طالع‌بینی چینی نوشته‌اند، جملگی دارای یک اشتباه کلی هستند که مار را تنبل قلمداد کرده‌اند. البته دلیل این اشتباه ناشی از تعبیر و تفسیر کلمه چینی «هُسِین» است که دارای دو معنی تنبل و تن‌آسا می‌باشد، یعنی وقتی ماری را می‌بینیم که به دور سنگی چمبه زده است، تنبلی نمی‌کند، بلکه در حال تن‌آسایی است. و باید این را گفت که مارها با عجله و به سرعت دنبال کاری بودن را دوست ندارند. به عبارت دیگر بعد از انجام هر کاری حتی اگر غذا خوردن باشد، نیاز به کمی استراحت دارند. و در طول زمستان هم به خواب زمستانی فرو می‌روند که خیلی با تنبلی فاصله دارد. در واقع مارها سخت کار می‌کنند. وقتی در مقابل خانواده‌شان، شغلشان حتی عشق‌شان احساس تعهد نمودند، تا رسیدن به هدف مورد نظر آنها به صورت بی‌نظیر سخت‌کوشی می‌کنند. لذا اگر او را در

نشان دادن واکنش کند دیدید، ناراحت نشود. و هر وقت مار را بدون حرکت دیدید، بدانید که از نظر فکری سخت در فعالیت برنامه‌ریزی اقدامات بعدی است. در واقع مغز مار بندرت بدون فعالیت می‌ماند. و موقعی که شروع به اقدامی می‌کند، آن را از روی عقل سليم انجام می‌دهد. ضمناً در ساعات خیلی غیرعادی کار می‌کند.

مار در طول زندگیش نقش‌های متفاوتی را به عهده می‌گیرد، و چندین پوست می‌اندازد. و در زمینه انتخاب شغل، آن گونه مشاغل با وی سازگار است که بر مبنای صدای خوش، زیبایی قیافه و عقل سليم استوار باشند. مارها بهترین خواننده‌ها، هنرپیشه‌ها و رقص‌کننده‌ها می‌باشند. مردان مار می‌توانند در عرصه سیاست به موفقیت‌هایی دست یابند (خانم‌های مار نیز اگر خانم ایندیرا گاندی را به حساب بیاوریم، چنین هستند)، همین طور در مقاله‌نویسی در روزنامه و میلیونر شدن. در اینجا می‌خواستم فال‌بینی را نیز به این‌ها بیافزایم، ولی فکر نمی‌کنم امروزه آن را به عنوان شغل به حساب آورند. ضمناً مارها در حفظ صلح و آرامش جامعه افراد خیلی مفیدی هستند. به طور کلی مارها از خشونت بیزار هستند، و فقط وقتی لاعلاج بمانند مبادرت به خشونت می‌کنند. و از سوی دیگر وقتی افسونگری و زیبایی به عنوان حریه به کار آید، دیگر چه نیازی به مشت جهت حل بحث و جدل می‌باشد؟ (یکی از دلایلی که چینی‌ها مار را می‌ستایند همین عامل است)

مردان مار نسبت به خانم‌های مار در مورد نوع لباسشان کمتر متظاهر هستند، ولی گاهی ممکن است یکی از آنها را در لباس فوق العاده شیک و چشمگیر مشاهده نماید و اغلب از ژاکت چرمی، پیراهن راهراه و کراوات ابریشمی خوششان می‌آید. مردان مار هرگز لباس مندرس و وکیف به تن نمی‌کنند و اغلب هر موقع بیرون بروند، لباس مرتب به تن می‌کنند.

چیزی را که در مغرب زمین تقدیر^(۱) می‌نامند، در چین سرنوشت^(۲) می‌گویند. اما فرق بسیاری در معانی سرنوشت وجود دارد، و بیش از آنست که فقط در مورد کیفیت ادامه زندگی تفسیر گردد. یعنی چنین معنی می‌دهد که هر عملی را که ما انجام می‌دهیم تحت تأثیر عمل قبلی است و به نوبه خود روی عمل بعدی تأثیر خواهد گذاشت. تقریباً شبیه به بافتن ژاکتی است که پایانی ندارد. هر دو تای مار و اژدها که خزنه می‌باشند، علامت سرنوشت محسوب می‌شوند. یعنی سرنوشت آنها به هر کجا که ختم بشود، رابطه مستقیم با نحوه زندگی آنها دارد.

مراحل سه‌گانه زندگی مار عبارتند از: دوران کودکی تقریباً تنها بی که اغلب از طریق اطرافیانش درست درک نمی‌شود. دوران کودکی وی با رشد آرام جلو می‌رود و باعث ناراحتی والدینش می‌شود که فکر می‌کنند تمام تلاش و محبت آنها به هدر می‌رود. مار در مرحله میانی زندگیش یکسی از عزیزان خود را از دست می‌دهد که باعث عقب ماندن وی می‌شود. اما مرحله سوم و نهایی زندگی وی توأم با ثروت و مکنت خواهد بود. اما در اینجا لازم است یادآور شویم که چینی‌ها می‌گویند، ماری که در تابستان به دنیا آمده باشد به ثروت و شادی می‌رسد، اما ماری که در ایام طوفانی و سرد زمستان متولد شده باشد، در سراسر عمرش مواجه با خطر و ناکامی خواهد بود و هر چه خوبی بکند بدی خواهد دید و افکار خیراندیشانه وی اکثراً بد و غلط تعبیر خواهد شد و ضمن خیرخواهی برای دیگران خود اغلب در مضیقه خواهد بود و وقتی خود در حال غرق شدن باشد، در حال نجات دیگری خواهد بود.

مار به عنوان والد

از آنجایی که نقطه نظرات و درک متقابل مار با اژدها خیلی به هم نزدیک است، مار والد در رشد و تربیت بچه اژدهایش با مشکلی مواجه خواهد شد. پدر مار شیفته دختر اژدهایش خواهد شد و مادر مار عاقل و زیبا تحت تأثیر درخشش پسر اژدهایش قرار خواهد گرفت. طبق معمول، دختر بزرگتر زیادی از والدینش خواهد داشت، از یک سو خواهان آزادی خواهد بود و از سوی دیگر وسایل استراحت در خانه را خواهد طلبید. ولی این تماناها را با چنان ملاحظت به عمل خواهد آورده که والدین او با خوشحالی و رضای خاطر خواسته‌های او را اجابت خواهند نمود.

پسر گربه یک بچه صبوری می‌شود و با اشتیاق به نصایح ارزشمند والدینش گوش می‌کند، اما موقعی در خانه مار پیش می‌آید که این بچه گربه احساس می‌کند که کمی از نظر روحی ناراحت است (مارها در مورد امورات روحی خیلی قوی هستند). بچه سگ زندگی با مادر مار را می‌ستاید. این مادر تمام حواس خود را روی طرح‌های پرسش طوری متمرکز می‌کند که انگار بهترین طرح‌هایی است که تاکنون وجود داشته‌اند. و چنان به پرسش می‌چسبد که مارها به چیزهای مورد علاقه خود می‌چسبند، و پرسش نیز از این امر ناراحت نمی‌شود. در واقع این عمل مادر را مأمنی برای موقع پرااضطراب خود تلقی خواهد نمود.

هیچ بچه‌ای به آسانی بچه می‌میمون نمی‌تواند محبت پدر مار را به سوی خود جلب نماید. و این بچه تا دهان به حرف زدن بگشاید، پدر مارش از خنده روده بر می‌شود. اما تا زمانی که بچه می‌میمون به والدش حقه سوار نکند، این روابط حسن‌هه ادامه خواهد یافت. بچه موش ظریف دوست داشتنی می‌شود و خیلی سریع محبت نافذ والدین مار خود را به سوی خویش جلب می‌کند. وقتی بچه موش باشد، تقاضای مالی زیادی خواهد داشت و البته

پدر هم حدی برای تأمین پول مورد تقاضای وی قایل خواهد شد. دختر مرغ از شیک پوشی و پز دادن خوشش می آید و مادر مار وی نیز از این که لوازم آرایش و عطر خود را در اختیار او قرار دهد ابایی ندارد ولی در تهذیب اخلاق وی چندان تلاشی به عمل نمی آورد.

جدول نحوه سازگاری مار والد با بچه هایش

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

پسر گاو در خانه مار الهامی نخواهد گرفت، بچه خوک نیز چنین است، شاید مار به اندازه کافی عاقل است که می داند هر دو تای اینها نیازی به هل دادن ندارند. بچه اسب از محبت زیادی والدین خود به تنگ آمده و طبق عادت معمول خود به محض یافتن فرصت چمدان کوچک خود را می بندد. ببر بالغ نیز در خانه مار احساس زندانی شدن نموده و مانند اسب آماده ترک

خانه خواهد شد. اما از میان تمام فرزندان، بچه مار کمترین خوشی را می‌گذراند. از همان اوان کودکی حس بصیرت وی بدون کلام خودش را نشان می‌دهد. بچه مار به کنندی رشد می‌کند و اغلب دیر خودش را می‌شناسد. این بچه علیرغم سعی خود نمی‌تواند پاسخ پدرش را بدهد و سکوت او به اضافه عدم وجود رابطه، ارتباط آنها را به طور کامل قطع می‌کند و خانه برایش ناخوش آیند می‌شود.

مار از نظر شغل و پیشه

مارها طبق قاعده شرکای تجاری خوبی از آب درنمی‌آیند. آنها هر وقت به عقل سليم خود در مورد همه امورات خصوصاً پول مراجعه بکنند بهتر عمل می‌کنند. اما اگر قرار باشد شغلی را به شراکت برگزینند، بهتر است با کسی شریک باشد که نصایح مار را ناشی از بصیرت بداند. گریه متفسر برای مار از این نظر مفید است. گریه که در مورد پول با احتیاط عمل می‌کند، از استعداد دوگانه مار تمجید می‌کند و هر دو تای این‌ها مراقبت هم‌دیگر می‌شوند تا از ریسک و خطر محافظت نمایند- البته اگر جرأت ریسک کردن را داشته باشند. دایر نمودن مؤسسه تبلیغاتی برای این دو مناسب است.

اژدها نیز برای مار مفید فایده خواهد بود. زیرا با مهارت نمایشگری خود طرح‌های مار را به رونق می‌رساند. اما اگر مار خانم باشد، باید از شراکت شغلی یا ازدواج با اژدها قویاً خودداری نماید زیرا قدرت جذب متقابل فراوانی بین آنها وجود دارد.

اسب باهوش و صنعتگر شوخ طبعی و نحوه برخورد با سلیقه مار در شغل را تحسین می‌کند، اما وقتی اسب طرح‌هایش را وارد مرحله عمل می‌کند، نباید خیلی زیاد مداخله نماید. موش فرصت طلب فقط مانع مار شده

و قدرت بصیرت وی را مختل می‌کند. اما موش برای کار در روابط عمومی خوب است و دلربایی وی مصارف مختلفی دارد. سگ فقط وفاداری را برای سرمایه در شرکت دارد، که بدون تشکر باقی نمی‌ماند، اما مار برای موقعي که شرکتشان با بحران مواجه بشود به پشتيبانی مالی فراوانی نياز خواهد داشت، و وفاداری خالی کمکی به پرداخت ديون کلان نمی‌کند. خوک گرایش ساده‌ای به شغل دارد - یعنی فقط کار کردن. و اين برای مار خوب است و اين دو به احتمال قوي بهتر با همديگر کار می‌کنند. تنها مانع اين کار آنست که مابين آنها دوستي و رفاقت زياد به وجود نخواهد آمد و شغلی پيشرفت می‌کند که شركاي آن هم کاري باشنند و هم دوست.

جدول نحوه سازگاري مار در شغل و پيشه

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

میمون تیزهوش می‌تواند جفت مناسبی برای مار باشد و شراکت آنها خوب از آب درمی‌آید. اما به دلیل این که یکی از آنها متفکر و عمیق است و دیگری سطحی و جنجالی، راه رسیدن آنها به هدف نهایی از همدیگر متفاوت خواهد بود. چیزی که مار نیاز دارد یک مدیر سازمانده و وصله پنهان‌کننده خوب است که کسی جز مرغ منظم نمی‌باشد. مرغ دو تا مشخصه دارد، یکی دفترداری و دیگری ولخرجی. با این حساب درآمد و سود فراوان بستگی به آن دارد که خانم مرغ از کدام یک از خصوصیات دوگانه خود در شراکت با مار بهره بگیرد.

بیر مایل خواهد بود که با مار شریک باشد، و مار هم ایده‌های روشن او را با آغوش باز می‌پذیرد، اما مار طبق عادت خود تعمق خواهد کرد و بیر نیز آه تأسف کشیده و خود را کنار خواهد کشید. زیرا ببرها نمی‌توانند انتظار بکشند. گاو از این که ببیند مار قبل از سرمایه‌گذاری جوانب امر را می‌سنجد، ناراحت نمی‌شود زیرا عاقلانه به نظر می‌رسد. اما ایده برنامه باید از او باشد والا علاقه‌ای نشان نخواهد داد. ناجورترین شراکت بین دو مار است، عجب تضادی! گاهی لازم می‌شود در مورد ایده‌ای تصمیم سریع اتخاذ‌گردد، ولی وقتی دو تا مار شریک باشند و بخواهند در مورد موضوعی تصمیم‌گیری بکنند، عمر به پایان می‌رسد و در آخر سر هر دو می‌بازند.

مار در عشق و عاشقی

وقتی نوبت به اسم بردن از همبازی ایده‌آل مار می‌رسد، نباید تردید و دودلی پیش بیايد، چیزی‌ها با قاطعیت می‌گویند: «اژدها عاشق مار است». یعنی اژدهای گردن‌فراز و آمر برخلاف عناوینش، خانم مار هرچه تقاضا نماید، انجام خواهد داد. یعنی کافی است کمی اخم نماید و عشه‌گری نماید تا اژدهای بی‌نوا را به زانو درآورد. اسب زیبا از هر جنس که باشد شریک

عشقی ساده‌ای برای مار است و اشتیاق به عشق رمانتیک وی بلافاصله توسط مار پاسخ داده می‌شود. اما این دو به عنوان عاشق و معشوق باید هر از چندگاه هم‌دیگر را دلشاد نمایند. گربه حساس از کمی در هم فشرده شدن توسط مار آتشین مزاج لذت می‌برد. موش نیز چنین است ولی خواهان آزادی خود است ولی راه را به روی خود بسته می‌بیند. آقای خوک هم گاهی خود را در تله حس می‌کند ولی بهتر است مراقب معشوقه خود باشد تا به عشق دیگری گرفتار نشده باشد.

جدول نحوه سازگاری مار در عشق و عاشقی

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
ازدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

آقای سگ باوفا نیز وقتی وارد ماجرا شد، داستان‌های عاشقانه مار را سطحی خواهد یافت، اما مانند خوک شرافتمند در مقابل بی‌خردی‌های او

خواهد ایستاد، به هر حال خانم مار خیلی زیبا و افسونگر است. اما آقای خروس چنین نیست. او خیلی عاقل است و دوست ندارد کسان دیگری در سر راه عشق او با معشوقش مار قرار بگیرند. با وجود این‌ها حتی اگر خانم مار با او رو راست هم باشد، در آخر کار او را به خیانت محکوم می‌کند. به هر حال وی چنین مردی است. اما خانم مرغ با مار عاشق و معشوق رمان蒂ک ایده‌آل به وجود می‌آورد و هدایای کوچکی بین آنها رد و بدل می‌شود. بیچاره آقای گاو سنتی برای افسانه عشق خلق نشده است و وقتی منظور نظر مار باشد، کاملاً به دور می‌ماند.

بز از چیزی بیش از یک شب بیرون ماندن و با خطر لاس زدن لذت نمی‌برد، اما مار لاس‌زن نیست و بز هم هیچ وقت ارباب مار نیست. پس هر کدام می‌توانند در جای دیگری خوش باشند. خانم میمون مار را شیفتۀ خود می‌کند و آقای مار ممکن است یک وقت متوجه بشود که به دام افتاده است. یعنی آغاز خوش با پایان ناخوش. آقای ببر نیرومند وقتی به حداکثر شیفتگی می‌رسد که خانم مار هم به همان حدت وی واکنش نشان بدهد. اما در زمینه عشق، مار هیپنوتیزم می‌کند و ببر با چنگال‌هایش یورش می‌آورد. مارها در مقابل عشق فقط بر مبنای بدترین افراط‌گری خود عمل می‌کنند و بعد از سرد شدن شعله‌های عشق هم دست از معشوق برنمی‌دارند. و زمانی که ماری گرسنه باشد، هر چیز جنبنده‌ای که پیش رو داشته باشد، می‌بلعد - حتی اگر یک مار دیگر از جنس خود باشد.

مار از نظر ازدواج

ببر فرار باید به هر قیمتی که شده از ازدواج کردن با مار آرام و صلح دوست اجتناب نماید. هر دو جنس ببر دارای مغزی هستند که مرتبأ ایده‌های تازه تراوش می‌کند که پایانی ندارد. اما مار فیلسوف است و وقتی

می‌اندیشد، مغز وی آرام است. با این حساب وقتی ازدواج نمایند، کوچکترین نکته مشترکی ندارند. یکی از آنها پشت سر هم حرف خواهد زد در حالی که دیگری نشسته و گوش‌هایش را بسته است، یکی در رؤیاست آن دیگری در طرح ریزی، یکی گچ است و دیگری پنیر.

آقای سگ بی‌فکر کوچکترین ایده‌ای در عشق و عاشقی ندارد. ولی اسیر زیبایی خانم مار می‌شود. و این خانم هم در مقابل از خودگذشتگی آقای سگ در کنار او می‌ماند و حتی در بدترین ایام نیز از او جدا نمی‌شود. اما به هر حال او یک مار است و عقاید مخصوص به خود درباره وفاداری را دارد.

آقای اژدها هر وقت دلش بخواهد، سهم فراوانی دارد که به ازدواج اختصاص دهد. مار هم مانند اژدها از افعی‌های است و حرف‌های مشترک فراوانی برای گفتن به یکدیگر دارند. ازدواج این دو به خوبی پیشنهاد می‌شود، اما با یک شرط، خانم مار نباید به احساسات خود بچسبد و یا همراه با آن از دست بدر رود و هیچ اژدهایی نمی‌تواند تحمل نماید که گرفتار شده است.

گربه اجتماعی بهترین جفت ازدواج برای مار است. این آقا تمام مهر و محبت مورد نیاز به خانواده را دارد و در تمام طرق زندگیش زیرکی و متانت را حفظ می‌کند. وی از گفتگو خوشش می‌آید و از زندگی ملایم لذت می‌برد. برای بز هنرمند نیز در صورت ازدواج با مار یک زندگی اجتماعی خوب و جفت مناسب و عالی پیش‌بینی می‌شود. خصوصاً اگر بز مرد باشد. ضمناً هر دو تای این‌ها تمایل به داشتن لذایذ جنبی دارند و گاهی از خانه غیبshan می‌زند و در این رابطه آقای مار کمتر از خانم بز متلون می‌باشد. این خاصیت مار او را مستعد ازدواج با خانم مرغ می‌کند. این خانم مغز مار را از هوس‌های تفتنی پاک نموده و بچه زیادی به دنیا می‌آورد تا سر مار را به خانواده‌اش گرم نماید. این موضوع در مورد خانم مار با آقای خوک نیز

صادق است. تنها خطر این ازدواج در آن است که آقای خوک چنان شیفته مار می‌شود که حاضر می‌شود به هرساز وی برقصد. این امر برای هیچ کدام از آنها خوب نیست. زیرا خانم مار شروع به زیر سلطه گرفتن خوک خواهد نمود.

جدول نحوه سازگاری مار در ازدواج

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

آقای گاو نیز اسیر افسون‌های خانم مار شده و حاضر خواهد شد هر اقدامی را برای دلخوشی وی انجام بدهد. اما تنها راهی که وی برای این کار بلد است، کار کردن است. در این صورت خانم مار زیبا و افسونگر وقتی شوهرش تمام روز را در کار و تلاش باشد، چکار خواهد کرد؟ اسب شوخ طبع نیز جفت مناسبی برای مار انسان‌دوست است و ازدواج آنها دوام

می‌آورد، اما هر دو تای آنها به شدت عاطل و باطل می‌شوند و این بطالت باعث از هم پاشیدن کانون خیلی‌ها می‌شود.

آقای مار با انتخاب عروس میمون اقدام مثبتی به عمل می‌آورد زیرا علیق مشترکی بین آنها وجود خواهد داشت. و اگر سایر مسایل ازدواج را در اموراتشان دخالت ندهند، زندگی مشترک دائمی خواهند داشت. آقای موش افسونگر نیز از داشتن همسر مار در کنارش مشعوف خواهد شد. اما به هر حال عروس خانم مار خوش خط و خال و خطرناک است و آقاموش فرست طلب. بنابراین اگر ازدواجشان سر برگیرد به یک فاجعه ختم خواهد شد. اگر مار قصد ازدواج داشته باشد، باید آتش بس اعلام نموده و روابط عاشقانه خود را فراموش نماید. در این صورت این دو شانس دو سه سال همزیستی مسالمت‌آمیز خواهند داشت.

سال مار چه تأثیری روی شما خواهد داشت؟

[سالی برای تفکرات عاقلانه]

بهترین سال برای خود مار، بالاخره صلح و آرامش خواهد داشت. حتی اژدهای عجول نیز تحت تأثیر سال آرام خواهد بود. اما طبق معمول و همیشگی اش موقیت‌های خارق‌العاده‌ای خواهد داشت. با وجود این‌ها متوجه خواهد شد که زحمت زیادی نکشیده و بیشتر از حد معمول نشسته و افکارش را منعکس نموده است.

این یک سال استثنایی برای بز است و عشق او به یک زندگی صلح‌آمیز عملی می‌شود. و به طور حتم بهترین سال برای خانم بز هوسباز است تا لباس‌های مطلوبش را پوشیده و وارد محفل بزرگان شود. ضمناً در این سال شایعات فراوان خواهد بود و از چشم گربه حرف و اجتماعی به دور نخواهد ماند. و از نظر این خانم گربه، این سال بعد از آن همه سر و صدای شادی و کارناوال سال اژدها، نسبتاً آرام و ساكت خواهد بود.

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

آقا میمون هم از نظر عقل نکات مشترک زیادی با مار دارد، اما قسمت اعظم مهارت خود را در راه‌های فتنه‌انگیزی فراگیر به کار می‌برد. ضمناً یک نمایشگر واقعی است. به هر حال عقل و بصیرت مار خیلی ملايم است. ممکن است ثروت و مکنت بیاورد، اما این کار به کندی اجرا می‌شود. بنابراین میمون به خوبی ارشاد خواهد شد که بدون سر و صدا به مال‌اندوزی بپردازد. سگ رک‌گو ایده‌های قوی‌اش را بدون پشتیبان نخواهد دید، و چند روز را روی یادداشت‌های نویدبخش به پایان خواهد برد. اسب معروف کمبودی از تعریف و تمجید نخواهد داشت، ولی از سرعت پیشرفت شغل وی کاسته خواهد شد طوری که فکر خواهد نمود در یک جا در جا می‌زند. پس برای اسب بهتر است خود استراحت نماید و بگذارد کار را کس دیگری اداره نماید. این سال برای موس تن و تیز هم فرصت مناسبی

نخواهد بود. وی در این سال گرفتار عشق شدید می‌شود ولی وقتی به محبوبه خود برسد تبدیل به زهر نخواهد شد. چون شایعات فراوان نخواهد بود، زندگی اجتماعی مرغ پررونق نخواهد بود. و از هیچ چیز بیشتر از وراجی کردن با بقیه مرغ‌ها متلذذ نخواهد شد. کار و بارش نیز بد نخواهد بود. اما سال چندان خوبی برای گاو صاحب عزم و خستگی‌ناپذیر نخواهد بود. در این سال که تأکید فراوانی برای تفکرات عاقلانه شده است، خدمات فراوان وی آن پاداش درخور و شایسته را به همراه نخواهد داشت. این سال برای متفکرین و افراد باحساس است. یک گاو بودایی مذهب ممکن است پیشرفت داشته باشد.

خوک نیز حریص پرکاری است، ولی مانند موش گرفتار عشق شده و بازمی‌ماند. بیچاره خوک از کار و کاسبی افتاده و فقط شیدای محبوبه‌اش نخواهد بود، در نتیجه درآمدی نخواهد داشت. بیر هم طبق معمول کمبود ایده‌های تازه نخواهد داشت. اما فراموش خواهد کرد که مار با مهارت خاصی زیر جلی می‌خزد و هر موقع آرامشش به هم بخورد با زهرش نیش می‌زند. فقط اگر ببر بتواند بدون جهیدن حرکت بکند خود را نجات می‌دهد.

مارهای مشهور در عرصه‌های

مايلز كينغتن	هنر:
آنیتا لوصل	بارتاک
ماتیس	برهمز
جان آسبورن	بریجید برافی
پیکاسو	لن دایتن
دوروثی پارکر	اسگار
جان پلورایت	فور

لرد لانگ فورد	ادگار آلن پو
نورما میجر	آندر پری وین
فردیناند مارکوس	شوپرت
بادن پاول	پی - جی ۋەهاوس
جیرمی تورپ	ورژش:
سلاطین:	کاسیوس کلى
الیزابت اول	پت کش
ملکه آن	ادى چارلتەن
ملکه مناكو	استی芬 ادبرگ
هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:	گراهام گوج
رانی بارکر	لوسیندا گرین
جیم دیویدسن	گراهام هیل
نایجل ڈمپستر	دیوید مورکرافت
کریستین دایور	استیرلینگ ماس
گریتا گاربو	آرنولد پامر
ادری ھپبورن	هلنا سوکووا
اسماعیل قهرمانی پور	صنعت و سیاست:
هاورد کیل	پدی اشداون
جن لیمینگ	بىنظیر بوتو
لایبریس	ایندیرا گاندی
مگنوس مگنوسن	ماهاتما گاندی
سیسیل بى دو میل	دنیس هیلی
جکی اوناسیس	هاورد ھیوز
دیوید پوتنم	جان اف کندی
بروک شیلدز	بروس کنت

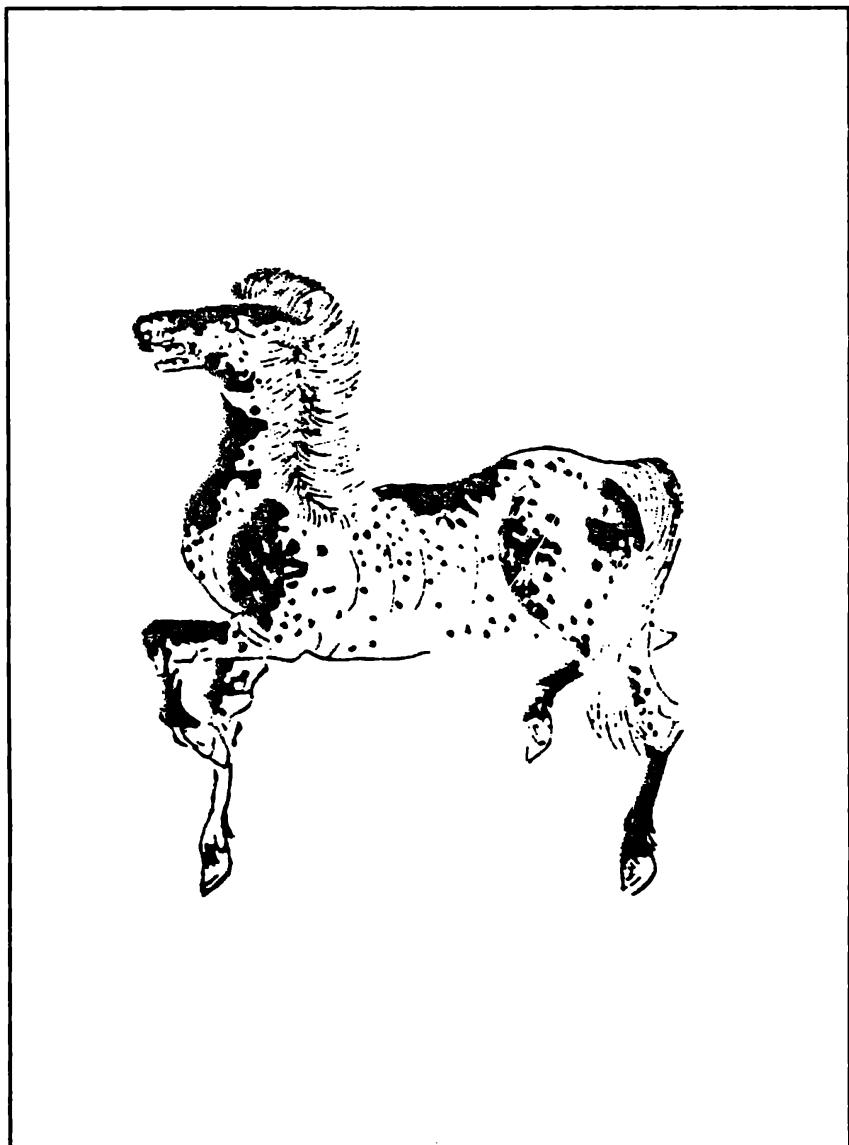
باب دایلان	می وست
آرت گارفانکل	ویکتوریا وود
جولیین لنن	مایک یار وود
هنک ماروین	موسیقی پاپ:
مایک الدفیلد	پل آنکا
جیمز تیلر	برت باکاراک
میچ یور	اریک بوردن
	نَت کینگ کل

اسب

THE HORSE 马

1906 *	{ از ۲۵ ژانویه ۱۹۰۶ تا ۱۲ فوریه ۱۹۰۷ از ۵ بهمن ۱۲۸۴ تا ۲۳ بهمن ۱۲۸۵ }	1907
1918	{ از ۱۱ فوریه ۱۹۱۸ تا ۳۱ ژانویه ۱۹۱۹ از ۲۲ بهمن ۱۲۹۶ تا ۱۱ بهمن ۱۲۹۷ }	1919
1930	{ از ۳۰ ژانویه ۱۹۳۰ تا ۱۶ فوریه ۱۹۳۱ از ۱۰ بهمن ۱۳۰۸ تا ۲۷ بهمن ۱۳۰۹ }	1931
1942	{ از ۱۵ فوریه ۱۹۴۲ تا ۴ فوریه ۱۹۴۳ از ۲۶ بهمن ۱۳۲۰ تا ۱۵ بهمن ۱۳۲۱ }	1943
1954	{ از ۳ فوریه ۱۹۵۴ تا ۲۳ ژانویه ۱۹۵۵ از ۱۴ بهمن ۱۳۳۲ تا ۳ بهمن ۱۳۳۳ }	1955
1966 *	{ از ۲۱ ژانویه ۱۹۶۶ تا ۸ فوریه ۱۹۶۷ از ۱ بهمن ۱۳۴۴ تا ۱۹ بهمن ۱۳۴۵ }	1967
1978	{ از ۷ فوریه ۱۹۷۸ تا ۲۷ ژانویه ۱۹۷۹ از ۱۸ بهمن ۱۳۵۶ تا ۷ بهمن ۱۳۵۷ }	1979
1990	{ از ۲۷ ژانویه ۱۹۹۰ تا ۱۴ فوریه ۱۹۹۱ از ۷ بهمن ۱۳۶۸ تا ۲۵ بهمن ۱۳۶۹ }	1991

*-اسب آتشین



وقتی جالب‌ترین کار خداوند را در خلقت اسب در نظر می‌گیرم، می‌بینم که به وی یک جسم فوق العاده و یک روح اصیل عطا فرموده است. تا به طور دوست داشتنی و وظیفه‌شناسی در خدمت انسان باشد.

شاپسل

سال اسب



سالی بی قرار و گیج‌کننده با کار برای هر کسی که طالب است و با چند اعتصاب و ناراحتی کوچک برای صنعت. سال اسب فرق زیادی با سال قبلی دارد. یعنی سالی که گذشت توأم با تفکرات صلح‌آمیز و عقل سليم بی خطر بود و حالا به جای روح‌نوازی، اصالت و تلاش در زمینه صنعت را می‌یابیم. سال اسب با تمام روح نافذ و لطیف استقلال آغاز می‌شود و خاتمه می‌یابد. با وجود این که در سراسر دنیا اسب را موجودی صنعتگر می‌دانند و مورد ستایش قرار می‌دهند، ولی او هم می‌داند که چگونه از اوقات فراغت خود لذت ببرد. در نتیجه سال اسب شاهد دست‌آوردهای مهمی در زمینه ورزش خواهد بود و قهرمانان جدید رکوردهایی بر جای خواهند گذاشت که به مدت ده‌ها سال باقی می‌مانند. برای مثال در سال ۱۹۵۴، راجر بنیستر برجسته‌ترین رکورد در تاریخ را به نام خود ثبت نمود، یعنی اولین انسانی شد که تاکنون توانسته است یک مایل (۱۶۰۹ متر) را در کمتر از ۴ دقیقه بدود.

سال اسب از نظر تغییرات سیاسی مهم نیز شاخص است، که در طی آن کودتاها بی روی می‌دهد و رژیم‌هایی سقوط می‌کند. برای مثال: ماه نوامبر ۱۹۱۸ شاهد کناره‌گیری قیصر آلمان بود و در سال ۱۹۷۸ خانم گاندی از پارلمان هندوستان کنار گذاشته شد. خود اسب بندرت از صحنه سیاست

بیرون می‌ماند، اما وقتی تحت کنترل باشد، تغییرات هیجان‌انگیز کمتری را موجب می‌شود. و تغییراتی را هم که موجب گردد جزئی بوده و همیشه بهترین خواهد بود.

سال اسب موجب خوش‌بینی نسبت به پروژه‌هاییمان شده و از همه جا بوی خوش خلقی به مشام خواهد رسید. البته لحظات تیره و تار هم وجود خواهد داشت و حتی احتمال درگیری‌های شدید هم می‌رود، ولی دوام چندانی نخواهد داشت. جنگ‌ها هر چقدر هم خونین باشند، در عرض چند هفته یا چند روز و حتی چند ساعت خاتمه خواهند یافت. خانم گاندی فقط شش روز در زندان ماند.

با وجود این‌ها، جنگ‌ها، قحطی‌ها و امراض عالم‌گیر از قبیل طاعون، در سال‌های اسب آتشین چندان ملایم و ساده نخواهند بود. سال اسب آتشین که هر شصت سال یک بار پیش می‌آید (مازنده ۱۹۰۶ و ۱۹۶۶)، طبق اعتقاد چینی‌ها هر رویدادی که رخ بددهد، اعم از خوب یا بد، چندین برابر تشدید می‌شود. برای مثال در سال ۱۶۶۶ شهر لندن آتش گرفت و قسمت اعظم آن سوخت و خاکستر شد، و یا در سال ۱۹۰۶ شهر سن فرننسیسکو در اثر زمین‌لرزه ویران شد. در نه ماهه اول سال ۱۹۶۶ فاجعه سقوط هواپیماها رکورد ۴۶۰ کشته را بر جای نهادند و در ماه جولای همان سال انگلستان جام جهانی را با امتیاز ۴ بر ۲ از آلمان برد که بحث و جدل آن هنوز هم شنیده می‌شود.

در سال اسب ضربات عشق سخت و سریع خواهد بود. ضمناً باید آزادی لازم را به عشق داد. بالاتر از همه در سراسر این سال جو امیدوارکننده‌ای وجود خواهد داشت. برای مثال در سال ۱۹۵۴ بورس طلای لندن بعد از پانزده سال تعطیلی مجدداً باز شد.

در سال اسب راحت‌تر خواهیم توانست خودمان را با شرایط متغیر وفق بدهیم. و راه پیشرفت، در گوشه‌ای نشستن و به فکر عمیق فرو رفتن نیست،

بلکه باید دست‌هایتان را به کار اندازید. ضمناً از پذیرفتن نصایح نترسید، و بهترین نصایح را می‌توانید مستقیماً از دهان یک اسب بشنوید.

شخصیت اسب



سال بیرون و در اطراف بودن است، سال دیدن جاهای تازه و ملاقات با مردم تازه است. برای این کار بگذارید اسب خوش‌سليقه راهنمای شما باشد.

بدون شک در میان کلیه حیوانات روی دنیا، اسب دلپذیر با آن روح درونی آزادی‌خواه خود خیلی حسن شهرت دارد. به طور حتم هیچ حیوانی به اندازه اسب برای انسان سخت‌تر و طولانی‌تر خدمت نکرده است. اکثر ما انسان‌ها از انواع مختلف اسب‌ها در کارهایمان در جای جای دنیا بهره برده‌ایم. همه آنها از اسب‌های اصیل عربی گرفته‌تا یابوها، خرها و قاطرها جزوی از یک خانواده بزرگ به حساب می‌آیند. به همین نسبت آنها بی که در سال اسب متولد می‌شوند، دارای شکل و شمایل مختلف خواهند بود.

معمولآً آدم‌های درشت هیکل و عضلانی، اعم از مرد یا زن، اسب هستند و دارای شخصیت ملایم می‌باشند. اسب‌ها به طور طبیعی استعداد رهبری دارند و در مرکز گرد همایی‌ها پیدا می‌شوند. به همین نسبت زن‌های اسب نیز به طور شگفت‌آوری زیبا می‌شوند و اغلب شمع محفل جشن‌های زنانه و مرکز توجه و صحبت‌های دوستانه در آنجا هاست. و اگر خانم اسبی از نظر قیafe عقب باشد، با مهارت خاصی با استفاده از لوازم آرایش این نقیصه را کاملاً بر طرف می‌کند و شما می‌توانید به این امر کاملاً مطمئن بشوید. طرز

آرایش موی سرش، لباسش، کفش‌هایش و عطرش از آخرین مدهای جهان خواهند بود و پول کلانی هزینه آنها خواهد شد. در این حالت هیچ موجودی به اندازه این خانم، ببخشید، این دخترخانم شوخ طبع و زیبا نخواهد بود، خوب این جوری است دیگر.

مردان اسب از نظر نیروی بدنی و شخصیت‌شان و خوش قیافه بودنشان چشمگیر هستند و اکثر آنها جذبه جنسی قوی دارند. لذا با آگاهی به این قدرت خودشان لاف نمی‌زنند و باید این را در همین آغاز مطلب بگوییم که اسب‌ها می‌توانند خیلی مغروم باشند. اگر شما در سال اسب به دنیا آمدید بهتر است بدانید که هم علامت: پل مکارتی، کلینت ایست وود، باربرا استرایسن، بیلی کانالی، کاپین لرد اسنوداون، شاهزاده خانم مارگارت و شون کانری هستید.

آنها بیکار که تحت علامت وقار و بردباری متولد شده‌اند، بیشتر به خاطر حس انساندوستی فطری‌شان شناخته می‌شوند. ضمناً آقای اسب فوق العاده کاری است و صنعت وی کم‌رقیب می‌باشد. علاوه بر این‌ها حس ذاتی خودمانی بودن در جامعه و دل و جرأت فراوانش او را مناسب‌ترین فرد برای بالاترین پست‌های جامعه می‌سازد. وقتی در مقابل جمعیت هزاران نفری صحبت بکند، انگار که دارد با یک هم‌اطاقی خود حرف می‌زند.

یکی از عمدت‌ترین دلایل موفقیت اسب این است که وقتی موقعیت اقتضا نماید، قادر است تمام تمام ۲۴ ساعت را کار و تلاش نماید. ضمناً باید یادآور شویم که اسب معمولاً در ساعات غیرمعمول کار می‌کند یعنی وقتی بقیه کارشان را آغاز می‌کنند، او کارش را تمام نموده و آماده رفتن به خانه‌اش می‌شود و وقتی شما کارتان را تمام کردید، او تازه شروع به کار می‌نماید. علاوه بر این‌ها هر چقدر هم کار کرده باشد احساس خستگی نمی‌کند و اگر بعد از اتمام کارش مستله‌ای را پیش رویش قرار بدهید، با فکری باز و تصمیمی راسخ آن را حل می‌کند و باز هم لازم است اضافه نماییم که

هرچقدر بر بار کارش اضافه شود با همان نظم و سرعت بدون این که از کسی یاری بخواهد تا به آخر انجام می‌دهد. وقتی کاری برای انجام دادن وجود داشته باشد، او را نمی‌توانید به صورت عاطل و باطل در گوشه‌ای یا آبدارخانه‌ای نشسته ببینید، مگر این که اول آن کار انجام شده باشد.

دوستی دارم که اسب می‌باشد و به عنوان روزنامه‌نگار در مجله ساندی تایمز کار می‌کند، وقتی بشنود که در نقطه‌ای از کانون‌های بحرانی جهان مشکلاتی بروز نموده، بدون فوت وقت به آنجا پرواز می‌کند و تنها چیزی که به همراه می‌برد یک کیف سفری کوچک و اشتیاق فراوان خود برای انجام کارش می‌باشد. طبق معمول اشکالات فراوانی در سر راه وی از آغاز تا پایان وجود دارد. و بعد از این که مقاله‌اش را تکمیل نمود و به دفتر مجله مخابره نمود، اگر بتواند به موقع خودش را به لندن برساند مقاله ارسالی خود را قبل از چاپ نهایی بررسی و ویراستاری می‌کند سپس جهت استراحت به خانه‌اش می‌رود. وی که پیتر جیلمون نام دارد یکی از مبرزترین افراد تیم مفسرین خبری می‌باشد. در ماجراهی گروگان‌گیری سفارتخانه آمریکا در تهران، تعداد ۲۴۰۰۰ کلمه را در مدت چهار روز تفسیر و یادداشت برداری نمود و در مورد جنگ فالکلندر عرض چهارده روز تعداد ۳۰۰۰۰ کلمه را نگاشت. اما روزنامه‌نگاران اسب تنها کسانی نیستند که قادرند این قبیل موضوعات را با فعالیت شدید فکری حل و فصل نمایند. آیا خوش‌نام‌ترین انسان دوست انگلستان به نام اسپایک میلیگان نبود که سناریوی نمایش «آدمکش» را نوشت که ده‌ها سال به روی صحنه می‌رفت؟ به هر حال چنین به نظر می‌رسد که اسب را بیش از حد خودش تبلیغ نموده‌اند.

ضمناً چون اسب‌ها قادر هستند تصمیم‌های مهم را به سرعت و بدون من و من کردن آن هم بدون اشتباه اتخاذ نمایند، آنها را در عرصه سیاست بدون رقیب نموده است. از این نظر می‌توان به لنین، خروشجف و لئونید برزنف که همگی اسب بودند، اشاره نمود.

یکی از خصوصیات شگفت‌انگیز اسب این است که قبل از این که شما موضوعی را مطرح نمایید دقیقاً به آن پی برده و درست قبل از شما به آن اشاره نماید. خیلی موقع پیش می‌آید که او جمله شما را جلوتر از شما و فضیح‌تر از خودتان به پایان می‌برد. این موضوع هیچ ربطی به حس ششم یا حس ویژه اسب‌ها نیست، بلکه وی فقط با استفاده از عقل و مغز خود افکار شما را حدس می‌زند به عبارت دیگر، اگر مطلبی را که برای اسبی تعریف می‌کنید با واقعیت ورق بدهد و با ارزش باشد، او بلاfacile به اصل مطلب پی برده و بدون حاشیه رفتن آن را بیان می‌کند. او ممکن است آراستن خود را دوست داشته باشد، ولی واقعاً نیازی به آن ندارد. ضمناً موظب باشید! اگر انتظار دارید که اسب شما را جدی بگیرد تندتند صحبت نکنید، اسب از وراجی و ناشرمه حرف زدن بدش می‌آید و این دلخوری خود را بدون پرده بر ملا می‌کند. پس خودتان را برای ریشخند شدن آماده کنید. ضمناً اگر درباره موضوعی که چندان اطلاعی از آن ندارید با اسب وارد بحث و جدل نشوید که اوضاع از این هم بدتر می‌شود و ممکن است او را عصبانی نمایید، و خشم اسب چیزی است که باید از آن ترسید. و اگر مورد عتاب وی واقع شدید، هرگز آن را فراموش نخواهید کرد، هر چند که اسب در معذرت خواهی پیشقدم می‌شود و شما هرگز دویاره او را در چنان حالتی نخواهید دید. ضمناً از همنشینی با اسب احساس ناراحتی خواهید کرد. و مطمئنم سوارکارانی که اسبشان آنها را به زمین کوبیده این حرف مرا بهتر درک می‌کنند.

طبق قاعده، اسب‌ها در مورد آنها بی که دوستشان دارند، حسود نیستند و مراقبت مظاعف اعمال نمی‌کنند. آنها نیاز به آزادی خود دارند و تشخیص می‌دهند که جفت آنها نیز چنین احساسی را دارند. اما اسب راه خودش را دوست دارد. و چیزی که او را آزرده خاطر می‌کند این است که در ملاء عام به وی اهانت نمایند. این ماجراجایی بود که بر سر لنین آمد. اسب در موقع

بحرانی به طور شگفت‌آوری آرام می‌ماند و بندرت نکته نظرات خود را فاش می‌نماید مگر این که در مورد حقایق مربوط به موضوع کاملاً مطمئن باشد. در هر زمینه‌ای که با وی صحبت نمایید محال است حرف یا عقیده نادرست تحویل شما بدهد. با این حساب به خاطر روح والا، هوش و قریحه و سادگی رفتار، اسب برتر از سایر مخلوقات است. نحوه برخورد وی با مشکل بهترین وسیله خلاصی وی از آن است.

مردان اسب قوی‌تر و خشن‌تر از آن هستند که بشود بر آنها پیروز شد. و اگر شما چنین تصمیمی دارید، سعی کنید موضوع به فلسفه، بودایی‌گری، تناسخ و بروج دوازده‌گانه نکشد. و بر عکس برای جلب اشتیاق وی، یک مقاله تحقیقی کامل در مورد کوهنوردی یا نحوه لوله‌کشی سلول‌های آفتابی پشت بامtan را مطرح نمایید. و اگر همه این‌ها کارساز نباشند، یک اسب را همیشه می‌توانید با گفتن دری وری سرش را گرم نمایید. اسب‌ها اغلب فضول هستند و به هر جایی سرک می‌کشند و اغلب اسراری به آنها گفته می‌شود که توانایی حفظ آنها را ندارند. ضمناً خیلی حرف می‌زنند. و روی هم رفته قضاوت عادلانه ندارند و خیلی مشتاق یافتن عیب در دیگران و بر ملانمودن آن به کسان دیگر هستند. و در رقابت بینهایت بی‌گذشت هستند. اسب با دارا بودن مغز‌کارا و قدرت تطبیق دادن خود با اوضاع متفاوت می‌تواند تصدی چندین نوع شغل را قبول نماید. وقتی مشاهده نماییم که اسب لیاقت اداره و اجرای انواع مختلف کارها را داراست، آن وقت پی می‌بریم که چرا تمام درها به روی او بسته نیست. بنا به دلایلی که چندان برایم روشن نیست، تعداد زیادی از دوستان و همکاران اداری ام اسب هستند: یکی از بهترین و محبوب‌ترین دوستانم یک راهب می‌باشد که در صومعه پدران میرفیلد واقع در نزدیکی لیدز مسئول نوآموزان می‌باشد. یکی دیگر از دوستانم مدیر مجله پرای ویت آی می‌باشد که در ایام فراغت مزرعه کوچکی را در ساسکس اداره می‌کند. بقیه دوستانم چه در اداره مجله

و چه در بیرون و شغل آزاد، انواع مختلف کارها را اجرا می‌کنند که هیچ‌گونه ربطی و تشابهی به همدیگر ندارند. و همه این‌ها ناشی از عشق به ورزش‌های صحرایی، قدرت تصمیم‌گیری سریع و خودمانی بودن و لذت بردن از توده مردم است.

تعداد جمعیت حاضر چه کم و چه زیاد برایش فرقی نمی‌کند، زیرا اسب عاشق گردهمایی‌هاست و یک اداره‌کننده پرسابقه در مجالس و مهمانی می‌باشد. خانم و من برای آزمایش لیست جداگانه‌ای از دوستان و آشنایان خود را که در مجلس‌آرایی و مهمانداری سرآمد بودند تهیه کردیم و متوجه شدیم که همگی اسب بودند، شما نیز می‌توانید چنین امتحانی را به عمل آورید و خواهید دید که صورت اسب در صدر لیست شماست.

اسب با وجود این که شدیداً استقلال طلب است، اما یکی از خصوصیات جالب وی نحوه نظرخواهی در مورد هر نوع کاری و حتی زندگی خصوصی اش می‌باشد. برعکس میمون که نظرخواهی را به طور غیرمستقیم و از راه مخفی‌کاری به عمل می‌آورد، اسب شما را به کناری کشیده و مستقیماً با شما مشورت می‌کند. و بعد از به دقت گوش دادن به نصائح شما و تجزیه و تحلیل آن خواه آن را به کار ببرد و نبرد همدلی شما را فراموش نمی‌کند.

اگر اسب‌ها با فراهم نمودن زمینه‌هایی موفق به رو به راه نمودن کسب و کار مورد دلخواه خود شوند، نباید غافل بشوند که در صورت گرفتار شدن در تار و پود عشق، مواجه با دردسر خواهند شد. اسب‌ها معمولاً خیلی زود عاشق می‌شوند و در چنین مواقعی توان مقابله با ضررها ناشی از آن را از دست می‌دهند. از سوی دیگر به دلیل خوش هیکلی و خوش قیافه بودن اگر قدمی در راه عشق بردارد، به طور حتم با جواب منفی مواجه نمی‌شود. خانم‌های اسب معمولاً خواستگاران فراوانی دارند، و این‌ها نیز متأسفانه یا خوشبختانه قادر به گفتن کلمه «نه» نیستند و به هر حال اگر عشق آنها به

سرانجامی منتهی نشد چندان ناراحت نمی‌شوند. اما در صورت مواجهه شدن با بحران‌های عاطفی ناراحت می‌شوند. آقایان اسب که واقعیت‌گرا هستند، سعی می‌کنند عشق را توجیه نمایند، اما چون عشق توجیه‌پذیر نیست، اغلب دچار سردرگمی فراوان می‌شوند. نکته‌ای که در مورد عشق و عاشقی اسب‌ها بدترین عامل به حساب می‌آید این است که آنها از اشتباهات خود درس عبرت نمی‌آموزند. آقای اسب فکر می‌کند هر ماجرای عشقی که پیش بیاید دوام خواهد آورد، در نتیجه تمام وجود خود را وقف آن می‌نماید. متاسفانه اکثر ما چنین هستیم و در مورد انتخاب مناسب‌ترین جفت دچار اشتباه می‌شویم، اما اسب در این باره از بقیه بیچاره‌تر است و ممکن است چندین ازدواج ناموفق داشته باشد تا جفت مناسب خود را پیدا نماید. ضمناً خانم‌های اسب در زندگی زناشویی خیلی الهام‌بخش هستند. دوست ازدهای بسیار مشهور بین‌المللی دارم که خانمش یک اسب است و واقعاً هیجان‌انگیز‌ترین شخصی است که می‌شناسم.

از آنجایی که اغلب خانم‌های اسب از نظر قیافه چندان زیبا نمی‌شوند، لذا با استفاده از لوازم آرایش و لباس‌های شیک و عالی بر زیبایی خود می‌افزایند، اما مانند خیلی‌های دیگر از لباس‌های جلف استفاده نمی‌کنند. ضمناً خیلی مدپرست هستند و در پیروی از آخرین مدها از بقیه خانم‌ها پیشقدم‌تر می‌باشند. و هر مددی که در تن دیگران جلوه نکند، در تن خانم اسب جلوه خواهد کرد، و اگر می‌خواهید بدانید که آخرین مد لباس یا موی سرکدام است، به دوست اسب خود نگاه کنید.

آقایان اسب سلیقه دیگری در لباس پوشیدن دارند و اغلب از لباس‌های گله‌گشاد و راحت خوششان می‌آید. و هر چند ممکن است کراوات روشن و یا کفش گران‌قیمتی بخرد، ولی هرگز به صورت خودنمایی لباس به تن نمی‌کند. ضمناً راحتی و استراحت را دوست دارد، مگر این که کار داشته باشد، از گرددۀ‌های خودمانی و غیرتشریفاتی خوشش می‌آید، ولی نحوه

لباس پوشیدن و برخورد وی چنان می‌شود که سروری او را نمایان می‌کند. اسب‌ها اعم از آقا یا خانم دوست دارند دایماً سبک زندگی، همسر، سرگرمی و شغلشان را عوض بکنند، طوری که به‌ضی‌ها آنها را قربانی تغییرات یا عوض کردن‌ها می‌دانند. مثلاً کسی که تا دیروز مسئول ژورنال مد لباس بود، امروز تبدیل به یکی از خواهران روحانی مادر ترزا شده است. و بدتر از این‌ها تغییرات حاصله در روح و روان آنهاست. برای مثال ممکن است روزی بهترین دوست اسبی به شمار بروید و یک هفته بعد حتی اسم و شماره تلفن شما هم به زحمت به یادش بیاید. (آقا یا خانم ملون) و اسب‌ها علیرغم کارا بودنشان، طرح‌های بلندمدت ندارند. وقتی چیزی را بخواهند، باید فوراً به دست بیاورند. لذا سعی نکنید در سر راه وی به خواسته‌هایش واقع بشوید. زیرا چنان پا روی شما گذاشته و رد می‌شود که انگار وجود نداشتید.

مأوای اسب مخلوطی از راحتی و زیبایی سلیقه است. و بیشتر به سادگی تکیه دارد. و در عمل آقای اسب در موقع خرید کالا از خرج نمودن پول مضایقه نمی‌کند هر چند برای جنسی مانند کاناپه باشد که خیلی زود در هم بشکند و یا فرشی باشد که در عرض یک هفته پاره بشود. در ضمن سلیقه خاص اسب را می‌توانید از روی نقاشی‌های روی دیوار یا رنگ پارچه مبل‌های خانه‌اش تشخیص بدهید. ضمناً در خانه اسب همیشه غذا به اندازه فراوان وجود دارد، ولی خود وی هر موقع گرسنه بشود، هر چیزی پیش آید می‌خورد هر چند چندان جالب و خوشمزه نباشد.

از آنجایی که عشق به آزادی در درجه اول اهمیت قرار دارد، باعث تأثیر در روی مراحل سه‌گانه زندگی اسب می‌شود. بچه اسب‌ها اغلب در سنین جوانی خانه را ترک می‌کنند، زیرا حتی کنترل عاقلانه والدین خود را نوعی محدودیت تلقی می‌کنند. مرحله میانی زندگی اسب در هم آمیخته خواهد بود زیرا وی علایق خود را به طور مرتب تغییر می‌دهد. در مرحله سوم

زندگی، مانند نیل آرمسترانگ که قدم روی ماه گذاشت و برگشت، دوست دارند در چمنزارهای پر طراوت قدم بزنند و ضمن مرور خاطرات خوش گذشته، گذر عمر را نظاره نمایند. چینی‌ها عقیده دارند که اسب‌های زاده شده در تابستان زندگی راحت‌تری نسبت به اسب‌های متولد زمستان خواهند داشت. اگر این امر واقعیت داشته باشد، هیچ کس به اندازه خود اسب قادر به تغییر سرنوشتش نمی‌باشد، کاملاً هیچ کس!

اسب به عنوان والد

اسب در هر جمعی که باشد خود به خود چهره برجسته آنچا محسوب می‌شود، و در اداره مرتب‌تر و کاری‌تر از خانه و نسبت به خانم و بچه‌هایش می‌باشد. شاید دلیل این کارهایش ناشی از نیاز شدید وی به آزادی و استقلال است. به هر حال وقتی به خانه می‌آید با بچه‌هایش خوش رفتار می‌کند، اما بچه‌موش او را چندان مشغول نمی‌کند. آقای اسب دوست دارد پسرانش زیر و زیرک و کاردان باشند و دست و پا چلفتی بار نیایند. بچه‌گاو اوقات نسبتاً خوشی در خانه اسب خواهد داشت، اما موقعی وجود دارد که باید زیاد تحصیل و مطالعه نماید. شاید جمع‌آوری مثلاً تمبر در خانه اسب خوب باشد، اما او دوست دارد گاه‌گاهی در خانه‌اش صدای شلیک خنده بلند بشود.

پسر خوک با شیرین‌کاری‌هایش مادرش را دلشاد می‌کند، ولی خوب... آیا بهتر نمی‌بود چشمانش کمی جذاب می‌بود؟ پسر سگ خیلی چشم باز و جدی می‌شود. روزی وی دنیا را در مسیر صحیح قرار می‌دهد. افسوس که چنین موجود با ارزشی در خانه اسب عاطل و باطل می‌ماند. خروس نیز حرف‌های زیادی برای گفتن به خود دارد و از خودش لذت می‌برد. مشکل کار در اینجا است که حرف‌های زیادی برای تعریف کردن دارد، آن هم

معمولًا در جاهای ناجور. دختر گربه مواطن رفتار خود می‌شود و هر وقت حرفی بسزند مناسب حال می‌باشد، با وجود این‌ها برای اجابت خواسته‌هایش باید خواهش و اصرار زیاد بنماید.

جدول نحوه سازگاری اسب با بچه‌هایش

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

پدر اسب حرف‌های پسر مارش را نمی‌تواند درک بکند. از سوی دیگر چرا این بچه باید عاطل و باطل در اطراف خانه بنشینند و کاری انجام ندهد؟ اما بچه مار نیاز به محبت و توجه والدینش دارد و در آخر سر موفق به این کار می‌شود، ولی زحمت زیادی متحمل می‌شود. بچه اژدها یک چیز دیگری است. پدر اسب وقتی استعدادی را در او مشاهده بکند، بلافاصله تشخیص می‌دهد و هرگونه تشویق که لازم باشد در مورد بچه اژدهای خود

به عمل می‌آورد. اما مادر اسب ممکن است بیش از اندازه و آن هم تکراری پسر اژدهایش را تمسخر نماید. زیرا اژدها خیلی به خودش اطمینان دارد و مادرش خیلی زود حوصله‌اش سر می‌رود.

اگر بچه ببر والدین اسب داشته باشد، هیچ‌گونه کمبود محبت و بذل توجه نخواهد داشت، و دختر ببر با دست نوازش پدر اسبش آرامش می‌یابد. دختر بز از همان آغاز، تمایلات خود را بروز می‌دهد، برای مثال دوست دارد کارهای مورد علاقه خود را شخصاً انجام بدهد. و آزادی فراوان در این رابطه می‌طلبد. این عمل باعث نگرانی مادر اسب وی نخواهد شد، زیرا خود وی نیز از صمیم قلب آزادی خواه است نه سالوس. بچه می‌میمون در فراغتی سریع است و در خانه اسب مورد تشویق و تحسین فراوان قرار می‌گیرد. مهارت‌های او به دیده حقارت نگریسته نخواهد شد و تا آنچاکه به خاطر می‌آورد، اسب در خانه خودش رئیس است، و همه چیز به خوبی و خوشی پیش می‌رود، ولی آیا او این خوبی‌ها را به خاطر خواهد آورد؟

شغل سرپرستی خانواده مشکلاتی را برای بچه اسب فراهم می‌کند. پسر اسب دائماً دچار مشکل با پدر اسب خود خواهد شد. و با وجود این که ارتباط فamilی بین اسب‌ها خیلی قوی است، اما موقعی پیش می‌آید که آن دو این تعریف را چندان مصدق نمی‌یابند. و همان طور که معمول است، اسب جوان خانه را در سنین جوانی ترک می‌کند.

اسب در شغل و پیشه

بر مبنای طالع‌بینی چینی‌ها، هر حیوانی دارای یک حیوان در قطب مقابل خود می‌باشد که انگار روی روی آینه ایستاده‌اند و قرینه یکدیگر می‌باشند. در مورد اسب، حیوان قرینه موش فرصت‌طلب است. اسب از

آنها بی که با وی همکاری می کند، توقع مغز فعال دارد نه هنر فروشنده‌گی قوی. وقتی دو تا اسب مدیریت اداره یا شرکتی را به عهده داشته باشند، شанс توافق ضعیفی دارند. مشکل آنها در عملی بودن برنامه‌هایشان است نه در بستن قراردادها و معاملات. اما چگونه؟ خوک قابل اتكاء است و تمام وقت خود را صرف کار می کند. اما زیر جلی حسن جاه طلبی دارد. و اسب هم از وارد شدن دست‌های زیاد در کاسه‌اش خوشش نمی‌آید، آن هم در سطح مدیریت. گربه به آرامی به کار می چسبد، در صورتی که اسب عقیده دارد او می‌تواند از عهده برآید، ولی نباید زیاد غرولند بکند.

جدول نحوه سازگاری اسب در شغل و پیشه

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

گاو شریک عالی برای اسب است. قدرت تحمل وی در زیر کار زیاد،

آینه تمام‌نمای ظرفیت زیاد اسب در مقابل سنگینی کارهاست. اسب با فشار زیاد وارد آوردن برگاو به خیال خود او را سرگم نگه می‌دارد، اما آیا این کار همیشه عاقلانه است؟ بز هنرمند با شادی و وفاداری تحت نظر اسب کار می‌کند و از قدرت فراوان و نحوه برخورد مثبت او بهره‌مند می‌شود. اما بز فقط باید به کارش بپردازد و از زیاده‌گویی و تعریف کارهای رقباشان خودداری نماید. شریک بهتر از این برای اسب، خروس جمع و جور و مرتب است، که می‌تواند از طریق تلفن معاملات خوبی را با مشتریان دوز و کلکدار به عمل آورد. بنگاه معاملات ملکی بهترین شغل برای شراکت اسب با خروس است و شاید هم مغازه‌ای که در آن شرط‌بندی به عمل می‌آید.

بیرها کسانی هستند که سیلی از ایده‌های بدیع دارند، و اسب‌ها کسانی هستند که دوست دارند آنها را وارد مرحله عمل نمایند. تا اینجای کار هیچ اشکالی ندارد، غیر از این که ممکن است ایده‌های آقای بیر قبل از این که آنها بتوانند به اولین درآمد کلان خود برسند بخشکند. اسب و مار می‌توانند شراکتی را به وجود آورند، اما اسب برای حل مشکلات از شخصیت خود بهره می‌گیرد و مار از حس بصیرت و اشراق خود. در نتیجه ممکن است اختلاف و برخوردی پیش بیاید. سگ و فادار نیز در کنار اسب به اندازه سهم خود کار می‌کند، هر دو تای آنها ادعا می‌کنند که سخت‌ترین کار را انجام داده‌اند، بنابراین چرا نباید به خاطر یکدیگر باشد؟ تنها مانع پیشرفت آنها بدینی ذاتی سگ است.

میمون زیرک هر وقت بخواهد می‌تواند صنعتگر و کاری باشد. و زیردست اسب شرافتمند حتی در می‌یابد که از درستکاری لذت هم می‌برد. اما شانس این شراکت ضعیف است و از این که میمون خودش را اصلاح نماید ضعیف است، و اسب هم تحمل معامله مضاعف را ندارد. اسب در تغییر دادن طرح‌هایش سریع است، حتی در زمانی که اوضاع موجود خوب

پیش می‌روند. اژدها سازگار است و تا زمانی که تغییرات در مسیر ثابت و به سوی بهتر شدن است، خود را وفق می‌دهد. اژدها در شراکت با اسب باید به کارهای مربوط به فیلم، هنرپیشگی و شومنی بپردازند که کمتر نظری خواهند داشت.

اسب در عشق و عاشقی

اسب واقعاً در عشق و عاشقی متلون و دمدمی مزاج نیست. بلکه زود عاشق می‌شود، آن هم کراراً. وقتی اسب گرفتار عشق بشود، خیلی زود و شدید در بند می‌افتد. اما از عشق لذت می‌برد و به طور کلی آن را با تمام سوز دلش به خوبی تحمل می‌کند. آقای خوک عاشق پیشه نیز دل خود را به آسانی تقدیم عشق می‌کند. اما خوک‌ها به دنبال اینمی در عشق هستند و این چیزیست که اسب آزادی خواه هرگز نمی‌تواند فراهم نماید. مرغ طرفدار سنن قدیمی خواهان تعهد کامل از سوی عاشق خود است، و یک بار دیگر اسب امتناع خواهد نمود. میمون عاشق اسب وضع اش از این هم بدتر خواهد بود. میمون هم یک موجود متلون است لذا عشق‌بازی وی نیز یک طرفه و عاری از وفاداری خواهد بود. این فقط می‌تواند تأثیر منفی در روی اسب بگذارد. خوک‌ها، مرغ‌ها و میمون‌ها هرگز از عشق اسب لذت نخواهند برد و شاید برای آنهایی که در این رابطه ذیربیط هستند، همین طوری خوب باشد.

خانم موش یک موجود منکوب نشدنی است و معنی وفاداری و صمیمیت را نمی‌داند و فقط روابط تند و کوتاه مدت از دست آنها بر می‌آید، در نتیجه اسب رفتاره از او دلزده می‌شود. خانم اسب جذب آقای گاو می‌شود و عزم راسخ و حسن هدفمند بودن او را می‌ستاید، اما طولی نمی‌کشد که از لباس‌های استراحت غیر رمانتیک و سکوت‌های طولانی وی خسته

می شود. خانم های سگ معشوقه های چندان دلبری نیستند ولی موجودات قوی و بزرگ مثل آقای اسب را می ستایند. و آنقدر مشتاق خوشحال نمودن اسب می شوند که حتی دست از انتقاد کردن اسب به خاطر ایرادات کوچکش بر می دارند. در عوض این محبت ها، اسب نیز سگ را تحت حمایت خود می گیرد.

جدول نحوه سازگاری اسب در عشق و عاشقی

موس	<input type="checkbox"/>
گاو	<input type="checkbox"/>
ببر	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
گربه	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
اژدها	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
مار	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
اسب	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
بز	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
میمون	<input type="checkbox"/>
مرغ	<input type="checkbox"/>
سگ	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
خوک	<input type="checkbox"/>

دو تا اسب به خاطر هم خلق شده اند. آقای اسب و خانم اسب می نشینند و به هم دیگر خیره می شوند و به خود می گویند عجب زیبا خلق شده اند. غرور نیز نقش مهمی در عشق و عاشقی مابین مار با اسب بازی می کند. آقای اسب که سخت محسور افسون زیبایی اسرارآمیز خانم مار شده است دست

به سینه در خدمت او ایستاده و حاضر به هر نوع فدایکاری در راه این مار تند و تیز خواهد بود. و خانم مار نیز لطافت طبع و اجتماعی بودن او را می‌ستاید. اما وقتی شروع به چمبه زدن به دور وی می‌نماید، اسب به سرعت فرار می‌کند. خانم گربه احساساتی هم از حسن خلق و توجه شخصی اسب لذت می‌برد. اما نباید موقع داشته باشد که آقای اسب به هر ساز او برقصد. بز نظم و ترتیبی ندارد، اما خیلی خوش خلق است. اسب و بز عاشق و معشوق عالی از آب درمی‌آیند و تفاهمنامه کامل بین آنها به وجود می‌آید. اما بز نباید اسب را زیاد جدی بگیرد.

بیر همیشه در امورات مربوط به عشق به ظواهر امر توجه می‌کند، اما اسب عاشق عمل است. در چنین حالتی یک بار دیگر شاهد یک عشق سوزان و آنی بین این دو می‌شویم و پایان ناگهانی آن نیز با پشیمانی توأم خواهد بود. و زمانی که خانم اسب عاشق اژدهای افسونگر می‌شود، ماجرا از این هم زودتر به پایان می‌رسد. زیرا اژدها این اسب اذیتکن بی‌رحم را بیش از یک شب تحمل نخواهد کرد، مگر این که او خیلی زیبا، خیلی دلربا و خیلی باسلیقه باشد، در چنین حالتی گرفتار دام خواهد شد، بیچاره اژدها!

اسب از نظر ازدواج

اسب برخلاف ایده‌هایش، مرد خانواده است. وقتی ازدواج نمود و سرو سامان گرفت، مسئولیت خود را بدون غرولند نمودن پذیرفت و با یک حس اعتماد به نفس قابل تحسین به کار می‌پردازد. ازدواج بین دو تا اسب به شدت توصیه می‌شود. اما اسب‌ها باید توجه کنند، اشخاصی که دارای چنین حس استقلال قوی هستند، باید حدود اختیارات خود را قبل از طرف دیگر اعلام بکنند. در غیر این صورت باید از همان آغاز غزل خدا حافظی را بخوانند. گربه احساساتی نیز جفت مناسبی برای اسب است.

این خانم خودش را با علایق اسب و فواید خانه را محلی امن و جای استراحت برای آقای اسب می‌سازد و کلمات شیرین پوچ در گوشش نجوا می‌کند. بز اجتماعی نیز درست مانند گربه همه امکانات را برای اسب فراهم می‌کند و جفت کاملی برای ازدواج با اسب می‌باشد. خانم بز با احساسات گرم و خوش‌خلقی ملایم خود، اسب را جلب می‌کند و تمام حواس خود را به چیزهایی که مورد علاقه اسب است معطوف می‌کند و مورد تعریف و تمجید وی واقع می‌شود. خانم خوک نیز یک کدبانوی فوق العاده است و با دست پخت عالی و کیک‌های شکلاتی و انواع خوراکی‌های لذیذ خود اسب آزادی طلب را مفتون نموده و به میز غذاخوری می‌چسباند، طوری که حتی فرصت داستان خوانی برای بچه‌ها را نمی‌یابد.

مرغ‌ها و اسب‌ها روی هم رفته ازدواج موفقی به وجود می‌آورند. هر دو تای آنها از گل و بوته باغچه منزل خوششان می‌آید و جدای از سوء تفاهم در مورد منشی زیبای آقای اسب، زندگی آن دو با ملایمت پیش می‌رود. آقای سگ بعد از ازدواج نمودن هر کاری که از دستش برباید، برای ابراز وفاداری خود به کار می‌برد، و خانم اسب هم از اعتماد او سوء استفاده نمی‌کند. اما وقتی آقای اسب گرفتار عشق بشود، نمی‌تواند جلو خود را بگیرد، و خانم سگ هم نباید در امورات شخصی او زیاد کنجکاوی نماید. خانم مار افسونگر از تسلط اسب بر همه امورات راضی می‌شود و در عوض وقتی ببیند که اسب هم وقتی او نیاز دارد، سکوت می‌کند، جفت مناسبی می‌شود. اما مار به آزادی خواهی اسب احترام می‌گذارد؟ احتمال پنجاه به پنجاه هم برای این‌ها زیاد است.

بیر بی‌پرواست و ممکن است مبهوت دلربایی و زیبایی خانم اسب بشود. در چنین حالتی او را ربوه و با وی ازدواج می‌کند. و بعد این حقیقت را درمی‌یابد که هر دو تای آنها موجودات شدیداً تغییریابنده هستند. اژدها به راحتی خود را وفق می‌دهد، ولی خیلی به خودش می‌بالد. و ممکن است

به راحتی گرفتار عشق خانم اسب شود، ولی این خانم بندرت توجه لازم را نسبت به آقای اژدها به عمل می‌آورد. به طور کلی، اسب‌ها و اژدها باید از ازدواج با یکدیگر اجتناب نمایند. اما اگر ازدواج آنها به خوبی پیش برود، چیزی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد. به هر حال ازدواج اژدها و اسب مانند یک باغ‌گل در فصل خشکسالی نیاز به مراقبت فراوانی دارد.

جدول نحوه سازگاری اسب در ازدواج

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

ازدواج آقای موس با اسب پر از تمایلات می‌شود، ولی او هم مانند اسب خیلی زود تغییر جهت می‌دهد. و چون هر دو تای آنها به این امر واقف هستند، بنابراین ازدواج آنها عاقلانه نمی‌باشد. ازدواج گاو با اسب نیز میسر نخواهد بود زیرا هر دو تای آنها خواهان ریاست در منزل خواهند بود.

اسب و میمون هم در صورت ازدواج گوشه و کنایه نخواهند داشت، و از لطیفه‌ها و شیرین‌کاری‌های یکدیگر لذت خواهند برد، اما در آراستن خود نسبت به هم سبقت خواهند گرفت و ازدواج آنها به خاطر درگیری روی هیچ و پوچ به پایان خواهد رسید.

سال اسب چه تأثیری روی شما خواهد داشت؟ سالی برای لطافت و آزادی

در بین علایم دوازده‌گانه حیوانات، فقط سال اسب برای خودش شانس و اقبال خوش به همراه نخواهد داشت. و در سال اسب آتشین حتی تبدیل به یک فاجعه مثبت خواهد شد (به صفحه ۱۷۰ مراجعه کنید). اما باز هم اگر سرنوشت به روی اسب لبخند بزند، از موفقیت بی‌نظیری برخوردار خواهد شد، و باد از هر سمت که بوزد به نفع او خواهد بود. این سال برای بز هم سال خوبی خواهد بود. دعوت‌نامه به جشن‌های پرزرق و برق از هر طرف به سوی وی ارسال خواهد شد، و اگر کمی کار بکند پاداش فراوان خواهد گرفت. گاو نیز کارش را متوقف خواهد نمود. وقتی در این سال مزارع پربار بشوند، آقای گاو‌کشاورز از اضافه کاری گله نخواهد کرد.

ازدها هم مانند همه سال‌ها مشغول جشن و سرور خواهد بود، و سال اسب مانع وی از این کار نخواهد بود و در حقیقت به میزان این جشن و سرور خواهد افزود. بز هم مانند گربه خوش‌رفتار از زندگی اجتماعی خود لذت خواهد برد، ولی از گربه نخواهید که از این سر تا آن سرکشی‌بردو. خانم مار حساس خیلی زود درمی‌یابد که سال اسب برای عشق غنی است، اما از کار زیادی که اسب در ساعات ناجور به وی محول می‌کند دلخور می‌شود. خانم مرغ پرحرف از این که در مجالس مد دیده شود خیلی خوشحال می‌شود، و سال اسب فرصت‌های فراوانی برای این منظور برای وی فراهم می‌کند. ضمناً کسی چه می‌داند، شاید هم به خودش برسد و

خوشگذرانی نماید. به هر حال هر کدام از این‌ها که باشد تمام دوازده ماه این سال از نظر پول برای مرغ پربرکت خواهد بود. ببر هم از نظر حساب پسانداز وضعیت صعودی خواهد داشت و با فراوان بودن هوای عشق و عاشقی، شاید برای دل حساس ببر هم تپشی پیش بیاید.

موش	
گاو	
ببر	
گربه	
ازدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

میمون هم علیرغم قلب پر محبتش در این سال دوست چندانی نخواهد داشت و در عوض برخوردهای زیادی بر سر هیچ و پوچ پیش رو خواهد داشت. اما آقای میمون هنرمند سر بلند بیرون خواهد آمد، همیشه این طور است. برای خوک شادان در دسر پیش‌بینی می‌شود. وی علیرغم کار زیاد و شرافتمدانه‌اش، سال اسب را از نظر عشق و عاشقی خیلی ناجور خواهد یافت. خوک‌ها خوشگذرانی را دوست دارند، اما وقتی عاشق می‌شوند، کمی

خودشان را می‌گیرند. سگ با آن همه و فاداریش کسی را پیدا نخواهد کرد که از جان‌گذشتگی و اعتماد او را جدی بگیرد. اما یکی دو نفری شاید او را کمی دوست بدارند. خوب دیگر، سال اسب چنین است. در این سال، دلربایی که موش در امورات زندگی متحرک خود به کار می‌برد، علیه خودش به کار می‌برد. حالا وقت آنست که آقاموشه کمر خودش را سفت ببندد.

اسپ‌های مشهور در عرصه‌های:

هنر:	
سمیول (اسماعیل) یکت	کریس اورت
لئونارد برن اشتین	براف اسکات
سرجان بتجمیں	پیتر اُسلیوان
کاپین	فریدی ترومی
کترین کوکسن	مایک تایسن
دیگس	صنعت و سیاست:
جک هیگینز	لیندا چاکر
هرولد پینتر	سرهنگ قذافی
جی بی پرایستلی	بیلی گراهم
رامبراند	نیل کیناک
سیگوویا	خروشچف
اندی وارهُل	لنین
وای والدی	تاینی رولند
ورژش:	ویلی وايتلا
زولا باد	سلاطین:
ویلی کارسن	شاهزاده خانم مارگارت

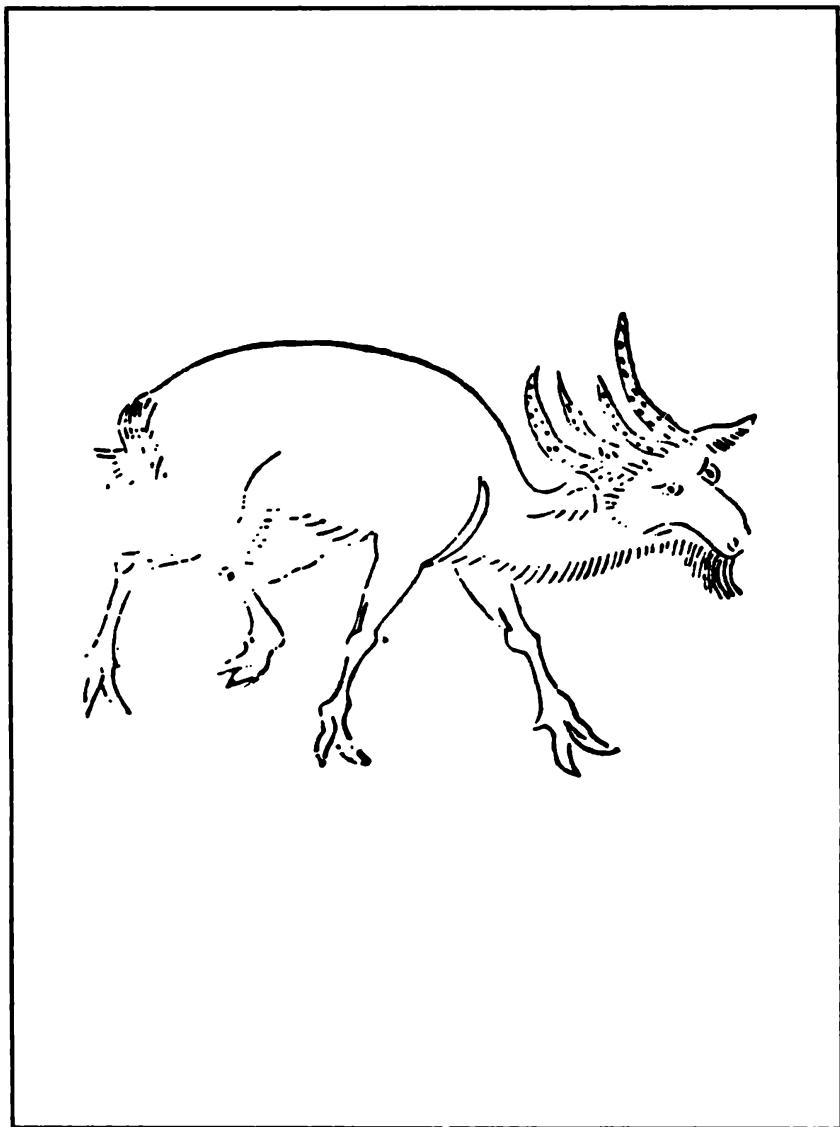
بابِ هاسکینز	لرد اسنودان
اسپایک میلیگن	دوك ویندسور
جان تراولتا	هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:
جون وودوارد	رووان اتکینسون
موسیقی پاپ:	تانی بلک برن
ری چارلز	رانی گربت
پل مکارتی	شون کانری
الن پرایس	بیلی کاناالی
پل سایمون	جیمز دین
استفن ساندهایم	کلینت ایست وود
باربرا استرایسند	ساماتتا فاکس
	سم گولد واين

بز

THE GOAT

羊

1907	از ۱۳ فوریه ۱۹۰۷ تا ۱ فوریه ۱۹۰۸ از ۲۴ بهمن ۱۲۸۵ تا ۱۲ بهمن ۱۲۸۶	1908
1919	از ۱ فوریه ۱۹۱۹ تا ۱۹ فوریه ۱۹۲۰ از ۱۲ بهمن ۱۲۹۷ تا ۳۰ بهمن ۱۲۹۸	1920
1931	از ۱۷ فوریه ۱۹۳۱ تا ۵ فوریه ۱۹۳۲ از ۲۸ بهمن ۱۳۰۹ تا ۱۶ بهمن ۱۳۱۰	1932
1943	از ۵ فوریه ۱۹۴۳ تا ۲۴ ژانویه ۱۹۴۴ از ۱۶ بهمن ۱۳۲۱ تا ۴ بهمن ۱۳۲۲	1944
1955	از ۲۴ ژانویه ۱۹۵۵ تا ۱۱ فوریه ۱۹۵۶ از ۴ بهمن ۱۳۳۳ تا ۲۲ بهمن ۱۳۳۴	1956
1967	از ۹ فوریه ۱۹۶۷ تا ۲۹ ژانویه ۱۹۶۸ از ۲۰ بهمن ۱۳۴۵ تا ۹ بهمن ۱۳۴۶	1968
1979	از ۲۸ ژانویه ۱۹۷۹ تا ۱۵ فوریه ۱۹۸۰ از ۸ بهمن ۱۳۵۷ تا ۲۶ بهمن ۱۳۵۸	1980
1991	از ۱۵ فوریه ۱۹۹۱ تا ۳ فوریه ۱۹۹۲ از ۲۶ بهمن ۱۳۶۹ تا ۱۴ بهمن ۱۳۷۰	1992



مردان من مانند ستیرها^(۱) در مرغزارها می‌چرند و با پاهای بزمانندشان
رقص عجیب خواهند نمود.
کریستافر مارلو

۱- مردان افسانه‌ای قرمز پوست دمدار که خیلی شهوت پرست بودند و در جزایر گناری
می‌زیستند. م

سال بز



سال بز با صلح و مودت آغاز می‌شود، ادامه می‌یابد و به پایان می‌رسد، زیرا چینی‌ها عقیده دارند که بز منادی آرامش و صلح است. جنگ‌ها و بحران‌های بین‌المللی که در سال‌های قبل شروع شده بودند، در زمان رسیدن به سال بز شدت و حدت خود را از دست داده و جهان به آرامش می‌رسد. عداوت‌های شخصی و عمومی با مواجهه شدن با قدرت آرام‌بخشی و صلح‌دوستی بز حل و فصل می‌شوند، همان طور که شواهد بی‌شمار تاکنون این موضوع را ثابت نموده‌اند. برای مثال سال ۱۹۱۹ شاهد برگزاری اجلاسیه صلح جهانی در پاریس بود و در ۱۹ ماه ژوئن همان سال قطعنامه صلح با آلمان در قصر ورسای به امضاء رسید. یا در سال ۱۹۵۵، دانشمندان بر جسته جهان خواستار محکومیت استفاده از بمب هیدروژنی و هرگونه جنگ شدند. در سال ۱۹۶۷ یک قطعنامه بین‌المللی در واشنگتن به امضاء رسید که طی آن به کار بردن هرگونه بمب اتمی در فضاء، روی کره ماه و سایر اجرام آسمانی ممنوع اعلام گردید.

البته بازار شایعات، رسوایی‌ها و جر و بحث‌ها داغ خواهد بود. در سال ۱۹۷۹ رهبر سابق حزب لیبرال، آقای جیرمی ترپ را به اتهام توطئه برای قتل نرمن اسکات که گفته می‌شد با هم روابط عشقی داشتند، به محاکمه کشاندند. به طور حتم دعوا و جنگ بزرگ پیش نمی‌آید. فقط بحث و



کلارک گیبل (موس)
جذایت موس نمود انسانی یافته بود



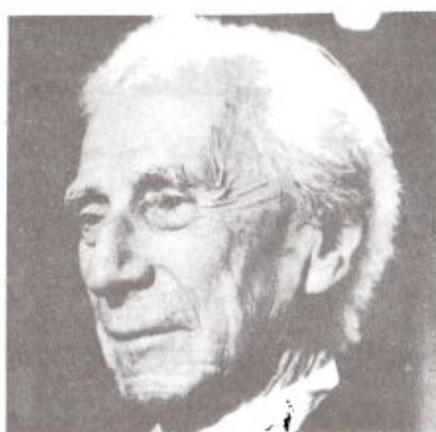
ناپلئون (گاو)
وقتی گاوی تصمیم به تسخیر دنیا
می‌گیرد، مواطن باشید!

ملکه مادر (موس)
هر کاری که انجام می‌دهد، گرمی موس
از آن هم بدشت



اندرو لوید ویر (موس)
دنیای تناور فقط به خاطر موس
فرصت طلب فراهم شده است.

من کارت تاچر (گاو)
هیچ همتایی ندارد

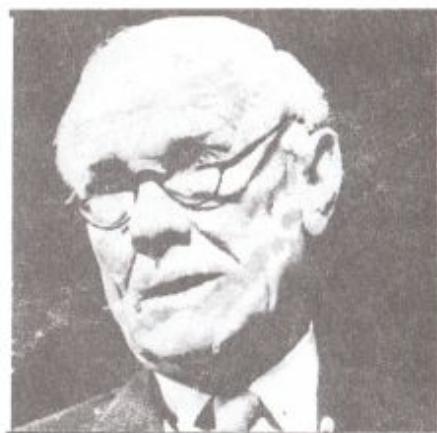


برتراند راسل (گاو)
هر چیزی را که باور داشت با اعتماد
کامل مطابق آن عمل می‌کرد



بتهون (بیر)
شجاع‌ترین بیرها و منور‌ترین آنها

اینگرید برگمن (گربه)
زیباترین خانم‌های گربه حساس و زیرک



ماریلین مانرو (بیر)
بهترین نسونه خانم بیر
سخت زندگی کر و جوان مدد

ملکوم ماگریج (گربه)
گربه شامه خوبی برای شایعات دارد



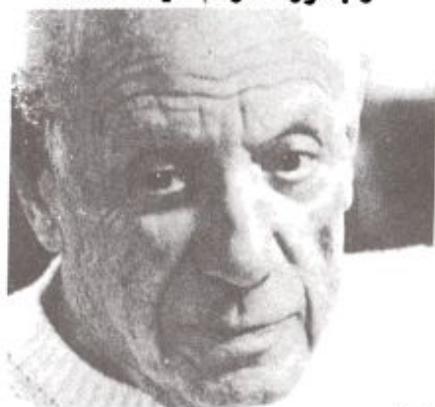
تری و گن (بیر)
نمونه‌ای از مردان بیر ایده‌ها.
به نظر می‌رسد که پایانی نداشته باشد

سلینا اسکات (گربه)
گربه اغلب به خامه می‌رسد.



مارتن لوترکینگ (ازدها)
خودبواری ازدها همه چیز است

شاهزاده خانم گریس (مار)
خانم مار اساسی، زیبایی
را با ثروت درهم آمیخته است.



ایستر زنتزن (ازدها)
چیزی در زیر صورت سفید ازدها
وجود دارد؟

پیکاسو (مار)
هنر مار اغلب آمیزه‌ای از عقل و هوش است



جیاف بویکات (ازدها)
یک ازدهای کمال‌گرا در چوگان



جان اف کنندی (مار)
یک مرد مار کامل، بصیر و نافذ

کریس اورت لوید (اسب)
نمونه‌ای از اسب عمل و زیبایی

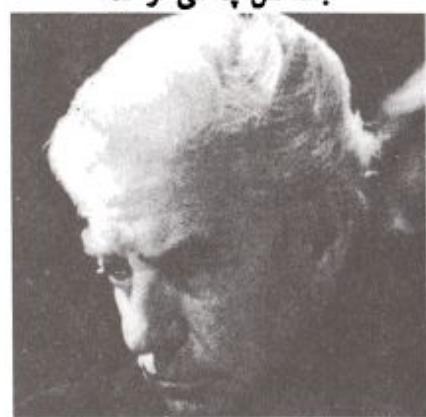
مارگارت فانتین (بز)
خانم بز پر از هنر است



میک جگر (بز)
بز موفق همیشه می‌داند که
اجتماعش چه می‌خواهد



پل مکارتی (اسب)
اسب سخت‌کوش می‌تواند همه چیز
داشته باشد



هربرت فن کاراجان (بز)
بز هنرمند چندین ارباب دارد



پاپ جان پل دوم (میمون)
میمون پیروان زیاد دارد

مری کوآنت (مرغ)
مرغ از شکلک درآوردن
خوش می آید



دوشس ویندسور (میمون)
خانم میمون عمو لا به راه
خود می رود

کن لیوینگ استون (خرس)
خرس های ولخرج نادر نیستند



دایاناراس (میمون)
میمونی وجود ندارد که نور نورافکن
روی سن را دوست نداشته باشد

استیو دیوبس (خرس)
خرس مرتب و خوب
سازمان یافته است



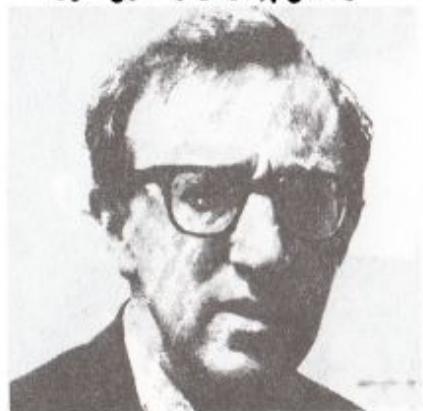
RFX FEATURERESLTD

وینستن چرچیل (سگ)
کسی وفادارتر از سگ وجود ندارد.



RFX FEATURERESLTD

الن جان (خوک)
خوک زندگی را دوست دارد
و کامل پوشیدن را همین طور



وودی الن (خوک)
خوک‌ها اغلب استعداد سرگرم
نمودن دارند



ماذر نور (سگ)
یک گوهر آرمانکراو سگ

ماریا کالاس (خوک)
وقتی خوک عاشق بشود.
همه چیز را می‌دهد



شاهزاده چارلز (موش) و شاهزاده خانم دایانا (گاو)
گاو همیشه در خانه موش شلوار به تن می‌کند. اما موش
افسونگر سر و سامان دادن به اوضاع را مشکل می‌باید.



جکی کندي (مار) و ارسسطرو اوناسیس (مار)
مارها می‌توانند هر چیزی که بخواهند بشوند -
البته با هزینه پول مار دیگر.



إريك موركمبل (بير) و إرنى وايز (گاو)
بير دارای ایده‌هایی است و گاو آنها را به مورد
اجرا می‌گذارد اما گاو همیشه قوی‌تر است.



شاهزاده خانم مارگارت (اسب) و لرد اسوندان (اسب)
اسب‌ها به شدت استقلال طلب هستند و دو تا از آنها
در زیر یک سقف اغلب فاجعه به بار می‌آورند.



فرد آستیر (خرک) و جینجر راجرز (خرک)
خرک‌ها اغلب در تشکیل شراکت (زنگی) در بهترین
موقعیت خود می‌شوند. دو تا خرک می‌توانند ماه را داشته باشند.



جان لنن (ازدها) و کویو انو (مرغ)
ازدها مرغ را تهییج می‌کند و مرغ هم ازدها را
در خط مستقیم و باریک نگه می‌دارد. بهترین اتحادها.

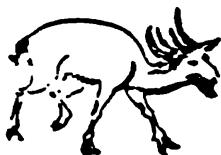
جدل‌هایی پیش می‌آید که خیلی زود به فراموشی سپرده می‌شود. اما نبود مبارزین جنگ‌افروز بزرگ دلبی برای کنار گذاشتن ورزش نمی‌شود. با وجود این که بازی‌های المپیک هرگز با سال بز مصادف نمی‌شوند، اما هر پرونده رکوردهای ورزشی را که بگشایید، خواهید دید که سال بز پر از رکورددشکنی قهرمانان جهان است. در سال ۱۹۶۷، جیم راین آمریکایی، بهترین دونده دو استقامت جهان شد. در سال ۱۹۷۹، سیکودوتا رکورد از خود به جا گذاشت، وی یک رکورد جهانی برای ۱۵۰۰ متر مردان را به ثبت رساند و سه ثانیه از بهترین رکورد قبلی خود را کاهش داد.

این بهترین سال برای یاد نمودن و دیدار دوستان قدیمی و اعضای خانواده در جاهای دور است. به طور کلی سالی خوب برای زندگی خانوادگی است. بهترین موقعیت برای ازدواج و بچه‌دار شدن و لذت بردن از زندگی است. اما برای دست‌یابی به این‌ها، از مسیر خود منحرف نشوید. ضمناً بهترین سال برای پر نمودن خانه از لوازم خوب و نقاشی‌های دیواری است. کتابخانه خصوصی‌تان را پر از کتاب‌های عالی و خوب بکنید. فرش‌های گرانبها در خانه‌تان پهن نمایید و... همین طور در این سال آهنگ‌های متنوع و شاد ساخته می‌شود، هنرپیشه‌های نامی روی صحنه تئاتر نقش‌های فراموش نشدنی بازی می‌کنند. در سال ۱۹۵۵ جیمز دین با بازی در فیلم «شورش بی‌دلیل» بعد تازه‌ای به عالم سینما بخشید. در همان سال سالن اپرای شهر وین مجدداً بازگشایی شد و در شوروی سابق برای اولین بار بعد از سقوط روسیه تزاری، نمایش هملت را به روی صحنه آوردند.

این سال برای برنامه‌ریزی خصوصاً برای بلندمدت مناسب نمی‌باشد. آرام صحبت کنید و پول خود را در سرمایه‌گذاری‌های مهم صنعتی به کار نیانداریزید. دور و بر بورس سهام نگردید. در طول تابستان گرم و طولانی از نوشیدنی‌های خنک استفاده کنید. از شکلات و کیک خوشمزه بخورید و تا

سپیدی صبح صحبت نمایید و از خود لذت ببرید. در این سال باید به غریزه خود اجازه بدهیم تا ما را به طرف زندگی خوش هدایت نماید.

شخصیت بز



زمان صلح ولذت بردن از زندگی است، بز فریبا و هوسر باز را
وارد نمایید.

در میان دوازده تا حیوان مربوط به طالع‌بینی چینی، بز از نظر خاصیت مؤثث‌ترین حیوان محسوب می‌شود. این حیوان علاوه بر این که به خاطر رفتار ملایم و حسن نوعدوستی گسترده‌اش مورد احترام بین‌المللی است، وی را برترین منادی صلح نیز اعلام نموده‌اند. هیچ جنبه بز حالت خصم‌مانه ندارد، و اگر خشونتی را بروز دهد، فقط به خاطر حفظ هماهنگی، صلح و عدالت خواهد بود. اما اگر از روی بی‌عدالتی با بز برخوردد کنید، حتم بدانید که خشم او فقط متوجه بی‌عدالتی خواهد بود. هر جا که باشد، خواه در دنیای پرازدحام گیج‌کننده و یا در داخل محدوده خانه، در جلوگیری از مجادله سریع خواهد بود. در نظر وی هر چیزی که نظم و هماهنگی را چه در سطح جهانی و چه در محیط خانه خودش، به هم بزنند، به یک اندازه اهمیت دارد. هیچ چیز به اندازه صدای ناموزون آرامش او را به هم نمی‌زند. بز به عنوان بهترین داور برای بررسی صحت اقدامات بشر محسوب می‌شود. و هیچ کسی به اندازه او خواهان این نقش نمی‌باشد. وی این عمل را مانند نیاز اردک به آب می‌داند. و شکی وجود ندارد که عشق وی

به جلب توجه دیگران است که باعث می‌شود بهترین میزبان از آب درآید. و هیچ کسی به اندازه او در زمان پذیرایی از مهمانان از لوازم زرق و برق دار استفاده نمی‌کند. فقط بز است که میز پذیرایی را با چنان هنرمندی می‌چیند و نقره‌جاتی دارد که می‌درخشدند و گل‌هایی روی میز نهاده است که بوی عطرآگین پخش می‌کنند. و اگر هوس غذای خاصی را دارید، میزبانی بهتر از بز در دنیا وجود ندارد که دقیقاً خواسته شما را تهیه نماید. آقای بز هم در برگزاری مهمانی‌ها و جشن‌ها دست کمی از خانم بز ندارد.

آقای بز علاوه بر علاقه به حرف و صحبت در میان جمع، دارای حسن هنری نیز می‌باشد، زیرا تحت علامت هنر زاده شده است. در واقع اگر به لیست اشخاص نامدار جهان بنگریم، نام هنرمندان عالیرتبه را در میان آن خواهیم یافت.

به طور کلی بز از هر چیز یا کار هنرمندانه خوشش می‌آید، یکی از هنرهای بز واکنش ملایم وی می‌باشد و شاید به همین دلیل است که وقتی بز در یک کار هنری شرکت می‌کند، بهتر می‌تواند خودش را نشان بدهد. ضمناً کمک هنری وی می‌تواند به عنوان متعادل‌کننده و راهنمای عمل نماید. آهنگساز بزرگ، فلیکس مندلسو亨 که عمر کوتاهی داشت، آهنگ‌های فراوانی که جاویدان هستند، تصنیف نمود و هادی وی در کارهای هنری اش پدر وی بود که هم به عنوان پدر و هم به عنوان مدیر هنری تمام کارهای او را روبراه می‌نمود. و مایک جگر نیز همین طور می‌باشد و اکثر آهنگ‌هایش را به همراهی کیث ریچاردز (وی نیز بز می‌باشد) نوشته است و خیلی‌ها عقیده دارند که وی باعث رونق گروه رولینگ استونز آن هم به مدت طولانی شده بود.

من شخصاً مطمئنم که کلید اصلی قدرت بز در همکاری آسان با دیگران و خلق و خوی وی است. و اگر او را به حال خود رها نمایند، به همه جا سرمی‌کشد. پس بهتر است تحت کنترل باشد.

کلمه «خوشی» را خیلی به کار می‌برد و حق دارد از لذایذ زندگی اش بهره‌مند شود، زیرا در بد و بستان خوش‌نیتی و افسونگری کم نظری است. و کمتر کسی را می‌یابید که مانند بز دارای حس نوعدوستی باشد. در اینجا نیز نیاز به یک هدایت‌کننده باراده دارد. و می‌توان با قاطعیت گفت که هر هنرمند بز عالی که سراغ داشته باشید، یک راهنمای قوی در پشت صحنه دارد. به عبارت دیگر هر کجا یک لارنس آلیور وجود داشته باشد، یک وای ویلن‌لی هم وجود دارد تا نقش وی را تکمیل نماید.

ضمناً به دلیل این که بزها قبل از اقدام به عملی نیاز به تعمق زیاد دارند، و از سوی دیگر از نظر تصمیم‌گیری ضعیف هستند، در تیجه نباید آنها را در تصمیم‌گیری‌های مهم به حال خود رها نمود، و چون از اخم و عبوسی دیگران ناراحت می‌شود، لذا صبر می‌کند تا قبل از هر اقدام مشترکی، طرف دیگر تصمیم بگیرد. حسنی که بز در این کار می‌بیند این است که، بگذارد دیگران نگران امورات وی باشند تا وی بتواند به جنبه بزرگ زندگی - لذت بردن از زندگی بپردازد. اما این موضوع در مواقعي که تصمیم گرفته شده مطابق میل او نباشد، باعث دلخوری وی می‌شود ولی آن را بروز نمی‌دهد مگر این که کار از کار گذشته باشد. و زمانی که اوضاع مناسب حال بز نباشد، واقعاً شدید می‌باشد و با وفق دادن خود بهتر نمی‌شوند. علاوه بر این‌ها، بزها انتقاد شخصی را نمی‌توانند تحمل نمایند. و اگر کوچکترین ایرادی از وی بگیرید، از لیست مهمانان این خانم حذف می‌شوید. البته بز خیلی مؤدب است و ناراحتی خود را بلا فاصله نشان نمی‌دهد، ولی آن را فراموش نمی‌کند. ضمناً سعی نکنید دعوت او را رد نمایید هرچند که در موقعیت ناجوری برای شما باشد. زیرا رد دعوت او برایش خیلی گران می‌آید که باز هم ناشی از حس عدم امنیت از سوی اوست. یکی از خصوصیات بارز آقای بز نگرانی درباره چیزهای پیش پا افتاده است.

بزها از هر چیزی که جلو آنها را بگیرد نفرت دارند و با هر چیزی که

برای آنها برنامه‌ریزی نماید با حالت خجولانه می‌ایستند. اگر به راهی هدایت شود که با روحیه وی سازگار باشد کنار می‌آید ولی اگر برعکس باشد حالت بزرخ را برایش دارد. بزها از هر نوع شغل خدماتی اعم از نظامی یا شخصی دوری می‌گزینند، مگر این که همراه با خانه بزرگتر با خدمه زیاد و پول کلان باشد. ضمناً پیشنهاد می‌شود از هرگونه تجارت دوری نمایند. خصوصاً نباید به هیچ عنوان شغل فروشنده‌گی را قبول نمایند. زیرا خیلی آسان دستپاچه می‌شوند و در این حالت است که ممکن است کمی تند برخورد بکنند. و به خاطر داشته باشید که در چنین موقعی می‌توانند صدمه برسانند.

بز واقعاً بی‌دفاع که خودش نیز به این موضوع واقف باشد، نیاز به حمایت فراوان دارد. به هر حال همان طور که گفته شد بزها بسیار میهمان‌ناز هستند و هر چقدر هم در مورد انواع و کیفیت غذاها اهمیت بدهد، بیشتر از آن را به تهیه لیست میهمانان می‌دهد که از برجسته‌ترین و پرآوازه‌ترین شخصیت‌ها باشند. و در حین مهمانی، خودش در مرکز ثقل آن شخصیت‌ها جلوه خواهد نمود. و بعد از این ماجرا وقتی راجع به آخرین مد یا بهترین نمایش و یا هر رویداد مهم دیگر اظهار نظر نماید، باید حرفش را بپذیریم. البته منظور وی از این اظهار نظر دادن آخرین اطلاعات به ما نمی‌باشد، بلکه می‌خواهد ما را مجاب نماید. وقتی به کتاب‌های موجود در کتابخانه‌اش نگاه بکنیم متوجه می‌شویم که از پرفروش‌ترین کتاب‌ها می‌باشند، و یا نقاشی نصب شده به بالای شومینه از گرانقیمت‌ترین آنهاست، ولی معلوم نخواهد بود که بر مبنای سلیقه و شناخت خود خریده یا بر مبنای پیشنهاد فروشنده.

خانه بز پر از انواع خرت و پرت‌ها خواهد بود. از هر نوع که به نظرتان برسد، نو و کهنه. به هر حال بزها بیش از همه فراگیرنده هستند، و این خصیصه در نزد آقایان و خانم‌های بز به یکسان است. و علاوه بر این‌ها

خانم‌های بز از خانه‌های مجلل خوششان می‌آید. وقتی توریستی را با کلاه لبه پهن اسپانیولی و کیف پلاستیکی پر از لوازم بدون مالیات، به دست همراه با گروه دیگر ببینید، مطمئن باشید که وی در سال بز به دنیا آمده است.

همان طور که خانم پائولا دلسول فرانسوی در کتاب طالع‌بینی خود اشاره کرده است، بزها از چیزهایی خوششان می‌آید که ژاپنی‌ها آی-شوکو-جو» می‌نامند که ترجمه آن تقریباً معنی عشق به «غذا-لباس-راحتی» را می‌دهد. پس تعجبی ندارد که تعداد زیادی کتاب در مورد رژیم لاغری در کتابخانه او وجود دارد. اما زندگی که بر مبنای بی‌مایگی‌ها بنا شده باشد، هر چقدر هم خوشایند باشد، در موقع موضوعات جدی، مشکل‌ساز می‌شود. در چنین موقعی است که بزها بی‌ثباتی خود را نشان می‌دهند. در موضوعات مربوط به عشق، مائند موضوعات دیگر، بزها معنی خودحاشایی را نمی‌دانند. وقتی عاشق بزی بشوید، تمایل خواهید داشت تا احساسات واقعی او را بدانید. اما از آنجایی که بز هرگز دوست ندارد ناراحتی خود را بروز بدهد و غریزه ذاتی برای حفظ صلح و آرامش دارد، اغلب از احساسات واقعی خود عقب‌نشینی می‌کند. مثلاً وقتی خیلی ساده سؤال بکنید: «مرا دوست داری؟» وی جوابی را به شما خواهد داد که فکر می‌کند شما دوست دارید بشنوید. این گونه پاسخ دادن ممکن است در مورد نظر وی راجع به آخرین غزل شما، ماشین تازه‌ات یا تعطیلات نیز صادق باشد. این‌گونه پاسخ‌های غیرذی‌علقانه برای یک هنرپیشه مفید است. اما در زندگی روزمره می‌توانند منجر به مشکلات رفع‌نشدنی گردند. خوشبختانه بز دارای یک نعمت خدادادی است که با استفاده از آن می‌تواند خود را از مخمصه خلاص نماید و آن چیزی نیست مگر زیبایی و افسونگری فراوانش. ضمناً اشتباه نکنید، وقتی بز چیزی را بخواهد، افسونگری خود را واقعاً به کار می‌اندازد. اگر موضوع مورد علاقه وی یک مرد باشد، این آقا به زودی به آن

پی می برد. زیرا خانم بز برای این منظور از تمام امکانات و دوز و کلک های خود استفاده می کند. اما اشکال کار در اینجاست که آیا این خانم می خواهد او را برای همیشه برای خود حفظ بکند؟ اما در مورد بز خودرأی و عشهه گر، پاسخ به این سؤال همیشه مشکل است.

وقتی خانم بز از هوسری بازی بیفت و زندگی خانوادگی تشکیل بدهد، خانواده اش به او زندگی می بخشد و او هم تمام انرژی خود را برای رضایت شوهر و فرزندانش صرف می کند.

هیچ چیز از چشم مادرانه او مخفی نمی ماند، و هیچ کدام از فرزندان بز با کفش پاره یا یقه پیراهن چرکین به مدرسه فرستاده نمی شود. و شوهر او در موقع خروج از خانه طوری جلوه نخواهد نمود که از یک خوک دانی کثیف خارج می شود. اما یک مادر بز با تمام علاوه اش به حفظ ظاهر اعضای خانواده اش، یک کدبانوی واقعی نخواهد شد. زیرا شوهر و فرزندان می توانند لباس هایشان را خودشان اطونمایند و کفش هایشان را تمیز بکنند. اما او مانند یک بازرس دقیق بالای سر آنها خواهد بود. و این آخرین خط تعهد او خواهد بود. در خانه بز هر کسی باید کارهای خود را شخصاً انجام بدهد.

با وجود این که بزها اغلب تمايل به ترک خانه را در سنین جوانی دارند، اما در آخرهای زندگی دوست دارند به والدین خود بپیوندند. بانوی بز ازدواج کرده ای را می شناسم که در نزدیکی خانه خود من زندگی می کند، وقتی بچه های وی بزرگ شدند و نیاز به یک خانه بزرگتر را احساس نمود، از تمام شهر بزرگ لندن فقط خانه ای را انتخاب نمود که یک در با خانه مادرش فاصله داشت. یا یک بانوی بز که دوست خانم بنده است، روزهای آخر هفته را به خانه مادرش می رود تا با هم به سر برند. و عمومی خودم، ادوارد تمام عمرش را در خانه مادرش زندگی نمود و در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت. و جالب تر از همه، دوست دختر سابق من بود که حداقل

روزی یک بار به مادرش تلفن می‌کرد، حتی موقعی که اصلاً حرفی برای گفتن نداشت.^(۱) و در مدت هفت سالی که با هم دوست بودیم، حتی یک روز هم این عادت را ترک نکرد. بعد از این که هر کدام از ما به راه خودمان رفتیم، روزی دوست مشترکی را دیدم که خبر داد دوست دختر سابقم ازدواج نموده و به ایتالیا رفته است، وقتی از وی پرسیدم که آیا خبر دارد که او هنوز هم به مادرش تلفن می‌کند یا نه، پاسخ داد که بله و برای این که آن روی شوهر ایتالیایی اش را در نیاورد، با مشتی پول خرد به تلفنخانه شهر میلان رفته و از آنجا با مادرش صحبت می‌کند. فهمیدم که به طور حتم همه روزه این کار را می‌کند.

علیرغم تمايل خانم بز به حمایت و به راحتی تحت هدایت قرار گرفتنش، بدون شک ریاست خانه به عهده اوست. درست است که تصمیم‌گیرنده واقعی او نیست، اما در مورد تمام تصمیمات مهم متعدد، تأثیر مستقیم می‌گذارد. مثلاً در مورد انتخاب محل سپری نمودن تعطیلات، مدرسه بچه‌ها و نوع ماشین که قرار است خریده شود، تأیید کننده نهایی خانم بز خواهد بود. همین عوامل باعث می‌شود که خانم بز با مردی ازدواج بکند که قوی و در عین حال سازگار باشد. و ضمناً باید آمادگی بیدار ماندن در جشن‌های زیاد تا دیر وقت‌های شب را داشته باشد.

خانم‌های بز چون به آسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرند، در عوض آنها نیز علاقه دارند دیگران را تحت تأثیر قرار بدهند، و این کار را با لباس خودشان انجام می‌دهند. در نتیجه لباسی به تن می‌کنند که نه تنها شوهر خوشان را مجدوب نمایند، بلکه اطرافیان را نیز جذب بکند. و در این راستا از لباسی استفاده می‌کنند که در صدر لیست مهمانانشان قرار بگیرند. اما آقایان بز بیشتر البته‌ای را به تن می‌نمایند که مناسب آنها باشد. مثلاً اگر در

۱- علائق خانوادگی از خصیصه‌های ما ایرانیان است و هیچ ربطی به علامت سال تولد ندارد. م

جایی کار می‌کنند که می‌توانند هرچه دوست داشته باشند بپوشند، در این صورت از لباس‌های محملی رنگ و رو رفته قدیمی یاکت و شلوار فاستونی راهراه و کراوات رنگارنگ پشمی استفاده می‌کنند. ضمناً ممکن است آقای بز را در لباس‌های دست دوم مشاهده بکنید - البته کهنه که با سلیقه آقای بز جور درمی‌آید، همین طور است دستمال گردن لکه‌دار و اگر هوا مساعد باشد، کفش صندل و مردان بز اغلب آنقدر از لباس‌هایشان استفاده می‌کنند که کاملاً رنگ و رو رفته و نخ‌نما بشوند.

در موقع کاریابی باید به سراغ کارهای هنری بروند، ضمناً کوهنوردان ماهری هستند. برای مثال سر ادماند هیلاری یک بز بود که قله اورست را فتح نمود. اما در سر راه خانم بز دام‌هایی قرار دارد. لذا کار کردن در خارج از خانه و در جاهای ناجور برای خانم‌های بز خطر هتك ناموس را در پی دارد. و چیزی‌ها معتقد هستند که آقای بز خوبیختی به خانه می‌آورد، زیرا دارای قلب صافی است. و این بدین معنی است که او همیشه پول‌دار خواهد بود، هرچند که اکثراً راه خرج کردن آن را نمی‌داند. اما به محض این که مسئولیت مالی به گردن او بیفتند، در انجام معاملات زیرکی خاصی به کار می‌برد.

اولین مرحله از مراحل سه‌گانه زندگی بز در حالی سپری می‌شود که شدیداً به خانواده وابسته می‌ماند. دخترچه بز از آنها بی است که هر خواست خود را با استفاده از گریه آسانش به دست می‌آورد. اما به دلیل دمدمی مزاج بودن خواهان زندگی فردی خود می‌شود و با وجود این که هنوز خیلی جوان است، خانه را ترک می‌کند، ولی هر موقع با سختی مواجه شود، به خانه بر می‌گردد. بزها به دلیل دنباله‌روی از احساسات خودشان اکثراً از سردرگمی و ندانمکاری‌های خودشان رنج می‌برند، خصوصاً در مسایل مربوط به عشق و عاشقی. اما حماقت به خرج نمی‌دهند و خیلی سریع از اشتباهات خودشان درس عبرت می‌آموزند. ضمناً وقتی خانم بز

دريابد که امکانات وی برتر از امکانات دیگران نیست، اجباراً صبر پیشه می‌کند تا به مرحله سوم زندگی اش برسد، و در اين مرحله اغلب اعضای خانواده‌اش به ديدن وی می‌آيند.

بز به عنوان والد

مادر بز و دختر بز تقریباً به طور کامل درک متقابل دارند، زیرا از همان آغاز کار می‌دانند که قلب بوالهوس آنها چه در درس‌هایی را ممکن است برایشان پیش بیاورد. در بین آن دو هیچ‌گونه درس اخلاقی یا رقابتی در کار نخواهد بود، فقط دارای روابط معمولی مادر و دختر و صحبت‌های روزمره خواهد بود. روابط مادر بز با پسر خوکش چندان فرقی نخواهد داشت، فقط وی را طوری بار خواهد آورد که در عین حال که بازی کردن را یاد می‌گیرد، از نظر اجتماعی نیز پیشرفت نموده و کار کردن را نیز بیاموزد. و پسر نیز قدر این زحمت‌ها را دانسته و از مادرش قدردانی می‌کند. دختر اسب هم با رضایت خاطر در خانه بز پرورش می‌یابد، یعنی لباس‌های زیبا، مدرسه خوب، درس رانندگی و... بچه‌گربه نیز از داشتن والدین بز لذت می‌برد. پدر بز این پسر گربه هنرمند، در راه ترتیبی او و شکوفایی استعدادهایش حداکثر تلاش خود را به عمل می‌آورد. اما این بچه نیاز به هل دادن دارد تا راه بیفتند.

پدر بز دختر می‌مونش را خیلی لوس و نتر بار می‌آورد، و او در سنین بزرگسالی از این افراط در محبت دیدن گرفتار مشکلاتی می‌شود. متأسفانه ما نمی‌توانیم از گرفتار شدن در تنگناها جلوگیری نماییم، حتی اگر زرنگ‌ترین میمون‌ها باشیم. بچه‌های مار شانس کمتری برای متلذذ شدن از زندگی در خانه والدین بز دارند. آنها به کندی رشد می‌کنند و مادر بز خیلی تلاش می‌کند تا دختر مارش در کارهای اجتماعی بدرخشد. و اغلب به نفع

دخترش تمام می‌شود. به هر حال مادر بز در جهت پیشرفت بچه‌اش خیلی تلاش می‌کند هر چند که نتیجه کمتری عایدش بشود.

جدول نحوه سازگاری بز والد با بچه‌هایش

موش	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

از نظر مادر بز، پسر اژدهایش هیچ کار اشتباہی مرتکب نمی‌شود. مشکلی که این دو با آن مواجه هستند، نحوه ارزیابی مسایل است. زیرا تمام تلاش مادر ممکن است پرسش را به جایی برساند، اما اگر نشد چطور؟ عکس این موضوع در مورد بچه گاو صادق است. وی بچه خیلی منزوی می‌شود و مشکل است او را وادار نمود تا در مقابل مهمانان عالی‌رتبه که مادر دعوت می‌کنند کلمه‌ای صحبت نماید، خوب دیگرا! اما بچه ببر از این که قادر خواهد بود چند کلمه مؤدبانه با مهمانان بز حرف بزنند، خوشحال

خواهد بود. حتی می‌تواند چند چشمۀ شیرین‌کاری هم بکند. بچه ببرها می‌توانند خیلی بانمک باشند ولی از خوردن کیک‌های شیرین خانگی و نبود ماجراهای هیجان‌آور دلزده می‌شوند.

دختر مرغ فکر می‌کند که از زندگی پر از ظاهرسازی خانه بز خوشش می‌آید. اما فکر او به روش زندگی اصولی و تفکیک خوب از بد کشیده می‌شود. بچه سگ روابط خوبی با والدین بز به هم می‌رساند و اعم از این که پسر یا دختر باشد، هم دوست داشته خواهد شد و هم دوست خواهد داشت. و دوست داشتن آنها با رشد کردن‌شان افزایش خواهد یافت. سگ‌ها مرتبأً به والدین بز پیر خود سرزده و آنها را به خاطر داشتن افکار عقب‌مانده و سطحی، تحریر نخواهند کرد. بچه موش غیر از آنها‌یی که دارد، چیز بیشتری از والدین بز خود اخذ نمی‌تواند بکند. بچه موش شاید دلبزی را دوست بدارد، اما نفعی به حال وی نخواهد داشت. و برای این که واقعأً موفق بشود، باید دارای ابزاری باشد که بزها قادر آن هستند.

بز از نظر شغل و پیشه

روی هم رفته وقتی بزها به شکوفایی می‌رسند که ارتباطی با هنر داشته باشند، هر چند که این ارتباط خیلی ضعیف باشد. با این حساب باید از هرگونه شغل دیگر خصوصاً در صنایع اجتناب نمایند. شراکت و همکاری دو تا بز فکر خوبی نیست، زیرا هر دوتای آنها نیاز به دست قدرتمندی دارند تا از آنها حمایت نماید که بتوانند به شکوفایی برسند. حمایت و تشویق عالی از سوی اسب پرکار به عمل می‌آید. بز و اسب در خیلی از زمینه‌ها از جمله تجارت، شریک طبیعی یکدیگر هستند. خوک شرافتمند ممکن است بز را به جلو هل ندهد ولی مطمئن است که کار به خوبی پیش می‌رود، حتی اگر خودش مجبور باشد کارهای اضافی را خودش شخصاً

انجام بدهد.

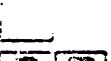
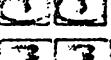
اگر آقا یا خانم بز هنرپیشه باشد، یعنی به جای حقوق مقرری، دستمزد دریافت بکند، پیشنهاد می‌شود یک مدیر برنامه برای خودش پیدا نماید. در این حالت کارشان روتق می‌یابد و بز بالاترین دستمزدها را می‌گیرد. برای این منظور اژدها بهترین راهنماست و بز از پیروی نمودن از طرح‌های عالی او راضی و خشنود خواهد بود. اما اگر بز شغل رانندگی را پیذیرد، اژدها را مجبور به تغییر طرح‌هایش خواهد نمود. و دمدمی مزاج بودن بز باعث خواهد شد که اژدها سهم خود را فروخته و خودش را کنار بکشد.

به نظر می‌رسد که موش فرصت طلب شریک مناسبی برای بز باشد، ولی راه رسیدن به هدف مشترک از سوی آن دو متفاوت خواهد بود. موش‌ها به سوژه می‌چسبند و بزها در سر راه آن دام می‌گسترانند، اما در شغل جدا بودن جبهه‌ها مفید واقع نمی‌شود. اما به هر حال پول در می‌آورند - شاید یک شرکت حسابرسی یا دلالی حراج‌ها؟ ببر طرح‌های فراوانی در آستین دارد، اما او خواهان یک شرکت تعهدآور و کار آنی است که بز بندرت توان اجرای آن را دارد. از نظر امور مربوط به پول، میمون عالی است و فکر خود را در مورد سرمایه‌گذاری آن خوب به کار می‌اندازد. این امر برای بز ناتوان در تصمیم‌گیری خبر خوشی است. اما آقا بز باید در مورد نحوه برخورد با سودی که آقای میمون با آن همه دقت حاصل می‌کند، دقیق باشد. یعنی نباید بدون حساب و کتاب ولخرجی نماید. این گونه ولخرجی در شرکت مار و بز نیز باعث دردسر می‌شود. بهترین شرکت این دو در سرمایه‌گذاری بلندمدت است، لذا پول نقدی در اختیار نخواهند داشت که خرج بکنند.

گاو با عزم می‌داند که چگونه بز را به کار وادارد. اما بز سرعت کاری و عقاید ویژه خود درباره کار را دارد و تن آسایی وی کاملاً مشخص خواهد بود. لذا چیزی جز جر و بحث‌های طولانی عایدشان نخواهد شد. دلیلی برای شرکت خروس با بز وجود ندارد، هر چند که دوستان خوبی باشند.

خروس خوب تعلیم یافته است و عاقلانه می‌اندیشد، چرا بز نمی‌تواند گاهی به چنین شرکای خوب بچسبد؟ سگ برای دوز و کلک‌های بازار خلق نشده است، در صورتی که بز به خوبی از عهده آن برمه‌آید. زیرا نظم و ترتیبی در کار نیست و فقط معاملات به عمل می‌آید. و سگ کاملاً بر عکس است و از خودسری‌های بز دلخور خواهد شد.

جدول نحوه سازگاری بز در شغل و پیشه

موش	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

بز در عشق و عاشقی

دو تا بز در امورات پیچیده مربوط به قلب غریبه نیستند، و به طور کلی کنترل زیادی روی این امورات ندارند و ممکن است منجر به رسایی گردد. بز می‌تواند به آسانی عاشق آقای گربه احساساتی بشود. اما باید از اشخاصی که به شدت پاییند اخلاقیات هستند، دوری نماید. آقای خروس علیرغم تمام چاخان‌بازی‌اش، شدیداً در مورد تمام امورات مربوط به عشق محافظه کار است، و با خانم بز بوالهوس نمی‌تواند کنار بیاید. سگ نگران و باوفا نیز اهمیت زیادی برای بز قابل نمی‌شود.

آقای گاو هم در عشق و عاشقی مانند بز است و از این بابت مشکلی نخواهد داشت. اما وقتی خود را برای یک عشق سوزان آماده می‌کند، با کمال تأسف درمی‌یابد که خانم بز نرمک او را تمام نموده و حالا در کنار دیگری قرار دارد. در مورد کنار آمدن موش و بز هم، احتمالات ضعیف است. زیرا هر دو تای آنها چشم به راه دیگری می‌شوند، و یادشان می‌رود که قول و قراری داشتند. اما وضعیت در مورد اسب هوسباز فرق می‌کند، وی هم دل می‌بازد و هم دلبری می‌کند و در عین حال برای به دست آوردن دل خانم بز رحمت زیادی نمی‌کشد. خوک‌ها عاشق سخت‌گیری نیستند، اما وقتی گرفتار عشق سوزان می‌شوند، خود را می‌بازند. و خانم بز هم بدش نمی‌آید خوک خود باخته‌ای را در کنارش داشته باشد. و شاید هم بدش بیاید. ببر خونگرم و سازگار است و خیلی زود اسیر قول و قرارهای بز می‌شود. ولی بز هم باید به وعده‌های خود وفادار بماند.

برای ایجاد رابطه عشقی بین موش و بز احتیاج به تیجه‌گیری طولانی نیست، حداقل نیازی به بررسی زیاد در مورد سازگاری بین آنها وجود ندارد. عشق موش از نظر بز بوالهوس خیلی اسرارآمیز است و تار و پود فراوانی دارد. میمون پرada نگران چنین تار و پودهایی نخواهد بود، و خانم

بز ممکن است این را مناسب‌ترین عامل بداند. ولی وقتی به دنبال وی بگردد و او را در خانه‌اش نیابد چطور؟ اژدهای آتشین در یک چشم به هم زدن بز را اغوا می‌کند و هر دو نفر آنها هم از کمیت و هم از کیفیت امر لذت می‌برند. اما کدام یک از آن دو زودتر خسته می‌شود؟ برای ایجاد رابطه عشقی باید یکی از طرفین اولین قدم را بردارد. البته اگر هر دو نفر عشق روش‌بین باشند. این امر در مورد دو تا بزرگ عاشق هم باشند، صدق نمی‌کند. و فقط کافی است یکی از آنها علاقه خود را اعلام نماید.

جدول نحوه سازگاری بز در عشق و عاشقی

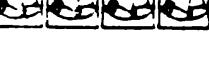
موس	<input type="checkbox"/>
گاو	<input type="checkbox"/>
بیر	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
گربه	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
اژدها	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
مار	<input checked="" type="checkbox"/>
اسپ	<input checked="" type="checkbox"/>
بز	<input checked="" type="checkbox"/>
میمون	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
مرغ	<input type="checkbox"/>
سگ	<input type="checkbox"/>
خوک	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>

بز از نظر ازدواج

وقتی خانم بز تصمیم می‌گیرد که خانه و زندگی تشکیل داده و سر و سامان بگیرد، هرچند که برای کوتاه مدت باشد، تبدیل به یک خانه آبادکن کامل می‌گردد. طبقات کمد چوب گردوب شیشه‌دار خانه پر از انواع چینی‌آلات زیبا می‌شوند، و خانه پر از انواع مواد غذایی می‌گردد. بزها غریزه خاصی برای زندگی خوب دارند، و بلاfaciale باکسی که بتواند آن را برایش فراهم نماید، ازدواج می‌کند. از این بابت اسب باهوش و صنعتگر ایده‌آل است، زیرا می‌داند که شمعدان‌های چند شاخه نقره‌ای گرجی را از کجا تهیه نماید. و از نیاز خانم بز به حمایت، اطلاع کامل دارد. لذا برای یک زندگی مشترک بادوام، خانه بز نیازی به جستجوی کس دیگری به جز اسب ندارد. گربه حساس و اجتماعی مؤدب نیز جفت ایده‌آلی برای خانم بز است. هر دو تای آنها خانه راحت را دوست دارند و بچه‌هایشان را می‌ستایند. میمون هم می‌تواند با بز ازدواج نماید، ولی هر کدام عقاید ویژه‌ای در مورد خود و چیزهای دیگر دارد. و احتمانه خواهد بود ازدواج خودشان را مثلاً به خاطر اختلاف رأی در مورد رنگ و نوع کاغذ دیواری طبقه پایین، به هم بزنند. خانم مرغ هم ممکن است فکر بکند که طرح کاغذ دیواری مهم‌ترین چیز در دنیاست، و حتی ممکن است به خاطر آن دعوا نیز بکند. به همین دلیل ازدواج بز با مرغ و تشکیل خانه و زندگی به هیچ وجه صلاح نیست. مارها خصوصاً آقایان مار جفت مناسبی برای خانم بز هستند، و اگر دارای شغلی با حقوق زیاد باشد، برای بز بهتر است و اگر شهود یهوه^(۱) باشند، به نفع هر دو نفرشان خواهد بود. زیرا دارای طبیعت رومانتیک فراوانی هستند...

۱- گروهی از مسیحیان که به حکومت خداوند و به بازگشت حضرت عیسی پس از هزار سال دیگر عقیده دارند یعنی رسم‌آ ازدواج بکنند. م

جدول نحوه سازگاری بز در ازدواج

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

اگر بز با خانم خوک ازدواج نماید، نگران چگونگی ظاهر خانه نخواهد بود. زیرا خوک خود را با امکانات موجود وفق خواهد داد، و این درست چیزی است که بز دوست دارد. یک خانم بز ممکن است به راحتی با یک گاو ازدواج نماید - به هر حال آقای گاو خیلی قوی و با عزم راسخ است. هر دو نفر آنها از کودکان و باعچه خانه خوششان می‌آید تا در روزهای داغ تابستان در کنار آن استراحت نمایند. اما گاو در موقع راه انداختن مهمانی‌ها کمی ناراحت خواهد بود. بز باید از سگ اجتناب نماید، زیرا وی خیلی بدین است و این بدینی وی باعث تشدید حس عدم امنیت بز خواهد شد. ببر هر موقع وقت گیر بیاورد، خود را به خانم دلربایش می‌رساند، اما ببرها شیفته ماجرا هستند، و خانم بز به زحمت خواهد توانست مهمانی‌ها بیش را

در داخل چادر کوچکی در وسط جنگل برقرار نماید. موش‌ها در مورد بزها مهربان بوده و اجتماع را دوست دارند. آنها به راحتی با بز ازدواج می‌کنند، و به همان راحتی هم پی کار خودشان می‌روند. این را می‌توان چنین تعبیر نمود که هر کدام از آنها خوشی‌های جنبی خود را خواهند داشت. ازدواج دو تا بز وقتی موفق از آب درمی‌آید که خانه پر از مواد و لوازم مورد نیاز باشد. هر دو نفر آنها بدون برنامه جلو می‌روند و مانند هرچه پیش آید خوش آید زندگی می‌کنند. اما داشتن اولاد زیاد (سه تا چه) هم ممکن است آنها را به هم نزدیک کند و هم دور. ازدها ایده‌های بزرگی درباره خود و دیگران دارد. اما در مورد ازدواج با خانم بز دچار خطأ هم برای خود و هم برای بز می‌شود، زیرا او تصمیم‌های مهم می‌گیرد، اما خانم بز آنها را رد می‌کند.

سال بز چه تأثیری روی شما خواهد داشت؟

[سالی برای صلح و عشق]

خوشی و سعادت برای بز! یک سال در هم ریخته برای کارکن‌ها، اما به آدم‌های طفره رو خوش می‌گذرد. موش فرصت طلب بعد از دوازده ماه واقعاً توأم با بدیختی سال قبل، از خوش‌اقبالی که به وی روی نموده است در حیرت می‌شود. زیرا سال بز برای فرصت طلب‌ها در همه جا واقعاً پر از وفور خوشی‌هاست. و تنها مشکلی که پیش رو خواهد داشت این خواهد بود که آیا در خوردن زیاده‌روی خواهد کرد؟ - موش چاق مواظب باش! به گربه هم فرصت فراوان برای زندگی دلخواه خود داده می‌شود. به هر حال سال خوبی برای گربه‌ها خواهد بود، ولی باید مراقب زیبایی خود باشند.

اسب معروف از ناراحتی سال خودش خلاص می‌شود، آیا سال وی فاجعه بوده است؟ (کیفیت سال اسب غیرقابل شناخت است) تا زمانی که وی مهارت‌های عملی خود را محدود به مثلاً آویختن نقاشی به روی دیوار و یا به استراحت کردن و نوشیدن چایی باشد، اوضاع به وفق مراد خواهد بود.

و آقای خوک هم به خاطر وجود مهمانی‌های زیاد، ناراحت نخواهد بود. و تنها ناراحتی که خواهد داشت این است که به کدام یک از دعوت‌نامه‌های پرزرق و برق چیده شده در روی بخاری جواب «نه متأسفم» بدهد. هر دعوتی که از آقای میمون به عمل بیاید، قبول می‌کند، اما اگر نیاید چطور؟ به هر حال اوضاع خوب پیش می‌رود تا این که درمی‌یابد باید خودش هم مهمانی به پا دارد.

موس	
گاو	<input type="checkbox"/>
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	<input type="checkbox"/>
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	<input type="checkbox"/>
خوک	

دو نوع خروس وجود دارد، یکی ولخرج است و دیگری تا دینار آخر را پس انداز می‌کند. حالا هر کدام از این‌ها که باشد، سراسر سال بزر را باید پول خرج نماید و مهمانی بدهد. البته هیچ کدام از این دو نوع این کار را با رضایت خاطر انجام نخواهند داد. برع غیرقابل پیش‌بینی هر چیزی که در چند ماه اول سال بزر پیش بیاید، دوست خواهد داشت، اما به محض این که

تشخیص بدهد همه‌اش فقط شادی و بازی است، ناراحت و ناآرام خواهد شد. مار تیزهوش از دست‌آوردهای سیل‌آسای هنری لذت خواهد برد، اما ماجراهی عاشقانه را شادی‌بخش نخواهد یافت. در واقع خانم مار از آن متنفر نیز خواهد شد. اما دجال‌های عشقی باعث نگرانی گاو سختکوش و وظیفه‌شناس نخواهد شد. و حتی اگر با صلح و آشتی هم توأم باشد فرقی به حال وی نخواهد داشت، زیرا اصلاً مشتاق عشق نمی‌باشد. مهمانی‌های پرزرق و برق باب سلیقه گاو و سگ باوفا نمی‌باشد. لذا در چنان موقعی خودشان را به گوشه‌ای می‌کشانند و تحمل می‌کنند تا مهمانان به خانه‌های خودشان برگردند.

سال بز معمولاً برای آقای اژدها سال بدی نیست، ولی اگر چنین باشد خیلی بدخلقی می‌کند. این آقای جشن و کارناوال‌ها می‌درخشد، افسونگری می‌کند، تهییج می‌کند اما هیچ کس کوچکترین توجهی به وی نمی‌کند. خوب شاید فقط یکی.

بزهای مشهور در عرصه‌های

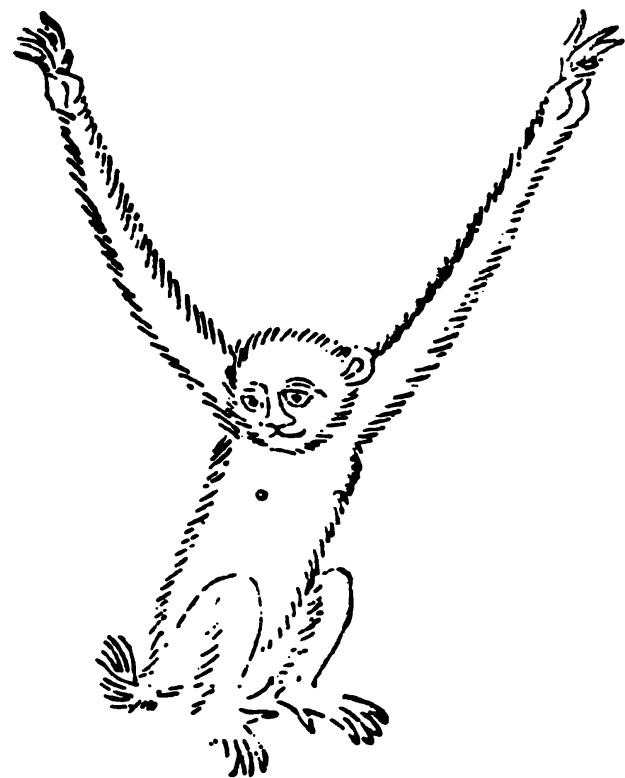
فرنز کافکا	هنر:
باستر کیتان	دبليو اج آدن
پن کینگزلی	پگی اشکرافت
فرنز لیسزت	جیل ینت
پراست	جان لوکار
مندلسوهن	لسلى کارون
آیریس مورداک	انریکو کاروسو
دافن دو مائوراير	مارگات فاتین
لرد اولیواير	رابرت گریوز

سلطین:	لسلی تامس
محمد رضا پهلوی (شاه ایران)	سیورت
جرج پنجم	ترنر
ریچارد دوم	ورژش:
هنر پیشه‌ها و مشاغل دیگر:	آرتور آش
دایانا درس	بوریس بکر
شری بگ وان رجنیش	آین بوتم
بازی بركلی	بابی فیشر
سیلا بلک	پل گاسکوین
لری هگمن	سرادماند هیلاری
فرنک موئیر	بیلی جین کینگ
ند شرین	اولگا گربات
رُذلف والتینو	ویکتور گرچنوی
جان وین	استیو اوٽ
لرد ویدنفیلد	صنعت و سیاست:
موسیقی پاپ:	تیرنس کانرن
جک برومن	میخائیل گوریاچف
جان دنور	جان میجر
لامی دانگن	روپرت مورداک
جرج هریسن	موسولینی
میک جَگر	سسیل پارکینسن
بیلی جی کریمر	ادی شاه
کیث ریچاردز	نرمن تبیت
اسکات واکر	لخ والسا
پل یانگ	

میمون

THE MONKEY

1908	{ از ۲ فوریه ۱۹۰۸ تا ۲۱ ژانویه ۱۹۰۹ از ۱۳ بهمن ۱۲۸۷ تا ۱ بهمن ۱۲۸۶ }	1909
1920	{ از ۲۰ فوریه ۱۹۲۰ تا ۷ فوریه ۱۹۲۱ از ۱ اسفند ۱۲۹۸ تا ۱۸ بهمن ۱۲۹۹ }	1921
1932	{ از ۶ فوریه ۱۹۳۲ تا ۲۵ ژانویه ۱۹۳۳ از ۱۷ بهمن ۱۳۱۰ تا ۵ بهمن ۱۳۱۱ }	1933
1944	{ از ۲۵ ژانویه ۱۹۴۴ تا ۱۲ فوریه ۱۹۴۵ از ۵ بهمن ۱۳۲۲ تا ۲۳ بهمن ۱۳۲۳ }	1945
1956	{ از ۱۲ فوریه ۱۹۵۶ تا ۳۰ فوریه ۱۹۵۷ از ۲۳ بهمن ۱۳۳۴ تا ۱۰ بهمن ۱۳۳۵ }	1957
1968	{ از ۳۰ ژانویه ۱۹۶۸ تا ۱۶ فوریه ۱۹۶۹ از ۱۰ بهمن ۱۳۴۶ تا ۲۷ بهمن ۱۳۴۷ }	1969
1980	{ از ۱۶ فوریه ۱۹۸۰ تا ۴ فوریه ۱۹۸۱ از ۲۷ بهمن ۱۳۵۸ تا ۱۵ بهمن ۱۳۵۹ }	1981
1992	{ از ۴ فوریه ۱۹۹۲ تا ۲۲ ژانویه ۱۹۹۳ از ۱۵ بهمن ۱۳۷۰ تا ۲ بهمن ۱۳۷۱ }	1993



بعضی میمون‌ها ادا و اصول عجیب و غریبی درمی‌آورند،

اداهای انسان‌ها را تقلید می‌کنند،

جاها و فضاهای خالی را پر می‌کنند،

و آن، دو تا نسل باستانی را به هم پیوند می‌دهد.

لیان آندروروود

سال میمون



اگر شما خودتان را مانند یک گل پژمرده می‌دانید، سال پرجنب و جوش میمون به طور مسلم مناسب حال شما نخواهد بود. هر کسی زود بجنبد بار خودش را می‌بندد. اگر قانونی حاکم باشد، می‌ترسم قانون هرج و مرج و آنارشیسم باشد. در این سال، تحت تأثیر میمون موذی و بدجنس هر اتفاقی ممکن است رخ بدهد، و تقریباً به طور حتم رخ می‌دهد. هر روز صبح که تیتر روزنامه‌ها را مطالعه بکنید، مطالب باور نکردنی روزافزونی را خواهید دید. در سال ۱۹۲۰، وقتی آمریکایی‌ها صبح بیدار شدند، دریافتند که قانون تحریم اقتصادی برقرار شده است. یا در سال ۱۹۶۸ مردم سست و بی‌حال پاریس وقتی چشمان خواب آلود خودشان را باز نمودند، متوجه شدند که خیابان‌های شهر پر از دانشجویان معترض است. تظاهراتی به آن شدت، از قرن گذشته تا آن زمان سابقه نداشت. حالت حاد را در همه جا و همه زمینه‌ها مشاهده خواهید کرد. به هر حال میمون از دلخوشی‌ها لذت می‌برد، و سال میمون برخلاف ظاهرش شاهد کشفیات بزرگی خواهد بود و گام‌های بلندی در زمینه‌های علوم و صنایع برداشته خواهد شد. این سال زمان ایده‌های نو، روش‌های نو و دنیای نو است. اولین نیروگاه هسته‌ای بریتانیا در سال ۱۹۵۶ به کار افتاد، و مجلس عوام انگلستان لایحه ابقاء حکم اعدام را رد نمود.

سال میمون زمان عاطل و باطل نشستن نیست، سرکار در آزمودن شانس خود است، در ریسک کردن است و معامله است. در سال ۱۹۶۸ تقاضا برای خرید طلا به طور بیسابقه‌ای بالا رفت و منجر به بسته شدن بازار صرافان گردید و در سال ۱۹۸۰ لرد تامسن روزنامه‌های تایمز و ساندی تایمز را در معرض فروش گذاشت.

در این سال بحران‌های سیاسی به نحوی میخوابد. تظاهرات مجارستان در سال ۱۹۵۶ توسط نظامیان شوروی سابق در هم شکسته شد. و در آخرهای همان سال پاکستان خود را جمهوری اسلامی اعلام نمود. هر چیزی که در سال میمون روی بدهد، کوچک یا کم اهمیت نخواهد بود. سناتور رابرت کندی و مارتین لوتر کینگ در سال ۱۹۶۸ ترور شدند و جان لنن هم در سال ۱۹۸۰ در جلو آپارتمانش در شهر نیویورک به رگبار بسته شد.

رمز مصونیتی که باید در سال میمون فراگرفت، شنا نکردن در مسیر خلاف سیل است. این سال زمان مناسبی برای اصول‌گرها یا آنها یی که خود را درگیر مسایل میکنند نیست. در سال ۱۹۶۸ پاپ اعلامیه رسمی در مخالفت با سقط جنین را انتشار داد که با اعتراض عمده مواجه شد. مسیحیان پیرو پروتستان در این سال نباید زیاد به هم‌سلک‌های خود موعظه کنند، ولی با مأمورین مالیات زیاد بحث بکنند. در سال میمون دنیای تفریح و سرگرمی‌ها شکوفا می‌شود و ستاره‌های جدیدی در عرصه‌های ورزش، موسیقی و سینما شروع به درخشیدن می‌کنند. اولین ایستگاه فرستنده رادیویی توسط شرکت مارکونی در سال ۱۹۲۰ آغاز به کار کرد. همچنین یکی از مشهورترین هنرمندان عالم موسیقی، الیس پرسلی اولین صفحه مشهور و پرفروش خود به نام «هتل قلب‌های شکسته» را در سال ۱۹۵۶ وارد بازار نمود که میلیون‌ها عدد از آلبوم آن به فروش رفت.

سال میمون با شادی و سود بردن متوالی شروع می‌شود و به پایان

می‌رسد. اما اگر اوضاع بر وفق مراد نچرخد، خودتان را معطل و افسرده نکنید. چون میمون دوست دارد مرتباً از این شاخه به آن شاخه تاب بخورد، لذا انتظار نداشته باشید که ماجراهای عشقی تا پایان عمر دوام بیاورند. آنهایی که در بازی قمار خوش‌شانس‌اند، گفته می‌شود که اغلب در عشق ناموفق هستند. در این سال قماربازی با ورق خیلی رایج می‌شود. اما در عشق چه عرض کنم!

شخصیت میمون

طاس‌های تخته نرد را بیاندازید و جفت شش بیاورید
و بعد میمون عاقل و زیرک را وارد بکنید

این یک واقعیت اجتناب‌ناپذیری است که از میان همه حیوانات، میمون شباهت بیشتری به انسان دارد. خواه طرفدار نظریه داروین باشید و یا پیرو ادعای کلیسا، وقتی با یک میمون رو در رو می‌ایستید، از نظر بعضی شباهت‌ها انگار به خودتان می‌نگرید. وقتی آن عده را که در سال میمون متولد شده‌اند، تحت نظر می‌گیریم به این حقیقت عاقلانه پی می‌بریم. میمون‌ها هم دارای خصوصیات عالی هستند و هم متأسفانه بسیار بد.

در مورد کارهای اعتباری، میمون خیلی عالی عمل می‌کند. وی احترام فراوانی به علوم قائل می‌شود و قدرت خارق‌العاده‌ای در حل و فصل مسایل غامض از خود بروز می‌دهد و این کار را بدون این که زحمت زیادی بکشد انجام می‌دهد. وی به خوبی به میزان ارزش‌های موجود در دنیا واقف است

و می‌داند که با ثروت و قدرت می‌توان به آنها دست یافت. البته میمون از آنها بی نیست که برای کسب آنها شمشیر به دست گیرد، بلکه در عوض وی از عقل، زیبایی و بصیرت خود بهره می‌گیرد. یعنی انگار که به وی وقت مناسب برای اقدام را اعلام می‌کنند. وی با بهره‌گیری از افسونگری فراوانش، منابع بیکرانش و خودبینی بیش از اندازه‌اش که البته همه ما بدون استثناء ندیده می‌گیریم، در هر زمینه‌ای که انتخاب بکند، تا به انتهای جلو می‌رود. اگر وی پایه محکمی برای بنای کارهای فوق العاده‌اش داشته باشد، آن را مديون دو عامل هوش و عقل خود خواهد بود.

میمون همچنین دارای نعمت خدادادی جالب در ریاضیات، اقتصاد، علوم، حساب، هندسه و موسیقی است که هر کدام از دیگری کاملاً مجزاست. ضمناً دارای لطافت خاصی است که نه تن و تیز است و نه زشت و ناراحت‌کننده. اما دارای تأثیر دو چندان است. و در بهترین حالت شبیه به گفتار نفر حکماء مشرق زمین است. و به راحتی می‌توانید او را تجسم نمایید که به صورت پیرمرد حکیمی در زیر سایه درخت چناری نشسته و به مریدان اطراف خود چنین می‌گوید: «آن کسی که صبح جنگلی را بکارد باید توقع داشتن الوار در عصر آن روز را داشته باشد.^(۱)» یا «آنها بی کفش به پا ندارند، باید به آنها بی که اصلاً پا ندارند بیاندیشند.» با یادآوری این ضرب المثل‌های قدیمی، به یاد خود بودا می‌افتیم که یک میمون بود.

به هر حال وقتی مشاهده می‌کنیم که میمون‌ها دارای خصوصیات عالی انسانی هستند، پس درباره آن عده که مورد تنفر ما هستند چه داریم بگوییم؟ لذا وقتی موضوع را دقیق‌تر بررسی نماییم پیدا کردن میمون وابسته به خصوصیات عالی اخلاقی مانند پیدا کردن یک سوزن در انبار کاه است.

۱- مترادف: «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی» یا «عجله کار شیطان است.» ما ایرانیان است. م

و جوابی که داریم بگوییم، این است که این خاصیت در ذات او وجود دارد. در موقع توصیف خصوصیات میمون‌ها می‌گوییم: حیله‌گر، خجول، موذی و پرادا و اطوار. فعالیت شدید در تجارت او را به سر منزل مقصود می‌رساند. نیرنگ‌بازی تنها وسیله یک میمون است، و آن را مانند آچار فرانسه مکانیک‌ها به کار می‌برد.

به هر حال باید بگوییم که میمون دارای چنان رویاهصفتی و خودبزرگ‌بینی است که نمی‌تواند فرق بین خوب با بد را تشخیص بدهد. در نتیجه در خیلی از مواقع عقیده خواهد داشت که هر کاری که انجام می‌دهد، صحیح است. در پایان باید اضافه کنیم که میمون تحت علامت توهمند و نقشه خیالی تولد یافته است.

میمون که ذاتاً متکبر و گستاخ است، کوچکترین ارزشی به عقاید دیگران قایل نشده و اغلب با دوز و کلک خودش را از زیر مسئولیت یا اتهام کنار می‌کشد. و آنها بی که وی را نمی‌شناسند، ممکن است خیلی زود او را آدم درست و حسابی تلقی بکنند. و فقط آنها بی که در کنار وی زندگی می‌کنند می‌دانند چه موقع مج او را بگیرند. ضمناً میمون‌ها خیلی حریص و طمع‌کار هستند و حتی حاضر می‌شوند در راه حرص و آز، جان خود را فدا نمایند. بنابراین در موقع سر و کار داشتن با یک میمون، سعی نکید به طور مستقیم و رو در رو با وی مجادله نمایید. زیرا وی زیرک‌ترین زبان‌باز دنیاست. مجادله لفظی با او شما را به جایی نمی‌رساند. لذا باید از راه خودش که حیله است وارد شوید، یعنی حسابی به خوردن بدھید تا چاق شود سپس با وی بجنگید.

میمون با دارا بودن تیزهوشی توأم با فرصت‌طلبی و عقل معاش می‌تواند به خیلی از خواسته‌هایش برسد. با این حساب ممکن است ثروت خود را روی هم انباشته نماید. میمون‌ها بندرت در چیزی متخصص می‌شوند زیرا دائماً استعدادهای خود را به جوانب مختلف سوق می‌دهند. این‌ها ممکن

است در اواخر عمر به پول و ثروت برسند، مانند نقاش معروف آمریکایی به نام گرندما موسی و یاکمتر از بیست سالگی مانند بجورن بورگ.

میمون‌ها معمولاً از حافظه قوی برخوردار می‌شوند که در راه اهداف آنها کامل‌به دردشان می‌خورد. از این بابت فقط مارها، گاوها، سگ‌ها و خوک‌ها رقیب میمون محسوب می‌شوند، بقیه حیوانات تا حدودی عقب‌تر هستند. این قدرت حافظه شاید تصادفی نباشد، زیرا میمون‌ها علیرغم زیرکی و حیله‌گری فراوان که دارند، در باطن احساس عدم امنیت می‌کنند. محبت و توجه به آنها باید علنی و آشکار باشد. اگر بخواهد بر شما مسلط شود، از اطلاعات خود در مورد خصوصیات اخلاقی تان و تکه‌هایی از زندگانی تان به نحو احسن سوء استفاده می‌نماید. و بر عکس اگر شما را دوست بدارد، باید از نظر او خیلی جذاب بوده باشید که وی این همه زحمت فکر کردن و به خاطر آوردن آن اطلاعات در مورد شما را به خود تحمیل بکند. در چنین موقعی انبانی از دوز و کلک دارد که به کار ببرد. ضمناً باید یادآور شویم که قدرت حافظه میمون در اهمیت دوم قرار دارد، زیرا اکثر آنها آدم‌های خوش‌شرب، بذله‌گو و خندان هستند و با هر کسی که ملاقات بکنند خوش‌برخورد می‌شوند. البته همه این خصوصیات ناشی از احساس عدم امنیت درونی است و ناخودآگاه هر کسی را که می‌بیند به عنوان ملجه و حامی خود می‌نگرد. و از سوی دیگر از مورد ترحم و یا تمسخر قرار گرفتن فوق العاده ناراحت می‌شوند.

حافظه خارق‌العاده اساس زباندان شدن است. پاپ جان پل دوم یک میمون است و تا آنجاکه اطلاع دارم وی به شش زبان مختلف کم و بیش به طور کامل صحبت می‌کند. یا فرد هاووسگو که یک راننده تاکسی می‌باشد و برنده جایزه مَسْتَرْ‌مَايند گردید و همین طور آقای حافظه یعنی لسلی ولش میمون می‌باشند.

یکی از دوستان خود من به نام بارنی بیتس که یک پیانونواز است، به

دلیل همکاری با موسیقیدان‌ها و نوازنده‌گان برجسته، شاهکارهای آنها را که تعدادشان بیشمار است، در حافظه خود ضبط کرده است. وی نیز یک میمون است. یک شب شاهد بودم که وقتی در حال نواختن پیانو به صورت سولو^(۱) بود، انگشتان وی بدون خطأ و بدون استفاده از نت موسیقی، بی‌وقفه روی ۱۲۰ عدد کلید آن در حال حرکت و نواختن بودند.

میمون‌ها علاوه بر داشتن حافظه قوی، اشتهای سیری‌ناپذیری به کسب دانش دارند. و هرگونه نوشته‌ای اعم از یک نامه معمولی یا آخرین رمان برنده جایزه پولیتزر که به دستش برسد، بدون هیچ گونه اظهار نظری آن را می‌خوانند. دانش‌اندوزی و کسب اطلاعات در همه زمینه‌ها صرفاً جهت حفظ در حافظه و استفاده به موقع از آنهاست. امورات مربوط به اخلاقیات جایی در حافظه وی ندارد. به هر حال اشتهای وی به تجربیات تازه، میمون را وامی دارد تا هر چیزی را یک بار بیازماید. مثلاً در سر میز غذا، انگشت خود را وارد غذایی دیگران می‌کند، و اگر غذایی باشد که برایش تازگی دارد، بالا فاصله فرمول ساخت آن را جویا می‌شود. ضمناً از نظر ناموسی نیز قابل اعتماد نمی‌باشند و نباید آنها را به خانه خود راه بدهید. زیرا اگر مرد باشد به خانم خانه چشم خواهد دوخت و اگر زن باشد، به آقای خانه.

در تجارت، هنر و علوم، حافظه خارق‌العاده میمون به اضافه اشتهای سیری‌ناپذیر وی به کسب چیزهای نو، از وی یک رقیب بی‌همتا می‌سازد. اما علیرغم داشتن این استعدادها یک میمون هرگز یک بانی اساسی نمی‌باشد، و هر هنر یا علمی را که برای نشان دادن و فخرفروشی کردن داشته باشد، از من و شما فراگرفته است. البته استثنایی هم وجود دارند. برای مثال اولین هنرمند نقاش که بوم خود را با مربع‌های رنگی پوشاند، یعنی پاپیت ماندرین، یک میمون بود. همین طور بزرگترین پایه‌گذار جاز در

سکسافن، آقای چارلی پارکر یک میمون بود. وی در دهه چهل انقلابی در جاز به وجود آورد که الهام بخش هزاران نوازنده شد. با وجود این‌ها وی همیشه ادعا می‌کرد که این هنر فراموش شده را از یک هنرمند قدیمی در ایام کودکی در شهر محل تولد خود، کانزاس سیتی فراگرفته بود. به هر حال عادت میمون‌ها این است که چیزی از اینجا یا آنجا فراگرفته و بعداً بهترین آنها را به نام خودشان به رخ مردم بکشند و یا بفروشنند. یادم می‌آید روزی یک فکر بکر در مورد به راه انداختن نوعی پارتی خنده‌دار با غذاهای عجیب و غریب را به خواهرخانم که میمون است تعریف نمودم و مدتی بعد همان مطالب را از خاله خانم شنیدم که به گفته وی فکر بکری از خواهرزاده‌اش (خواهرخانم) بود. بدون حاشیه رفتن باید گفته شود که معلومات میمون هر چند سطحی هستند، ولی طیف گسترده‌ای را دربر می‌گیرند. داستان‌های وی از هر منبعی که باشند، توجه ما را جلب می‌کنند. هیچ کسی به شیرینی و جذابیت میمون، ماجراجویی را تعریف نمی‌کند. و باید تأکید نمود که میمون دارای حس نوعدوسنی قوی است و این عامل او را از پلیدی‌هایش منزه می‌کند. به هر حال زندگی عجولانه و توأم با عصبانیت میمون خالی از سرزدن و جویای احوال شدن از کسانی که دوست دارد، نخواهد بود.

وقتی میمونی تصمیم به اجرای بعضی کارها بکند، آن را بلاfacile شروع می‌کند. و اگر در اجرای کاری معطل بشود، بلاfacile به سراغ کار دوم می‌رود. و همیشه مطمئن است که کارهایی از این قبیل برای انجام دادن دارد. دوست میمونی دارم که می‌خواست به ایالات متحده آمریکا سفر نماید، ولی چون مجبور به معطل شدن جهت اخذ ویزاگردید، به جای آنجا به اسرائیل رفت. وقتی میمونی در تنگنا قرار بگیرد، شکست خود را می‌پذیرد. و پهلوان پنجه بودنش آشکار می‌شود. ولی این کار را برای آن انجام می‌دهد که فرصت لازم برای جمع و جور نمودن توانش و حمله

مجدد داشته باشد.

به هر حال از آنجایی که میمون تجربه نمودن هر چیز را دوست دارد، اگر فرصت و امکانات در اختیارش قرار بگیرد، مسافرت کردن را ترجیح می‌دهد. زیرا از این طریق ماجراهای تازه‌ای در پیش رو خواهد داشت. این موضوع بیشتر در مورد میمون‌های جوان صادق است که در کنار جاده ایستاده و مسیر حرکت خود را با انگشت شست دست و لبخند به راننده‌های عبوری اعلام می‌کنند. زیرا از نظر آنها هر کجا پیش آید خوش آید است، آن هم به صورت رایگان. یک دوست قدیمی میمون به نام ری دیویس دارم که از دهه ۱۹۶۰ که موسیقی پاپ عالمگیر شد تاکنون از این طریق چندین بار دور دنیا را گشته است.

اگر بر سر میمونی کلاه برود، آن هم ناشی از حیله‌گری او خواهد بود. به هر حال میمون‌ها با تمام هنرمندی و تیزهوش بودن‌شان، در صورت عاشق شدن، آن خوشی را که لازم است کسب نمی‌کنند. قلب برای خیلی‌ها ماجراهای شیرینی را به وجود می‌آورد، اما نه برای میمون، زیرا وی عشق را نیز مانند بازی‌های دیگرش به حساب می‌آورد که باید تمام برگ‌های برنده در دست وی باشد. اما عشق مانند بازی پوکر نیست. به هر حال عشق چه بلندمدت یا کوتاه‌مدت باشد، برنده یا بازنده نخواهد داشت و تنها چیزی که برای یک عشق شیرین لازم است، درک متقابل و علایق مشترک و حسن تفahم است. و این‌ها چیزی است که میمون یا اصلاً ندارد و یا خیلی کم دارد. و اگر خانم یا آقای میمون بخواهد دست از حیله‌گری و موذی‌گری برداشته و سر و سامان بگیرد، باز هم گاهی فیلش یاد هندوستان نموده و خواهان ماجراهای تازه برای تجربه نمودن خواهد بود. هیچ کس نمی‌تواند او را اغنا نماید، زیرا وی واقعاً خواهان اغنا شدن نیست. تمایل خانم میمون به دری بودن گاهی ممکن است او را به کوچه و خیابان و روسوایی بکشاند.

آقای میمون به دلیل امکانات و قدرت فراگیری اش قادر به خیلی کارهای نیک است، و ممکن است در موفقیت‌های شما شاد و در شکست‌هایتان دلسوزی نماید. و هر موقع به دیدن کسی برود دست خالی نمی‌رود. هرچند یک کادوی ارزان قیمت باشد. برای مثال اگر یک کارت پستالی از یک گوشه دیگر دنیا به دست تان برسد که در آن آرزو شده کاش شما هم در آنجا بودید، حتم بدانید که یک دوست میمون آن را فرستاده است. از این بابت میمون خیلی دوست دارد شخص مورد علاقه را شاد نماید و خیلی رعایت حال او می‌کند.

خانم‌های میمون اغلب دارای پوست لطیف و حساسی هستند، صورت آنها خیلی زود قرمز می‌شود و از ناراحتی پوستی گله‌مند می‌شوند. لباس پوشیدن‌شان تقریباً برای جلب توجه و تحت تأثیر گذاشتن روی دیگران است، و وقت زیادی را صرف آرایش موهای زیبایشان می‌کنند (دوست دارند باور بکنید که موهایشان به طور طبیعی زیباست) لباس‌شان هرچند برای منکوب نمودن شماست، ولی از روی سلیقه انتخاب می‌شود. برای مثال دوشس ویندسور که یک میمون است، به مدت پانزده سال شیک‌پوش‌ترین و خوش‌پوش‌ترین بانوی جهان باقی ماند.

آقای میمون معمولاً تمیز است و لباس‌های جمع و جور به تن می‌کند. و در کارهایش مرتب است و هر چیز را در جای خود نگهداری می‌کند. اما اگر دو تا میمون با هم باشند، خانه آنها تبدیل به خوکدانی می‌شود. اما علیرغم وضع خانه‌شان ازدواج دو تا میمون عالی خواهد بود.

آقای میمون هر حرفه‌ای را که اول بار به عنوان شغل انتخاب نماید، در آن به موفقیت و شهرت نمی‌رسد. قهرمان بیلیارد جهان، آقای ری ریردان قبل از این که به این مقام و شهرت برسد، به شغل‌های معدن‌کاوی و پلیسی روی آورده بود. و نقاش مشهور آقای پل گاگوئین قبل ایک کارمند بانک بود و بعد وسائل نقاشی اش برداشت و راهی دریاهای جنوب شد. میمون‌ها،

شوهر یا زن خودشان را مانند عوض کردن کارهایشان به آسانی انجام می‌دهند. اتل مرمن چهار بار ازدواج نموده است و رکس هریسن با شش زن مختلف ازدواج نمود. اما اگر قرار باشد میمونی به کارش بچسبد، وی کاری را انتخاب می‌کند که بتواند از حافظه قوی خود در سازمان دادن کارش حداقل بیش را بگیرد. خانم‌های میمون منشی‌های عالی از آب در می‌آیند. و اغلب بیش از رئیس‌شان در بهبود کارها مؤثر واقع می‌شوند. و در داخل سازمان‌شان یک استقلال کاری به وجود می‌آورند. در این حالت آنها بیشترین کنترل را با کمترین مسئولیت به وجود می‌آورند. در این صورت رئیس مسئولیت کارهای بد و خوب را به عهده می‌گیرد. اما این موضوع باعث ناراحتی میمون نخواهد شد زیرا می‌داند که قدرت واقعی در پشت اریکه قرار دارد. میمون به عنوان یک حاکم مقتدر و بی‌گذشت همتا ندارد. به قول مثل معروف: میمون نرمک به چنگ می‌آورد، بعد نرمک نرمک چنگال‌هایش را سفت می‌کند.

مراحل سه‌گانه زندگی میمون به طور عمدۀ با دوران کودکی ناآرام شروع می‌شود و در دوران جوانی دارای مخلوطی از هنر و حس قدرت‌طلبی دائمی می‌شود که وی را به قدرت کاذب سوق می‌دهد. اما تماس تنگذر وی با قدرت باعث خشونت و سخت جان شدن وی در مرحله میانی زندگی شده و او را در موقعیت دریافت‌کننده ضربات شدید قرار می‌دهد. شکی وجود ندارد که وی اسم خود را به سر زبان‌ها می‌اندازد، اما زندگی خانوادگی وی آن ثبات لازم را که باید داشته باشد نخواهد داشت. و خیلی‌ها دوز و کلک او را به خودش برمی‌گردانند. سنین پیری با میمون مهربان نخواهد بود، اما تشنگی وی به اطلاعات و دانش جدید برای تجربه‌اندوزی او را ترک نخواهد کرد. فکر می‌کنم تمام پیرمردانی که مدارک تحصیلی دانشگاهی را حتی در اوآخر عمرشان کسب نموده و عکس یادگاری گرفته‌اند، به احتمال قوی میمون هستند. و بالاخره چیزی‌ها عقیده دارند که تمام میمون‌ها به دور

از خانه گرفتار مرگ ناگهانی می‌شوند. این اخطاری است برای کلیه میمون‌ها!



میمون به عنوان والد

آقای میمون معمولاً والد خوبی می‌شود و مهم‌تر از همه این که بچه‌های وی مانند خودش دارای مغز فعال و کنجدکاوی می‌شوند. بدین طریق بچه‌ای که در خانه یک میمون پرورش می‌یابد، هیچ وقت با کمبود ارشاد و راهنمایی مواجه نمی‌شود. و همه گونه تشویق و ترغیب برای فراگیری هرچه که مورد نظر اوست، به عمل می‌آید. و از سوی دیگر با کمبود محبت که از خود قلب سرچشمه می‌گیرد مواجه نخواهد شد. حتی اگر والدین میمون از هم‌دیگر جدا شده باشند، باز هم خواست و امورات مربوط به بچه در مرحله نخست اهمیت قرار دارد. بچه گربه خصوصاً اگر پسر باشد هرچه که از مادر میمون خود بخواهد برایش تهیه خواهد شد. و هر فرصتی را که دو دستی به وی تعارف بکنند، خواهد قاید. بچه خوک نیز تحت سرپرستی و محبت میمون شکوفا می‌شود. ضمناً بچه گربه هرگز در خانه میمون ناراحت نخواهد شد. و خصوصاً اگر دختر باشد، ترس بار خواهد آمد. و پدر میمونش از پیشرفت وی در عرصه هنر مفترخ خواهد شد. وی از استعدادهای دختر بز خود نیز مشعوف خواهد شد. اما به خاطر سوار نمودن دوز و کلک که از همان دوز و کلک‌های خودش است، ناراحت و دلخور نخواهد شد.

دختر اسب احترام چندانی به مادر میمونش که تمام وقت‌ش را در جلو آینه می‌گذراند، قایل نمی‌شود، زیرا خودش علاقه چندانی به این کار ندارد. اما حداقل در مورد لباس سلیقه مشابه خواهد داشت. احساس پوچی نمودن، گریبان بچه‌گاو را در خانه میمون نمی‌گیرد. ولی خیلی شیفته رفتار

جدول نحوه سازگاری میمون با بچه هایش

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

دون پدر میمونش نمی شود. و از این که به وعده های داده شده عمل نمی شود، سر در گم می گردد. اما به هر حال بچه گاو به خاطر ناشناخته و تودار بودنش دوست داشته خواهد شد. میمونها معمولاً از بچه با مغز فعال خوششان می آید، اما مرغ جوان توقع رفتار سطح بالا از والدین خود خواهد داشت. و میمون والد هر کاری بکند و یا هرچه بگوید، تأثیری در ملایم کردن رفتار دخترش نخواهد داشت. لطیفه پرانی به جا مفید است، ولی پدر میمون نباید به عقاید سر بالای دختر مرغ خود به صراحة بخندد. اما خندهای برای رفتار بچه بیر در کار نخواهد بود. زیرا قدرت و شجاعت وی تمام اطرافیان را مجدوب خواهد نمود. ضمناً این دختر بیر باید یاد بگیرد که وقتی مادرش مشغول صحبت با تلفن است، وسط حرف وی نپردازد. پدر

میمون ممکن است پسر مارش را کمی گرفته و به خود فرو رفته بیابد، اما این خصیصه را در دختر مارش ندیده خواهد گرفت، زیرا به نظر وی این دختر خیلی دوست داشتنی و خیلی افسونگر است طوری که حتی خود میمون تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بچه ازدهایی وجود ندارد که در خانه میمون پرورش یابد و هیچ کدام از حرف‌های وی با تحسین رویرو نشود. والدین میمون او هاج و واج به گفته‌های او گوش فرانده‌ند. اما این گونه رفتار برای این بچه ازدها نامناسب نیست؟ و او را لوس و از خود راضی باز نمی‌آورد؟

متأسفانه در مورد بچه سگ وضع فرق می‌کند، و هر کاری بکند با انتقاد والدین میمون خود مواجه می‌شود. آن هم معمولاً بیش از اندازه. وی در گفته‌های پدر میمونش چیز بالارزشی که به درد دنیا بخورد پیدا نمی‌کند. وی از پدرش توقع ارزش‌های معنوی را دارد، نه جفت شش برای برنده شدن در بازی. بر عکس او، بچه میمون هیچ چیز از والدین میمون خود نمی‌خواهد، پس تعجبی ندارد که چرا میمون‌ها این قدر پر از دوز و کلک هستند.

میمون از نظر شغل و پیشه

شکی وجود ندارد که میمون‌ها قدرت پول درآوردن را دارند، و در این راه حداکثر تلاش خود را به عمل می‌آورند. میمون خیلی دوست دارد که حساب بانکی اش ثابت باشد. میمون به تنها یی بهتر کار می‌کند، ولی با ازدهای نافذ و منور الفکر شریک می‌شود. هر دو تای این‌ها از فرصت‌های عالی بهره می‌جویند و در رسیدن به قله افتخار و ثروت به هم یاری می‌رسانند. اگر میمون خانم باشد، بهترین منشی خصوصی برای رئیسیشن ازدها خواهد بود. و هر چقدر پست و مقام آقای رئیس بالاتر باشد به همان

اندازه به نفع آن دو خواهد بود. خوک هم از شهرت خوشش می‌آید و مناسب‌ترین شریک برای میمون تاجر است. این آقای خوک تا دیر وقت‌های شب با شادمانی کار می‌کند و میمون هم از مشتری‌های دست دل باز خوشش می‌آید. اگر شغل شراکتی ازدها با میمون آژانس تبلیغاتی باشد بهتر است و خوک با میمون آژانس تاکسی تلفنی کوچک و محدود دایر کنند مناسب است. از میان سایر حیوانات باقی مانده فقط بز و موش شانس موفقیت در همکاری با میمون برتر را دارند، زیرا وی هر موقع که بخواهد می‌تواند خیلی زرنگ و جاهطلب باشد. بز خیلی زود به راز موفقیت میمون در سرمایه‌گذاری و تجارت (افسونگری و توجه به جزئیات) پی می‌برد، و ممکن است آنقدر یاد بگیرد که شراکتش را ببریده و به تنها بی کار بکند. اگر خانم بز این کار را بکند، دوز و کلک فراگرفته از میمون را با خود برده و دستمایه خود قرار می‌دهد. موش شامه قوی در معاملات دارد، و قبل از این که اکثر ماهها از خواب بیدار شویم، وی معامله‌اش را انجام داده است. اما موش خواهان تعهد مالی عمیق‌تری است که میمون قادر به آن نمی‌باشد، و شما نمی‌توانید زمانی که مخالفت به خشونت می‌گراید، با یک دست مشت کرده معامله‌ای انجام بدھید.

وقتی دو تا میمون کاری را اداره نمایند، و هر کدام از آنها نداند که چه چیزی را در چه موقع سرمایه‌گذاری نمایند، پیش‌بینی آینده شراکت آنها مشکل است. شاید بهتر باشد آنها چشم از تجارت پوشیده و شروع به نوشتمن مقاله‌های فکاهی نمایند. ایده‌های مشعشع ببر میمون را به فراست می‌اندازد و او هم به اندازه کافی عقل دارد که روی آنها سرمایه‌گذاری نماید. از سوی دیگر ببر یک واقعیت‌گرا می‌باشد و ممکن است از خصوصیات اخلاقی میمون رنجیده خاطر گردد. سگ شرافتمند از حقه‌بازی‌های میمون به تنگ می‌آید و ممکن است آقای میمون یک روز صبح وقتی که می‌خواهد در مغازه یا دفتر تجاری‌اش را بگشاید، مأمورین مالیات را منتظر خود

بیابد. سگ میانه خوبی با معاملات مشکوک ندارد و مرغ دست بالا نیز مانند اوست. وقتی خانم مرغ بگوید که چک برگشت خورده است، واقعیت را می‌گوید، گرای حساس نیز باید از شراکت با میمون پرهیز نماید. نیروی آفای گربه در اقدام اصولی - هرچند آهسته ولی مطمئن، است. اما شریکش در ساعات غیرمعمول کار می‌کند، در اینجا نیز بر سر سرمايه گذاری درگیری به وجود خواهد آمد.

جدول نحوه سازگاری میمون در شغل و پیشه

موس					
گاو					
ببر					
گربه					
ازدها					
مار					
اسپ					
بز					
میمون					
مرغ					
سگ					
خوک					

دایر نمودن مغازه‌ای با شراکت گاو، سود چندانی را عاید میمون نمی‌کند. در اینجا نیز میمون از هوش خود بیش از نیروی بازوانش بهره می‌گیرد. از سوی دیگر خلقيات گاو برای اين حيوان نوگرا متمایل به روش‌های قدیمي

و سنتی جلوه خواهد نمود. خانم مار نیز عاقل‌تر از آنست که بیست و چهار ساعته کار بکند و او هم مانند میمون دارای مغز هوشمندی است. بهترین شغل برای شراکت آنها دایر نمودن مغازه‌ای در یکی از خیابان‌های بالای شهر است. و در صورت داشتن حساب جاری مشترک دو امضایی، سود فراوانی نصیبیشان می‌شود. آقای اسب همه فن حریف است و هر دوتای آنها از گپ زدن در گاه و بیگاه لذت می‌برند. شاید بهتر باشد آن دو مقاله‌ای در مورد اجتماع به چاپ برسانند.

میمون در عشق و عاشقی

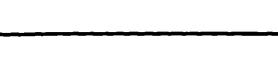
میمون‌ها معمولاً با یک عشق پیچیده مواجه می‌شوند که بیش از آن اندازه است که آنها توان متنفع شدن از آن را داشته باشند. آنها با هر چیزی که بتوانند کنار می‌آیند و ضمناً نیاز به یک دست قدرتمند دارند تا آنها را به راه مناسب سوق دهد.

خانم میمون خیلی آسان به آقای اژدها دل می‌بازد. عیب کار در این است که خیلی زود دستش را رو می‌کند. خوک جوان طرب‌انگیز می‌شود و خواهان عیش و نوش فراوان می‌گردد. از این بابت خانم میمون خوب به او می‌رسد، اما باید روابط سری خود را کاملاً مخفی بدارد، زیرا خوک‌ها از خیانت خوششان نمی‌آید.

آقای گاو مفتون صحبت‌ها و هوش خانم میمون می‌شود. لذا آرامش می‌یابد و قلب خود را به روی او می‌گشاید. خانم میمون این آقای سنت‌گرا را از راه به در می‌برد، و عیب کار در اینجاست که او هم به آسانی به در می‌رود. آقای هوشمند از پوست نرم و لطیف خانم گربه خوشش می‌آید و روش‌های ظریف او را می‌ستاید. اما او به آقای میمون اعتماد نمی‌کند، و بدون آن، روابطشان دوام نمی‌آورد. اگر گربه در مورد حرف‌های میمون

مشکوک و دو دل است، در عوض مرغ اصلاً حرف‌های او را باور نخواهد کرد. اما مشکل کار در مورد خانم مرغ با آقای میمون در آنجاست که وی وقتی متوجه دوز و کلک و موذی‌گری میمون می‌شود که دیگر کار از کار گذشته است.

جدول نحوه سازگاری میمون در عشق و عاشقی

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

خانم مار هم عاقل است و هم زیبا، لذا آقای میمون سخت عاشق چشمان شهلا و لبخند مليح او می‌شود و حاضر می‌شود هر کاری را برای خشنودی وی انجام دهد، اما ممکن است دریابد که خانم مار علاقه‌ای به او ندارد. پس بهتر است میمون مواظب باشد! آقای ببر احتمال دارد خیلی آسان اسیر افسون‌های خانم میمون گردد. و اگر عاشق او بشود، عشقش

خیلی عمیق خواهد بود. اما هرگونه رابطه عشقی بین این دو موجود متلون کوتاه و در عین حال شیرین خواهد بود. در زندگی میمون‌ها و ببرها هیچ چیز اثر دائمی نخواهد داشت - الماس، وعده و وعید و... روابط طولانی. هیچ کدام.

اسب کاملاً به پوچی روابط با میمون واقف است و مشکل بتوان خصوصیات مشترکی در بین آن دو پیدا کرد، غیر از خودخواهی. اگر این دو موجود خودخواه عاشق و معشوق هم بشوند، چه کار خواهند کرد؟ سگ باوفا و بی‌تزویر هم چنین شرایطی را دارد، اما به دلایل دیگر. در مورد او وقتی شیفته هوش و دلربایی خانم میمون گردد، فقط مانند هیپنوتیزم شده‌ها می‌نشینند. اما بز خواهان دلخوشی از عهده کلک‌های آقای هوشمند برآمده و به اندازه دلخوشی که می‌دهد، همان اندازه هم می‌گیرد. اما از مستخره شدن خوشش نمی‌آید. آقای موش هم موجودی است که می‌داند چگونه از افسونگری اش استفاده نماید، و خانم میمون ممکن است به خوبی با او کنار بیاید.

از سوی موش کمبود اشتیاق مشاهده نخواهد شد، اما آیا میمون توان آن را دارد که قلبش را بیست و چهار ساعته به روی او بگشاید؟ در مورد عشق دو تا میمون به یکدیگر فقط این را داریم بگوییم که سراسر خنده خواهد بود. هر چقدر که بخواهند.

میمون از نظر ازدواج

ازدواج دو میمون ایده‌آل است. هر دو نفر آنها که عاقل، اجتماعی و باهوش هستند، در تمام زمینه‌ها همدیگر را می‌ستایند. و دوز و کلک‌های جزئی آنها نسبت به یکدیگر، همدیگر را خنثی و بی‌اثر می‌کنند. سگ باوفا علیرغم این که عاشق خوبی برای میمون نمی‌باشد، اما شوهر

خوبی برای اوست. سگ جلو افراط کاری های خانم میمون را می گیرد، و او هم باعث می شود که آقای سگ به خودش بخندد. اما خانم میمون باید مراقب باشد که به شوهر گاوش نخندد. زیرا ممکن است وی فکر کند که او را مسخره می کنند. آقای میمون به خاطر این که خانم گربه به راحتی باهوش زیاد وی کنار می آید، با وی ازدواج می کند. اشکال کار در این است که آقا میمون مسافرت را می ستاید، ولی خانم گربه ماندن در خانه را، لذا فکر می کنم مواجه با چراغ قرمز بشوند.

جدول نحوه سازگاری میمون در ازدواج

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

آقای میمون کاری می کند که خانم ببر در مقابل وقت نشناشی و حقه بازی های شوهرش احساس مسئولیت نماید. اما این یک نقش

قراردادی است و طولی نمی‌کشد این خانم از این جریان‌ها ناراحت می‌شود. مار و میمون می‌توانند جفت هم باشند، هر دو نفر آنها در مورد پول عاقل هستند، اما هر دو نفر آنها خواهان در اختیار داشتن چیزهایی هستند که دوست دارند. پس برای ادامه زندگی مشترک باید از خودگذشتگی نشان بدهنند.

موش‌ها بخشنده و احساساتی هستند، بهترین جفت این‌ها، آقای میمون و خانم موش است. هر دو نفر این‌ها چیزهای خوب را به خوبی می‌شناسند، ولی باید مواظب باشند که این چیزهای خوب آقای میمون و خانم موش دیگری نباشند. خانم بز تمايل خود از ازدواج را برملا نمی‌کند. یک خانه پراولاد (تا سه بچه) و کلی شادی و خنده. میمون نیز خواهان شادی برای خود و خانواده‌اش می‌باشد. بنابراین در صورت ازدواج تا زمانی که با هم دیگر خوش هستند، اتفاق بدی روی نمی‌دهد.

ایده خانم مرغ از خوشی، شادی از خرج کردن است و میمون هم با آن موافق نمی‌باشد. پول به سختی فراهم شده میمون نباید خرج آخرین مدهای پاریس بشود. اما اگر میمون با اسب ازدواج نماید، پول اهمیتی نخواهد داشت. و در عوض جشن عروسی هم در کار نخواهد بود. اما اگر با خوک باشد جشن و سرور برپا خواهد بود. این خانم خوک خانه را محل آسایش خواهد نمود و در موقع بحرانی، خوش قلبی و حسن شهرت وی به درد هر دو نفرشان خواهد خورد. ازدواج آقای اژدها با خانم میمون هم توأم با شادی و سرور خواهد بود، و آقای اژدها خیلی شیفته خانم میمون خود خواهد بود. و این خانم تمام توانش را صرف کارهایی خواهد نمود تا توجه شوهرش را معطوف خود نماید. وی از تعریف و تمجید شوهرش کوتاه نخواهد آمد (وی خیلی در این مورد ماهر است) تا شاهد خوشبختی را در آغوش کشد.

سال میمون چه تأثیری روی شما خواهد داشت؟

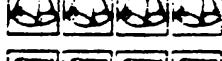
[سالی برای شادی و هوس]

این سال برای خود میمون فوق العاده است. سراسر این سال روی هم رفته بهتر از حد متوسط است و تنها برای گاو با عزم راسخ و احساس مسئولیت که نمی‌تواند حقه بازی‌های میمون را به هیچ قیمتی تحمل نماید، سال بدی خواهد بود. خانم مرغ هم که در اصول عالی با گاو سهیم است، و همین طور خیلی محافظه کار می‌باشد، اگر می‌خواهد سال میمون بدون درد سر سپری شود، باید خود را از بحث و جدل‌ها به دور نگه دارد و سرش توی کار خودش باشد. آقای سگ باوفا و شرافتمند هم به این فکر می‌افتد که او هم می‌تواند مانند بقیه بازی بکند، اما بعد از شروع امیدوارکننده به سرعت از خواب غفلت بیدار می‌شود. برای گربه سالی پر از هوس‌ها خواهد بود، وی نیز با دل و جرأت طرح‌هایش را به مورد اجرا خواهد گذاشت. اما راه و روش آن کجا و چگونه است؟ واقعیت این است که چنین چیزهایی وجود ندارد. و سؤالی که ببر مفترض از خود خواهد پرسید این است: «به خاطر چه و علیه چه چیز دارم اعتراض می‌کنم؟»

درست است که سال میمون برای گربه و ببر توأم با فاجعه نخواهد بود، ولی هر دو در این سؤال که چرا همه چیز غلط از آب درآمد، به سگ خواهند پیوست. اما سال به مراتب خوبی برای موش خواهد بود. زیرا سراسر سال قبل را مواجه با ناکامی بود. لذا به سرعت به خصوصیات سال میمون چسبیده و خاهاش را پر از اثاثیه خواهد نمود.

خوشاب حال موش، زیرا جو حاکم پر از شغل و زیرکی است. خانم مار عاقل با احتیاط حرکت می‌کند و مراقب زیر پایش می‌باشد. اگر خانم مار از راه خود میمون وارد نشود، با یک درآمد کلان مواجه می‌شود. اما این پول به این آسانی‌ها حاصل نمی‌شود. اسب استقلال طلب نیز باید در مورد زندگی به صورت هرچه پیش آید خوش آید، برخورد نماید. و باید از تمام مهارت‌ش

استفاده نماید تا در انجام معاملات چیزخور نشود. ضمناً سال خوبی برای ازدواج یا عاشق شدن اسب‌ها نمی‌باشد. اما برای بزها سال خوبی برای ازدواج کردن است. اما نباید سرمایه‌گذاری بکنند و یا پولی بیش از آن اندازه که لازم است خرج نمایند.

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
ازدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

ازدهای میاهات‌کننده، طبق معمول همیشگی خواهد درخشید، اما این رهبر کارناوال شادی‌ها باید به خاطر بیاورد که سال وی قبل اسپری شده و میمون از تماشاجی‌ها خوشیش می‌آید. و ازدها ممکن است خود را مواجه با لطیفه‌هایی درباره خودش ببیند، و با او در مورد افزایش دستمزدها مشورت خواهد شد و ضمناً پول کلانی هم بابت خرید ماشین تازه خواهد پرداخت. آقای خوک شرافتمند و سخت‌کوش هم زندگی را آرام خواهد یافت و دست به هر چیز بزند اگر تبدیل به طلا نشود، حداقل تبدیل به چیزی به همان

اندازه پربها خواهد شد. ضمناً سال فوق العاده‌ای برای خوک‌ها جهت عاشق شدن است. خود میمون هم اعم از این که کارمند بانک باشد یا رئیس کلاتری، سراسر سال پر از شادی و خنده خواهد بود. هیچ چیز را موفق‌تر از میمون در سال میمون نخواهید یافت.

میمون‌های مشهور در عرصه‌های:

هنر:

مودیگلینی	ری برَدبری
رانلد سیرل	کارتایر برِسن
جانی اسپیت	دیو بروبک
جیمز استورات	لرد باپرون
ایسک استرن	آلیستیر کوک
ورزش:	چارلز دیکنز
بیجورن بورگ	اف اسکات فیتز جرالد
دانلد برَدمون	آین فلیمینگ
سبَستین کو	انتونیا فرِیزر
جرج گَرم	پل گاگوئین
استفن هندری	دبليو اس جیلبرت
تاني جکلین	آرتور هِیلی
کلیو لوید	أُسبرت لنکستر
دن مسکل	چین لپوتیر
براين مور	چارلى پارکر
ري ريرдан	جايجل كندى
براين رابسن	بريل رايد

ریچارد هریس	مارتینا ناوراتیلوا
رکس هریس	تسا سندرسن
هری هودینی	صنعت و سیاست:
فرد هاوگو	لرد فورته
کایلی ماینورگ	روکو فورته
رابرت مُرلی	رُوی هترسلی
پیتر آتلول	رُوی جنکیزز
انجلا ریپان	گلنیز کیناک
عمر شریف	نایجل لاسن
کو استارک	پاپ جان پل دوم
لیز تیلر	مارشیا ویلیامز
موسیقی پاپ:	لرد یانگ
جانی کش	سلاطین:
جو کاکر	دوشس ویندسر
راجر دالتی	شاهزاده میخائیل از کنت
ری دی ویس	هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:
چیسن دونوون	میخائیل اسپل
بابی جنتری	بابی بال
دیو جیلمور	کارول بارنز
باب مارلی	های ول بنت
تیم رایس	فرنک بو
دايانا راس	یول براینر
راد استوارت	رُوی کستل
مری ویلسن	بت دی ویس
	جري هال

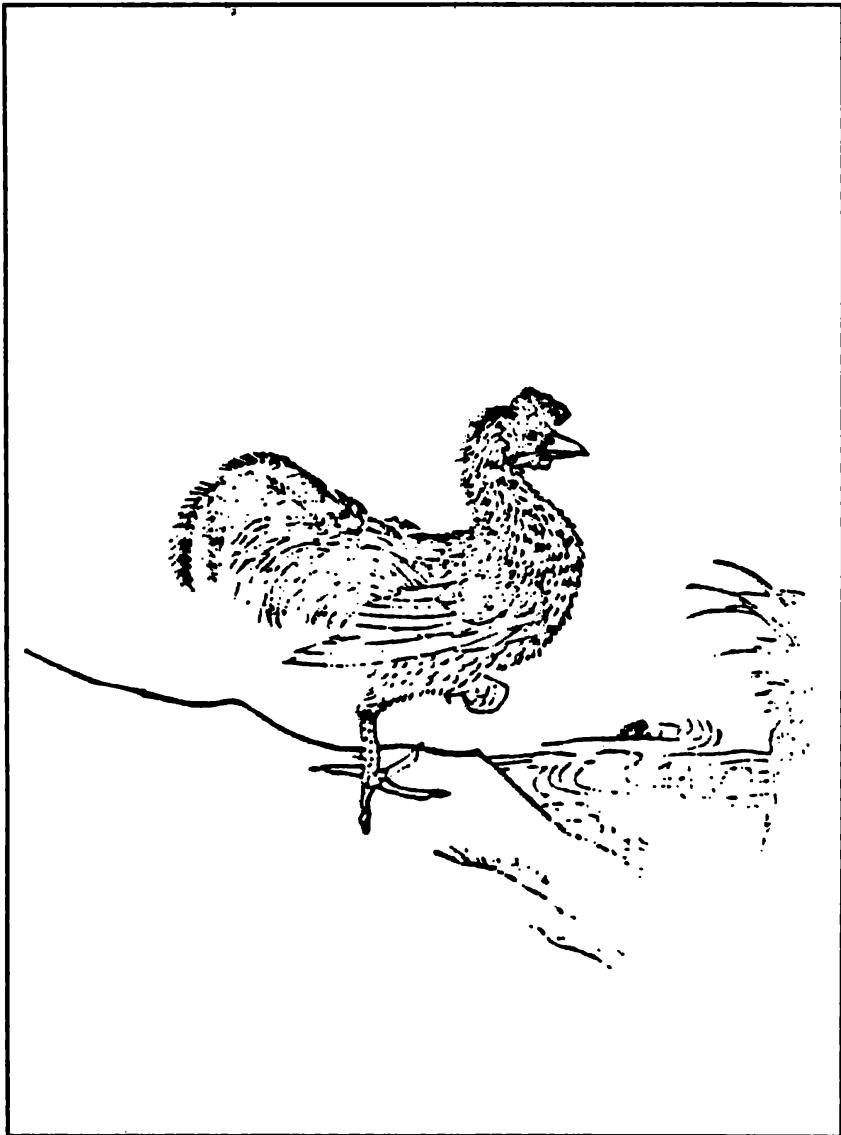
خرس يا مرغ^(۱)

THE ROOSTER



1909	{ از ۲۲ ژانویه ۱۹۰۹ تا ۹ فوریه ۱۹۱۰ از ۲ بهمن ۱۲۸۷ تا ۲۰ بهمن ۱۲۸۸ }	1910
1921	{ از ۸ فوریه ۱۹۲۱ تا ۲۷ ژانویه ۱۹۲۲ از ۱۹ بهمن ۱۲۹۹ تا ۷ بهمن ۱۳۰۰ }	1922
1933	{ از ۲۶ ژانویه ۱۹۳۳ تا ۱۳ فوریه ۱۹۳۴ از ۶ بهمن ۱۳۱۱ تا ۲۴ بهمن ۱۳۱۲ }	1934
1945	{ از ۱۳ فوریه ۱۹۴۵ تا ۱ فوریه ۱۹۴۶ از ۲۴ بهمن ۱۳۲۳ تا ۱۲ بهمن ۱۳۲۴ }	1946
1957	{ از ۳۱ ژانویه ۱۹۵۷ تا ۱۷ فوریه ۱۹۵۸ از ۱۱ بهمن ۱۳۳۵ تا ۲۸ بهمن ۱۳۳۶ }	1958
1969	{ از ۱۷ فوریه ۱۹۶۹ تا ۵ فوریه ۱۹۷۰ از ۲۸ بهمن ۱۳۴۷ تا ۱۶ بهمن ۱۳۴۸ }	1970
1981	{ از ۵ فوریه ۱۹۸۱ تا ۲۴ ژانویه ۱۹۸۲ از ۱۶ بهمن ۱۳۵۹ تا ۴ بهمن ۱۳۶۰ }	1982
1993	{ از ۲۳ ژانویه ۱۹۹۳ تا ۹ فوریه ۱۹۹۴ از ۳ بهمن ۱۳۷۱ تا ۲۰ بهمن ۱۳۷۲ }	1994

۱- با نوشتن نام خرس يا مرغ جنسیت آنها از نظر مذکر يا مؤنث مشخص می‌گردد، ولی در این کتاب مؤلف عیناً نظر چنی‌ها را منعکس نموده و هر دو جنس را تحت علامت خرس نامیده است ولی ما هر کجا مرغ نوشته‌یم مختص مؤنث خواهد بود. م



تاج سرخ

نهاده بر سر کوچک شماست

پر از تمام خون جنگ شماست

الیزابت بیشاپ

سال خروس یا مرغ



خروس بانگ می‌زند و دنیا بیدار می‌شود و درمی‌یابد که خیابان‌ها در اشغال چکمه‌پوشان است. حالا زمان رژه رفتن‌های نظامی و کلاه‌خودهای برآق است. شیپورها و طبل‌ها باب روز است. زمان رویدادهای مهم اجتماعی و جشن‌ها و نمایش‌های قدرت است. وقتی رژه رفتن نظامیان قطع می‌شود، مردم به خیابان‌ها می‌ریزند و هر کسی از دیگری می‌پرسد که چه خبر است؟ در سال ۱۹۸۱ حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر در میدان ترافالگار انگلستان ازدحام نموده و از تظاهرات بیکاران حمایت کردند. یا در اواخر همان سال ۶۰۰۰ نفر رنگین‌پوست در اعتراض به آتش زده شدن محل اقامتشان به خیابان‌های لندن ریختند. تجمع مردم در خیابان‌ها در سال خروس مانند حضور آنها در سال ازدها نمی‌باشد، زیرا در این سال از شادی و نشاط و آتش‌بازی خبری نیست.

سال خروس پر از رویدادهای بزرگ، پر خرج و مؤثر است. در سال ۱۹۶۹ هواپیمای کنکرد اولین پروازش را آغاز کرد، ملکه الیزابت دوم اولین سفر دریایی خود را شروع نمود و ادوین آلدربین و آرمسترانگ اولین انسان‌هایی بودند که قدم به روی کره ماه نهادند. در این سال حس حق‌شناصی و وفاداری نشان داده می‌شود. و حسن اثر خود را به جامعه و روابط اخلاقی می‌افزاید. پیام روز کریسمس ملکه انگلستان برای اول بار در

سال ۱۹۵۷ از طریق رسانه‌های گروهی به همه جا ارسال شد و بیش از ۸۰۰ میلیون نفر مراسم ازدواج شاهزاده خانم داینا اسپنسر و شاهزاده چارلز، ولی‌عهد انگلیس را در سال ۱۹۸۱ از طریق تلویزیون تماشا کردند. در صحنه حسن حق‌شناسی و وفاداری هر اتفاقی که در این سال روی بدده، جدای یا دور از مداخله‌ها و کودتاهای نظامی که تیتر روزنامه‌ها را تشکیل بدهند، نخواهد بود. ضمناً در این سال احزاب سیاسی جدید شکل می‌گیرند، البته نه برای تغییرات عمدی بلکه برای حفظ وضع موجود. در سال ۱۹۸۱ نخست وزیر لهستان جای خود را به یک ژنرال ارتضی داد و در همان سال در انگلستان «هیئت چهار نفری» برای شکل بخشیدن به آزادی‌های اجتماعی تشکیل شد.

سال مرغ برای بیکاران و دباغ‌ها خوش نخواهد بود. در محوطه و اطراف انبارها کار برای انجام دادن وجود خواهد داشت و تأثیر وجود سازمان‌دهنده نمره یک همه جا حس خواهد شد. برای اشخاص خیال‌باف خوش می‌گذرد، البته نه اغلب و نه با دوام. ضمناً انتظار نداشته باشید که یک شبه ثروتمند بشوید. تمام تلاش‌ها و سخت کار کردن‌ها به اضافه صرفه‌جویی و رعایت اصول و قواعد کار الزاماً منجر به موفقیت نمی‌شود. شرکت ICI در سال ۱۹۸۱ رکورد ۱۲۱ میلیون پوند ورشکستگی را به جای گذاشت و سر جیمز گلد اسمیت بعد از یک ضرر ۶۰ میلیون پوندی، مجله خود به نام «حالا» را تعطیل نمود.

سال مرغ زمان احیاء مدهای قدیمی و ارزش دادن به آنهاست. همچنین به امورات اخلاقی ارزش داده می‌شود. ضمناً سال فوق العاده‌ای برای عشق و عاشقی، ازدواج کردن، به ارتضی پیوستن یا راهبه شدن نمی‌باشد، ولی سعی نکنید عاطل و باطل بمانید. و باز هم سعی نکنید از راه فروش یا کرایه دادن نوارهای مبتذل و کثیف و یا کارهای غیراخلاقی به ثروت برسید. در غیر این صورت آخر کارت به زندان ختم خواهد شد. همین طور سعی نکنید

با دروغ گفتن خودتان را از مخصوصه خلاص نمایید زیرا سال مرغ مناسب دروغگویان، حقه بازان یا هر رفتاری که خلاف شیوه‌نات اجتماعی باشد، نیست.

شرافتمندانه رفتار کنید، صفا و خلوص نیت خود را نشان دهید و سخت کار بکنید تا سال مرغ هم پاداش مخصوص خود را برایتان به ارمغان بیاورد. البته ممکن است چندان ثروتمند نشوید و حتی ممکن است ورشکست هم بشوید، اما از درستکاری و صداقت خودتان در همه امورات راضی خواهید بود.

شخصیت خروس یا مرغ



لباس‌های تمیز و مرتب بپوشید، کفش‌ها یتان را واکس بزنید و سرزنه قدم جلو بگذارید. بعد خروس بی‌تزویر و عاقل را وارد کنید.

تمام حیوانات اعم از نر یا ماده، هر کدام خصوصیات مذکوری یا مؤنثی خود را به وضوح دارا می‌شوند، ولی این امر در مورد آنها بی که در سال خروس به دنیا می‌آیند صادق نمی‌باشد و هر کدام از دو جنس آن در لبه جنسیت خود قرار می‌گیرند و در واقع این دو خصیت چنان بر هم منطبق می‌شوند که مرغ خروس جلوه می‌نماید و خروس هم مرغ. به هر حال این موجود را هر چه که بنامیم، عدم تعادل طبیعی در او مشاهده نمی‌شود. و با دیدن او بلافاصله به مرد یا زن بودن وی پی می‌بریم. زیرا ماهیت مذکور یا مؤنث بودن خود را بروز می‌دهد و به رخ دیگران می‌کشد. یک طبیعی دان

قرن شانزدهم به نام لارنس اندره درباره خروس چنین نوشته است: «بانگ خروس شیرین و نافع است، وی خفته‌ها را بیدار می‌کند، به خمیدگان آرامش می‌بخشد و شادی می‌کند که شب به پایان رسیده است.»

این موجود خواه بلندقد باشد یا کوتاه قد، چاق باشد یا لاغر، سعی نخواهد کرد کیفیت خود را استثمار نماید. و ضمناً اقدام به خلاف کاری، تظاهر، حقه بازی یا دوز و کلک نمی‌کند. وی همین است که هست خواه بپذیرید و خواه نپذیرید - و همیشه خودش را به وسط معركه می‌اندازد. اگر خروس یا مرغی را به جشن دعوت کرده باشید و در وسط معركه کسی وجود نداشته باشد، حتم بدانید که او هنوز نرسیده است. این جشن شما خواه خودمانی باشد یا عمومی، وی هرگز آن را رد نمی‌کند.

این موجود دست و دل باز به طور غیرعادی در مقابل خطأ و اشتباہش رک و صادق است. و به دلیل مرتب و منظم بودنشان، تمام امورات زندگی خود را به دقت ساعت برنامه‌ریزی می‌کنند. و اگر مرغ و خروسی در منزل نگهداری کرده باشید، به دقت سحرخیزی آنها که طبق برنامه است پس می‌برید. این‌ها به محض تاریک شدن هوا به خانه خود پناه می‌برند، وقتی بالاتر از زمین قرار داشته باشند احساس امنیت می‌کنند و در حضور جمع خود را حفاظت شده می‌پندازند (به نظر آنها در اکثر مواقع چنین می‌شود) و به انجام کارهای تکراری روزمره عادت دارند که ناشی از شخصیت رو به گسترش آنهاست.

اگر شما در سال خروس متولد شده‌اید، هم علامت اشخاصی هستید که هم بانی هستند و هم رئیس خود.

به اعتقاد چینی‌ها اشخاص متولد این سال دارای خصوصیات دوگانه متمایزی هستند. یعنی آنها بی که در زمان طلوع یا غروب آفتاب، بین ساعات پنج و هفت متولد می‌شوند، از نظر خصوصیات فطری برونگرا (متظاهر) می‌شوند. یعنی فخر فروش و لافزن می‌شوند و تمام اقدامات خود

را با آب و تاب و گزافه‌گویی به همه تعریف می‌کند. این همان شخصی است که برای دست و دل باز جلوه دادن خود، از میان جمع شما را با صدای بلند دعوت به نوشیدن می‌کند، هرچند که شما تمایلی به نوشیدن ندارید. و در چنین موقعی اولین کسی که در اثر زیاده‌نوشی کله‌پا می‌شود همین خروس است. علیرغم لاف زدنشان، در نوشیدن قهار نیستند (جواب نه به تعارف را نیز ندارند).

خروس یا مرغ طلوع یا غروب آفتابی فضول‌باشی اداره است و اولین کسی است که نصایح خود را به شما می‌دهد. خواه خواستار آن بوده‌اید یا نه. ضمناً اولین کسانی می‌شوند که از عدم وجود فرهنگ و اخلاق در جامعه شکایت می‌کنند و نکته نظرات خود را در مورد امورات جاری مملکت بیان می‌کنند. نباید با این‌ها که از نظر حالت سیاسی و سادگی اخلاقی شهره هستند، جر و بحث نمود. زیرا هرچه که به نظرشان برسد، بدون تعمق به زبان می‌آورند. تمام مرغ‌ها یا خروس‌ها تحت علامت سادگی و خلوص نیت زاده می‌شوند، ولی این مرغ و خروس‌های طلوع و غروب آفتابی، هیچ به عواقب تأثیر انتقادات تند خود روی اطرافیانشان نمی‌اندیشند. از نظر او فقط اظهار نظر کرده است و بس. و اگر حرفش گزنده بوده تقصیر او نیست، حقایق باید گفته شود و زندگی این طوری است! این طرز فکر خیلی زشت است. به هر حال سعی نکنید تلافی بکنید و طرز برخورد او را زیر سؤال ببرید و یا انتقاد نمایید، خصوصاً زمانی که زیاد مطمئن نیستید. در هر صورت مرغ یا خروس طلوع و غروب آفتابی همیشه از موضع درست اقدام می‌کند و ۲۰۰ درصد به خودش اطمینان دارد. اگر با او وارد بحث و جدل بشوید، آن را به نزاع تبدیل می‌کند-کافی است جنگ خروس‌ها را به خاطر بیاورید- و دست از شما نمی‌کشد تا گفته‌هایش را یا این طرف یا آن طرف به ثبوت برساند. به هر حال خروس‌ها با تمام لاف‌زنی‌شان خیلی باهوش می‌شوند. در ورای قیافه پرافاذهشان تیزهوش هستند. خیلی سریع یاد

می‌گیرند و خاطره خیلی خیلی قوی دارند. آنها حقایق را خیلی زود تشخیص می‌دهند و خیلی آسان هضم می‌کنند.

خروس‌ها یا مرغ‌هایی که در ساعت طلوع یا غروب آفتاب متولد نشده باشند، خصوصاً آنهاست که در طول شب به دنیا می‌آیند، کاملاً متفاوت هستند - یا به نظر دیگران متفاوت جلوه می‌کنند. این‌ها در گوشه‌ای می‌نشینند و بندرت حرف می‌زنند مگر این که مورد خطاب قرار بگیرند. ضمناً بندرت در مورد چیزی اظهار نظر می‌کنند و اگر هم حرفی بزنند، در مورد چیزهای پیش پا افتاده و معمولی مربوط به خودشان خواهد بود. این‌ها معمولاً با گفتار ملایم و رفتار متین و افتاده خودشان توجه دیگران را جلب می‌نمایند. همین رفتارشان، یعنی کم گفتن و بیشتر گوش دادن‌شان آنها را در میان جمع شاخص می‌سازد. این‌ها با تمام زیرکی خود به دنبال یک چیز هستند - تمام توجه شما آن هم به طور دربست. مثلًا وقتی تکه کیکی را به یکی از این‌ها تعارف بکنید طوری آن را رد می‌کند و نمی‌پذیرد که معلوم می‌شود تکه بزرگتری را می‌خواهد، آیا بدین طریق به هدف خود که همانا جلب توجه شما به خود بود نرسیده است؟

مرغ یا خروس‌های طلوع یا غروب آفتابی به دلیل این که فقط دو ساعت در حوالی طلوع و دو ساعت در حوالی غروب فرصت زاده شدن را دارند، واضح است که تعداد آنها نمی‌تواند نسبت به بقیه زیاد باشد. به هر حال بقیه این‌ها هم که در ساعات یاد شده متولد نشده باشند، درصدی از خلق و خوی طلوع یا غروب آفتابی‌ها را خواهند داشت. از سوی دیگر چون مرغ و خروس‌های طلوع یا غروب آفتابی به دلیل متظاهر بودن زیاد به چشم می‌خورند، تعدادشان زیاد جلوه می‌کند. در این نقطه باید اذعان نمایم که من تجربه شخصی فراوان با این‌ها را دارم، زیرا مادر خود من یک مرغ است. همین طور خاله‌ام مری که در تربیت من در آن سال‌های بحرانی اوایل جنگ جهانی دوم به مادرم کمک می‌کرد. دست و دل بازی و رفتار

محبت‌آمیزش نسبت به من طوری بود که انگار من فرزند او هستم و این‌ها تا ابد در قلبم جای گرفته است. همین طور خانم تیس یک مرغ است هرچند که من از این موضوع بی‌خبر بودم و بعد از ازدواج به آن پی بردم، زیرا علاقه من به علم طالع‌بینی چینی‌ها خیلی بعد از ازدواج شروع شد. از سوی دیگر سراسر طول مدت فعالیتم در روزنامه‌های تایمز، پرای ویت آی و لیسنر که به عنوان روزنامه‌نگار و کاریکاتوریست با آنها مرتباً کار می‌کنم، سروکارم با انواع مرغ‌ها و خروس‌هاست.

حالا که با انواع طلوع یا غروب آفتابی‌ها سروکار داشته‌ام لازم می‌دانم تقسیم‌بندی دیگری را نیز اضافه نمایم. در این لحظه باید یک تقسیم‌بندی در زندگی این‌ها که کانون وجود روزمره‌شان می‌باشد به وجود آورم. یعنی موضوع امورات مالی سوزش‌آورشان را به زیر ذره‌بین ببرم. اما همان طور که خواهید دید، این تقسیم‌بندی باعث می‌شود که هر دو سوی این‌ها درون‌گرا باشند. یعنی از نظر اقتصادی برابر هستند، ولی یک طرف عاقل آنست و دیگر طرف احمق آن.

به زبان ساده‌تر مرغ‌ها یا خروس‌هایی هستند که تا دینار آخر را پس‌انداز می‌کنند و دارای یک فکر و روش خاص خود هستند که تا چیزی را از چند جا قیمت نکنند نمی‌خرند. برای مثال وقتی چیزی را خریدند، حتم بدانید که به پایین‌ترین قیمت موجود در شهر خریده‌اند و الى آخر... حساب بانکی این‌ها به آهستگی ولی به صورت ثابت و یکنواخت افزایش خواهد یافت. طرف مقابل این مرغ یا خروس مقتصد، همان طور که به خوبی حدس زده‌اید، نوع ولخرج این‌ها می‌باشد. و تا آنجا که من توانستم کشف نمایم، حد میان این دو گروه وجود ندارد. آن نوعی که ولخرج است، نه تنها پول خودش را خرج می‌کند، بلکه پول هر کسی یا هر جایی که باشد برایشان فرق نمی‌کند، پول بانک، نامزد یا همسرش، کارت اعتباری یا پول اداره و شرکت و... و در رویاهای خیالات خوش خود زندگی می‌کند. بدون این که دیناری

پول در حساب بانکی یا جیب خود داشته باشد، به فکر خرید پرده‌های نو، فرش‌های تازه می‌افتد، یا طرح تبدیل اطاق اضافی به حمام سونا و... را در سر می‌پروراند. این‌ها هر موقع از جلو مغازه لباس‌فروشی عبور نمایند نمی‌توانند مکثی ننموده و سری به داخل آنچا نزنند. و از این که در موقع خرید برای صرفه‌جویی سری به مغازه‌های آن طرف شهر بزنند نفرت دارند. کلمه صرفه‌جویی در دیکشنری آنها بدون معنی است. نمونه بارز این گونه خرس‌ها که همیشه در مظان اتهام به هدر دادن پول دیگران قرار دارد، مشهورترین رهبر GLC در تاریخ انگلستان یعنی آقای کن لیوینگ استون است.

از سوی دیگر مگر مرغ و خرس‌های مقتصد و ولخرج دو روی یک سکه نیستند؟ به عقیده من که هستند، و نکته جالب توجه درباره آنها این است که هر دو نوع به طور تعجب‌آوری سخنی و بخشندۀ هستند. اگر از هر کدام آنها حتی تمام پول‌هایش را نیز قرض بخواهید، خواهند داد. و در خیلی مواقع آن قرض را به شما خواهند بخشید. من شخصاً شاهد یکی از این قبیل قرض دادن‌ها از سوی یکی از صرفه‌جوهای این‌ها بودم که می‌شود گفت تقریباً حالت احمقانه به خود گرفت.

مرغ و خرس‌ها علاوه بر سخاوتمند بودن در مورد پول و تعریف و تمجید دیگران، بهترین مدیران برنامه‌ریز و سازمانده دنیا محسوب می‌شوند. بنابراین اگر به دنبال مدیری برای اداره شرکت یا دفتر خود هستید، و تبعیضی برای جنسیت قابل نمی‌شوید، آگهی استخدام یک مرغ یا خرس را به چاپ برسانید. در این موقع به مدیر ایده‌آل خود دست می‌یابید. زیرا متوجه می‌شوید که تمام کارهای اداری و حتی شخصی شما به دقت ساعت برنامه‌ریزی و سازمان داده شده است. و همه این‌ها قبل از وقت نهار انجام یافته تلقی می‌شوند. ضمناً هیچ کسی در سراسر دنیا وجود ندارد که به اندازه این‌ها هر طرح یا برنامه‌ای را که دارند و یا انجام داده‌اند، به

روی کاغذ و دفتر یادداشت نیاورند. کیف دستی این‌ها پر از دفترچه‌های یادداشت، پاکت‌های نامه و بلیط اتوبوس می‌باشد که روی آنها خدا می‌داند چه چیزهایی را یادداشت نموده‌اند. همسر خود من در صحافی کتاب‌ها مشغول به کار است و نمونه کاملی از مثال بالاست و محتویات کیف وی موضوع لطیفه‌سرایی فامیل ماست.

علیرغم باهوش بودن و مدیریت عالی و سازمانده ایده‌آل، از نظر خلاقیت کمی ضعیف هستند. به عبارت ساده‌تر برای دست‌یابی به هدف‌های شان و مهم‌تر از آن برای شناخت قابلیت‌های خودشان نیاز به محرک دارند. چینی‌ها عقیده دارند که ازدها بهترین هادی این‌ها محسوب می‌شود و ایده‌آل‌ترین جفت به حساب می‌آید، یکی از مشهورترین این‌گونه اتحادها در ایام اخیر بین جان لنن (فقید) ازدها با یوکو آنوی مرغ حاصل شده بود.

به هر حال اگر خروسی از نظر پیدا کردن خلاقیت و سر رشته کار دچار کمبود باشد، هرگز از نظر روش‌ها و انگیزه تمرکز روی سودآوری کمبودی نخواهد داشت.

چینی‌ها عقیده دارند که یک خصیصه نظامیگری در خروس‌ها وجود دارد و دوست دارند که لباس نظامی به تن نموده و شق و رق راه بروند. برای مثال گوبلز، وزیر تبلیغات هیتلر، یک خروس بود و از این که بالباس نظامی با تکبر حرکت بکند لذت می‌برد. ضمناً به طور شگفت‌آوری رابت رانسی، اسقف سابق کاتربربی که یک خروس بود، کاملاً بر عکس بود و لباس ساده معمولی به تن می‌کرد و افتاده راه می‌رفت. اما امروزه در اکثر کشورهای جهان خصوصاً در غرب نظامیان قهرمان ما از لباس نظامی خود نه برای تکبر و فخر فروشی بلکه برای شرکت در مجالس جشن و شرکت در کنسرت‌ها و سالن‌های رقص و آواز، استفاده می‌کنند. مرغ‌ها بدون استثناء به طور شگفت‌آوری زیبا می‌شوند و موهای قشنگی

دارند. این‌ها پول و وقت زیادی را صرف آرایش و زیباکردن حالت موها یشان می‌کنند. ضمناً از عطر خوششان می‌آید و بینی فوق العاده حساسی دارند. و در موقع خرید عطر مورد نظرشان خیلی غرولند می‌کنند تا آن را بیابند. بر عکس خروس‌ها، مرغ‌ها علیرغم علاقه به جلوه‌گری، از لباس‌های غیر زرق و برق دار ولی خوشدوخت استفاده می‌کنند. کمد لباس مرغ‌ها پر از انواع لباس‌های آخرین مدل شود، اما هیچ کدام از آنها جلف نخواهد بود. ضمناً به خاطر داشته باشید که این‌ها ذاتاً آدم‌های محافظه‌کار ناقلایی هستند. اما دستخط یک مرغ خصوصیات مرغ بودن وی را بروز می‌دهد که کلاً مثبت هستند و با سلیقه می‌باشند. این‌ها کلاً از همه نوع اجتماع خوششان می‌آید، ولی آقای خروس علیرغم تمایل خود به حفظ شرافت، بدش نمی‌آید با یک خانم و عده ملاقات بگذارد. به هر حال در پایان این‌ها در خانه و کاشانه خود جمع می‌شوند.

به طور کلی خروس‌ها دوست دارند لباس‌های پرزرق و برق به تن نمایند. اما برتر از لباس، این‌ها علاقه دارند در مورد میزان درآمدشان و نحوه خرج آن به شما تعریف نمایند. و انتظار دارند شما هم به اندازه آنها ساده و بی‌تزویر باشید. وقتی شما حرف می‌زنید، به نظر می‌رسد که از گوش دادن خسته شده‌اند و حتی ناراحت هستند، اما هر تک تک کلمات شما را به خاطر می‌سپارند.

کلمه چینی خروس جی می‌باشد که معنی جوجه را می‌دهد، ولی این کلمه هیچ تناسبی با یک خروس در موقع برخورد با یک موضوع مهم، ندارد. این‌ها معمولاً بیش از وظیفه خود شجاع می‌شوند و وقتی از آنها خواسته شود، از حالت جدی به خود گرفتن و برخورد قاطع ابایی نخواهند داشت. این خاصیت باعث می‌شود که بعضی مواقع برخلاف میل خودشان، مسئولیت‌های سنگین اخلاقی را به عهده بگیرند.

این‌ها از گل و گیاه خوششان می‌آید و هر جا که باشند به باعچه و گل و

بوته خود می‌رسند و اگر امکان باغچه‌داری را نداشته باشند، حداقل چند تا گلدان در لبه پنجره خانه‌شان قرار می‌دهند. رستنی‌ها در زیر دستان خروس‌ها بهتر و سبزتر رشد می‌کند، لذا بهتر است این را در موقع انتخاب شغل در نظر بگیرند. یک شغل در روستا مناسب‌تر از یک کار در قلب شهر برای این‌هاست. از سوی دیگر چون این‌ها به خانه خود عشق می‌ورزند، اگر شغل تزئینات داخلی را به عهده بگیرند، پیشرفت می‌کنند، خصوصاً اگر شامل حیاط و باغچه‌کاری هم باشد، به هر حال هر شغل یا پیشه‌ای که انتخاب نمایند صداقت، وفاداری و صرفه‌جویی مایه اصلی فکر شان می‌باشد، خواه به نفع آنها باشد و خواه به ضرر آنها. در ضمن در دنیای این‌ها آینده‌نگری در مورد توانایی‌هایشان وجود ندارد، در نتیجه اغلب قول‌هایی را می‌دهند که از توانایی آنها خارج است. و علیرغم داشتن وضع خوب ظاهری، طبل توخالی هستند.

مراحل سه‌گانه زندگی این‌ها با ایام کودکی شاد و خشنود آغاز می‌شود. چنین کودکانی روشن و دقیق می‌شوند و سریع یاد می‌گیرند. وقتی بچه‌ای با مغز کامل باشد، یک خروس یا مرغ است. اما مرحله میانی زندگی این‌ها توأم با مشکلات می‌شود. موضوع عشق چیزی است که این‌ها نمی‌توانند آن را سازماندهی نمایند. ضمناً هر چقدر هم ثروتمند بشوند، حداقل یک شکست در ازدواج را پیش رو خواهند داشت. و در مرحله سوم زندگی، یک مرغ ممکن است به صورت منزوی و تنها بی به سر ببرد و مونسی غیر از یک باغچه و چند تا دوست تسلی‌بخش نداشته باشد. و در چنین حالتی شئونات اخلاقی وی حامی او خواهد بود. ضمناً دچار رؤیاها و خیال‌بافی خواهد شد.

خروس یا مرغ به عنوان والد

پدر خروس نسبت به بچه‌هایش ملایم و نرمخو نخواهد بود، و بچه‌هایش را به خاطر خطاهای بزرگ خیلی زود تنبیه می‌کند و در مقابل خطاهای کوچک نصیحت و ارشاد می‌نماید. اما هیچ‌گونه کمبودی در ابراز محبت و رسیدگی به رفاه آنها وجود نخواهد داشت. مؤثرترین رابطه خانوادگی مابین یک مرغ و پسر ازدهایش به وجود می‌آید. چنین‌ها این حالت را بهترین نوع می‌دانند. پسر ازدها همیشه مراقب رفتار خود می‌شود تا خوشایند باشد، و آنها بی که دارای فرزند ازدها هستند این موضوع را بهتر درک می‌کنند، زیرا ازدهای جوان کارهای خود را مانند انجام فرایض دینی دقیق و مرتب انجام می‌دهد. بنابراین یک مرغ هرگز به اشتباہ پسر ازدهایش لبخند تمسخر نمی‌زند و غرور او را جریحه دار نمی‌کند. در عوض تمام خیالات او را ستوده و مورد تشویق قرار می‌دهد و او را در رسیدن به خواستهای بزرگش یاری می‌کند. پسرگاو نیز به همان نسبت مورد تشویق قرار می‌گیرد، اما رابطه مادر با پسرش به گرمی رابطه او با پسر ازدهایش نخواهد بود. بچه‌گاو عشق و محبت طلب نمی‌کند و فقط خواهان دانش می‌شود و در نتیجه در خانه مرغ انواع کتاب‌ها برای مطالعه و دانش‌اندوزی او مهیا خواهد بود.

پسر خوک تمام محبت و توجه را که لازم دارد کسب خواهد نمود. وی از همان دوران کودکی شرافتمند و سختکوش می‌باشد و این از چشم خروس به دور نمی‌ماند. اما شرافتمندی و سختکوشی دختر بز خود را نمی‌بیند، زیرا این پدر و دختر هرگز در مقابل هم قرار نمی‌گیرند. پس اگر دختر وی از راه به در برود چه پیش می‌آید؟ و قرص‌های مخفی شده در کشوکنار تختخواب این دختر چیست و برای چه چیز است؟ دخترک بیچاره! پسر میمون هم چیزی از پدر خروس خود عایدش نمی‌شود مگر نصیحت فراوان که شب‌ها دیر به خانه نیاید. و پسر میمون هم هر وقت دیر

به خانه بیاید و در را بسته و قفل شده ببیند، خود را از طریق پنجره باز طبقه بالایی به درون خانه می‌کشد.

جدول نحوه سازگاری مرغ یا خروس با بچه‌هاش

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

پسر بیر هم برای جلوه دادن در خانه دست به شلوغ‌کاری می‌زند، اما در خانه همراه و یاوری را پیدا نمی‌کند. و فقط زحمت بیخودی می‌کشد. دختر اسب زیبا قلب و روح پدرش خروس را تسخیر می‌کند و در عوض لوس و نتر و فاسد می‌شود. اما پدر توقع قدردانی بیش از حد توان از دختر خود دارد. پسر سگ به اندازه کافی قدردانی می‌کند و این کار باعث خشنودی خانم مرغ می‌شود. و رابطه مادر و پسر تا زمانی که پسر مستقل بشود، به خوبی پیش می‌رود. به هر حال والدین مرغ یا خروس دوست دارند فرزندان

آنها روی پاهای خود بایستند. هرچند که آنها را خیلی دوست بدارند.
پسر گربه از توجه و مراقبت بیش از حد مادر مرغ خود از وی دوری
جسته و دقت نظر وی در جزئیات کارها باعث عصبانیت خانم مرغ
می شود. پسر موش به اندازه کافی زیبایی و افسونگری دارد تا محبت
والدین مرغ یا خروس خود را جلب نماید. اما این پسر باید مراقب
گزارش‌های رسیده از مدرسه‌اش باشد. پسر مار در بستر می‌ماند و در عالم
رؤیا به سر می‌برد... نه بیشتر تا به سن رشد و تکامل می‌رسد. پدر خروس از
صبح زود بیدار می‌شود و تا تاریک شدن هواکار می‌کند، پس تعجبی ندارد
که عصبانی و خشمگین بشود. و اگر پسر خروس در خانه باشد خشم وی
دوچندان می‌شود. پسر خروس از همان روز اول شروع به موعظه می‌کند، و
والدین مرغ یا خروس او که مشغول به کار خود هستند، باعث سردرگمی او
خواهند شد. و عجب غوغایی بلند می‌شود.

مرغ یا خروس در شغل و پیشه

خروس که می‌خواهد شغلی را به شرارت بگشاید عجب با اوضاع
غم‌افزایی مواجه می‌شود، بیچاره! اما این سؤال باید مطرح شود که آیا
خروس واقعاً به دنبال شریک می‌گردد؟ من با قاطعیت فکر می‌کنم که جواب
منفی است، زیرا وی بیشتر خوشحال می‌شود که خودش به تنها یی کاری را
اداره نماید. اما اگر به دنبال شریک شغلی می‌باشد، بهترین کاندیداها اژدها
یا اسب می‌باشد. اسب سخت‌کوش کمرش را محکم بسته و بدون غرولند به
کار می‌چسبد. خروس هم مهارت در مدیریت و سازماندهی را به کار گرفته
و شرارت آن‌ها به نفع هر دو طرف تمام می‌شود. اژدها هر کسی را که با وی
کار بکند از طریق طرح‌های روشنش به غیرت و پرکاری وامی دارد. در
نتیجه آقای خروس حساب و کتاب و دفاتر را مرتب و دقیق نگه می‌دارد تا

نیازی به بازدید مجدد از آنها نداشته باشند. با این حساب یک جفت تجاری عالی محسوب می‌شود. مناسب‌ترین همکار برای خروس در امر کشاورزی، گاو قابل اعتماد است. هر دو نفر این‌ها که خیلی محافظه‌کار هستند، ممکن است چندان ثروتی نصیب‌شان نشود، اما در شرارت شغلی‌شان به طور روزافزون رضایت خاطر خواهند داشت. این دو نفر می‌توانند کتابفروشی دست دوم از مؤلفین از مد افتاده را دایر نمایند و کتاب‌های تاریخی مربوط به این‌های قدیمی و باغات متروک را بفروشند.

خوک شرافتمند هم قابل اعتماد است و هم سراسر روز را بدون خستگی کار می‌کند. اما از نهار و شام مفصل به همراه نوشیدنی خوشش می‌آید، هرچند که این کار شاید به نفع شرکت‌شان باشد، اما آقای خروس وقتی بوی تنده مشروب را در نفس‌های وی استشمام بکند این سود را فراموش می‌کند. برخلاف موش فرصت‌طلب که خروس درستکار باید دوری گزیند، گربه تیزبین شریک مناسبی برای وی می‌باشد. گربه که در همه زمینه‌های تجارت هوشیار است، نمی‌تواند در یکی دو مورد از راه خدعاًه وارد معامله نشود. اما سرعت کار کردن وی با سرعت کاری آقای خروس که در صورت تحت فشار بودن، ساعات طولانی را سخت تلاش می‌کند، یکسان نخواهد بود، و آقای خروس وقت‌کشی را تحمل نخواهد کرد.

مار ایده‌های خوبی دارد، خروس هم وقت کافی برای فروش آنها، اما در صورت همکاری، ممکن است طالب خیلی زیاد در مدت خیلی کم باشند. این موضوع در مورد ببر با ایده‌های مشعشع نیز صادق می‌باشد. اما غیرقابل پیش‌بینی بودن وی آقای خروس اصول‌گرا و مرتب را به خشم می‌آورد. لذا پیشنهاد نمی‌شود.

آقای خروس با اشخاص (الف) بز - وقتی کار سخت بشود خیلی زود جا می‌زند، (ب) سگ - خیلی نگران است و به جزئیات خیلی توجه می‌کند که حتی خروس ممکن است متوجه آنها نشود، (پ) میمون - خیلی زود

دست خود را روی دخل پول می‌گذارد و خواهان سهم خود می‌شود، در صورت شراکت هیچ دلخوشی نخواهد داشت مگر این که با اسب یا اژدها که به اندازه خود فعالیت و کمک می‌کنند باشد، در غیر این صورت بهتر است تکی کار بکند.

جدول نحوه سازگاری مرغ یا خروس در شغل و پیشه

موس	<input type="checkbox"/>
گاو	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
بیر	<input type="checkbox"/>
گربه	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
اژدها	<input checked="" type="checkbox"/>
مار	<input checked="" type="checkbox"/>
اسب	<input checked="" type="checkbox"/>
بز	<input type="checkbox"/>
میمون	<input type="checkbox"/>
مرغ	<input type="checkbox"/>
سگ	<input type="checkbox"/>
خوک	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>

چینی‌ها عقیده دارند که دو تا خروس تحت هیچ شرایطی نباید شریک هم‌دیگر باشند. علیرغم تمام مهارت‌شان در مدیریت و سازماندهی قادر نخواهند بود طرح‌هایشان را جامه عمل بپوشانند. اما اگر راهی برای همکاری پیدا کردند شانس‌شان گل می‌کند. مثلاً در ترانه‌سرایی و تصنیف آهنگ؟

مرغ یا خروس در عشق و عاشقی

این یک حقیقت مسلم است که در میان تمام حیوانات، خانم مرغ یا آقای خروس از عشق اتفاقی خوششان نمی‌آید. هر دو تای این‌ها خواهان عشق زودگذر و یک شبه نیستند، مگر یک عشق بادوام و ماندنی باشد. به هر حال اگر خانم مرغ عاشق ناگهانی کسی باشد، حتم بدانید که خود را کاملاً مهیا و آماده نموده است. یعنی لیستی از اقدامات بعدی خود را تهیه و با خود دارد. با وجود این‌ها برنامه خاص و متنوعی نخواهد داشت. مناسب‌ترین شخص برای عشق خانم مرغ آقای گاو است که توقع چندانی از این بابت ندارد. ضمناً بهترین عاشق خانم مرغ یعنی آقای اژدها آن طور که باید نمی‌تواند دلخوشی او را فراهم نماید. زیرا وی فوق العاده به ظواهر امر اهمیت می‌دهد که خارج از سلیقه خانم مرغ است. اما از شانس خانم مرغ، آقای اژدها به همه خانم‌های دوازده‌گانه علاقه نشان می‌دهد و این امر شانس او را بالا می‌برد.

آقای خروس هم جذب خانم خوک می‌شود. وی با صدای بلند که دیگران هم بتوانند بشنوند، در جلو خانم خوک از زیرکی و خوب بودن تعریف می‌کند. این خانم حتی لطیفه‌های بی‌مزه او را هم تحمل می‌کند. خانم مرغ به خاطر ظاهرسازی و رفتار جلف آقای موش خود را کنار می‌کشد. و آقای بز با آن اخلاق دمدمی مزاجش و عدم صفاتی باطن نخواهد توانست قلب خانم مرغ اصالت‌گرا را تصاب نماید. خانم گربه با احساسات افسونگرانه‌اش، آقای خروس متکبر را به وحشت می‌اندازد و از او می‌خواهد که مؤدب‌تر و مرتب‌تر باشد. بیچاره خروس، وقتی عاشق باشد این کارها حالیش نمی‌شود.

خانم ببر خیلی آتشین مزاج می‌شود و هرگونه عشق را می‌ستاید، اما اگر آقای خروس عاشق خانم ببر شود، او را در موال اولیه خیلی سفت و سخت

جدول نحوه سازگاری مرغ یا خروس در عشق و عاشقی

موس	<input type="checkbox"/>
گاو	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
ببر	<input checked="" type="checkbox"/>
گربه	<input type="checkbox"/>
اژدها	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
مار	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>
اسب	<input type="checkbox"/>
بز	<input type="checkbox"/>
میمون	<input checked="" type="checkbox"/>
مرغ	<input checked="" type="checkbox"/>
سگ	<input checked="" type="checkbox"/>
خوک	<input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/> <input checked="" type="checkbox"/>

و تقریباً رقیب خود می‌یابد. و این چیزی است که آقای خروس در روابط بین انسان‌ها مردود می‌شمارد. خانم اسب زیبا ولی پوج بعد از این که آقای خروس را با ادا و اطوار و نگاه‌هایش به این طرف و آن طرف کشاند، او را مورد استهzae قرار می‌دهد. و آخرین چیزی که از آقای خروس توقع دارد این است که در مقابل وی آسیمه سر و درمانده باشد. و روابط عشقی بین یک خانم مرغ یا آقای خروس با افکار بلند با یک میمون سر به هوا و عدم تشخیص بین خوب و بد، فقط به یک فاجعه ختم می‌شود. روابط آنها ناهمگون بوده و بعد از اولین دیدار به اشتباه خود پی می‌برند. خانم مار به اندازه کافی دلربایی و افسونگری دارد که آقای خروس را شیدای خود نماید، و بیچاره خروس با کله به استقبال خواهد شتافت. اما بعد از این که

خانم مار احساسات تند خود را نشان داد، عاشق وی به عقب پریده و در گوشه‌ای پناه می‌گیرد.

آقای سگ متین از این که عاشق خانم مرغ شده است احساس خشنودی خواهد نمود، و نظم و ترتیب خانم مرغ او را به وجود خواهد آورد. اما به خاطر نگرانی از خوشبینی خانم مرغ، عشقش به سوی دیگر کشیده خواهد شد. عشق آقای سگ و خانم مرغ مناسب‌ترین عشق برای این دو به حساب می‌آید. در پایان گوشزد می‌کنیم که عشق دو تا مرغ و خروس فقط در میان ماکیان دیده می‌شود در بین انسان‌ها اصلاً پیشنهاد نمی‌شود.

مرغ یا خروس از نظر ازدواج

آقای خروس در اغلب موقع در کنار خانم‌ها خود را یک پسرچه تصور می‌کند. با وجود این‌ها تقریباً در تمام موارد یک مرد قدیمی به حساب می‌آید که رفاه و امنیت خانه‌اش را در اولویت نخست برنامه‌هایش قرار می‌دهد. به این ترتیب بهترین جفت برای آنها یکی که عاشق خانه، با غچه و خانواده هستند محسوب می‌شوند. آقای اژدها قسمت اعظم خواسته‌های خانم مرغ را فراهم می‌کند و یک زوج ایده‌آل برای زندگی به حساب می‌آیند. مار دقیق به دلیل این که خانم مرغ در مورد پول فکرش خوب کار نمی‌کند، با پول برخورد عاقلانه دارد و زندگی خود با مرغ را در حد تعادل نگه می‌دارد. خانم مرغ هم وقتی موقعیت ایجاب بکند شهامت به خرج می‌دهد و از شوهر مارش حمایت می‌کند.

آقای خروس از خانم اسب خواستگاری نموده و او را به دست می‌آورد. آن دو به احتمال زیاد دارای فرزندان زیاد (تا سه بچه) و یک خانه زیبا خواهند بود. اما آقای خروس نباید زیاد کنجکاو و موشکاف باشد و باید به خانم اسب خود آزادی عمل بدهد. آقای موش بعد از ازدواج با خانم مرغ به

استراحت می‌پردازد و اجازه می‌دهد قوه تعقل وی کارها را به جلو ببرد. خانم مرغ از خنده و شادی خوشش می‌آید، و آقای موش هم انبانی پر از لطیفه‌ها، پس به آنها خوش خواهد گذشت. ببر دارای قلبی پرتلاطم و فغان‌کننده و در عین حال عشق است، لذا اگر وی با مرغ نکات مشترکی داشته باشد، ازدواج آن دو ممکن است دوام بیاورد.

جدول نحوه سازگاری مرغ یا خروس در ازدواج

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

آقای خوک خوشگذران هم ممکن است با خانم مرغ ازدواج نماید، ولی بعضی مواقع شکم پرست می‌شود. ضمناً بهتر است در سر میز غذاخوری از تعریف لطیفه‌های نامناسب خودداری کند.

آقای سگ وفادار رفتار خشنی با خانم مرغ نخواهد داشت، و ممکن

است بگو و بخند هم کم باشد، اما خانم مرغ حس نمک‌شناشی وی را می‌ستاید و احترام قایل می‌شود. با این حساب ممکن است زندگی مشترک خوب و حتی بهتری داشته باشند. ازدواج آقای میمون با خانم مرغ هم چندان تعریفی نخواهد داشت، البته تقصیر میمون نیست، جفت مناسبی محسوب نمی‌شوند.

گریه از زندگی در خانواده لذت می‌برد، اما مرغ‌ها یا خروس‌ها نمی‌توانند مشکل‌پسندی را تحمل نمایند. رعایت شئونات اخلاقی یک چیز است، و کوتاه‌فکری چیز دیگر. دقیقت در نظم و ترتیب گربه مرغ یا خروس را دیوانه می‌کند. تا این که می‌گویند: «نصیحت را بگیر! چه درست، چه غلط!»

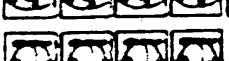
جفت مناسب مرغ، گاو است. هر دو نفر این‌ها از باغچه و آسایش لذت می‌برند، خانه هم اگر چندان تازه و مد روز نباشد، عیبی نمی‌کند. هر دو نفر این‌ها به عظمت روح و حسن تفاهم ارزش قایل می‌شوند. اما خانم مرغ گاهی علاقم‌مند می‌شود که اظهار عشق از سوی گاو کمی بیشتر ابراز گردد. متأسفانه آقای بز هیچ کدام از این خصوصیات را ندارد، و از آن هم که اعتقاد دارد پشتیبانی به عمل نمی‌آورد. بیچاره بز، اصلاً جفت مناسبی برای مرغ مبادی آداب نمی‌باشد. چینی‌ها عقیده دارند که زندگی مشترک دو نفر مرغ و خروس در زیر یک سقف، متظمن خوشی برای آنها نخواهد بود.

سال مرغ یا خروس چه تأثیری روی شما خواهد داشت؟ [سالی برای جد و جهد شرافتمدانه]

این سال برای خود مرغ یا خروس سخت‌کوش و عاشق صداقت، یک نعمت خدادادی محسوب می‌شود. بنابراین برای آن قبیل از انسان‌ها که با استفاده از تیزهوشی و دوز و کلک خود زندگی می‌کنند، سال خوبی نخواهد بود و آنها نخواهند توانست از حق الامتیازها و ثروت بادآورده خودشان بهره‌مند بشوند. و حتی بدتر از این‌ها آنها بی هستند که توسط کسان دیگر راه

و روش زندگی برایشان تعیین می‌گردد و خودشان به تنبیه عادت کرده‌اند و قادر به برطرف کردن مشکلات خودشان نمی‌باشند. خانم مار عاقل و منظم نیز هم در زمینه تجارت و هم در زمینه عشق با فاجعه مواجه خواهد شد. البته این خانم سراسر سال را کار خواهد نمود، ولی دست‌آوردهش در مقابل تلاش فراوانش ناچیز خواهد بود. گربه حساس و منظم نیز زندگیش را در مقایسه با زندگی یک خروس آن هم با حداقل تلاش، به کندی به جلو خواهد برد. وی به جای آن همه تلاش برای تقریباً هیچ، می‌تواند در خانه‌اش بماند و در مقابل بقایای آتش تمام شده بخاری استراحت نماید. میمون هنرمند نیز سال خوشی نخواهد داشت و با هر دوز و کلکی که به کار ببرد، خودش گرفتار خواهد شد. و بز هوسباز نیز که از تنبیه و استراحت توأم با رؤیاهاش خیلی دلخوش است، گاهی نوک تیز خروس را در پشت خود احساس خواهد نمود. و به خاطر هر بی‌عقلی و بی‌احتیاطی خود مورد سرزنش قرار خواهد گرفت. اما تمام سال را این چنین سپری نخواهد نمود. تمام دلربایی‌های آقای موش بدون پاداش نخواهند ماند، و نیک فطرتی و تیزهوشی وی باعث می‌شود تا به طور ناباورانه‌ای در اوج خوشی‌ها قرار بگیرد. گاو هم بدون شکست موفق خواهد بود. وی که محافظه‌کار و بی‌عاطفه می‌باشد، آینه تمام نمای خانم مرغ در همه جنبه‌هاست. به هر حال سال خوبی برای گاو است و اگر در نظر دارد که پیشرفت نماید و یا رئیس را برکنار نموده و خودش جای وی را بگیرد، این سال برای انجام این کارهاست. برای خوک قرص و محکم نیز سال خوبی است و اگر برکار کردن تأکید داشته باشد، کمبود پول یا عشق نخواهد داشت، و سال عالی برای ازدواج خوک است و در زمینه کاری هم با اقبال و خوشی مواجه خواهد بود. اسب ممکن است در این سال شغلش را عوض نماید، اگر این کار را بکند متأسف نخواهد شد. آقای ببر هم ممکن است از تغییر محیط خوشحال بشود، او ذاتاً یاغی است، بنابراین سال مرغ فرصت مناسبی برای

این قبیل آدم‌هاست تا تشکیل دار و دسته بدنه‌ند. اما اگر موفق نشوند، باید توان پس بدنه‌ند. آرمانگرایی سگ در سال مرغ خریداری نخواهد داشت، ولی حس وفاداری وی به دادش نخواهد رسید.

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بزر	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

اژدهای درخشان سالی به خوبی این سال نخواهد داشت، اما ممکن است وقت برای دلخوشی‌های عاشقانه اضافی کم بیاورد. به هر حال شکر نعمت او از این اندازه بالاتر نخواهد رفت. برای خانم مرغ هم سال خوبی خواهد بود، و پول پس انداز خواهد نمود. اما موفقیت وی بدون درگیری حاصل نخواهد شد.

مرغ‌ها یا خروس‌های مشهور در عرصه‌های:

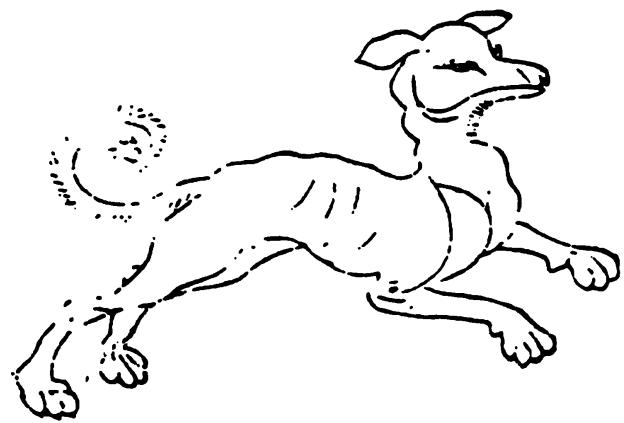
مَتْ باسبي	هنر:
رابين کازینز	کلوديو ابادو
استیو دیویس	فرنسیسکا انیس
نیک فالدو	ماریا ایتکن
استیفی گرف	فرنسیس پیکن
بروس گروبلاز	جِنْتِ پیکر
دانکن گودهیو	سیدنی بچت
دیوید گور	جو لین بریم
گلن هادل	دلیوس
پت جنینگز	مایکل فرین
جان ماتسن	پُنی گودمن
بابی رابسن	پتریشیا هیس
پل شاکموهل	ایلیا کازان
چین ٹرویل	آتو کلمپرر
ویرجینیا وید	دیوید لینچ
صنعت و سیاست:	
هاردی امایس	جلی رال مرتن
نیکولاں فیریبرن	سمیول پیس
جیمز گلدا سمیث	روم پولانیسکی
میشل هیسل تین	پیتر آستینوف
پیتر ایمبرت	وردى
تام کینگ	وگنر
کِن لیوینگ استون	ورژش:
	فرنز بکنباور

لِس دِيُوْسِن	استاواراس نایارکاس
استفن فرای	مری کوئانت
دایان کیتان	نسی رِگن
بیل کن رایت	رابرت رانسی
بَری نرمن	سلاطین:
نیکولا پِیگت	شاہزاده فیلیپ
چنی سیگزو	زرا فیلیپس
موسیقی پاپ:	هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:
الکی بروکس	مری آرچر
اریک کلپتن	جوآن پِیک ول
براین فری	مایکل پِنتین
جولز هالند	دیرک بوگارد
لایبر و استالر	ریچارد برایرز
یوکو اُنو	مایکل کین
دانی اُسماند	جسپر کروت
دالی پارتون	کریستافر گیزونوف
پیت تاون شِنند	جوآن کالینز
	تامی کوپر

سگ



1910	از ۱۰ فوریه ۱۹۱۰ تا ۲۹ ژانویه ۱۹۱۱ از ۲۱ بهمن ۱۲۸۸ تا ۹ بهمن ۱۲۸۹	1911
1922	از ۲۸ ژانویه ۱۹۲۲ تا ۱۵ فوریه ۱۹۲۳ از ۸ بهمن ۱۳۰۰ تا ۲۶ بهمن ۱۳۰۱	1923
1934	از ۱۴ فوریه ۱۹۳۴ تا ۳ فوریه ۱۹۳۵ از ۲۵ بهمن ۱۳۱۲ تا ۱۴ بهمن ۱۳۱۳	1935
1946	از ۲ فوریه ۱۹۴۶ تا ۲۱ ژانویه ۱۹۴۷ از ۱۳ بهمن ۱۳۲۴ تا ۱ بهمن ۱۳۲۵	1947
1958	از ۱۸ فوریه ۱۹۵۸ تا ۷ فوریه ۱۹۵۹ از ۲۹ بهمن ۱۳۳۶ تا ۱۸ بهمن ۱۳۳۷	1959
1970	از ۶ فوریه ۱۹۷۰ تا ۲۶ ژانویه ۱۹۷۱ از ۱۷ بهمن ۱۳۴۸ تا ۶ بهمن ۱۳۴۹	1971
1982	از ۲۵ ژانویه ۱۹۸۲ تا ۱۲ فوریه ۱۹۸۳ از ۵ بهمن ۱۳۶۰ تا ۲۳ بهمن ۱۳۶۱	1983
1994	از ۱۰ فوریه ۱۹۹۴ تا ۳۰ ژانویه ۱۹۹۵ از ۲۱ بهمن ۱۳۷۲ تا ۱۰ بهمن ۱۳۷۳	1995



سگ، سگ - من سگ خوب را دوست دارم -
خواه کش و قوس بدهد و یا بدرخشد -
تمیزی اش نوعی انبساط خاطرا است -
و یک گنجینه چهارپا است -
وانسان های قلیلی به وفاداری او هستند! -
اف اسکات فیتز جرالد و ادماند ویلسن

سال سگ



سال سگ یک دگرگونی بزرگ برای آنها بود خواهد بود که فکر می‌کنند می‌توانند با استفاده از هوش خود با اوضاع کنار بیایند. اگر به نظر برسد که بی‌عدالتی‌های بزرگ دنیا خیلی وقت است که بررسی نشده است، جرأت داشته باشید، حالا وقتی است. در این سال بیش از یک دست، شمشیر عدالت را از روی خشم به دست خواهند گرفت و بیش از یک جفت پا به روی خودخواهی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها کوییده خواهد شد. سال سگ شاهد پیدایش یک جامعه غمخوار و دلسوز خواهد بود، که در آن مردم مایل به رسیدگی به مظلومیت‌های پایمال شده و نبرد برای احراق حقوق مظلومین خواهند بود.

سال سگ تعادل را در همه جا حفظ خواهد نمود. در این سال دارایی‌های بادآورده فردی کاهش خواهد یافت تا کم و اندازه باشد، از اضافه پرداختی‌ها خبری نخواهد بود، شب‌های پر عیش و نوش وجود نخواهد داشت. در این سال ارزش‌های واقعی زندگی مقدم بر دارایی‌های زندگی خواهد بود. حالت روحی مردم همه جا یکسان خواهد بود، یعنی بحث‌های جدی در مورد شئونات اخلاقی در رأس همه چیز قرار خواهد گرفت. یک فلسفه مراقبت از عموم به تدریج جای مراقبت هر فرد از خود را خواهد گرفت. و حرف‌های تکراری سیاستمداران دروغگو که فقط به

فکر خود هستند، کمتر پذیرفته خواهد شد. در سال ۱۹۴۶ اجلاسیه سازمان امنیت در شهر نیویورک برای بار اول افتتاح شد. ایتالیایی فاشیستی بعد از از هم پاشیدن اعلام جمهوری کرد. در سال ۱۹۵۸ پایه‌های بازار مشترک نهاده شد و در همان سال لرد راسل بیانیه خلع سلاح هسته‌ای را اعلام نمود. شکی وجود ندارد که سال سگ خواهان اتحاد، مکتب مساوات بشری و اهداف شرافتمندانه عمومی خواهد بود. در این سال اشخاص نمک‌شناس و وفادار می‌توانند با قاطعیت حرف‌های خود را به گوش همه برسانند. اما به خاطر داشته باشید که کسی که از ما حس نمک‌شناسی و وفاداری را می‌خواهد، از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. مثلاً در آلمان سال ۱۹۳۴ هیتلر مردم را به طرفداری و وفاداری از خود دعوت می‌کرد و در نقطه مقابل آن در سال ۱۹۷۰ دکتر سالوادور آنله به صورت آزاد به ریاست جمهوری سوسیالیستی و مارکسیستی شیلی برگزیده شد.

برای تمام آرمان‌گراها سالی پر از شادی خواهد بود. اما بیش از اندازه به چیزهای غیرمعقول دل نبندید. زیرا قسمت اعظم انرژی ما صرف به راه راست هدایت نمودن دنیا خواهد شد بدون این که رفاه آن را تأمین کرده باشیم. ضمناً اگر سال بدی برای حاکمان مستبد و ظالم است، سال بدتری برای سرمایه‌داران نوکیسه خواهد بود. در این سال اهمیتی به پول و ثروت داده نمی‌شود. و تمام آحاد ملت اعم از ثروتمند یا فقیر بدون در نظر گرفتن میزان دارایی و حساب بانکی آنها تحت اصلاحات مدنی قرار می‌گیرند. سرمایه‌داران همه جا باید کمریندهای خود را سفت بینندند، و بعضی از سرمایه‌داران و تجار چنان لاغر می‌شوند که به کلی محرومی شوند. در اوایل ۱۹۸۲ شرکت خطوط هوایی لیکر و کارخانه اتومبیل‌سازی ژان دو لورین ورشکست شدند. خیلی از اشخاص سرشناس و اقمار آن‌ها از بین می‌روند، اما این جنگ و جدل‌ها بعد از محو فاسدین به زودی خاتمه می‌یابد و آرامش برقرار می‌گردد و فتح و پیروزی نصیب حامیان آزادی می‌گردد. در

سال سگ ممکن است سود چندانی عاید نشود، ولی کمبود عدالت وجود نخواهد داشت. تمام این رویدادها خواست خداوند است و کسی نمی‌تواند مانع آن بشود. زیرا خداوند در نظر دارد به بی‌عدالتی‌ها و ضدمردمی‌ها و حکومت اویاش و ارادل که به زور ارعاب بر مردم مسلط شده‌اند خاتمه بدهد.

شخصیت سگ



در رختخوابتان به خواب عمیق فرو بروید. آرمانگرای مراقب را
وارد کنید یعنی سگ را وارد کنید.

از همان آغاز هیچ حیوانی به اندازه سگ وفادار و قابل اعتماد با هوشیاری و صمیمیت کامل به انسان خدمت نکرده و خود را شریک در امورات وی ندانسته است. همه این‌ها به هر شکل و اندازه‌ای که باشند، دارای حس وفاداری و شرافتمندی قوی هستند که بر همه چیز می‌چربد. و اخلاص از چشمان آنها می‌باشد.

فیلسوفان، فلاسفه اخلاق و قهرمانان شکست خورده که تحت علامت سگ متولد شده‌اند، هرگز راضی نمی‌شوند که در حاشیه واقع بشوند. این‌ها ساده نمی‌نشینند و به دفاع از تغییرات قانع نمی‌شوند، بلکه با جد و جهد فراوان به دنبال بی‌عدالتی‌ها گشته و با قاطعیت و حس هدفمند بی‌نظیر خود با آن به جنگ می‌پردازند. سگ‌ها خیلی اغلب بیش از سهم خود، انرژی صرف جدا نمودن صره از ناصره در تمام زمینه‌های مذهبی و سیاسی و اجتماعی ما که دچار فساد شده‌اند، می‌کنند. سگ مصمم با صدای صاف و

اغلب عصبانی خود خواهان داشتن حق بیان و آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی می‌شود. و اگر خواسته‌های وی از او مضایقه شود، او خود شخصاً رسانه‌های گروهی خود را راه خواهد انداخت و هیچ قدرتی در جهان قادر به جلوگیری از سخن پراکنی وی درباره آزادی، عدالت و برابری برای همه نخواهد بود، زیرا نظر خداوند به این امر افتاده است.

اگر شما متولد سال سگ هستید، شریک افتخار قهرمانان بزرگ حقوق بشر خواهید بود. تنها قدیسه زنده دنیا، مادر ترزا^(۱) یک سگ است که در کلکته زندگی می‌کند، بریژیت باردو، هنرپیشه سابق سینمای فرانسه نیز سگ است که قانون حمایت از حیوانات وی در سطح جهانی پذیرفته شده است. همین طور است مادر اسرائیل یعنی بانو گلدا مایر و دکتر کریسین بارنارد.^(۲)

سگ‌ها علیرغم شهامت فراوانشان و علاقه شدیدشان به تسکین آلام دیگران، اغلب نیاز به راهنمایی دارند. اگر سگی را به حال خود واگذار کنند، اگر از آنها باید باشد که در تصمیم‌گیری ضعیف باشد، اغلب سردرگم و سرگردان می‌شود. اما سوژه‌های فراوانی برای جلب توجه و خط دادن به آنها وجود دارد. یکی از مشهورترین این گونه سگ‌ها که سوژه‌ای او را به مسیرش هدایت نمود سر وینستون چرچیل، خدای جنگ انگلستان است. وی قبل از قبول سمت نخست وزیری و وزیر دفاع انگلستان در آغاز جنگ جهانی دوم، شغل‌های معمولی متعددی داشت و مطابق سلیقه خود از این حزب به آن حزب می‌رفت و حتی زمانی ماهاتما گاندی را «آشوبگر متظاهر

۱- مادر ترزا در اوایل شهریور ماه ۱۳۷۶ همزمان با شاهزاده خانم دایانا که در اثر سانحه اتومبیل درگذشت، وفات یافت. م

۲- دکتر بارنارد در شهر جوهانسبرگ آفریقای جنوبی اولین تعویض قلب در تاریخ را انجام داد. م

نیمه عریان» لقب داده بود. اما تصمیم راسخ هیتلر به از بین بردن آزادی‌ها، از چرچیل یک مرد آهنین سیاسی برای حمایت و دفاع از آزادی انسان‌ها ساخت که در عصر نو نظری ندارد. وی در موقع تشکیل کابینه‌اش گفت: «من چیزی غیر از تلاش، نثار خون، اشک و عرق ریختن ندارم که ارائه بدhem.»

وقتی خطوط کاری و وظایف یک سگ مشخص شد، وی از سختی و دشواری و پست بودن آن باکی به خود راه نداده و تا به آخر پیش می‌رود. وقتی وفاداری سگی را جلب نمودید، البته این کار به این سادگی‌ها نمی‌باشد، هرگز حاضر نخواهد شد آن را با چیزی عوض نمایید. کتاب‌های تاریخ پر از ماجراهای از جان گذشتگی سگ‌هاست، البته شهامت و پایمردی به کار رفته نیست که ما را جلب می‌کنند، بلکه تأثیر عمیق آن است. به هر حال باید در برخورد با وفاداری سگ مراقب بود، زیرا وقتی بی‌پاسخ بماند، واکنش این حق‌نشناسی را به اولین کسی که به وی نزدیک بشود، نشان خواهد داد، اگر از احساسات او سوء استفاده کنید، هرگز نمی‌بخشد و فراموش نمی‌کند. آدم‌های سگ به ابراز دوستی‌های کم‌ارزش پاسخ نمی‌دهند، و اگر رابطه وی باکسی به طور جدی قطع بشود، هیچ چیز آن را ترمیم نمی‌کند. و این تقصیر شما خواهد بود که اعتماد او را از خود سلب نمودید. زیرا سگ‌ها از راه شرافت و درستکاری منحرف نمی‌شوند و سر در راه شما فدا می‌کنند، پس چرا این را نمی‌پذیرید؟ اگر رابطه‌ای با یک سگ دارید و اعتماد او به دلایلی جریحه‌دار بشود، ممکن است وی تبدیل به دشمن قسم خورده شما بشود.

وقتی دست رد به سینه سگی گذاشته شود، هم برای خود خطرناک می‌شود و هم برای اطرافیانش. سگ‌ها اغلب تحمل ناملایمات و تنیبه‌های غیرقابل توجیه و حتی خشونت را دارند، اما زمانی می‌رسد که حتی صمیمی‌ترین دوست آدمی سر تقریباً هیچ و پوچ از آدمی می‌برد و قطع

رابطه می‌کند. پس ضمن داشتن صفات عالی، جنبه سیاهی هم دارند. ضمناً باید قبول کنیم که بعضی وقت‌ها سگ‌ها واقعاً شریر می‌شوند و خیلی از قاتل‌های بی‌رحم سگ بوده‌اند.

سگ که لجوج، پراحتیاط و همیشه مراقب است، از عدم واکنش سریع و به موقع ما در مقابله با بی‌عدالتی‌ها، انتقاد می‌کند. ولی موقعی نیز پیش می‌آید که وی در مقابل اقدامات انجام یافته آخرین فردی می‌شود که اظهار نظر می‌کند. ولی اغلب خارج از نوبت اظهار نظر می‌کند که باعث انتقاد بعضی‌ها قرار می‌گیرد. باید این را به خاطر داشته باشیم که سگ روش ساده‌ای برای خشنود کردن اطرافیان خود دارد. ولی به خاطر ترس از این که گمان نرود که او حداکثر سعی خیراندیشانه خود را به عمل نمی‌آورد بر نگرانی‌اش دوچندان افزوده می‌شود، و باعث می‌گردد، برای اطمینان دادن به شما که وی مراقبت و سعی خود را به عمل می‌آورد، خارج از نوبت و بدون تعمق حرفی را به زبان بیاورد. از سوی دیگر نگرانی سگ نشان‌دهنده کمبود اعتبار شخصی خودش است که زیربنای حسن بدینی مزمن او را تشکیل می‌دهد. آنها بی‌که در سال سگ متولد می‌شوند دایم‌اً در نگرانی رویدادهای بد بسر می‌برند. این‌ها اولین نفرهایی می‌شوند که در مورد هوای بدی که داشتیم اظهار نظر می‌کنند، یا در مورد تعداد انسان‌هایی که گرفتار گرسنگی هستند و همچنین سیل‌هایی که آمده، قحطی‌ها و دیگر بلایا مطالبی را به ما گوشزد می‌کنند که از فطرت خیراندیشانه آنها ناشی می‌شود.

سگ‌ها در موقع عدم اطمینان از اوضاع حتی به موضوعات کم اهمیت نیز تیزبین می‌شوند. مسایل کوچک به نظرشان بزرگ جلوه‌گر می‌شود. و وقتی موضوع کوچکی بزرگ گردید، تبدیل به یک عقده روحی می‌گردد و در راستای اصلاح آن ممکن است مسئله را بدتر هم بکند.

به هر حال وقتی سگ‌ها در مورد موضوعی اطمینان کامل یافتند، به یک دوست و یاور تسلی یافته تبدیل می‌گردند. موقعی که به کمک یا تسلی خاطر

نیاز داشته باشد، سگ زودتر از دیگران خودش را به بالین شما می‌رساند. وقتی یکی از اقوام فوت نماید، سگ اولین کسی است که تسلیت می‌گوید، گل می‌فرستد، دلداری می‌دهد و موقعی که پی ببرد راه افراط را طی کرده است، کمی خودش را عقب می‌کشد و به اظهار همدردی و نگرانی می‌پردازد.

سگ‌ها علیرغم زاده شدن در تحت علامت آرمانگرایی، عشق زیادی به گپ زدن و دلخوشی دارند. وقتی در مورد موضوعات عمومی بحث و صحبت نماید صدای ساده و ملایمی دارد، اما زمانی که به صحبت‌های بعد از نهار خود بپردازد، صدایش طنین خاصی به خود می‌گیرد. مدتی پیش امتیاز نوشتن متن فیلمنامه‌ای را برای دیوید نیون به ما دادند. او بعد از نهار مفصلی که لذیذترین نهار عمرم بود، از همکار آن دوره‌ام جان ولز (وی متولد سال گربه است) و من خواست تا مطالبی درباره موضوعی که وی آن را «منشاء یک ایده» نامید، بنویسیم. و بعداً پی بردم که منظور او از کلمه منشاء، جنبه کلی آنست. به هر حال وی دارای شخصیت ممتاز و انساندوست به تمام معنی می‌باشد که اکثراً در میان متولدین سال سگ مشاهده می‌شوند.

سگ‌ها اغلب به پول و ثروت دل نمی‌بندند، ولی بعضی‌ها به مال و منال می‌رسند. ضمناً چنین به نظر می‌رسد که تلاش آنها برای تحریر مکنت به نحوی معکوس عمل می‌کند و شанс آنها را جهت ثروتمند شدن افزایش می‌دهد. زمانی که گمان می‌رفت الیس پرسلی یکی از ثروتمندترین مردان روی زمین باشد، مانند یک مرد بی‌چیز زندگی می‌کرد و با خوردن همبرگرهای ۱۰ سنتی^(۱) و حتی غذاهایی که ممکن است افراد گرسنه هم از

۱- هر دلار شامل صد سنت است و یک سکه ۱۰ سنتی معادل ۷ ریال از قرار دلار هفت تومانی آن زمان بود. م

خوردن آنها ابا نمایند، شکم خود را سیر می‌کرد که ناشی از قناعت طبع این‌هاست نه از روی خست!

از خصوصیات دیگر سگ‌ها این است که از برخوردهای مغشوش دوران عشق و عاشقی، شدیداً متأثر می‌شوند. ضمناً علیرغم این که ذاتاً به فکر پیدا کردن ایرادات خود و اطرافیانش و اصلاح آنهاست، اگر از وی بخواهند که حس وفاداری خود را به طور علنی بروز دهد، ناخرسند می‌شود. عشق واقعی، از آن نوعی که فقط مورد علاقه سگ‌هاست، بندرت بدون برداشتن قدم‌های بلند در مجھولات شخصی حاصل می‌شود. یوری گاگارین، اولین انسانی بود که به فضارفت یک سگ است، شواهد حاکی از آنست که سگ‌ها در مواجهه ناشناخته‌ها با شجاعت برخورد می‌کنند، اما مواجه شدن با اسرار مربوط به قلب به مراتب سخت‌تر از مال فضاست. سگ‌ها در آمار وارقام و رو در رو شدن با مشکلات و کارهای جسمانی قوی هستند، اما وقتی با عشق مواجه می‌شوند، هاج و واج می‌مانند. بعد از ازدواج هم مرتبأ از عدم همطرازی و دقت جفتش با آرمان‌های خود انتقاد می‌کند. و نتیجه آن متأسفانه اغلب به جدایی می‌انجامد. سگ‌ها با نیک فطرتی ذاتی که دارند، دائماً به فکر ضعفا هستند و اگر همسر وی بخواهد خواست‌های خود را برتر از رسیدگی وی به ضعفا به وی تحمیل نماید، متأسفانه آخرشان به دادگاه حمایت از خانواده و طلاق می‌انجامد. خانم او (حوا) گاردنر و زس‌گابور سگ هستند و تاکنون نتوانسته‌ام تعداد طلاق گرفته‌های گابور را به طور دقیق بدانم.

خانه سگ‌ها خصوصاً بانوی سگ، خواه مجرد باشد و خواه متأهل به صورت مرتب و منظم مبله خواهد شد. خانم‌های سگ مبلمان ساده‌ولی اشرافی را ترجیح می‌دهند، و نمونه‌های جالبی را اغلب از حراجی‌ها می‌خرند و بعد نونوار می‌کنند. در نتیجه خانه یک سگ پر از اشیاء آنتیکی که زیاد تو چشم نزنند می‌باشد. ضمناً از نقاشی‌ها، نوشته‌جات و عکس‌های

قدیمی خوششان می‌آید. سلیقه آنها در لباس نیز مانند سلیقه‌شان در تزیینات داخلی خانه‌شان است. از لباس‌های ساده ولی از جنس طبیعی اعلا استفاده می‌کنند- پشم، پنبه و کتان، پس به جای استفاده از این‌ها چرا از پارچه‌های مصنوعی مصرف نمایند؟ لباس‌های روزمره آنها ظاهر کهنه و مندرس خواهد داشت، اما وقتی به خانم سگ که لباس رسمی و مهمانی به تن نموده است با آن همه زینت‌آلات و آرایش موی سر و صورتش، نگاه بکنید، او را نخواهید شناخت و از خودتان خواهید پرسید: «این واقعاً خود اوست؟»

سگ‌ها به دلیل حس وفاداری خود، والدین‌شان را هرگز ترک نمی‌کنند. در واقع اگر کسی از اقوام مریض بشود، سگ مرتبأ به وی سرزده و هر کاری که از دستش بیاید، جهت رفاه و آسایش او به عمل می‌آورد. ضمناً با پیر و جوان به طور یکسان کنار می‌آیند و از این لحاظ بهترین پرستارها را تشکیل می‌دهند، و زمانی که بخواهند به دنبال شغلی بگردند، باید کاری را انتخاب بکنند که نیاز به حس وظیفه‌شناسی و آرمانگرایی دارد. به هر حال هر کاری را که انتخاب بکنند، صداقت و آرمانخواهی وی، ارزش او را بالا خواهد برد.

مراحل سه‌گانه زندگی سگ در اثر نگرانی وی از اوضاع پرطنین و گاهی پر از صدمه خواهد بود. بچه سگ وظیفه‌شناس خواهد بود و از خانه زیاد دور نمی‌شود. با وجود این‌ها اهل بحث و جدل بوده و اگر احساس کند که کار خلافی به عمل آمده علیه مقامات مسئول اقدام می‌نماید. و در سنین میانسالی تمايل دارد آدم‌ها را در طبقات خاص لياقت آنها قرار دهد که شامل خودش هم می‌شود. در نتيجه اين خاصيت انعطاف‌ناپذيری دايماً خودش را به درد سر می‌اندازد مگر با دوستان نزديك و اقوام خود که به نيك فطرتی و عادلانه انديشيدن وی واقف هستند. دوران پيری اين‌ها نيز چندان راحت نخواهد بود و زمانی به خود می‌رسند که می‌بینند به تنها ي

نشسته‌اند و افسوس می‌خورند که اگر چنان نمی‌شد حالاً چه وضعی می‌داشتم؟ چینی‌ها عقیده دارند که سگی که در طول روز متولد بشود زندگی آرام‌تری نسبت به سگی که در طول شب به دنیا بیاید خواهد داشت. اما پیام ما واضح است: اگر سگ هستید در زمانی که توانش را دارید به شادی و آوازخوانی بپردازید، و تا موقعی که نیرویش را دارید با ناملایمات بجنگید، و زمانی که عشقی عرضه می‌شود از آن بهره‌مند بشوید. زیرا فردا خیلی دیر است.

سگ به عنوان والد

سگ خودش را موظف می‌داند که بچه‌هایش را نیز مانند خودش با اخلاق انسان‌دوستی، احترام به عدالت و حس وفاداری تربیت نماید. این موضوع در مورد والد سگ و دختر بز به فال نیک گرفته نمی‌شود. زیرا گوش دختر به نصایح حکیمانه پدر بدھکار نبوده و پایش را به زمین می‌کوبد و خواهان انجام کارهایی که خودش می‌پسندد می‌شود. اما پدر هم به حرف‌های او گوش نمی‌دهد و به کارش ادامه می‌دهد. دختر نیز به سخنان خوب و بد پدرش می‌خندد و این موضوع باعث بحث و جدل بین آن دو می‌شود، تا این که بز از خانه فراری می‌شود. بچه مار هم تحت سرپرستی سگ دچار عذاب می‌شود. علایق این دختر در زیبایی و عقل خلاصه می‌شود، والدین سگ او هم موقعی از این موضوعات لذت می‌برند که سبب‌ساز و عدالت‌آور باشند. و از سوی دیگر سگ از دختر خود خواهان اقدامات عملی‌تر می‌شود که از توان او خارج است. با این حساب روابط حسنی نخواهند داشت. از سوی دیگر سگ فرصت کمی برای پرداختن به پسر اژدهای خود خواهد داشت. اژدهای نوجوان که مغدور مهارت‌ها و خودمحوری خویش است والدین سگ را آن قدر از خود بیگانه می‌کنند که

بالاخره ارتباط بین آنها قطع می شود.

جدول نحوه سازگاری سگ با بچه هایش

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بزر	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

به هر حال سگ پدر به طور حتم فرصت برای پرداختن به پسر گاو مت佛کرش که با عزم راسخ پیشرفت می نماید، خواهد داشت. پدر طرح هایی را برای پسر گاو ش تهیه خواهد نمود، اما گاوها دوست ندارند کس دیگری به جای آنها تصمیم گیری نماید. با این حساب این دو به عنوان پدر و فرزند یک دنیا از هم فاصله دارند. بر عکس او، بچه خوک واقعاً بجا می باشد، و هر طرحی را که پدر بریزد، مناسب وی خواهد بود. این بچه خوک خواه در مدرسه عمومی درس بخواند و یا از محیط جامعه کسب معلومات نماید، حداکثر دانش اندوزی را به عمل می آورد و از سوی دیگر سعی می کند زندگی

خصوصی کوچک خود را پوشیده نگه دارد. برای پسر موش نیز دلخوشی زیادی پیش‌بینی نمی‌شود، اما لحظاتی را با دقت کامل انتخاب نموده و چندین بار از کتاب‌های خوب بهره‌مند خواهد شد. میمون هنرمند هم مجبور می‌شود برای دور ماندن از درد سر، از هوش خود استفاده نماید. ضمناً باید بداند که اگر پدرش او را در حال ناخنک زدن به مریاها گیر بیاندازد، با میله آهنی تنبیه خواهد نمود.

بچه مرغ‌ها یا خروس‌ها نیز مشکلات خودشان را خواهند داشت. زیرا در خانه سگ جایی برای بچه خروس پرتکبر و لافزن و دختر مرغ غرغرو وجود نخواهد داشت. این‌ها فقط دارای حسن تفاهم خواهند بود، یعنی حس شرافتمندی خروس با والدین سگ خود کاملاً سازگار است.

دختر اسب سرزنه و بذله‌گو به راحتی محبت پدرش را به سوی خود جلب می‌کند. وی از امکانات موجود استفاده می‌کند، لیکن دشیرین می‌زند و به محض آماده بودن، خانه را ترک می‌کند. بچه گربه از احساسات حق‌شناسی قوی والدین سگ خود بهره‌مند می‌شوند. و تحت سرپرستی پدرش احساس اطمینان می‌کند و فکر می‌نماید بهتر می‌تواند با مسایل بزرگ زندگی کنار بیاید. و از نظر اجتماعی قابل اعتمادتر بار می‌آید. پسر ببر نیز خانه پدر را زود ترک می‌کند. ضمناً یاد می‌گیرد چگونه هم شتابزدگی خود را و هم کله‌شقی خود را در مسیر مفید به کار اندازد. بچه سگ بهتر از بقیه مورد محبت قرار می‌گیرد و همه گونه راهنمایی قابل تصور در حق او به عمل می‌آید. لذا والدین سگ و بچه سگ از هم جدا نمی‌شوند و تعداد آنها هر چقدر زیادتر شود، بر شادکامی آنها افزوده می‌شود. خوشابه حال سگ‌ها.

سگ از نظر شغل و پیشه

تجزیه و تحلیل زندگی سگ‌ها نشان می‌دهد که ثروتمند شدن آنها از راه نامشروع بسیار ضعیف است. سگ‌ها نه می‌توانند بدھی جمع‌کن باشند و نه محترک. اما اگر سگی مصمم است که وارد بازار کار شود، بهتر است با یک خوک سختکوش و شرافتمند شریک بشود. بدین طریق سرمایه‌گذاری وی قرین سود خواهد بود و خوک هم از خاصیت مراقبت فطری سگ بهره‌مند خواهد شد.

سگ‌ها باید قویاً از میمون‌ها دوری گزینند، زیرا میمون موذی فکری به جز کشاندن سگ بسیار به کارهای خلاف نخواهد داشت. سگ‌ها از خروس‌ها نیز باید اجتناب نمایند، زیرا خروس‌ها دوست دارند در صحنه تجارت خود را موفق جلوه بدهند و سگ‌ها چنین نیستند. ببر روشنفکر و ماجراجو ممکن است حس دفاعی سگ را در سایر زمینه‌های زندگی تحریک و به فعالیت وادارد، اما در زمینه امورات مربوط به پول و دارایی خواهان برخورد مثبت‌تر می‌شود که سگ‌ها ععمولاً فاقد آن هستند. سگ‌ها در موقع شراکت شغلی با اژدها نیز در اثر داشتن حس بدبیینی، مانع پیشرفت می‌شوند. زیرا اژدها مقدار زیادی به خوداتکایی خویش جهت پیشبرد کارها متکی می‌شود و از داشتن شریکی که مرتبأ به دام‌های نهفته در سر راه معاملات اشاره بکند خوش نمی‌آید. مار غیرفعال هم به جاذبه شخصی شریکش بیشتر نیاز دارد تا به دودلی در کارها. در نتیجه مانند اژدها او نیز به زودی خسته می‌شود. بز دم‌دمی مزاج نیز وقتی اوضاع به خوبی پیش نرود مانند یک تاجر عبوس جلوه‌گر می‌شود. از سوی دیگر به دلیل عدم وارد بودن به حساب و کتاب این خانم بز، مشکل است معلوم نمود که سگ چپ‌گرا با بز راست‌گرا چه نوع شغلی را باید به شراکت دایر نمایند- آیا یک بار مارکسیستی بازنمایند؟

جدول نحوه سازگاری سگ در شغل و پیشه

موس	
گاو	
ببر	
گربه	  
اژدها	
مار	
اسپ	  
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	 
خوک	   

گاو می‌تواند تمام کار را اداره نماید، اما این کار باید مال شخص خودش باشد. و هیچ قسمت از آن را با سگ شریک نمی‌شود، زیرا چشم دیدن هم‌دیگر را ندارند. در واقع گاو حتی حضور سگ در صندلی دیگر شرکت را حس نمی‌کند. اما سگ در مورد مous همه چیز را حس خواهد نمود و سؤالی که از خود خواهد پرسید این است: «پس چرا صندلی او خالی است؟» البته مous هم توضیح خواهد داد که جهت گرفتن سفارشات به بیرون رفته بود. مous افسونگر این بار هم با گفتن این دروغ خود را از مخصوصه خلاص نموده است. اما داستان طولانی بین گربه و سگ وجود نخواهد داشت. گربه بوی یک معامله خوب را از دور استشمام می‌کند و سگ هم مراقب اوضاع می‌شود تا معامله سر برگیرد. با وجود این‌ها پول و

پله کلانی نصیب این دو نمی‌شود، در چنین صورتی با درآمد کم ولی راحت زندگی می‌کنند. اسب اصیل و سخت‌کوش هم مانند سگ یار و همکار خوب انسان‌هاست و همیشه مشتاق خدمت است. با این حساب سگ و اسب نکات مشترک فراوانی دارند و تا زمانی که هر کدام سرشان مشغول است به خوبی با هم کار می‌کنند. لذا اگر به کشاورزی، گلکاری بپردازند و یا شرکت حمل و نقل دایر نمایند به نفع شان خواهد بود.

دو نفر سگ فقط یک اختیار به رویشان گشوده است: «شرکت مراقبت‌های شبانه با مسئولیت محدود!»

سگ در عشق و عاشقی

سگ نیک فطرت و باوفا احساس می‌کند که در زمینه امورات مربوط به قلب بهتر می‌تواند خودی نشان بدهد تا در دنیای دروغین تجارت. آقای اژدها به زودی اسیر زیبایی و نگاه مضطرب خانم سگ می‌شود. اما به زودی از سوالات مکرر وی درباره روابطشان خسته می‌شود، و ضمناً از انتقاد مستقیم خصوصاً اگر شخص مورد نظر خودش باشد، خوشش نمی‌آید. بنابراین سگ‌ها و اژدهاها باید از همدیگر اجتناب نمایند.

خانم سگ عاشق افسونگری موش می‌شود و رابطه عشقی آنها به ثمر می‌رسد، اما خانم‌های سگ باید بدانند که موش‌ها در اظهار عشق و علاقه خیلی زبردست هستند. این موضوع در مورد ببر نیرومند نیز صادق است، اما تقاضای سگ برای صداقت ممکن است گوش شنواهی نیابد. خانم خوک احساسات سگ را تحریک می‌کند و در میان انواع روابط این بالارزش‌ترین خواهد بود. ضمناً این خانم حس نگرانی آقای سگ را به مسخره نخواهد گرفت. بر عکس از این که بتواند توجه او را به موضوعات دیگر منحرف نماید، به خود خواهد بالید. مطابق این شرایط، رابطه آقای سگ با خانم

اسب خوب است. وی خیلی بذله گو و دلربا خواهد بود و خیلی با بی رحمی آقای سگ را اذیت خواهد نمود ولی آقای سگ اصلاً ناراحت نخواهد شد.

جدول نحوه سازگاری سگ در عشق و عاشقی

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

خانم گربه خیلی حساس و مرتب است، و تقاضاهای وی ممکن است سگ را کمی دچار مشکل نماید، اما وی هر تلاشی را که از دستش بیاید، در راه ارضای خانم گربه مضایقه نخواهد کرد، زیرا از نظر وی خانم گربه خیلی جذاب است. اما باید خیلی تلاش بکند تا بتوانند دل او را به دست آورند.

خانم سگ ممکن است خیلی آسان گرفتار عشق گاو بشود، زیرا به نظر وی، او خیلی قوی و با اراده است و کسی است که درک می کند. بلی آقای گاو درک می کند، اما همان طور که خانم سگ درمی یابد، وی اهمیتی نمی دهد.

وقتی آقای سگ و خانم مرغ به هم برسند، نشانی از لذت و دلخوشی مشاهده نخواهد شد. به هر حال خدا را شکر! آقای میمون مانند آقای اژدها، خانم سگ را زیبا می‌یابد که در واقع همین طور هم است. اما بیش از اژدها به حرف‌های طولانی وی در تجزیه و تحلیل مسایل گوش خواهد داد. و حتی ممکن است آنها را جالب هم بداند. اما آقای سگ وقتی عاشق خانم مار می‌شود، باید در موقع راه رفتن با مار مراقب باشد. علاقه خانم مار به عشق رماتیک و مراقبت وفادارانه او، ممکن است با هم تصادم نمایند. و اگر خانم مار حلقه کمند خود را کمی سفت‌تر نماید، آقای سگ شانس کمی برای خلاصی خواهد داشت. ضمناً آقای سگ باید از گرفتار شدن در دام عشق خانم بز دوری گزیند، زیرا این خانم از وی تقاضای عشق رماتیک خواهد نمود، و سگ هم از شعر و شاعری اطلاعی ندارد.

هیچ چیز نمی‌تواند دو تا سگ را از عاشق شدن به یکدیگر بازدارد، اما باید نگرانی‌های خود را در موقع رسیدن به هم کنار بگذارند.

سگ از نظر ازدواج

سگ‌ها اعم از خانم یا آقا، برای این که در ازدواجشان موفق شوند، نیاز به فردی دارند که با رضایت خاطر حس بدینی و دودلی این‌ها را بر خود هموار نماید. و در عین حال آنقدر قدرت داشته باشد که بتواند در آرمان‌های والای سگ‌ها شریک بشود. ببر خوشدل جفت کاملی برای سگ محسوب شده و با تمام جنبه‌های طبیعت دشوار این‌ها کنار می‌آید. خانم ببر هر موقع آقای سگ در اقداماتش سست بشود، او را تشویق و ترغیب می‌نماید و خود را وارد نبردی که سگ تمام حیثیتش را روی آن گذاشته، می‌کند. خوک خوشگذران هم جفت خوبی برای زندگی مرغ و مجلل با سگ می‌باشد. درست است که خانم خوک ممکن است در اظهار نگرانی‌های آقای سگ

هم دردی نکند، اما فکر می‌کند که همیشه چیزهای دیگری وجود دارد که بتوان جایگزین آنها نمود و توجه او را به سوی این‌ها، مثلاً یک کباب لذیذ و یا خوراک دل و جگر خوشمزه جلب نمود.

خانم اسب سازگار آقای سگ را در لحظات بحرانی و سخت با استفاده از هوش و دلربایی خود تسکین می‌دهد، و حتی ممکن است به او درس اعتماد به نفس هم بدهد. خانم گربه قدرشناس نیز از میزان نگرانی آقای سگ می‌کاهد و او بیش از آن حدی که قبل از ازدواج توقع داشت به آرامش و استراحت می‌رسد. در اینجا شاهد یک زندگی شاد خانوادگی می‌شویم. اما در رابطه با آقای گاو خیره‌سر و خانم سگ چنین شادمانی در کار نخواهد بود. در این حالت خانم سگ خود را تنها و رها شده خواهد یافت تا با روزگار سیاهش بسازد و صدای اعتراضش درنیاید. موش سازگار در ابتدای باعث هیجان سگ می‌شود، اما در مقابل اشتباهات خیلی زود غرولند می‌کند که در زندگی سگ‌ها ممکن است خیلی موقع پیش بیاید. آقای سگ مستله‌ساز موجود جذابی برای خانم بز خودرأی نخواهد بود. و چون حوصله‌تر و خشک کردن سگ را ندارد، با گفتن یک متشرکم خانه را ترک خواهد نمود. خانم مرغ ممکن است بتواند با آن روی تیره آقای سگ بدون زحمت زیاد بسازد، اما آقای سگ شاد نخواهد شد؟

آقای سگ با خوشحالی به سوی خانم می‌مون کشیده می‌شود، و هر کاری که از دستش برپیاید برای شادی او انجام می‌دهد، ولی آیا صحیح است که به هر ساز کوچک او برقصد؟ من که چنین فکر نمی‌کنم. خانم مار هم از حس وفاداری و شرافتمندی سگ خوشش آمده و این‌ها را زمینه خوبی برای ازدواج به حساب می‌آورد، اما در این حالت خاصیت جذب دو قطب مخالف پیش آمده است، در نتیجه در پایان کار هر کدام به راه جداگانه خود می‌رود. سگ پاکیزه هیچ گونه نکته مشترکی با اژدهای لافزن ندارد، و بدترین افراط‌کاری‌های او در چشمان حقیقت‌بین سگ بزرگتر جلوه

خواهند نمود.

جدول نحوه سازگاری سگ در ازدواج

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

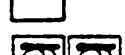
ازدواج آقا و خانم سگ شانس زیادی برای موفقیت دارد، خصوصاً اگر دارای یکی دو فرزند برای سرگرم شدن داشته باشند که فکر آنها را از نگرانی به خاطر نامردی‌های مردمان تازه به دوران رسیده، باز دارد. در این حالت یک تیم قوی برای انجام کارها و نبرد با بی‌عدالتی به وجود می‌آورند، اما نباید خارج از نوبت از یکدیگر انتقاد نمایند.

سال سگ چه تأثیری روی شما خواهد گذاشت؟

سال خوبی برای سگ حق شناس و وفادار است تا صدای اعتراضش را بلند نماید. بالاخره زمانی فرارسیده است تا بزرگترین نگران ارزش‌های انسانی در طبیعت سرشن را به افتخار بالا نگه دارد. و اگر دنیا دقیقاً آن طوری که او می‌خواهد، نباشد، حداقل به حرف حساب وی گوش می‌دهد. این سال برای خوک سخی و مهربان نیز سال پاداش‌ها خواهد بود، و او پاداش احسان‌های عادلانه خود را به طرق دیگر خواهد گرفت. البته یکی دو مورد شونخی هم خواهد داشت، اما در زمینه تجارت و شغل مخصوصاً وضع خوبی خواهد داشت. اژدهای پرمایه و مبتکر نیز پاداش زحمات خود را خواهد گرفت. اغراض نیک و دل و جرأت فراوانش او را در موقع پردوز و کلک محافظت می‌کند و به پیش می‌برد. ولی باید بیش از حد معمول کار بکند و ضمناً باید مواظب لاس زدن و این سو و آن سو جهیدن خود باشد. موش متهور در کارهای بزرگ نیز از خوشی‌ها عقب نخواهد ماند، و همسو با باد خواهد وزید تا سهم خود را به دست آورد، اما برای موشی که عاشق بشود، سال بدی خواهد بود، ولی به اندازه کافی عقل خود را به کار خواهد انداخت تا قول‌های عجولانه و بلندپروازانه ندهد.

برای خانم بز سال بدی خواهد بود. زیرا در سالی که همه جا صحبت از عدالت است، هوسبازی او جایی نخواهد داشت. مرغ و خروس‌ها هم باید مواظب باشند که با اقدامات و طرح‌های سگ درگیری پیدا نکنند. نکته نظرات این‌ها در مورد اداره دنیا با نظرات سگ‌ها فرق می‌کند و بندرت با هم تطابق می‌کند. حالا زمان اتحاد و حرکت توأم تمام مردان نیک و درستکار است نه لباس مرتب برای انجام سخترانی‌های بلندفکرانه به تن پوشیدن. از سوی دیگر در این سال برای ببر نیرومند و جسور هم چیزهای فراوانی برای انجام دادن و گفتن وجود دارد، اما باید به خاطر داشته باشد

که خود را با آهنگ سگ ورق بدهد و برای کسب نتیجه فوری فشار زیادی وارد نکند. بالاخره سال سال انقلاب سگ است. اما مساعدتی از سوی گاو محافظه کار به این انقلاب به عمل نمی‌آید. به نظر او اگر دنیا دارد از گرسنگی تلف می‌شود تقصیر خودش است. گاوها عادت دارند که هر وقت اوضاع خراب بشود، تقصیر آن را به گردن دیگران بیاندازند.

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

میمون هم به خیال این که می‌تواند به انقلابیون تازه ضد بی‌عدالتی‌ها کلک بزنند، خودش را گول می‌زنند. البته در اوایل چنین به نظر خواهد رسید که دست بالا را دارد، اما طولی نمی‌کشد که درمی‌یابد، اکثریت علیه او برگشته است و بهترین نصیحتی که برای او داریم این است که به شاخه‌های بالایی چنگ بزنند. خانم گربه محتاط نیز مانند سگ قهرمان رفع بی‌عدالتی‌ها نمی‌باشد، اما آنها بی‌راکه هستند، می‌ستاید، با این حساب این سال را بدون

ناراحتی زیاد سپری می‌کند. اسب صنعتگر هم زندگی را چندان غیرقابل تحمل نخواهد یافت، و از حس مساوات جاری شده خوشش خواهد آمد. اما باید مراقب بطالت و پوچی خودش باشد، زیرا سال سگ فرصت مناسبی برای خودنمایی‌ها نمی‌باشد.

خانم مار هم بذله‌گویی‌ها و زیبایی لازم را دارد تا این سال را بدون دردرس سپری نماید، اما متأسفانه هیچ کدام از این دو عامل چندان خریداری نخواهد داشت. لذا تنها ناجی وی صلح‌جویی او خواهد بود. با این حساب سال طولانی برای مار و سال شورانگیز برای سگ است. آقای سگ نه تنها صاحب سال خود می‌شود، بلکه هر ۳۶۵ روز آن تا لبه پر از خواسته‌های قلب حق‌شناسانه و وفادارانه او خواهد بود.

سگ‌های مشهور در عرصه‌های:

چارلی مینگوس	هنر:
پیتر پیرز	کینگیزلى امیس
پل رابسن	پایترو انیگونی
آرنولد شوئنبرگ	لوئیس آرم استرانگ
آرتی شاو	الن بینت
ورژش:	سرهیو کسن
جرج بست	سزان
جین بوروت را	جودی دنج
تیری بوچر	دیباسی
هنری کوپر	فیلیپ لارکین
کریستافر دین	رین مگرایت
جیم لیکر	جوناتان میلر

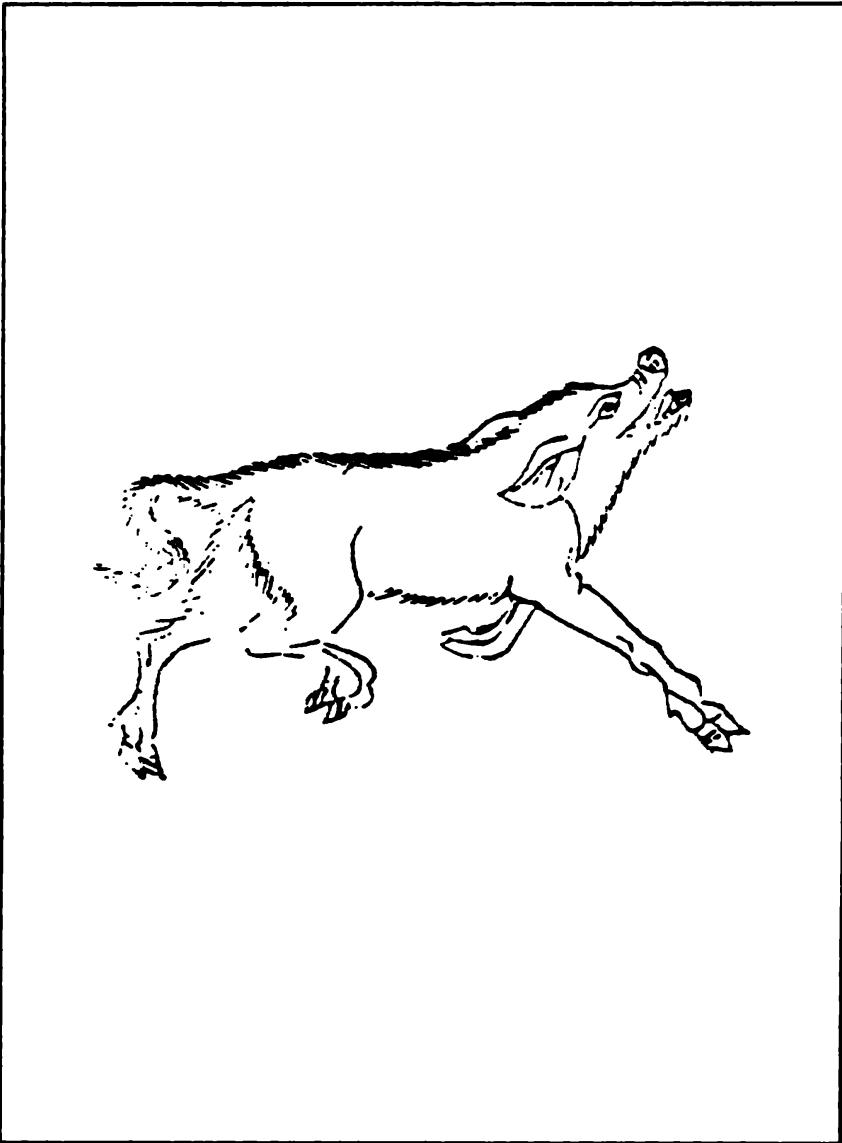
لای نستیس	وندی کریج
جنی سمسن	چارلز دنس
کیرک استیونس	جویس گرنفل
دیلی تامسن	تانی هنکاک
بیل ویبئنیوک	راسل هارتی
صنعت و سیاست:	لینی هنری
کینث پیکر	فرنکی هاورد
نایجل بروکس	بری هامفریز
پایر کاردین	فیلیسیتی کندال
ادوینا کوری	سو لالی
وینستن چرچیل	شرلی مکلین
رابین کوک	دبی مور
فردی لیکر	دیوید نیون
گلدا مایر	انیکا رایس
فرنسیس پایم	سیلوستر استالن
لن شوگر	چینت استریت پورتر
ویلیام ولدگریو	شیلی وینترز
سلطین:	موسیقی پاپ:
شاهزاده ویلیام	پت بون
هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:	دیوید بووی
ایمان اندروز	کیث بوش
چین آشر	چر
بریژیت باردو	برین اپستین
لن بیتس	میرین فیشول
لوئیس کالینز	دبی هری

الويس پرسلى	مايكل جكسن
ليندا رانستاد	آل جالسن
قديسه:	سايمن لوين
مادر ترزا	برى منيلو

خوک

THE PIG

1911	از ۳۰ ژانویه ۱۹۱۱ تا ۱۷ فوریه ۱۹۱۲ { از ۱۰ بهمن ۱۲۸۹ تا ۲۸ بهمن ۱۲۹۰	1912
1923	از ۱۶ فوریه ۱۹۲۴ تا ۴ فوریه ۱۹۲۳ { از ۲۷ بهمن ۱۳۰۱ تا ۱۵ بهمن ۱۳۰۲	1924
1935	از ۴ فوریه ۱۹۳۵ تا ۲۳ ژانویه ۱۹۳۶ { از ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ تا ۳ بهمن ۱۳۱۴	1936
1947	از ۲۲ ژانویه ۱۹۴۷ تا ۹ فوریه ۱۹۴۸ { از ۲ بهمن ۱۳۲۵ تا ۲۰ بهمن ۱۳۲۶	1948
1959	از ۸ فوریه ۱۹۵۹ تا ۲۷ ژانویه ۱۹۶۰ { از ۱۹ بهمن ۱۳۳۷ تا ۷ بهمن ۱۳۳۸	1960
1971	از ۲۷ ژانویه ۱۹۷۱ تا ۱۵ فوریه ۱۹۷۲ { از ۷ بهمن ۱۳۴۹ تا ۲۶ بهمن ۱۳۵۰	1972
1983	از ۱۳ فوریه ۱۹۸۳ تا ۱ فوریه ۱۹۸۴ { از ۲۴ بهمن ۱۳۶۱ تا ۱۲ بهمن ۱۳۶۲	1984
1995	از ۳۱ ژانویه ۱۹۹۵ تا ۱۸ فوریه ۱۹۹۶ { از ۱۱ بهمن ۱۳۷۳ تا ۲۹ بهمن ۱۳۷۴	1996



جایی که بره‌ها از گرسنگی رو به موت می‌شوند، خوک‌ها چاق می‌گردند.
ضرب المثل آلمانی

سال خوک



در حالی که در سال پیش که از آن سگ بود، به استحکام امورات اخلاقی و حقوق بشر پرداخته شد، در این سال که تحت تأثیر خوک می‌باشد، موجودی‌های بانکی ما افزایش خواهد یافت. در این سال باید تا آنجاکه می‌توانیم به خودمان برسیم و خوش بگذرانیم، در ناز و نعمت غوطه بخوریم و هیچ فرصتی را برای متنعم شدن از خوان گستردۀ از دست ندهیم. سال خوک زمان خرج پول روی خانه است، خانه نو بخرید و یا می‌توانید تغییرات لازم را در خانه فعلی خودتان به عمل آورید، همچنین ماشین لباسشویی، یخچال فریزر بزرگ و اتومبیل نو بخرید. و نقشه بهتر دیگر آنست که ازدواج بکنید و تشکیل خانواده بدھید. و اگر قبلًا ازدواج نموده و موفق از آب درنیامده است، دوباره اقدام بکنید. در سال خوک از یک عشق رماتیک عالی لذت خواهید برد، پول فراوان نصیب خود خواهید کرد و حتی بدون این که خود متوجه بشوید، بیش از هر زمان دیگر کار و فعالیت خواهید کرد. پول و ثروت همه جا ریخته است و آزادی فردی همه جا حکمفرماست و هر کسی عقیده خود را به طور آشکار به زبان می‌راند، در سال خوک درمی‌یابیم که پرکاری و سختکوشی راه رسیدن به زندگی بهتر و غنی‌تر است.

اما در سال خوک این خطر هم وجود دارد که در اثر وفور نعمت چه در

شغل و چه در خانه، آنقدر چاق بشویم که نتوانیم پوست موز را در زیر پایمان ببینیم. سال خوک برای آن تعداد که مراقب دارایی‌های به زحمت و به دقت به دست آورده خود نباشند، سال خوبی نخواهد بود. ضمناً خیلی از انسان‌های شرافتمند و ساده هم وجود خواهند داشت که سرshan کلاه خواهد رفت، و همه چیزها به آسانی جلو نمی‌روند و احتمالاً شب‌ها خیابان‌ها نامن می‌شود. در این سال اقدامات سیاسی عمدۀ در سطح جهانی به وقوع نمی‌پیوندد. برخوردها به حداقل می‌رسد و سود و خوشی‌ها به اوج می‌رسد. از نظر خوک سخت‌کوشی و دلخوشی در کنار هم به جلو می‌روند و سرعت می‌گیرند. و تا زمانی که احتیاط و مراقبت حفظ شود، می‌توانند از همین حالا جوجه‌هایتان را قبل از این که آخر پاییز بشود، بشمارید.

شخصیت خوک



سخت کار بکنید، سخت تفریح بکنید
و با خوک شرافتمند و خوشگذران دیدار کنید.

اکثر ما مردم مغرب زمین در ایام کودکی احتمالاً همدم نزدیک خوک پرکار و خوش طبیعت بوده‌ایم. ولی متأسفانه وقتی بزرگ می‌شویم، این رابطه کاهش می‌یابد. ضمناً بارها شنیده‌ایم که: «مانند خوک نخورید!» و یا بعضی‌ها به پلیس‌ها خوک خطاب می‌کنند. و من فکر می‌کنم که اکثر مردان میهن‌پرست افراطی را هم حداقل یک بار خوک لقب داده‌اند. اما با تمام این تفاصیل این نوع توهین‌آمیز برخورد نمودن، به دور از واقعیت‌هاست. به

عبارت دیگر خوک اصلاً آنچنان نیست که ما می‌بینیم.

به عقیده چینی‌ها، وجود یک خوک در خانواده نشانه خیر و برکت عظیم به حساب می‌آید. و هیچ کس به اندازه او شرافتمند نبوده و برای خشنودی دیگران حاضر به هر فدایکاری نمی‌شود و به قدر او از لحظه لحظه زندگیش بهره نمی‌گیرد. به طور خلاصه، خوک بهترین مونس در تمام زمینه‌های است. لذا خوک خوشنام و کامل‌آگاه و مردم‌دوست در هر محفلی می‌درخشد و وجود او در هر نوع رابطه‌ای، ارزش آن را صد چندان بالا می‌برد. ضرب المثل چینی‌ها که صد البته کامل‌بجا و درست است، چنین می‌گوید:

«یک معلم نباید کتاب‌هایش را ترک بکند و یک مرد فقیر خوکش را»

اگر شما در سال خوک متولد شده‌اید، شمع محفل و ممتاز انجمن هستید. برای نمونه هامفری بوگارت، ارنست همینگوی و آلفرد هیچکاک خوک بودند. و همین طور است التن جان، جری لوئیس، جولی اندروز، وودی الن و دیوید اسکس. و اگر فکر می‌کنید که خوک‌ها عرصه هنری را قبضه کرده‌اند، لازم است یادآور شویم که یکی دو نفر از آنها در عرصه سیاست نیز خوش درخشیده‌اند، از جمله هنری کیسنجر و اگر بخواهیم تلفیق کامل این دو حرفه را گوشزد نماییم، بهتر است نام رائلد رِگن را هم به لیست تان اضافه کنید.

علامت خوک در اصل ویژه آقایان است و همان طوری که از لیست کوتاه اشخاص نامی مشاهده می‌شود، خانم‌های خوک در کارهای اساسی چندان نقشی ندارند. و این حقیقت هم به اثبات رسیده است که خانم‌های خوک در سطح جهانی دارای نام و نشانی نیستند، البته به جز یکی دو مورد استثنایی مثل ماریا کالاس و جین هارلو. یکی از دلایلی که خانم‌های خوک کمتر در جامعه دارای نام مشخصی هستند، این است که آنها خود را وقف خانه و خانواده خود می‌کنند. این گونه زندگی با روحیه خانم‌های خوک کاملاً سازگار است و همیشه سعی می‌کنند خانه تمیز، مرتب و راحت به

وجود آورند. و شما مادر خوکی را پیدا نمی‌کنید که در حالی که دو سه تا بچه به دامن وی چسبیده‌اند، درمانده باشد و هاج و واج به این طرف و آن طرف بنگرد. تمام بچه‌های یک خوک به خوبی تغذیه می‌شوند و به خوبی سرگرم می‌شوند. یک مادر خوک خودش مدرسه، لباس، کارهای مربوط به اوقات فراغت و هر چیزی که در رابطه با رشد فرزندانش باشد، انتخاب می‌کند. ضمناً تمام تصمیمات او در این موارد بدون استثناء صحیح و کامل خواهد بود. و هر دو جنس خوک‌ها به درستی عقاید خود ایمان دارند و ارزش قابل می‌شوند.

خانم‌های خوک علاوه بر مادران نمونه و کدبانوهای بی‌نظیر بودن، شرافتمند و روشنفکر بوده و به این آسانی‌ها اسیر ناملایمات دنیا نمی‌شوند. و با عزم راسخ و انعطاف‌پذیری خاص خودشان لحظات دشوار زندگی را تحمل نموده و پشت سر می‌گذارند. این خانم‌ها دارای جذابیت و دلربایی فراوان می‌شوند، و با استفاده از این‌ها مردم را رام نموده و به سوی راه خود می‌کشانند. ضمناً در خیلی موقع حسود می‌شوند، خصوصاً در زمانی که گرفتار عشق بشوند. در حقیقت باید از یک خانم خوک حسود دوری جست. و علاوه براین که قلب ساده‌ای دارند، فکر ساده‌ای هم دارند، و در امور مربوط به اخلاقیات حس قوی ندارند و فکر می‌کنند هر چیزی که دارند، فقط مال آنهاست و بس.

خانم خوک اگر از نظر عاطفی با شوهرش مشکلی دارد، این مشکل در کار او در آشپزخانه تأثیر نمی‌گذارد، و او در آنجا حاکم مطلق است. هر موقع هر نوع غذایی بپزد، اعم از ساده برای چند نفر از دوستان و یا مفصل برای یک جشن بزرگ، چنان با مهارت و سلیقه خاص آن را انتخاب و می‌پزد و سرو می‌کند که بالاتر از آن را نمی‌توان تصور نمود. علاوه بر این خصوصیات، خودباختگی نیز در او وجود ندارد. و چون به ارزش خود واقف است، منتظر شنیدن تعریف و تمجید از دیگران نمی‌ماند. و در واقع

در این راستا نمی‌باشد. و خواه چاق خوشفرم باشد و چه لاغر خارج از قواره، زیباست. خانم‌های خوک علیرغم باتقوا یا گناهکار بودن، خیلی به خودشان می‌بالند. آنها ظرفیت لازم برای سازماندهی زندگی شان را به آن صورت که خودشان دوست دارند، دارا می‌باشند. و از کار و اوقات فراغت خود خوششان می‌آید. و این چیزی است که می‌دانند و آرزو می‌کنند بدانند. و برای خیلی از خانم‌های خوک خانه هم جایی است مثل جاهای دیگر که باید تمیز و مرتب و منظم باشد، ولی بعضی از خانم‌های خوک حالت استثنایی دارند و خانه آنها چنان در هم و برهم و نامرتب می‌شود که انگار بمبی به داخل آن انداخته‌اند.

خوک چه خانم باشد و چه آقا، همیشه با دست پر به خانه می‌آید. ضمناً هیچ کسی به اندازه این‌ها از اوقات خود استفاده نمی‌کند. دوست‌گرانمایه‌ای دارم که نمونه کامل یک آقای خوک است، وی سردبیر یکی از نشریات معتبر ماست و بعد از فراغت از کارهای طولانی اداره وقتی به خانه‌اش برمی‌گردد، به جای لمیدن روی مبل و استراحت کردن، لباس تمرین شمشیربازی‌اش را به تن می‌کند. و بدین طریق وی خود را به سطح بالایی از این رشته ورزشی رساند. و حتی چهار مرتبه به نمایندگی از تیم انگلستان نامزد بازی‌های الیمپیک گردید و صاحب افتخارات فراوان جهانی است. و هر موقع عازم مسابقه بین‌المللی است، در یک کیف لوازم شمشیربازی را حمل می‌کند و در کیف دیگر یادداشت‌های مربوط به روزنامه را. و هر موقع به هیچ کدام از این کارها نپردازد، شترنج بازی می‌کند، آن هم چه بازی که بهتر از آن را به چشم ندیده‌ام. و جالب اینجاست این آقای ریچارد کوهن تازگی‌ها به عنوان پدر روحانی نیز به موعظه می‌پردازد. پس کجا هستند آنها بی که خوک را تنبیل و تنپرور می‌دانند؟

خوک را در آمریکا «یاروی معمولی» در فرانسه «رونبونیور» و در انگلستان «همصحبت واقعاً خوب» می‌نامند، ولی هر کدام از این‌ها که باشد،

وقتی شبی را به اتفاق به بیرون بروید، هیچ کسی به اندازه او نمی‌تواند پول را به موقع و در جای واقعی خود هزینه نماید. ضمناً شمع روشن هر محفل در هر زمان و در هر جا می‌باشد. مخصوصاً اگر مهمانی مفصل و پرزرق و برقی باشد. زیرا حقیقت این است که آقای خوک ذاتاً عاشق ستاره‌های سینماست.

خوک عاشق هم برای خود مسئله می‌شود و هم برای طرف عشق خود. زیرا خوک‌ها خیلی زود عاشق می‌شوند، و شدید هم گرفتار می‌شوند. وقتی کسی را ببینید که در پشت میز کارش به نقطه‌ای خیره مانده است حتم بدانید که یک خوک عاشق است.

وقتی جواب نه به عشق خود بشنود، آن قدرت لازم برای ساختن با قلب شکسته را در خود سراغ ندارد. در چنین موقعی یا خودش را در کار زیاد غرق می‌کند و یا شب‌هایش را با دوستانش به صحبت و گفتگو می‌گذراند. به هر حال اگر خوکی شما را اسیر عشق خود نماید، این کار را با استفاده از تکنیک پرقدرت خود به عمل نمی‌آورد. حقیقت این است که خوک‌ها اهل زبان‌بازی و صحبت‌های شیرین نیستند، اما یک خاصیت کاملاً خیره‌کننده که دارند، صداقت، معصومیت و دلپاکی آنهاست که برتر و مؤثرتر از هرگونه صحبت رنگ و لعاب دار است. و وقتی موفق به تسخیر قلب شما بشوند، انتظار نداشته باشید متواضعانه در کناری بایستند و اجازه دهنده که پا رویش بگذارند و رد بشوند. بلکه در اکثر مواقع قضیه بر عکس می‌شود. خیلی موقع او را می‌یابید که دارد از عشق‌هایش دم می‌زنند که البته خیلی احتمال دارد که لاف می‌زنند و این کار را بدون متناسب و احساس بیان می‌کند. شاید بتوان با بررسی دقیق زندگانی هنری هشتم و رفتار وی با شش نفر همسرش، سر نخی درباره غرور آقای خوک در عشق را پیدا کرد. برحسب تصادف تنها زن این پادشاه که بیش از او زندگی کرد، ملکه کترین پار بود که در سال خوک به دنیا آمده بود.

آقای خوک علیرغم قدرت پول درآوردن و سخت کار کردن و خوب تفریح نمودن از سویی و هوش و فراست فراوانش به اضافه شرافتمندی و درستکاریش و شخصیت ممتاز دوست داشتنی اش از سوی دیگر، ایرادات مخصوص به خود را دارد. این‌ها در میان خودشان چندان جدی به نظر نمی‌رسند، و گاهی بی‌ثباتی‌های کوچکی در این‌ها مشاهده می‌شود. اما اگر تعداد آنها افزایش یابد، باعث کم‌مایه شدن این‌ها می‌گردد. برای مثال طراح و برنامه‌ریز بزرگ به حساب نمی‌آیند، و اغلب ممکن است روی موضوعاتی برنامه‌ریزی بکنند که برای همه روشن است که آن موضوعات کهنه گشته‌اند. یعنی یا خیلی جلوتر اقدام می‌کنند و یا خیلی دیرتر. وقت صحیح و مناسب چیزی است که خوک‌ها نمی‌توانند انتخاب نمایند.

برای خوک موضوع بحث فرقی نمی‌کند و او مستقیماً به سر مطلب می‌رود. آقای خوک معمولاً برای ارزیابی موقعیت و توان خود، ابتدا سعی می‌کند در بیرون از بحث و جدل باشند. اما به محض این که خود را قادر به رقابت دید، بلاfacile قدم به میدان می‌گذارد و با قاطعیت و اعتماد به نفس فراوان وارد بحث می‌شود. و خیلی‌ها هستند که نقطه نظرات مستقیم او را بدون سؤال و جواب می‌پذیرند. اما خوک مستعد به خطاكشاندن حقایق خود است و وقتی در بحث و جدل تحت فشار قرار بگیرد اغلب کوتاه می‌آید.

خوک علاوه بر لذت بردن از صحبت‌های خوب، گاهی اوقات به شایعه‌پراکنی نیز کشیده می‌شود. مثلاً به شوخی شایعه‌ای را درباره کسی مطرح بنماید و وقتی موضوع جدی بشود، آن وقت بزنده به زیر خنده و دلخوش بشود. اما در درون او داستان فرق می‌کند. در عمق ضمیر او یک خط کله شقی نهفته است که ممکن است ناشی از تمايلات سرکوب شده باشد. به هر حال خوک‌ها علاوه بر این که سخنوران عالی هستند، شنوونده‌های خوب نیز می‌باشند. اگر مشکلات خود را با خوکی در میان

بگذارید، هیچ کسی را به دلسوزی او نخواهید یافت. و در عین حال هیچ کسی به اندازه او مشکل شما را به گوش دیگران نخواهد رساند. و طولی نمی‌کشد که شکل کلی آن مشکل شما کاملاً عوض بشود. مثلاً اگر یک عمل جراحی کوچک فتق داشته باشید، تبدیل به عمل قطع عضو و خدا می‌داند چه چیزهای دیگر (یک کلاع چهل کلاع) بشود.

به هر حال خوک‌ها سختگیر و انتقامجو نمی‌باشند و تا موضوع جدی به وجود نیاورده باشید، او عصبانی نخواهد شد. و اگر به هر دلیلی خشمگین بشود، خودش بیشتر از دیگران از عواقب آن می‌ترسد. به هر حال سعی می‌کند از برخوردهای شخصی دوری نماید ضمناً از هرگونه مشاجره و نزاع نفرت دارد، چه در کارش، چه در خانه و هر جای دیگر. و اگر بالاجبار به مشاجره‌ای کشیده شود، اول او حرف‌هایش را رک بر زیان می‌آورد و کارها را خراب تر می‌کند و بعد عقب‌نشینی می‌نماید. اگر تمام جنبه‌های قضیه را در نظر بگیریم، پی‌می‌بریم که این موضوع ناشی از ضمیر باطنی اوست. به هر حال خوک یک مرد فوق العاده عالی است و حسن‌های فراوانی دارد که این امر را ثابت نماید. با وجود این‌ها علیرغم دارا بودن لیاقت شخصی، احتمالاً به شهرت و اعتبار خود چندان وقوع نمی‌گذارد و متکبر نمی‌شود و خیلی ساده می‌گوید: «مردم دریاره من هرچه می‌گویند، مربوط به خود آنهاست.» و در این رابطه اشتباه نمی‌کند، زیرا خود خوک به ارزش‌های والای فراوان خود بهتر واقف است.

خوک‌ها به دلیل اعتماد به نفس قوی و خودبرتریینی خودشان خیلی زود گول می‌خورند و فقط کافی است از خصوصیات عالی آنها تعریف نمایید تا در یک چشم به هم زدن آنها را ممیز خود نمایید. ولی اگر عمل مشکوکی از شما مشاهده نمایند، خیلی بدگمان می‌شوند، خصیصه‌ای که با روحیه آزاد و بخششده آنها جور در نمی‌آید. خوک که ذاتاً فوق العاده محظوظ و مراقب خود است، اگر جایی سرش کلاه برود، زودباوری وی تبدیل به زیرکی تجار

می‌گردد که کمتر نظریر پیدا می‌کند.

در حل و فصل مسایل شخصی دیگران هیچ کسی به اندازه خوک از حق این یا آن دفاع نمی‌کند تا جایی که احتمال دارد موقعیت خود را نیز به خطر اندازد. ضمناً خوک‌ها در شناسایی ارزش‌های دیگران و شکوفا نمودن آنها خیلی از خودگذشتگی نشان می‌دهند. و از تماسای پیشرفت آنها فوق العاده شاد می‌شوند. علاوه بر این خصوصیات عالی، اگر مثلاً بین شما با او به هر دلیلی شکافی حاصل شده است، وی خودش را کنار نمی‌کشد تا مسئله بدتر بشود، بلکه او شخصاً قدم جلو می‌گذارد تا زخم حاصله زودتر التیام یابد. و باید تأکید نماییم که خوک‌ها هرگز آدم‌های منفی نیستند.

وقتی خوکی شما را به خانه‌اش دعوت می‌کند و می‌گوید خانه را از آن خود بدانید، واقعاً منظورش همان است. وی حتی کلید در اصلی خانه را در اختیار شما می‌گذارد تا مانند خانه خودتان رفت و آمد نمایید. خوک‌ها خیلی سخاوتمند و بخشندۀ می‌شوند. اما نکته‌ای که باید در نظر بگیرید این است که وی نیز توقع دارد وقتی در خانه شماست همین طور با وی رفتار نمایید. و با بهترین امکانات خودتان از او پذیرایی بکنید.

هر دو جنس خوک از لباس‌های عالی و شیک خوششان می‌آید و خصوصاً لباس‌های آخرین مد را می‌ستایند. و اگر یک آقای شیک‌پوش با کراوات عالی و کفش‌های گرانبها را در جایی دیدید، می‌توانید مطمئن بشوید که وی متولد سال خوک است. عکس این قضیه نیز صادق است، یعنی ممکن است دوستان را که خوک است در لباس مندرسی ببینید که دگمه‌هایش افتاده است و آرنج‌هایش پاره شده است، و یا خانه بعضی از خانم‌های خوک متأسفانه جایی بهتر از یک خوکدانی نیست. به هر حال هر کدام از این موارد که باشد، خوک‌ها هر طور که دلشان بخواهد لباس می‌پوشند. پس سعی کنید به نحوه و سلیقه لباس پوشیدن این‌ها از هر کدام نوع که باشد، کاری نداشته باشید.

خوک‌ها که تحت علامت شرافتمندی و درستکاری متولد می‌شوند، باید در موقع انتخاب شغل، کاری را پیش بگیرند که آنها را مجبور به حقه بازی و دوز و کلک نکند. و از سوی دیگر چون این‌ها از صدای کف زدن و تشویق خوششان می‌آید، دنیای تئاتر و سینما و تلویزیون بهترین فرصت را برای این‌ها فراهم می‌کند و با استعدادشان سازگار می‌شود. و ساعات طولانی کار که اکثریت مردم انجام می‌دهند، این‌ها را نیز خسته نکرده و مانع پیشرفت‌شان نخواهد شد. علاوه بر این‌ها کار کردن در زیر چراغ‌های پرنور باعث افزایش سپرده‌های بانکی این‌ها می‌شود تا به حدی که فکرش را نمی‌کرده‌اند. به هر حال اگر شغل هنرپیشگی را انتخاب نماید، به اندازه کافی عاقل خواهد بود که جفت هنری خود را پیدا نماید. به هر حال علیرغم تمام هوش و استعدادش خودش به تنها بی موجд کاری نمی‌باشد و وقتی به صورت گروهی کار بکند، بهتر می‌درخشد. جالب است بدانید که بهترین زوج هنری رقصنده که هالیوود بیرون داده است، یک زوج خوک به نام‌های فرد آستیر و چینجر راجرز می‌باشند. همین طور است درخشش جری لوئیس با زوج هنری اش دین مارتین که در دهه پنجماه میلادی خیلی خوش درخشیدند.

مراحل سه‌گانه زندگی خوک تنوع هیجان‌آوری نخواهد داشت. مرحله کودکی وی کاملاً رضایتبخش و متعادل سپری می‌شود، البته تمامی رویاهای آرمانی او جامعه عمل نمی‌پوشد. مرحله میانی زندگی وی در اثر اقدامات خودش خراب می‌شود. البته باید در نظر داشت که می‌تواند بین دستاوردهای خودش تعادلی به وجود آورد. و برای آنها بی که چندان توانی ندارند در مرحله دوم تنزل جدی کمتری را شاهد خواهند بود. طبق افسانه‌ها، خوک آخرین حیوانی بود که خودش را به جشن سال نو بودا رساند، و من فکر می‌کنم که این کار او بر حسب تصادف نبود. بلکه او صبر کرده تا ارزیابی نماید که بودن وی در آن جشن ارزش لازم را دارد یا نه. و شاید کلید رمز موفقیت خوک در همین احتیاط و صبر کردن باشد. دوران

عاقل مردی خوک هیچ گونه غم و غصه و ناراحتی به همراه نخواهد داشت و او از یک زندگی کامل و پر از نعمت برخوردار خواهد شد و تا آن حد بهتر زندگی خواهد کرد که جبران کمبودهای دوره جوانی اش را هم بکند.

خوک به عنوان والد

وقتی مرحله پدر یا مادر شدن خوک‌ها فرا می‌رسد، این‌ها به آسانی وظیفه طبیعی خود را با بچه‌هایشان به عمل می‌آورند. و ابراز محبت و توجه آنها به کودکشان افراطی و پیرایه‌دار نخواهد بود، اما هیچ وقت کمبود محبت نیز وجود نخواهد داشت. در عوض محبت فراوان نیز مبذول خواهد شد، در نتیجه آن تعداد از کودکان که از محبت ناگهانی و زودگذر والدین خود فاسد نمی‌شوند، حداکثر بهره را می‌برند. در بین انواع مختلف، دختر بز با مادر خوک بهترین ارتباط را به وجود می‌آورند و زندگی آنها سرشار از حسن تفاهم و درک متقابل می‌گردد. دختر مار دارای خلق و خوبی کاملاً متفاوت از دختر بز خواهد بود. اما پدر خوک از زیبایی او مشعوف خواهد شد. پدر همچنین از توجه دخترش به زندگی صلح‌آمیز و لذتبخش خشنود شده و از حس زیباپرستی پیشرفته او ستایش خواهد نمود. پسر میمون هم در اثر توجه فراوان والدین خوکش شکوفا می‌گردد. حس حقه‌بازی او برای یک بار مهار می‌گردد، اما با یک توب و تشر والدینش از بین نمی‌رود. پسر اژدها دست به دوز و کلک مانند میمون نمی‌زند، اما همیشه هنری در آستین دارد تا والدین خود را سرگرم و شاد نماید. مادر خوک دختر اژدهایش را همیشه موافق خود نمی‌یابد، اما کمبود عشق و محبت بین آنها وجود نخواهد داشت. پدر خوک از روش‌های شرافتمدانه و صادقانه دختر مرغش تعریف و تمجید به عمل می‌آورد و در اولین فرصت ممکن پاداش لازم را برایش فراهم می‌آورد. مرغ یا خروس‌هایی که

در خانه خوک پرورش یافته باشند، برای زندگی در اجتماع به خوبی تعلیم یافته محسوب می‌شوند. پسر سگ همیشه نگران بوده و حالت دفاعی به خود می‌گیرد. وی برای رشد خود نیاز به کلی ثبات در خانه و اجتماع دارد، و چنین بچه‌ای در خانه پدر یا مادر خوک بهتر رشد می‌کند. زیرا ثبات در رأس لیست خوک‌ها در موقع تشکیل خانواده قرار دارد. پسر گاو می‌تواند یک بچه منزوی باشد، اما مادر خوک همه چیز لازم را برای سرگرم داشتن وی فراهم می‌کند. اما وقتی به سن بلوغ رسید، باید مواطن باشد که محبت زیادی والدینش را به تمسخر نگیرد. و خوک‌ها به خوبی نحوه اجرای سختگیری را وقتی نیاز ایجاد نماید، می‌دانند.

جدول نحوه سازگاری خوک‌ها با بچه‌هایشان

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

پسر موش هر طور که دلش می‌خواهد زندگی می‌کند و از گرمی و محبت که انگار پایانی ندارد، برخوردار می‌شود. اما به نفع خودش است که خیلی آزمند نباشد. دختر گربه از رایحه مطبوع آشپزخانه مادرش لذت خواهد برد. و با اشتیاق تمام به آخرین دست‌پخت‌های ابداعی او خواهد نگریست. در خانه خوک هیچ نوع محدودیتی برای بچه ببر وجود نخواهد داشت، اما این پسر ببر ممکن است گاهی احساس نماید که روح آشوبگرانش نیاز به موضوعاتی برای تهییج شدن دارد. در این رابطه پسر اسب حتی کمتر تأمین می‌گردد. و او به دلیل داشتن ماهیت انزواطلبی و فردگرایی اش خانه راحت خوک را ترک می‌کند تا در جای دیگری با زندگی خشن‌تر دست به گریبان بشود. بچه خوک‌ها همان طور که انتظار می‌رود، حداکثر محبت و توجه را دریافت می‌کنند. اما نباید از راحتی زیاد بهره‌مند شوند و تنبل بار بیایند.

خوک در شغل و پیشه

هیچ نوع کاری در امر شغل و تجارت به وسیله خوک صنعتگر و قابل اعتماد خراب نمی‌شود مگر این که شما شریک وی یک اسب باشید. در اینجا مشکلات از برخورد عقاید و رسیدن به هدف ناشی می‌شود. اسب موقعی بهتر و راحت‌تر کار می‌کند که دستش در کارها آزاد باشد، و خوک هم کسی است که خودش را از شریکش دور نمی‌کند. اما شراکت دو تا خوک یک پایه محکم و عالی برای هر نوع شغل پیشگام و گستردۀ تجاری است، شاید یک زنجیره تهیه و پخش گوشت؟ وقتی خوک به کار بیافتد، فرصت کافی برای مار فلسفه‌باف هم نخواهد داشت، زیرا به عقیده او نشستن و فکر کردن کارها را جلو نمی‌برد و آنها را به جایی نمی‌رساند. و خوک‌ها دیوانه بلوف‌های بزرگ خروس نیز نمی‌باشند حتی اگر بعضی از آنها در انجام معامله کارساز باشد. به هر حال هر دو نفر مار و خوک دارای افکار مشعشع

هستند، و اگر با هم کار بکنند، ممکن است زیانزد بشوند. در این حالت اگر به شغل هنری نمایشی بپردازنند ممکن است پیشرفت نمایند. اما مرغ یا خروس‌ها باید از خوک دوری نمایند، و بر عکس. ببر آنقدر طرح‌های گوناگون دارد که فرصت کافی برای اندیشیدن به همه آنها را ندارد، خوک می‌تواند در این رابطه کمک مؤثری محسوب بشود، اما این خطر وجود دارد که خوک سردرگم بشود و در نتیجه باعث ناراحتی بیرگردد.

موش فرصت طلب با شادمانی سوار پشت خوک صنعتگر شده و خوک هم از داشتن یک شریک بذله‌گو که نمایندگی‌های فروش را شاد نگه می‌دارد متنفع می‌شود. اما موش نباید تلاش سخت و شرافتمدانه خوک را تحقیر نماید. میمون هم دقیقاً می‌داند که چگونه با خوک کنار بیاید. و از سوی دیگر در مورد پول دقیق و مراقب است، در نتیجه عالی‌ترین شریک برای خوک محسوب می‌شود. شغلی که در خط سرگرمی‌های عمومی باشد، مناسب این‌هاست و بعد از چندین ساعت کار به آنها خیلی خوش می‌گذرد. اژدها آرمانگرای مطلق است و خوک هم می‌داند که چگونه برای رسیدن به کمال مطلق باید سخت تلاش نماید. شراکت بین این دو حداکثر سود را نصیب هر دو می‌کند و تا رسیدن به اوج ذره‌ای از اعتبار و خوشنامی آنها کاسته نمی‌شود. و تعریف و تمجید بیش از حد متقابل می‌تواند تنها مانع موفقیت آنها بشود.

سگ نیک‌فطرت درست است که آن جلوه و درخشش اژدها را ندارد، اما کله خوبی در آمار و ارقام دارد. با این حساب خوک‌ها و سگ‌ها به طور عالی می‌توانند با هم کار بکنند، و وقتی به کار می‌پردازنند، چیز بی‌موردی بین این دو به وجود نمی‌آید. به هر حال خوک مایل خواهد بود در سالن غذاخوری و در زمان طولانی نهار خوردن‌ها کمی از فشار جو کاسته شود. در موقع شراکت و همکاری خوک با گاو سخت‌کوش هم عدم تفاهمی در کار خواهد بود، اما در عوض حضور گاو باعث افزایش ابتکار در کارها خواهد

شد. و اگر این دو تصمیم بگیرند وارد تولیدات صنعتی بشوند، کیفیت کارهایشان کمبودی نخواهد داشت. ضمناً خوک از تمایل گاو به در دست گرفتن ابتکار عمل آن هم به صورت تکراری چندان خشنود نخواهد شد. زیرا این یک شراکت شغلی است، مگر نه؟

جدول نحوه سازگاری خوک در شغل و پیشه

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

بز هنرمند معمولاً در تجارت چندان درخششی ندارد، اما برخلاف انتظارش اگر استعدادهایش را در همکاری با خطکاری سخت خوک به کار اندازد، مفید واقع می‌شود. ضمناً باید اجازه بدهد که تصمیم‌گیری‌های مالی را خوک انجام بدهد. گربه هم در شراکت نکته نظرات خوک را درک می‌کند. در این حالت پیشرفت آرام ولی مستدام خواهند داشت. تولید پوشак

زنانه، تزیینات داخلی، بورس زمین و مسکن مناسب‌ترین شغل برای این‌هاست. ضمناً هر شغلی که در پیش بگیرند، «شرکت گربه با خوک با مسئولیت محدود» با اعتبار خود احتمانه برخورد نخواهد داشت.

خوک در عشق و عاشقی

آقای خوک وقتی عاشق بشود، با تمام قلب و وجودش عاشق می‌شود طوری که کاینات نیز از آن باخبر می‌شود. و در چنین حالتی هر کاری که از دستش برباید، برای خشنودی معشووقش انجام می‌دهد. دو تا خوک کامل‌ترین جفت عشقی را تشکیل می‌دهند و هیچ چیز درک نشدنی بین آن دو وجود نخواهد داشت و خوش خواهند بود! و عشق بین خوک و سگ نیز متظمن خوشی برای هر دو نفر آنهاست. حسن خلق خانم خوک سگ نگران را به وجود می‌آورد و او واقعاً شروع به خودبازی می‌نماید. و روابط آقای خوک با سگ هم خصوصاً فرخنده و مبارک است.

خانم خوک خیلی زود اسیر عشق اژدهای اغواگر می‌شود، اما سلطان کارناوال شادی‌ها چندان مشتاق امورات داخلی خانه نمی‌باشد، و قبل از این که خانم خوک بهترین خوراک‌هایش را برای او بپزد، خانه را ترک خواهد نمود. خوک بز متلون را هم بهتر از اژدها نخواهد یافت و روابط آنها خیلی زود رنگ می‌بازد.

اوقات خوشی با موش عاشق‌پیشه وجود خواهد داشت ولی این هم متلاشی می‌شود. البته خانم خوک از بذله‌گویی آقای موش مشعوف می‌شود و روابط این دو می‌تواند بادوام باشد. اما پولی بالای آن خرج نکنید. خانم مرغ هم شیفته شرافتمندی و درستکاری آقای خوک می‌شود و از مصاحبت وی لذت می‌برد، اما فاصله را حفظ می‌کند. اما وقتی خانم می‌میون قدم به زندگی خوک می‌گذارد، او را سخت عاشق خود می‌کند و در دست‌های خود

می‌گیرد. عشق آنها اگر دوام بیاورد خوب خواهد بود، ولی قرایین نشان می‌دهد که میمون ترک نموده و خوک بی‌نوا را با قلب شکسته تنها می‌گذارد.

جدول نحوه سازگاری خوک در عشق و عاشقی

موس	
گاو	
ببر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسپ	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

خانم خوک در ابتدا ببر را جذب می‌کند (چه کسی می‌تواند در مقابل وی مقاومت نماید؟) اما ببرها موجودات خستگی‌ناپذیری هستند و خوک‌ها کم و بیش دارای عادت. ضمناً خوک‌ها خیلی آسان اسیر عشق گربه با تهذیب اخلاقی می‌شوند و احياناً مدتی را با هم سپری می‌کنند، اما خوک‌ها عاشق‌پیشه می‌شوند، و گربه‌ها با احساسات عمیق جلو می‌آیند. خانم خوک آقای گاو الکن عاشق‌پیشه را به آرامش می‌رساند و به داستان‌های او در رابطه به کارهای مزرعه با علاقه‌مندی گوش فرامی‌دهد. و وقتی ببیند به

خواب رفت، اقدام به شستن ظروف می‌نماید.

خانم مار حساس، مانند میمون خیلی زود قلب آقای خوک را تسخیر می‌کند و او را فرد جالبی می‌یابد و از سیک بدون تکلف او خوشش می‌آید. اما آقای خوک باید بداند که خانم مار چمبره‌ای دارد که فقط اژدها می‌تواند خود را از آن خلاص نماید. خانم‌های اسب در امورات مربوط به عشق و عاشقی ضعیف هستند و از دعوت آقای خوک آرامش لازم را کسب نمی‌کنند. بنابراین اسب‌ها و خوک‌ها از هر جنسی که باشند، باید در امورات مربوط به عشق و عاشقی از همدیگر دوری نمایند.

خوک از نظر ازدواج

با وجود این که خانم اسب زیبا از روابط عشقی زودگذر با آقای خوک اجتناب می‌کند، اما بعد از این که عقد آنها بسته شد تبدیل به همسر خوبی می‌شود. آقای اسب هم در موقع تشکیل خانواده توسط خانم خوک کمک فراوان به عمل می‌آورد، و او هم در عوض با محبت فراوان تلافی می‌کند. و خانم خوک سعی فراوان می‌کند تا خانه راحتی را به وجود آورد تا آقای موش از آمدن به آنجا خوشحال بشود. اما با کمال تعجب درمی‌یابد که آقای موش فرصت طلب در داخل خانه سر موضوعات کوچک بداخل‌لaci می‌نماید.

بز هم خوک را در جایگاه ازدواج به صورت یک چشم‌انداز درجه یک می‌بیند. و بعد از ازدواج هم آقای خوک از حسن سلیقه همسرش در انجمن‌ها خوشش می‌آید و می‌ستاید. اما می‌تواند با حساب بانکی خالی هم خوشحال بشود؟ و خانمش او را زیر فشار خواهد گذاشت تا به خواسته‌ایش برسد.

آقای خوک اگر عاشق خانم میمون گردد، بعد از ازدواج نمودن، حاضر به

هر نوع فدایکاری برای خشنودی وی می‌شود. و خانم میمون هم نمک‌شناس خواهد بود. با این حساب یک ازدواج فرخنده خصوصاً برای خانم میمون خواهد بود. آقای گاو هم کاری بهتر از ازدواج کردن با خانم خوک را نمی‌تواند انجام دهد، وی هیچ وقت دست‌پخت همسرش را از دست نخواهد داد و لوازم شخصی خود را به صورت مرتب در سر جایشان خواهد یافت. اما نباید خانم خود را به مدت طولانی به حال خود رها نماید.

جدول نحوه سازگاری خوک از نظر ازدواج

موش	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

مرغ‌ها یا خروس‌ها وقتی می‌توانند با یک خوک در زیر یک سقف زندگی نمایند که سعی نکنند ارزش و اعتبار یکدیگر را پایین آورند. هر دو تای این‌ها می‌توانند بر سر موضوعات جزئی لجوح باشند، بنابراین پیوستن به

یک دین و مذهب (مذهبی که در آن زدودن گناهان و طلب مغفرت زیاد به عمل می‌آید) کمک مؤثری خواهد بود. آقای سگ نیز بعضی موقع سرسرخت و لجوچ می‌شود، اما وقتی در دست‌های خانم خوک قرار گرفت درمی‌یابد که به طور کلی تغییر ماهیت داده است. سگ نگران خوب تغذیه می‌کند و ارتفاع می‌شود، و به تدریج که حس اعتماد به نفس وی افزایش می‌یابد، قدرت بیان احساسات درونی وی نیز افزایش می‌یابد. با این حساب ازدواج خوک با سگ هیچ گونه اشکالی دربر نخواهد داشت و سراسر پر از صداقت، سختکوشی و توجه به یکدیگر خواهد بود. اما وقتی آقای ببر دمدمی با خانم خوک ازدواج نماید تغییراتی به وجود خواهد آمد. زیرا خانم خوک چنان قابل اعتماد خواهد بود که آقای ببر دست و پا بسته آرام و سرو سامان خواهد گرفت. خانم مار مثبت‌اندیش جفت مناسبی برای خوک خواهد بود و ضمن یافتن آرامش، صحبت‌های قابل درکی بین آنها وجود خواهد داشت و بچه‌های واقعاً زیبایی خواهند داشت.

هیچ چیز نمی‌تواند مانع ازدواج آقای خوک با خانم گربه شود، زیرا از احساسات او خوشش می‌آید و از طرق صلح وی لذت می‌برد، اما حضور دائمی خوک در کنار گربه ممکن است آرامش او را بر هم بزند. اما سبک زندگی آقای خوک باعث ناراحتی خانم اژدها نخواهد شد. و حتی آن را ستایش هم خواهد نمود، اما آقای اژدها از طرح‌های بزرگ خانگی خانم خوک چندان راضی نخواهد بود. البته نحوه تربیت کودکان و نوع غذایها در جای خود خوب هستند.

ایده‌آل‌ترین جفت خوک یک خوک دیگر است. و هیچ جفتی به اندازه این‌ها از یک زندگی بادوام و توأم با شادی و خوشبختی برخوردار نخواهند بود.

سال خوک چه تأثیری روی شما خواهد گذاشت؟

[سال طرب اتگیزی]

ایام پر خیر و برکتی برای خود خوک‌ها در پیش است، اما هیچ کس دیگر نیز در این سال پر از کامیابی‌ها محروم نخواهد ماند. ثروت و زندگی خوب از ویژگی‌های سال خوک است. اما تعداد اندکی هنرپیشه یا قهرمان دلیلی برای گله‌گذاری خواهند یافت. هر چند که خود خوک این سال را چندان برتر نخواهد یافت (زیرا خوشبختانه وی سال بدی را هرگز نمی‌شناسد). موش فرصت طلب نیز به وفور نعمت می‌رسد. ببر پر از ایده‌های بدیع نیز با اقبال فراوان مواجه می‌شود و در موقع ارائه آخرین طرحش مورد تحسین و تشویق جمعیت زیاد حاضر قرار می‌گیرد. گریه حساس نیز به راحتی و آرامش می‌رسد، و با کمبود محبت و دوستی مواجه نمی‌شود.

ازدهای قدرتمند و تندرست خوش‌بنیه پول فراوان و فتوحات تازه کسب می‌کند. گریه‌ها و اژدهاهای هرگز با کمبود پول مواجه نمی‌شوند، اما در سال خوک حساب‌های بانکی آنها به مراتب انباشته‌تر می‌گردد.

خانم مرغ معمولاً محافظه‌کار هم به همراه جو خوشگذرانی حاکم به جلو کشیده می‌شود. آقای سگ اغلب مدافع حقوق مظلومان هم ابتدا خودش را از انتظار کنار خواهد کشید و سپس بعد از یک آغاز آزمایشی با حسن خلق بیشتری در جامعه مشاهده خواهد شد. آقای گاو وظیفه‌شناس هم اوضاع را سخت نخواهد گرفت و معاشرت با بیگانگان را آسان‌تر خواهد یافت، اما دلخوشی و خوشگذرانی برای او پیش‌بینی نشده است، و در پایان سال به سر کارش در مزرعه برمی‌گردد و به تنها یی شروع به شخم زدن می‌کند. اما خانم بز برای خوشگذرانی خلق شده است و سال خوک هرچه پیش بیاورد با کمال میل خواهد پذیرفت. اما تنها مشکل وی این خواهد بود که چگونه هیکل خود را در قالب لباس‌های تازه‌اش قرار بدهد. خانم مار ترسی از زیادی وزن نخواهد داشت مگر این که جلو خودش را نگیرد. به هر حال

این پول است که مورد علاقه خانم مار است نه میزان کالری. اقلام و ارقام فراوانی به سوی مار جاری خواهد بود، هر چند که ممکن است رشته‌های باریکی به آنها متصل شده باشد. (برای عقب کشیدن). میمون زیرک شمع محفل هر انجمن و مهمانی می‌گردد، به شرطی که مواظب باشد در خودنمایی از میزان خود پیشی نگیرد.

موس	
گاو	
بیر	
گربه	
اژدها	
مار	
اسب	
بز	
میمون	
مرغ	
سگ	
خوک	

اسب سختکوش و مرد عمل کشف می‌کند که روابط مستحکم و ثابتی وارد زندگی اش شده است و قلب تأثیرپذیر وی مقاوم‌تر می‌شود. البته اسب هم پول به دست خواهد آورد و مانند خود خوک آن را پسانداز خواهد نمود.

خوک‌های مشهور در عرصه‌های:

هنر:	هنر: کلیف توربرن
ماریا کالاس	صنعت و سیاست: ارنست همینگوی
ارنسن لیختنشتاین	آلیور کرامول
مارسل مارسیو	رابین دی
لوسیانو پاواروتی	ویلیام رندالف هیرست
ریبول	هنری کیسینجر
ترنس رَتیگان	رابرت مکسول
سلمان رشدی	ارسوط اوناسیس
ویلی راسل	کیم فیلبی
آلبرت شوایتزر	رانلد رِگن
دانلد اسوان	ارنسن ساندرز
سی جی جانگ	سلطین:
تنسی ویلیامز	هنری هشتم
ورژش:	شاهزاده ریناير
جک چارلتون	دوشس یورک
براین کلاف	هنرپیشه‌ها و مشاغل دیگر:
گیث ادواردز	وودی الن
تری گریفیث	جوکی اندروز
امیلین هیوز	فرید آستیر
راکی مارسینو	ریچارد اتنبرو
جان مکنرو	هامفری بوگارت
لستر پیگات	جیمز کگنی
	رابرت کریر

تریسی اولمن	جولین کلیری
مایکل وینر	نوئل کاورد
آلیس کوپر	بن التن
کوروش قهرمانی پور	جین هارلو
دیوید اسکس	آلفرد هیچکاک
بَری گیب	دادلی مور
التن جان	پتريك مور
جری لی لوئیس	مایکل پارکینسن
جانی متیس	جینجر راجرز
سانی	استی芬 اسپایلبرگ
	تری تامس

جفت‌ها (شركا)، زوج‌ها (همسرها)

وگروه‌های (همکارها) مشهور جهان

هارولد ویلسن (اژدها) و مارسیا ویلیامز (میمون)

جان الدرتن و پائولین کالینز (اژدها و اژدها)

چارلز رولز (گاو) و هنری رویس (خوک)^(۱)

شاهزاده رینایر (خوک) و شاهزاده خانم گریس (مار)

راجرز و هارت (بیر و بز)

راجرز و همرشتاین (بیر و بیر)

دین مارتین و جری لوئیس (مار و خوک)

آرتور میلر و ماریلین مانرو (گربه و بیر)

ایپولی براس - دان (موش) و فیل (بیر)

سايمن (اسب) و گارفانکل (مار)

گافین (بیر) و کینگ (اسب)

سانی و چر (خوک و سگ)

جری لایبر و مایک استالر (خروس و خروس)

جان لنن و یوکو آنو (اژدها و مرغ)

فرنک موئیر (بز) و دنیس نردن (سگ)

لوسیل بال (خوک) و دزی آرنر (گربه)

لورن بسکال (موش) و هامفری بوگارت (خوک)

۱- صاحبان کارخانجات عظیم اتومبیل‌های سلطنتی و موتورهای جت در انگلستان

جان اف کندی (مار) و جکی کندی (مار)
 جکی کندی (مار) و ارسطو اوناسیس (خوک)
 ماریا کالاس (خوک) و ارسطو اوناسیس (خوک)^(۱)
 اریک مورکمپ (ببر) و ارنای وایز (گاو)
 ملکه انگلستان (ببر) و شاهزاده فیلیپ (خرس)
 ریچارد برتن (گاو) و الیزابت تیلر (میمون)
 شاهزاده مایکل ازکنت (اسب) و شاهزاده خانم ام (میمون)
 راس و نوریس مک ویرتر (گاو گاو)
 مارگارت فانتین (بز) و نیوریف (ببر)
 سوفیا لورن (سگ) و کارلو پوتی (گاو)
 وینستن چرچیل (سگ) و کلمتین (مرغ)
 توئیگی (گاو) و جاستین دوویله نیف (گربه)
 کترین هپبورن (مرغ) و اسپنسر تریسی (موش)
 بانی (سگ) و کلاید (مرغ)
 دوک ویندسور (اسب) و خانم سیمپسن (میمون)
 شاهزاده خانم مارگارت (اسب) و لرد اسنودان (اسب)
 لارنس آلیویر (بز) و وای وین لی (گاو)
 مایکل دنیسن (گربه) و دولسی گری (میمون)
 تیم رایس (میمون) و اندره لوید ویر (موش)
 جین تورویل (مرغ) و کریستافر دین (سگ)
 مارگارت تاچر (گاو) و دنیس (گربه)

۱- جان اف کندی رئیس جمهور اسبق آمریکا که در سال ۱۹۶۳ در شهر دالاس ایالت تگزاس
 ترور شد و یک سال بعد اوناسیس میلیاردر یونانی همسرش ماریا کالاس را طلاق داد و با جکلین
 کندی، بیوه جان اف کندی ازدواج نمود. م «۳۳۶»

رقبای بازی تنیس:

جان نیوکامب (میمون) و تانی راج (خروس)
 پیتر فلیمینگ (اسپ) و جان مکنرو (خوک)
 رُزی کسالز (موش) و بیلی جین کینگ (بز)
 شرلی فرای (گربه) و دوریس هارت (گاو)
 ویکتور سیسکس (خوک) و دوریس هارت (گاو)
 آون دیویدسن (بز) و بیلی جین کینگ (بز)

گروه‌های موسیقی:

آبا:

(سگ)	بنی
(بیر)	اگِنْتا
(مرغ)	آن فرید
(خروس)	بُرْجن

بیتل‌ها:

(بز)	جرج
(اژدها)	جان
(اسپ)	پل
(اژدها)	رینگو
(سگ)	براین اپستین

کونز:

(گاو)	سلرز
(گاو)	سیکامب
(اسپ)	میلیگان

مارکس براز:

(بز)	گروچو
(موش)	هارپو
(خوک)	چیکو
(گاو)	زپو

رولینگ استونز:

(بز)	جَگر
(بز)	ریچاردز
(اسب)	جونز
(موش)	وايمن
(مار)	وتس

سوپریمز:

(میمون)	دایانا راس
(بز)	فورنس بالارد
(میمون)	مری ویلسن

بخش دوم

اگر من در چین زندگی می‌کردم و به شغل طالع‌بینی می‌پرداختم، به اطلاعات زیادی درباره جزئیات تولد مشتریان خود نیاز پیدا می‌کردم که اکثر ما در مغرب زمین به آنها دسترسی نداریم. چینی‌ها علاوه بر تعیین علامت سال، تأثیر حیوان مربوطه را در طیف گسترده‌ای شامل ماهها، روزها و حتی ساعات نیز منظور می‌نمایند. علاوه بر این‌ها، هر حیوانی دارای عامل ویژه خود از قبیل خاک و آتش است که نقش عمدت‌ای در تکمیل و اصلاح خصوصیات فردی اشخاص دارد. و ما می‌توانیم با استفاده از این دسته تأثیرات اصلاح‌گر، مطالب فراوانی راجع به پیچیدگی‌های طالع‌بینی چینی‌ها فرا بگیریم، و قادر بشویم به پاسخ سوالات معمولی در رابطه با این دانش مجدوب‌کننده نزدیکتر بشویم. مانند: «چگونه تمام انسان‌هایی که در یک سال متولد می‌شوند، رفتار یکسانی دارند؟»

همان طوری که آنها بی که طالع‌بینی چینی‌ها را حتی به طور اتفاقی هم مطالعه نموده باشند، به خوبی پی برده‌اند که علامت حیوان سال مورد نظر یک عامل نافذ و تعیین‌کننده است. اما این را نیز می‌دانیم که یک فرق جزیی ولی قابل تمايز بین آنها بی که دارای یک علامت هستند وجود دارد که آنها را ناشی از تأثیر علامت سال تولد و پنج عامل دیگر می‌دانند. در واقع تعدادی از خبره‌گان چینی وجود دارند که اعلام می‌کنند تأثیر عوامل پنجگانه به همان اهمیت علایم دوازده‌گانه است. و حتی بعضی‌ها مطالب بیشتری راجع به این پنج عامل می‌گویند که من کاملاً با آنها موافق نیستم.

عوامل پنجگانه

در بعضی از کتاب‌ها در این رابطه، عوامل پنجگانه را پنج عنصر نامیده‌اند. اما این موضوع کاملاً واقعیت ندارد که یک عامل تواند در این زمینه کیفیت شخصیت یکی را تغییر بدهد، تا یک عنصر که به غلط تغییرات اساسی را مطرح می‌نماید. به هر حال وجود عوامل پنجگانه کمک مؤثری به درک نحوه اصلاح تأثیر علامت حیوان مربوطه می‌باشد. این عوامل پنجگانه: فلز، آب، چوب، آتش و خاک، نه تنها از تأثیر علامت حیوان مربوطه می‌کاهد، بلکه نقش عمدہ‌ای در پالایش قدرت سازگاری حیوان مربوطه با علایم دیگر دارد.

هر کدام از علایم حیوانات دوازده‌گانه یک عامل ثابت دارد که دوره تسلسل آن هر ۶ سال یک بار است. برای مثال موشی که در سال ۱۹۰۰ متولد شده باشد، دارای یک عامل ثابت آب است و فلز هم عامل متحرک آنست. به عبارت ساده‌تر، موش مورد نظر، موش فلزی با پایه ثابت آب خواهد بود. و عامل متحرک تأثیرش غالب می‌باشد.

ضمناً علاوه بر آگاهی به عوامل ثابت و متحرک سازنده شخصیت و خصوصیات ما، پی بردن به همین عوامل در شخصیت والدین ما هم اهمیت دارد. بنابراین وقتی جفت ایده‌آل به وجود می‌آید که عوامل تشکیل‌دهنده سازگاری ما با طرف مقابل یکسان باشد. بنابراین پر واضح است که فلز به وسیله آتش ذوب می‌شود، لذا باید از هم‌دیگر دوری گزینند. یا آب به وسیله فلز جابجا می‌شود (مثل ظروف فلزی) بنابراین چنین روابطی توصیه می‌گردد. در ضمن ما می‌توانیم با مطالعه حیوان واقعی مربوط به خودمان تأثیر آن را در خصوصیات خودمان مشخص نماییم. ضمناً می‌توانیم از حالت طبیعی عوامل پنجگانه نیز مطالبی را بیاموزیم. بدین طریق در می‌یابیم که عامل آتش باعث می‌شود فرد مورد نظر با درخشش بسوزد و

بعضی موقع هم به طور ناگهانی به خاموشی گراید. آب هم به طور آزاد
جاری می‌گردد و به سطح خود می‌رسد.

مانند تمام چیزهای چینی‌ها، یک سادگی جالبی درباره عوامل پنجگانه
وجود دارد. وقتی تفهیم گردیدند، به مقدار فراوانی به درک ما از تغییرات
دقیقی که روی حیوان مؤثر ما می‌گذارند، می‌افزایند.

عوامل اصلاحی و کنترل‌کننده

طالع بینی چینی، عوامل پنجگانه را به صورت دو بخش از کل یا مانند
دو روی یک سکه می‌داند، و به عنوان کنترل‌کننده و اصلاح‌گر شناخته
می‌شوند. و جالب است توجه نماییم که دنیا تماماً از عوامل پنجگانه ساخته
شده است، در نتیجه به اهمیت تأثیر چوب، آتش، خاک، فلز و آب، به روی
حیوان علامت خودمان بهتر واقف می‌شویم. و ضمناً باید تأکید نماییم که
هیچ کدام از عوامل پنجگانه مهم‌تر از چهارتای دیگر نیست. در نتیجه تمام
آنها نقش مهم خودشان را هم به طور اعم روی کیهان و هم به طور اخص
روی هدف شخصی ما در طالع بینی چینی دارند.

خاصیت اصلاح‌گری عوامل

آب به وسیله خاک اصلاح می‌شود.

سواحل جلو هجوم امواج آب دریا به زمین‌های داخلی را می‌گیرند. و ما
از انواع خاک‌ها به طرق مختلف استفاده می‌کنیم، مانند ساختن لوله‌های آب
از گل پخته، دیگ‌ها، نهرهای آبیاری و کانال‌ها
خاک به وسیله چوب اصلاح می‌گردد.

نرده‌های چوبی را در اطراف مزارع و باغچه‌ها نصب می‌کنیم، خاک را

در ظروف چوبی نگهداری می‌کنیم، درختان از طریق ریشه‌های خود از خاک مواد غذایی کسب می‌کند، و خاک بدون درخت تبدیل به شنزار می‌گردد.

چوب به وسیله فلز اصلاح می‌شود.

اره‌ها تنہ قطور درختان را می‌برند و تبرها می‌توانند بزرگترین درختان را قطع نمایند. میخ‌ها چوب‌ها را به هم می‌چسباند و رنده‌ها به آنها شکل و حالت می‌دهند.

فلز به وسیله آتش اصلاح می‌گردد.

طلاء به وسیله شعله ذوب می‌شود و سخت‌ترین فلزات به وسیله حرارت شدید، تبدیل به مایع می‌شود. اما باید توجه نماییم که آتش نمی‌تواند فلز را نابود نماید. آتش فقط می‌تواند فرم و شکل آن را عوض نماید، و آن هم به طور موقتی.

آتش به وسیله آب اصلاح می‌گردد.

این واضح‌ترین خاصیت اصلاحی است. آب آتش را خاموش می‌کند تا به آن حد که دیگر اثری از آتش باقی نماند.

خاصیت کنترلی عوامل

آب چوب را کنترل می‌کند.

بدون آب باران درختان رشد نمی‌کنند. واضح است که منظور ما از چوب و درخت یکی است. چوب آتش را کنترل می‌نماید.

در این حالت چوب به عنوان تأمین‌کننده آتش دیده می‌شود. پسرهای پیش‌آهنگ یاد می‌گیرند که چگونه از ساییدن دو تکه چوب خشک آتش روشن بکنند، و در محیط‌های ابتدایی بدون وجود چوب، آتش نمی‌توانست

وجود داشته باشد.

آتش خاک را کنترل می‌کند.

می‌توان چنین گفت که خاک از خاکستر چوب به عمل می‌آید یا هر چیزی که بسوزد، تبدیل به کربن می‌شود که بخشی از خاک است. خاک فلز را کنترل می‌نماید.

اگر همه فلزات را منظور نکنیم، حداقل قسمت اعظم فلزات از کندن معدن در زمین به دست می‌آیند. حتی سنگ‌ها که دارای بعضی فلزات می‌باشند، در اصل خاک سفت شده هستند. فلز آب را کنترل می‌کند.

ممکن است از فلز برای جابجایی آب استفاده کرد. اما راه دیگری برای نگریستن به این ترکیب وجود دارد. وقتی فلز حرارت داده شود، تبدیل به مایع می‌شود که می‌توان آن را آب شدن نامید.

عوامل ثابت

آب: موش، گاو، خوک

چوب: گربه، اژدها، مار

آتش: اسب، بز، میمون

فلز: ببر، خروس، سگ

بانگاه کردن به عوامل بالا متوجه می‌شوید که خاک به عنوان عامل ثابت قید نشده است. این بدین دلیل است که خاک را به صورتی می‌توان در عوامل دیگر پیدا کرد. مثل، خاک کف دریا، یا خاکستر حاصله از سوختن چوب و غیره...

عوامل متحرک

موش

فلز، ۱۹۰۰ آب، ۱۹۲۴ چوب، ۱۹۳۶ آتش، ۱۹۴۸ خاک، ۱۹۶۰
فلز، ۱۹۷۲ آب، ۱۹۸۴ چوب، ۱۹۹۶ آتش، ۲۰۰۸ خاک

گاو

فلز، ۱۹۰۱ آب، ۱۹۲۵ چوب، ۱۹۳۷ آتش، ۱۹۴۹ خاک، ۱۹۶۱
فلز، ۱۹۷۳ آب، ۱۹۸۵ چوب، ۱۹۹۷ آتش، ۲۰۰۹ خاک

ببر

آب، ۱۹۰۲ آب، ۱۹۱۴ چوب، ۱۹۲۶ آتش، ۱۹۳۸ خاک، ۱۹۵۰ فلز، ۱۹۶۲
آب، ۱۹۷۴ چوب، ۱۹۸۶ آتش، ۱۹۹۸ خاک، ۲۰۱۰ فلز

گربه

آب، ۱۹۰۳ آب، ۱۹۱۵ چوب، ۱۹۲۷ آتش، ۱۹۳۹ خاک، ۱۹۵۱ فلز، ۱۹۶۳
آب، ۱۹۷۵ چوب، ۱۹۸۷ آتش، ۱۹۹۹ خاک، ۲۰۱۱ فلز

اژدها

چوب، ۱۹۰۴ آب، ۱۹۱۶ آتش، ۱۹۲۸ خاک، ۱۹۴۰ فلز، ۱۹۵۲ آب، ۱۹۶۴
چوب، ۱۹۷۶ آتش، ۱۹۸۸ خاک، ۲۰۰۰ فلز، ۲۰۱۲ آب

مار

چوب، ۱۹۰۵ آب، ۱۹۱۷ آتش، ۱۹۲۹ خاک، ۱۹۴۱ فلز، ۱۹۵۳ آب، ۱۹۶۵
چوب، ۱۹۷۷ آتش، ۱۹۸۹ خاک، ۲۰۰۱ فلز، ۲۰۱۳ آب

اسب

۱۹۰۶ آتش، ۱۹۱۸ خاک، ۱۹۳۰ فلز، ۱۹۴۲ آب، ۱۹۵۴ چوب، ۱۹۶۶
آتش، ۱۹۷۸ خاک، ۱۹۹۰ فلز، ۱۹۹۰ آب، ۲۰۱۴ چوب

بزر

۱۹۰۷ آتش، ۱۹۱۹ خاک، ۱۹۳۱ فلز، ۱۹۴۳ آب، ۱۹۵۵ چوب، ۱۹۶۷
آتش، ۱۹۷۹ خاک، ۱۹۹۱ فلز، ۱۹۹۱ آب، ۲۰۰۳ چوب

میمون

۱۹۰۸ خاک، ۱۹۲۰ فلز، ۱۹۳۲ آب، ۱۹۴۴ چوب، ۱۹۵۶ آتش، ۱۹۶۸
خاک، ۱۹۸۰ فلز، ۱۹۹۲ آب، ۲۰۰۴ چوب، ۲۰۱۶ آتش

مرغ یا خروس

۱۹۰۹ خاک، ۱۹۲۱ فلز، ۱۹۳۳ آب، ۱۹۴۵ چوب، ۱۹۵۷ آتش، ۱۹۶۹
خاک، ۱۹۸۱ فلز، ۱۹۹۳ آب، ۲۰۰۵ چوب، ۲۰۱۷ آتش

سگ

۱۹۱۰ فلز، ۱۹۲۲ آب، ۱۹۳۴ چوب، ۱۹۴۶ آتش، ۱۹۵۸ خاک، ۱۹۷۰
فلز، ۱۹۸۲ آب، ۱۹۹۴ چوب، ۲۰۰۶ آتش، ۲۰۱۸ خاک

خوک

۱۹۱۱ فلز، ۱۹۲۳ آب، ۱۹۳۵ چوب، ۱۹۴۷ آتش، ۱۹۵۹ خاک، ۱۹۷۱
فلز، ۱۹۸۳ آب، ۱۹۹۵ چوب، ۲۰۰۷ آتش، ۲۰۱۹ خاک

عامل آب

جنبه مثبت آنهایی که عامل آب در سال تولد آنها مؤثر باشد، در برخورد با زندگی از آرامش و سکوت فراوان برخوردار می‌شوند. در شرایط عادی آب آرامش‌بخش و مصفات است. از سوی دیگر اگر در جداره مخزن یا لوله‌ها، ترکی یا سوراخی به وجود بیاید، این مایع به سرعت راهی به بیرون می‌یابد. و این می‌رساند که آب می‌توان مسافت طولانی را طی بکند. و اگر منبع منشاء آن بزرگ باشد، در طول مسیر کاهش نمی‌یابد. و می‌تواند هر چیزی را که با آب جور دربیاید، با خود حمل بکند، و ضمناً نور را منعکس می‌کند، و همین طور به روانی ذهن کمک می‌کند.

آب می‌تواند چیزهای دیگر را که بتوانند شناور بمانند با خود حمل نماید، اما می‌تواند آنهایی را که راههای آن را یاد نگرفته‌اند، غرق بکند. بعضی مواقع آب در جاهایی مورد نیاز می‌شود که در آنجا یافت نمی‌شود و باید از جای دیگر حمل شود اما در این حالت این خطر وجود دارد که اگر آن را در درون ظرف مناسب حمل نکنند، ممکن است بریزد. لذا آب الزام می‌نماید که وسیله حمل خود را به دقت انتخاب بکند. و اگر در مسیر حرکت خود به مانعی برخورد بکند، آنقدر با حوصله خود را به آن می‌ساید تا آن را فرسوده نماید. در مورد عشق، آب مدتی وقت لازم دارد تا بجوشد، وقتی به مرحله جوش رسید اگر بدون توجه رها شود، آنقدر می‌جوشد تا بخار شود. آب برای تغییر دادن اغوا می‌کند تا به زور متول بشود.

جنبه منفی آنهایی که عامل آب در سال تولد آنها مؤثر باشد آن زمانی آشکار می‌شود که با یک طوفان از کوره دربروند، در چنین حالتی آنها کنترل خود را از دست داده و با تمام نیروی وحشتناکشان خودشان را به هر مانعی که مواجه بشوند، می‌کوبند. اما به محض این که به حالت عادی و آرام خود برگشته‌اند، متغیر نمی‌شوند. بنابراین بعضی مواقع درس فراگرفتن از

تجربیاتمان مفید است.

عامل چوب

جنبه مشبت آنها بی که در سال چوب متولد می شوند این است که به آهستگی و با اطمینان رشد می کنند. این ها ابتدا ریشه خود را با استحکام می دوانتند و سپس شروع به بالا آمدن می کنند. و از حد خودشان فراتر نمی روند و پاهایشان را به اندازه گلیمیشان دراز می کنند. فرد چوب به آرامی و با احتیاط و تأمل جلو می رود و ضمن حرکت کاملاً یاد می گیرد. در عشق چوب محتاط است. چوب وقتی زیردست یک استادکار باشد، به هر شکل و فرم جالب و مطلوب درمی آید. و به درد خیلی چیزها می خورد. چوب خیلی ثابت قدم است و یک تأمین کننده بزرگ محسوب می شود. و به خاطر انعطاف پذیری در جوانی و مستحکم و بادوام بودنش در سنین کمال، مورد احترام همه است.

هیچ کدام از عوامل پنجگانه این همه مصارف مختلف در زنجیره طبیعت ندارد. لذا تعجبی ندارد که درخت در افسانه های اساطیری به عنوان مادر زندگی به حساب آمده است. و می بینیم که سایه دارند، میوه تولید می کنند، مصالح ساختمانی به وجود می آورند، برگ هایشان تبدیل به کود می شود و آشیانه و پناهگاه پرنده ها محسوب می شوند. چوب اعتماد به نفسی را الهام می بخشد و در موقع کار کردن با دیگران کمتر یا اصلاً با مشکلی مواجه نمی شود، لذا پیشنهاد می شود در موقع انتخاب شریک شغلی از افراد دارای عامل ثابت چوب انتخاب نمایید. از سوی دیگر میزان استحکام چوب ها با هم فرق می کند و بعضی از انواع آنها به آسانی می شکنند یا صدمه می بینند. و دانه یا تخم درختان ممکن است تا به مسافت طولانی جابجا بشود.

جنبه منفی افراد دارای عامل چوب این است که آنها در شرایط سخت

می‌شکنند و به زمین می‌افتدند. و اگر درختی ریشه کن شده باشد، کاشتن مجدد آن بیهوده است. و زمانی که ریشه ترد و شکننده آن بکشند، دیگر کاری نمی‌توان انجام داد.

عامل آتش

جنبه مثبت آنها بی که تحت عامل آتش متولد می‌شوند، خاصیت حیاتی و زنده‌دلی آنهاست. آتش حتی در روشنایی روز هم مرکز کانونی توجه است. آتش گرما و الهام می‌بخشد. آتش اشتها فراوانی دارد، و همه چیز را در سر راهش می‌بلعد. و هرگز از خطر نمی‌هراسد. و قدرت جالبی در کشاندن افراد سست عنصر به درون شعله‌های خود دارد. در فراغیری و عشق ورزیدن سریع است و انرژی لازم برایبقاء را فراهم می‌کند، و بدون وجود آن همه ما می‌میریم. آتش نمی‌تواند در یک جا ثابت بماند و دائماً در حرکت و در جستجوی افق‌های تازه و مبارزات تازه برمی‌آید.

تعداد کمی می‌توانند بدون آتش زندگی بکنند، مجردین، فردگراها و آنها بی که تحت عامل آتش متولد شده‌اند، هرگز زندگی را خالی از جذابیت نمی‌یابند. خیلی موقع آتش به عنوان یک تهدید تلقی می‌شود. خصوصاً برای آنها بی که توسط آن به تحلیل رفته‌اند. اما وقتی مهار بشود، مانند آتش درون بخاری و یا تنور زندگی‌بخش می‌شود و مردم به دورش جمع می‌شود و از حرارت آن متنفع می‌شوند. آتش تاریکی‌ها را روشنی می‌بخشد و در جشن‌ها به صورت آتش‌بازی، شادی‌بخش می‌شود.

جنبه منفی آنها بی که دارای عامل آتش هستند این است که آنها خودکفا نیستند. آتش نیاز به خوراک برای سوخت دارد و بدون کمک به زودی خاموش می‌شود. در حالت منفی، در میان بقیه عوامل بدون چون و چرا، آتش مخرب‌ترین محسوب می‌شود، راه فراری از آن وجود ندارد و همه

چیز روی زمین قربانی بالقوه آن به حساب می‌آید.

عامل خاک

جنبه مثبت آنهایی که دارای عامل خاک هستند این است که آنها قابل اتکا و اعتماد هستند. خاک عنصری است که تمام موجودات روی آن راه می‌روند و تمام گیاهان روی آن رشد می‌کنند و به آسانی جابجا نمی‌شود، و تحت شرایط مناسب، به عنوان پایه برای تمام انواع حیات محسوب می‌شود. اما با وجود فراوانی، مصارف محدودی دارد. و برای تبدیل آن به چیز دیگر نیاز به تلاش و مهارت دارد. در موقع سروکار داشتن با این قبیل اشخاص عقل حکم می‌کند به یاد داشته باشیم که این‌ها عمیقاً محافظه کار هستند. به آسانی مسافت نمی‌کنند و احساسات ملونی دارند. در نتیجه عشق باید منتظر بماند تا فصلش برسد.

خاک‌ها بر مبنای محل و سرنوشت‌شان هم ثروتمند هستند و هم فقیر و امورات مالی آنها بسته به شراكتی که دارند، فرق می‌کند. وقتی کسی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند سعی می‌کنند با مخالفتی رویرو نشوند. نقشه آنها همیشه صبر کردن است تا اوضاع مناسب بشود. و ترجیح می‌دهند رویدادها روند طبیعی خودشان را طی بکنند. در قضاؤت و عصباًی شدن کند هستند و بعضی مواقع در برخوردها و معاملات نیز کند عمل می‌کنند.

جنبه منفی اشخاص دارای عامل خاک این است که بعضی مواقع محروم می‌مانند. در رفتار آنها کندی عمل و بی‌اصالتی مشاهده می‌شود. اغلب کمبود آب خاک را خشک می‌کند و زیادی آب ممکن است آن را به گل تبدیل نماید.

عامل فلز

جنبه مثبت آنها بی که دارای عامل فلز هستند، این است که در بلند همتی خودشان انعطاف پذیر نمی باشند. تقریباً بدون استثناء فلزات مصمم و سخت هستند ولی ممکن است در اثر حرارت تغییر شکل بدene و حتی از حالت اصلی جامدشان به حالت مایع درآیند، اما جنس فلز تغییر نمی کند و ماهیت خود را از دست نمی دهد. فلزات در انواع فرم هایشان هم مورد پرستش قرار می گیرند و هم مورد ستایش، به خاطر شان جنگها به پا می شود و اغلب ذخیره و احتکار می گردد. به طور کلی ظاهر و پایه کلیه مصنوعات ساخت دست بشر را تشکیل می دهد. هیچ کدام از عوامل دیگر به اندازه فلز دوام نمی آورد و الهام بخش قلوب انسانها و باعث جاه طلبی شان نمی گردد. فلز تبدیل به پاداش و هدف غایی ما شده است و به همین اندازه می تواند همه انسانها را تحت تأثیر قرار بدهد.

انسان های فلز در مورد عشق طوری اقدام می کنند که اول آنها دوست داشته شوند و چندان به طور عمیق عاشق نمی شوند مگر به خاطر تنها خودشان و فلز به همه جا حمل و نقل می گردد. اما فلز کشف نشده به صورت تصفیه نشده و نهفته باقی می ماند، اما نه به مدت طولانی. بالاخره یک شخصی آن را جسته و پیدا خواهد کرد.

جنبه منفی آنها بی که دارای عامل فلز هستند این است که انعطاف ناپذیرند و به سختی از چیزی که دوست دارند دل می کنند. زنجیرها را از فلز می سازند که در خیلی موقع در هم گره می خورد هر کسی فلز را رد نماید، در خواهد یافت که خودش را طرد نموده است.

عوامل و مصارف آنها

دو نوع مصرف عمدۀ برای عوامل پنجگانه اصلاح‌کننده وجود دارد. با وجود این که می‌توانند به طرق مختلف مصارف بی‌شماری در زندگی روزمره ما داشته باشند. در اصل به عنوان کمک سازگاری به کار می‌روند و راهنمای ما در کاری که باید انجام بدهیم می‌شوند. گفته می‌شود فردی که تمام عوامل فلز، آب، چوب و آتش را به صورت دست تمام داشته باشد، بسیار نادر است. در چین خبره‌گان فن عقیده دارند که وقتی عامل خاک حاضر می‌شود که چهار عامل دیگر حاضر باشند. بعضی‌ها فرق می‌کنند، اما در کنار اکثریت باقی می‌مانند. اگر شما دارای عامل خاک هستید، همین کافی و خوب است. و اگر نداشته باشید، آن وقت من نظر اکثریت را خواهم پذیرفت.

در چین سعی فراوان به عمل می‌آورند تا بتوانند عوامل بیشتری را دارا باشند مثلاً یک فرد ممکن است دارای عوامل آتش، چوب و آب باشد، اما فلز نداشته باشد. چنین شخصی سعی می‌کند فلزکار بشود، یا اشیاء فلزی را دم دست خود قرار می‌دهد. مثلاً داشتن مج‌بند یا بازو بند فلزی کافی خواهد بود. و اگر عامل آب را کم داشته باشند ممکن است کلمه آب را به اسم خودشان اضافه نمایند. و ما در ایران می‌توانیم لقبی که به نحوی با آب در ارتباط باشد برای خود تعیین نماییم مثلاً «اسماعیل قهرمانی‌پور مرواریدکار»

متأسفانه در مغرب زمین کشف عوامل موجود در شخصیت خودمان اغلب با شکست مواجه می‌شود. و این به خاطر آنست که اکثراً نمی‌توانیم جزئیات دقیق ساعت تولد خودمان را بیابیم. از سوی دیگر سیستم تقسیم‌بندی عوامل پنجگانه خیلی پیچیده است و برای تشریح آن به کتابی دو برابر حجم این کتاب نیاز است. اما این امر نباید باعث ناراحتی شود و

شناختن چند تا از عوامل برای درک شخصیت ما و نحوه سازگاری و تأثیر آنها کافی است. به هر حال برای آنها بی که چنین اطلاعاتی را دارند و یا مایل هستند یاد بگیرند که چگونه به نوع و تعداد عوامل خود پی ببرند به شرح زیر است: ابتدا عامل سال تولد خودتان را پیدا نمایید. سپس عامل حیوان علامت سال تولدتان را پیدا بکنید. و در مرحله سوم عامل حیوان ساعت تولد خود را معلوم نمایید. و در مرحله چهارم عامل حیوان علامت ماه تولدتان را پیدا کنید. سیستم سالنامه‌ای مغرب زمینی‌ها دقیقاً با سیستم بروج دوازده‌گانه چینی که به تقویم قمری کشاورزی معروف است مطابقت دارد و به شرح زیر می‌باشد.

عامل حیوان ماه تولد

برج دلو، اژدها: از ۲۱ ژانویه تا ۱۹ فوریه (از ۱ بهمن تا ۳۰ بهمن)	عامل ثابت چوب
برج حوت، مار: از ۲۰ فوریه تا ۲۰ مارس (از ۳۰ بهمن تا ۲۹ اسفند)	عامل ثابت چوب
برج حمل، گربه: از ۲۱ مارس تا ۱۹ آپریل (از ۳۰ اسفند تا ۳۰ فروردین)	عامل ثابت چوب
برج ثور، گاو: از ۲۰ آپریل تا ۲۰ می (از ۳۱ فروردین تا ۳۰ اردیبهشت)	عامل ثابت آب
برج جوزاء، خوک: از ۲۱ می تا ۲۱ ژوئن (از ۳۱ اردیبهشت تا ۳۱ خرداد)	عامل ثابت آب
برج سرطان، موس: از ۲۱ ژوئن تا ۲۱ جولای (از ۳۱ خرداد تا ۳۰ تیر)	عامل ثابت آب
برج اسد، ببر: از ۲۲ جولای تا ۲۱ آگوست (از ۳۱ تیر تا ۳۰ مرداد)	عامل ثابت فلز
برج سنبله، خروس: از ۲۲ آگوست تا ۲۲ سپتامبر (از ۳۱ مرداد تا ۳۱ شهریور)	عامل ثابت فلز
برج میزان، سگ: از ۲۳ سپتامبر تا ۲۲ اکتبر (از ۱ مهر تا ۳۰ مهر)	عامل ثابت فلز
برج عقرب، میمون: از ۲۳ اکتبر تا ۲۱ نوامبر (از ۱ آبان تا ۳۰ آبان)	عامل ثابت آتش
برج قوس، اسب: از ۲۲ نوامبر تا ۲۱ دسامبر (از ۱ آذر تا ۳۰ آذر)	عامل ثابت آتش
برج جدی، بز: از ۲۲ دسامبر تا ۲۰ ژانویه (۱ دی تا ۳۰ دی)	عامل ثابت آتش

تشخیص عواملی که کم داریم چندان مشکل نیست و می‌توانیم به وسیله یک روش ساده آنها را اصلاح نماییم. برای نمونه خودم را مثال می‌زنم. من عامل آتش را ندارم و علاج کار من مانندن در نور خورشید است، هرچه گرم‌تر، بهتر. از سوی دیگر چون عامل ثابت من فلز است، نیاز به آب در کنار دست خود دارم. بنابراین هر موقع جهت تعطیلات به خارج از کشور می‌روم، هرگز محلی در عمق خشکی کشوری را انتخاب نمی‌کنم، مگر این که برکه‌ای یا استخر آبی در آنجا وجود داشته باشد.

برای کمک به شناسایی شخصیت خودمان از طریق پیدا کردن عوامل موجود در ما، اجازه بدهید به یک نمونه خاص نگاهی بیفکنیم.

سوژه مورد نظر خانم است، در ساعت ۲:۴۰ بعد از ظهر ۲۱ ماه آپریل به دنیا آمده است. علامت حیوان‌وی بیراست و علامت ساعت تولد وی بزر است. عامل ثابت ببر چوب است و عامل متحرک وی آتش. و عامل ثابت بز آتش است و علامت ماه تولد وی نیز آتش است.

نتیجه این‌ها فرخنده نیست زیرا علامت ساعت تولد وی که بز است، هیچ گونه سازگاری با ببر که غالب است، ندارد. عامل اصلی سال تولد او آتش است که به طور هیجان‌آوری به وسیله عوامل آتش مربوط به ماه و ساعت تولدش بالا برده می‌شود. ضمناً عامل ثابت وی که چوب است، با عوامل سه‌گانه قدرتمند آتش وی در نبرد خواهد بود. از سوی دیگر آبی برای کنترل آتش، یا فلزی برای کمک به چوب وجود ندارد. بنابراین برای سازگار شدن و تعادل، بز به سوی اسب‌ها می‌پیچد و ببر به سوی سگ‌ها. اما علایم اسب یا سگ در او وجود ندارد، بنابراین یک تعلق خاطر تند و تیز به هر کدام از این‌ها کمک مؤثری به هماهنگی عوامل درونی وی خواهد بود. و با وجود این که علامت ببر وی دارای صور غالب است به طوری که معمولاً علایم خود را بروز می‌دهد، تمام علایم اصلاحی و عوامل وی در تضاد هستند. لذا چنین به نظر می‌رسد که فرد مورد نظر را به حال خود بگذارند تا

عمیقاً تقسیم گردد و تماماً بی اثر بماند. و برای آگاهی شما اعلام می کنم که این شخص علیا حضرت ملکه الیزابت دوم پادشاه فعلی انگلستان است.

عوامل و کار

بر مبنای یک حساب سرانگشتی، ما باید همیشه سعی بکنیم شغلی را بیابیم که با عوامل ما دمساز باشد. برای مثال کسی که با عامل غالب آتش به دنیا آمده باشد، اگر با شغلی که در رابطه با آب باشد سروکار داشته باشد، کار احتمانهای خواهد بود. زیرا این دو عامل متضاد می باشند. اما عامل غالب چوب سازگاری خوبی با آب به وجود می آورد. بنابراین این عوامل نه تنها راهنمای مفیدی در جهت کار و روابط با دیگران است، بلکه می توانند کمک مؤثری در رفع نیازهای روزمره ما باشند. برای مثال خانه ما یکی از جاهایی است که این عوامل می توانند در بهبود کیفیت و کمیت آن مؤثر باشند. مثلاً شخصی که عامل چوب را کم دارد، می تواند این نقیصه را با کاشتن یک درخت در حیاط خانه اش و یا خریدن مبلمان چوبی به جای مبلمان پلاستیکی یا فلزی برطرف نماید. ضمناً همیشه به خاطر داشته باشید که در موقع مشخص نمودن عوامل ناقص خود، این عامل سال تولد است که در همه وقت تأثیر غالب را دارد.

عامل فلز در کار

آنها بی که عامل غالب آنها فلز باشد، باید در موقع انتخاب شغل سعی بکنند آن کار در رابطه با چوب و یا وابسته به فلز باشد. کارهای مربوط به چوب برای فرد دارای عامل فلز عالی است و یا کاری که دارای ابزاری از آن دو عامل باشد قویاً توصیه می گردد. نقره کارها از چنین ابزارهایی استفاده

می‌کنند و از آتش که عامل متضاد می‌باشد، کمتر بهره می‌گیرند. شغل نجاری یک حرفه مناسب دیگری برای اشخاص با عامل فلز است. همین طور فلز هادی برق است، بنابراین هر شغلی که در رابطه با برق باشد خوب است. مثلًاً از کارهای مربوط به کامپیوتر گرفته تا لوازم موسیقی برقی. از سوی دیگر فلز آب را کنترل می‌کند، بنابراین مثلًاً کار کردن در صنایع کشتی‌سازی، خواه در قسمت طراحی و خواه در ساخت کشتی، فرخنده و پرخیر و برکت خواهد بود. اما بر عکس آتش فلز را کنترل می‌کند، در نتیجه باید از کارهایی که در رابطه با آتش باشد دوری جست. مثلًاً خدمت در آتش‌نشانی و امثال‌هم.

عامل آب در کار

آنهايي که داراي عامل غالب آب هستند، باید به دنبال کاري باشند که يا در رابطه با چوب باشد يا آب. چوب آب را کنترل می‌کند بنابراین هر کاري در نزديکي چوب انتخاب خوبی است. مثلًاً ملاحی با کشتی‌های چوبی يا ساختن لاوک‌های چوبی سنتی ممکن است کارساز باشد. از سوی دیگر چون گمان می‌رود که قسمت اعظم جسم انسان‌ها از آب تشکيل شده است، بنابراین هرگونه کاري که در تماس با بدن آدم باشد، مفید است. برای مثال دکترها و آنهايي را که رابطه نزديکي با معاينه و مداوai جسم انسان‌ها دارند، می‌توان نام برد. همین طور، آب آتش را کنترل می‌کند، بنابراین شغلی مانند آهنگری خوب خواهد بود، اما چون آب با خاک در تضاد است، سعی کنيد از کارهای مربوط به خاک مثلًاً کندن چاههای آب خودداری نمایيد.

عامل چوب در کار

آنها بینی که عامل غالب آنها چوب است، باید به دنبال کاری بگردند که شامل خاک یا آب باشد. بهترین این نوع کارها شغلی در رابطه با هر نوع کاغذ است. یا شغل کشاورزی خصوصاً جنگل کاری خیلی مفید خواهد بود. همین طور ساختن بناهای چوبی در روی زمین. برای مثال، طرح و ساخت کلبه های چوبی در سواحل آب ها برای مسافرین ایام تعطیلات خوب می باشد. چوب به وسیله فلز اصلاح می گردد، بنابراین هر شغلی که این دو را به هم برساند، مفید خواهد بود، بر عکس قطع درختان خطر آفرین خواهد بود. و از سوی دیگر چون آتش مخالف چوب است، بنابراین باید از کارهای در رابطه با آتش دوری جوید.

عامل آتش در کار

لنهایی که دارای عامل غالب آتش هستند باید به دنبال شغلی بگردند که تماس نزدیک و قوی با فلز دارد و کمتر با چوب. فلز به وسیله آتش دوب می شود و به هر شکلی در می آید، بدون این که از بین برود. بنابراین نوختن شیپور، ساکسوفون، ترومپت و یا هر نوع وسیله فلزی موسیقی که از جنس برنج باشد، ایده اآل خواهد بود. اگر دارای کاری در رابطه با چوب هستید، بهتر است زیاد به کاغذ نزدیک نشوید. و کارتان با چوب آن موقع شکوفاتر خواهد بود که چوب در حالت طبیعی خود باشد. ضمناً باید به هر قیمتی شده از آب دوری جست، زیرا آب حداقل همه چیز را خیس می کند و حتی بدتر از آن، قوی ترین ایده ها را با خود می شوید و می برد. خاک نیز عامل دیگری است که از سرعت پیشرفت می کاهد.

عامل خاک در کار

آنها بی که خاک عامل غالب آنهاست دارای یک مزیت در بازار پر از امید کار هستند. خصوصاً در انواع کارهایی که نیاز به احتیاط و اندیشه دقیق دارند. این عامل از چهار عامل دیگر ثابت تر است و تمثیل می شود به آنها بی که در کشاورزی (جنگل کاری نه) و زمین شناسی فعالیت دارند، کمک فراران می کند. از سوی دیگر هر نوع شغلی که متضمن پیشرفت منظم باشد، ارزش در نظر گرفتن را دارد. اما عامل خاک با آب یا فلز سازگار نمی باشد. زیرا بدون در نظر گرفتن شرایط، آب، خاک را می شوید و با خود می برد. با این حساب کارهای نزدیک به دریا یا رودخانه توصیه نمی شود. حتی کارهای مربوط به آب از قبیل مسئول خواندن کنترلهای آب نیز چندان جالب نخواهد بود.

ساعت دوازده گانه

علایم حیوانی و ساعات مربوط به آنها

در چین طول مدت ساعات سنتی دو برابر ساعات ما می باشد. ساعت اول از ساعت ۱۱ شب تا ۱ بامداد می باشد. و مدت زمان هر دو ساعت را به یک حیوان اختصاص داده اند که مطابق توالي علایم سال به شرح زیر می باشد:

ساعت ویژه موش	۱۱ شب تا ۱ بامداد:
ساعت ویژه گاو	۱ بامداد تا ۳ بامداد:
ساعت ویژه ببر	۳ بامداد تا ۵ صبح:
ساعت ویژه گربه	۵ صبح تا ۷ صبح:
ساعت ویژه اژدها	۷ صبح تا ۹ صبح:
ساعت ویژه مار	۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر:

ساعت ویژه اسب	۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر:
ساعت ویژه بزرگ	۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر:
ساعت ویژه میمون	۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر:
ساعت ویژه مرغ	۵ عصر تا ۷ شامگاه:
ساعت ویژه سگ	۷ شامگاه تا ۹ شب:
ساعت ویژه خوک	۹ شب تا ۱۱ شب:

در مورد زمان مؤثر بودن این علایم هنوز هم بحث و جدل وجود دارد. بعضی از خبره‌گان این علم عقیده دارند که این ساعات باید بر مبنای افق پکن باشد. من با این عقیده موافق نیستم نظر من که مورد تأیید خیلی‌هاست، این است که ما فقط تحت تأثیر فعالیت کره ماه در زمانی که مستقیماً روی کره زمین ما فعال می‌شود قرار می‌گیریم. و اگر موضوع دیگری غیر از این را مطرح نماییم مثل این است که بگوییم وقتی نور آفتاب در فصل زمستان در بندرعباس با گرمی می‌تابد، ما می‌توانیم در هوای ابری و سرد بندرانزلی حمام آفتاب بگیریم. و در ایران ساعت رسمی و قدیمی کشور بدون جلو یا عقب کشیدن ملاک عمل و صحیح است.

نحوه سازگاری عوامل

چینی‌ها رابطه بین عوامل را به همان اهمیت نحوه سازگاری علایم حیوانی سال می‌نگرند. در چین به راحتی می‌توانید صدھا نوع کتاب درباره نحوه سازگاری عوامل با یکدیگر را پیدا کنید که همگی به زبان ساده و قابل فهم عموم و باب کتابفروشی‌ها نوشته شده‌اند. به هر حال برای درک کامل سیستم طالع‌بینی‌ها باید به نحوه سازگاری عوامل با یکدیگر به خوبی بی‌برد. (باید به خاطر سپرد که نحوه سازگاری علایم حیوانی است که بیش از نود درصد سازگاری جفت‌ها را باعث می‌شود) مثال زیرین نمونه معمولی چیزی است که شما ممکن است در یک کتاب مربوط به عوامل در چین بخوانید. واضح است که لحن آن ممکن است برای ملل مغرب زمین کمی رک باشد. ولی برای مردم مشرق زمین، کلاً یک هدف شسته و رفته را ارائه می‌دهد. آنها در موقع انتخاب مناسب از میان عوامل موجود از آزادی عمل که این قدر مورد احترام همه است، برخوردارند. نه این که امکانات بی‌پایان برای انتخاب نمودن داشته باشند.

آقا چوب - خانم چوب

یک طوفان درختان را ریشه کن خواهد نمود و چنین زوجی توان مقابله با طوفان‌های زندگی را نخواهد داشت. بچه‌ها نیز بر بار مسئولیت خواهند افزود و درک متقابل وجود نخواهد داشت.

آقا چوب - خانم آتش

سر و کار چوب به آتش ختم می شود. بلند شدن شعله های ناگهانی آتش یک امر عادی است و اگر چنین زوجی افکار خود را روی هم نگذارند که از موضوعات جدال برانگیز دوری گزینند، چنین رویدادی محتمل است. البته عمر طولانی نیز انتظار می رود. در چنین حالتی روابط خوب برقرار می شود و بچه ها به سوی کامیابی و درستکاری رهنمون می شوند.

آقا چوب - خانم خاک

چوب غالب است و از خاک ثروت حاصل می شود. روابط خوبی برقرار می شود و با به وجود آمدن یک خانواده کوچک استحکام می یابد. کامیابی فراوان می شود و برای تعادل در دخل و خرج، زندگی ساده و عمل نیکو توصیه می گردد.

آقا چوب - خانم فلز

تبر چوب را قطع می کند. برای چنین زوجی خطر زیاد وجود دارد. و از شوهر انتظار وفا نمی رود. اما اگر حدود مرزها از قبل مورد توافق قرار گرفته باشد، امّا ، دارد کمی تفاهem وجود داشته باشد. دارای چندین بچه می شوند.

آقا چوب - خانم آب

آب چوب را با خود می برد و این زوج باید فعالیت زیادی به عمل آورند

تا روابط بین آنها به ورای مرحله رمانتیک برسد. شغلی در کشاورزی پیشنا دمی شود. خانواده پراولادی با چند تا دختر به وجود می آورند.

آقا آتش - خانم چوب

این عوامل متضاد هستند. اگر چوب آتش را به دنبال بیاورد، خودش نیز به وسیله آتش می سود و مصرف می شود. وقتی خانم قوی تر باشد، شوهر احترام شخصی خودش را از دست می دهد. درک و تفاهم متقابل لازمه کار است. فرزندان زیاد پیش بینی می شود.

آقا آتش - خانم آتش

فاجعه از هر گوشه زبانه می کشد. مگر این که محدوده کارها و وظایف مورد توافق قرار بگیرد. و هر کدام از طرفین که شکست بخورد، انتقاد از وی قطع نمی گردد. در خانه اینها از شادمانی خبری نمی شود. صداقت می تواند جلو خشونت را بگیرد. بچه های اینها روشن فکر بار می آیند.

آقا آتش - خانم خاک

آتش خاک را به دنبال می آورد و منجر به فرخنده ترین روابط می گردد. یک باغچه زیبا مرکز خانه محسوب می شود و عمر طولانی انتظار می رود. کامیابی در همه جا ریخته است و صاحب چندین فرزند سالم می شوند.

آقا آتش - خانم فلز

آتش همیشه فلز را ذوب می‌کند. که منجر به روابط عاری از کامیابی می‌گردد. خانم اگر خواهان حل مشکلات است، باید کوتاه بیاید. امورات مالی این‌ها با مشکل مواجه می‌شود و پسرهای این‌ها باید با خانم قوی ازدواج نمایند.

آقا آتش - خانم آب

آب آتش را خاموش می‌کند. یک کامیابی عالی به وجود می‌آید که تقریباً غیرقابل کنترل می‌شود. هیجان و لذت بردن به حد رماتیک می‌رسد. حسودی هم دیگر را می‌کنند و شوهر با جبن رفتار می‌کند، بچه‌های ضعیفی به وجود می‌آورند.

آقا خاک - خانم چوب

خاک چوب را تولید می‌کند، اما اقا خاک عتیقه حواهد بود که منجر به عدم کامیابی می‌گردد. شansas ثروتمند شدن کم است و ممکن است دارای چندین فرزند بشوند. که بد پرورش می‌یابند و بخشوده نمی‌شوند.

آقا خاک - خانم آتش

این عوامل متضاد هستند. روی هم رفته تماماً کامیاب نمی‌شوند. اما تفاهم متقابل و عشق فراوان نسبت به هم خواهند داشت. اگر بده و بستان آنها نسبت به هم مساوی باشد، زندگی معتمد و بی‌تكلفی خواهند داشت و

بچه‌هایشان خوب با هم سازگار می‌شوند.

آقا خاک - خانم خاک

یک زندگی توأم با کامیابی را آغاز می‌کنند که ممکن است در سال‌های پایانی به آسانی به زوال بکشد. درک متقابل خوب از احساسات یکدیگر و هماهنگی زیادی بین آنها به وجود می‌آید، ناخوشی ممکن است ضربه خود را وارد نماید، مگر این که آن دو به همان اندازه که می‌گیرند، بدهند. بچه‌های این‌ها از خانه فراری می‌شوند.

آقا خاک - خانم فلز

خاک فلز را تولید می‌کند و وقتی فلز گرانبها بشود، حدی برای دست آوردهای این‌ها وجود نخواهد داشت. لحظات عدم تفاهمنامه کم و کوتاه خواهد بود. و یک خانواده بزرگ عاشق هم و کامیاب را به وجود می‌آورند.

آقا خاک - خانم آب

عدم کامیابی شدید پیش‌بینی می‌شود، خصوصاً اگر خانم دارای عقل سليم نباشد. قول و قرارهای اول زندگی رنگ باخته و جای خود را به عدم تفاهمنامه دهد. و فقط رعایت از دیگران باعث حفظ وضع ظاهر و با هم ماندن این زوج می‌شود. بچه‌ها با کمبود محبت مواجه می‌شوند.

آقا فلز - خانم چوب

ممکن است فلز به چوب آسیب رساند، اما اگر شرایط مساعد باشد آن‌ها به هم پیوسته و با سایرین می‌جنگند. یک سرآغاز سخت به درک متقابل بهتر منتهی می‌شود. نگرانی از سلامتی شوهر و بچه‌ها وجود دارد.

آقا فلز - خانم آتش

یکی از بدترین رابطه‌ها می‌باشد و هر کاری که این دو نفر انجام بدهند، کوچکترین هماهنگی نخواهد داشت. مشکلات داخلی و سلامتی جسمانی دائماً روح و جسم آنها را خواهد خورد. فرزندان آنها پیشرفتی نخواهند داشت و فقط ترس از خدا آنها را حفظ خواهد کرد.

آقا فلز - خانم خاک

این عوامل متضاد هستند، و خانم به طور کامل شوهرش را به زیر سلطه خویش خواهد گرفت. و کار به آنجا می‌کشد که ممکن است خانم از شوهرش متنفر شود. وضع مالی نگرانی دائم آنها خواهد بود و هرگز به حد کفاف نخواهد رسید. با وجود این‌ها بچه‌ها موفق می‌شوند.

آقا فلز - خانم فلز

زنگی این زوج با قول و قرار فراوان آغاز می‌شود ولی به شدت سبک از آب در می‌آید. ابتدا پر از اشتیاق فراوان می‌باشد که به سرعت درهم فرو ریخته و تبدیل به عداوت و حتی نفرت می‌گردد. خانم ممکن است ناراحت

شده و منزوی گردد. انتظار سه تا فرزند می‌رود.

آقا فلز - خانم آب

فلز آب را در خود حمل می‌کند و یک رابطه کامیابی عالی پیش‌بینی می‌شود. و موفقیت در شغل و عمر طولانی برای هر دو پیش‌بینی می‌گردد و در اکثر مواقع خانواده بزرگ آنها شامل سه تا فرزند پسر هم می‌شود.

آقا آب - خانم چوب

آب به چوب کمک می‌کند، و در این حالت امورات مالی آنها با خیر و برکت توأم می‌شود. آنها به راحتی و آسودگی به زندگی ادامه می‌دهند. اما ثروت بیش از اندازه به پوچی زندگی و عاری بودن آن از ارزش‌های معنوی می‌انجامد و ممکن است به محرومیت ختم بشود. توصیه می‌شود به راستی و حقیقت ارزش بیشتری قایل بشوند.

آقا آب - خانم آتش

آب آتش را خاموش می‌کند، بنابراین چیزی به غیر از مشقت و عدم تفاهم بین این زوج وجود نخواهد داشت. هر کدام آن دیگری را ضایع خواهد نمود و شوهر مريض خواهد شد، خانواده بزرگی که شامل دو نفر دختر هم هست به وجود خواهد آورد.

آقا آب - خانم خاک

کامیابی اصلاً وجود نخواهد داشت. همیشه مشکل ناخوشی وجود خواهد داشت، و پول کافی هرگز وجود نخواهد داشت. بین این زوج تفاهم متقابل وجود نخواهد داشت، اما در اثر سعی می‌توان کمی پیشرفت به وجود آورد. بچه‌ها کمک نخواهند نمود.

آقا آب - خانم فلز

زندگی راحت و کامیابی کامل خواهند داشت، طلا به کمک شسته شدن با آب جمع‌آوری می‌گردد. دوستان فراوانی دور این زوج جمع می‌شوند، و دلخوشی و کامیابی فراوان برای سهیم شدن وجود خواهد داشت. این‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند و دیگران هم به این‌ها. دارای خانواده بزرگ می‌شوند.

آقا آب - خانم آب

آب زیاد سیلی از تفاهم را به وجود می‌آورد و به عدم اطمینان منتهی می‌شود. کار کردن زیاد همیشه به بهره نمی‌رسد و عدم توافق یک امر عادی است. فرزندان به والدین خود احترام قایل نشده و خانه را زود ترک می‌کنند.

موش‌های عوامل آنها

موس فلز

۱۹۰۰-۱۹۶۰-۲۰۲۰

موس‌های فلز تمايل دارند احساسات واقعی خود را مخفی نمایند. این نوع موس‌ها اغلب دلرباترین آنها محسوب شده و در نتيجه بيشتر از بقیه دوست داشته می‌شوند. اما تقریباً در تمامی موارد داستان آنها حالت کمتر جذابی به خود می‌گیرد. آنها اغلب آماده انفجار ناگهانی از خشم و حسد هستند و یک موس فلز ممکن است غیظ خود را با خود تا به گور ببرد. ضمناً می‌توانند بعضی مواقع بی‌نهایت خودپسند بشوند. اما بعضی مواقع هم بی‌اختیار دست و دلیاز می‌گردند.

تیزترین انتقادها این است که موس فلز آشکارترین خصیصه فرصت طلبی را دارد. آنها به سرعت به پا می‌خیزند و با هر نوع تلاشی برای برکنار نمودن شان به شدت می‌جنگند. موس‌های فلز هرگونه جواب منفی را مشکل تلقی می‌کنند و از مهمانی و جشن و سرور خوششان می‌آید. و شگفت‌آور این که آنها اغلب به طور تعجب‌آوری دارای سلیقه سنتی می‌شوند، اما دوست دارند با مردم بانفوذ مراوده داشته باشند. این‌ها به خاطر روشنفکری و هوش خود، فراست لازم برای حداکثر فرصت طلبی از زندگی را دارا هستند.

موس‌های فلز مشهور

ملکه مادر، آیوان لندل و گری لاینکر

موش آب

۱۹۷۲-۱۹۱۲-۲۰۳۲

موس‌های آب در عقاید خود مستحکم هستند و اغلب آنها را با اطمینان کامل بیان می‌کنند. این‌ها روی هم رفته سرسرختی کمتری دارند و خود را به راحتی با احوال دیگران وفق می‌دهند. موس‌های آب اشتها را سیری ناپذیری به دانش اندوزی دارند و هرگز دست از فراگیری نمی‌کشند. این‌ها با حقایق جلو می‌آیند و بحث می‌کنند نه با ایده‌ها، و کمتر می‌توان آنها را وادار نمود که خط فکری خود را عوض نمایند. ضمناً متفکرین ماهری هستند و در معاملات شغلی خود زیرک و ناقلاً می‌باشند.

موس‌های آب برای پیشرفت خود به هر جایی می‌روند و هر کاری را می‌کنند، و در موقع دریافت پاداش یا هدیه خود را نمی‌بازند و مغروف نمی‌شوند. در زمینه عشق چندان جلوه‌گری نمی‌کنند، اما احساسات آنها عمیق می‌شود. افکار خود را به نحو مؤثر بیان می‌کنند و طیف گسترده‌ای از علایق را دارند که اغلب عملی هستند.

آب ممزوج شده با سرسرختی فراوان موس‌آب باعث می‌شود که هر موقع در تنگنا قرار بگیرد، بی‌رحمانه بجنگد تا خود را خلاص نماید. البته فرار شرافتمدانه به حساب نخواهد آمد، ولی با جویدن تدریجی موانع، آنها را از بین می‌برد.

موس‌های آب مشهور
ریچارد نیکسن، ارل لوئیس ماتبتن و ایناچ پاول

موش چوب

۱۹۲۴-۱۹۸۴-۲۰۴۴

موشهای چوب دارای هر استعدادی که بشوند، حداکثر بهره را از آن می‌برند. موهای چوب جاه طلب به غریزه فطری خودشان کمتر اطمینان نموده و با احتیاط حرکت می‌کنند تا همزمان بتوانند میل به زورگویی خود را بیشتر تحت کنترل داشته باشند.

در مسایل عشقی مایل می‌شوند احساسات خودشان را مخفی نگه دارند و اغلب بعد از تشکیل خانواده، دارای اولاد بیشتر می‌شوند. این‌ها متفکر و محظوظ هستند. و هر موقع یکی از اعضای فامیل و اقمار با مشکلی مواجه بشود، این‌ها با بی‌رحمی تمام برای حمایت از او جنگ می‌کنند. اما در این مساعدت خودشان قیافه اخمو به خود می‌گیرند و یک تغییر ناگهانی در اوضاع ممکن است آنها را سرنگون نماید.

موشهای چوب صاحب اصول عالی می‌شوند و به کارهای منظم و مرتب ارج می‌نهند. موش چوب محظوظ و سخاوتمند، اغلب به طور ناگهانی احساس عدم امنیت می‌کند. این موضوع باعث می‌شود که با جدیت تمام برای آینده خود برنامه‌ریزی نماید که بعضی موقع این کار وی به قیمت از دست دادن زمان حال می‌شود.

موشهای چوب که خیلی به خودشان اطمینان دارند، بعضی موقع خود را ارزان می‌فروشنند. این‌ها اغلب چاپلوسی را با احترام گذاشتن اشتباه می‌گیرند و بیشتر از موهای با عامل دیگر در معرض آسیب قرار می‌گیرند.

موشهای چوب مشهور
مارلون براندو، سر کلمانت فروید و جرالد دورل.

موش آتش ۱۹۳۶-۱۹۹۶-۲۰۵۶

معمولًاً آتش خصیصه تجاوزگری موش آتش را تحریک می‌کند و این بدترین جنبه شخصیت این موش است که بارزتر از دیگران به چشم می‌خورد. حس جاهطلبی و پرخاشگری بارزترین خصیصه موش آتش است. اکثر سیاستمداران از این نوع موش‌ها هستند و به دلیل کمیود نظم و رعایت مقررات به این مزاج آتشین خود میدان می‌دهند تا حاکم بر افکار آنها باشد. اما خیلی از موش‌های آتش هم وجود دارند که به اندازه کافی روشن می‌باشند که این خصیصه خود را تحت کنترل درآورده و به راه‌های مشبّت‌تر سوق بدهند.

موس‌های آتش که اغلب دارای نعمت خدادادی هم می‌شوند، باید برای کسب موفقیت با نهاد درونی خودشان مبارزه بکنند. تعداد کمی از احساسات تن و تیز موش‌های آتش خوششان می‌آید. به هر حال وقتی این خصیصه با مهارت هنری وی ترکیب بشود، یک کار با ماهیت شگفت‌انگیز را به وجود می‌آورد. موش‌های آتش انرژی فراوانی دارند و مسافت را خیلی دوست دارند، و اغلب بدون نقشه قبلی در عرض چند دقیقه تصمیم گرفته و لوازم شخصی مختصری برداشته و راه می‌افتدند. این موش‌ها بکرات چه در عشق و یا شغل خود دست به ریسک‌های خطرناک می‌زنند. و خیلی بخشندۀ می‌باشند و معمولًاً دوست دارند با آنها بی که می‌پسندند، به صورت آزاد مراوده نمایند. و در شیک‌پوشی که جلب توجه بکنند، معمولًاً موفق هستند.

موس‌های آتش مشهور
یووس سینت لورنت، گلندا جکسن و بادی هالی

موش خاک ۱۹۴۸-۲۰۰۸-۲۰۶۸

موس‌های خاک علاقه دارند که تمایل و رغبت شدید به زندگی را مخفی نگه دارند. اشتیاق آنها به زیستن با تمام امکانات کمتر نمود ظاهری پیدا می‌کند و ممکن است در موقع مقایسه دست‌آوردهای خودشان با مال دیگران رنجیده‌خاطر بشوند.

این‌ها به خاطر این که دائماً با خود در جدال هستند که از جنبه‌های مثبت و توأم با خوشی زندگی به صورت آزاد بهره‌مند بشوند، پیشرفت‌شان در زمینه‌های انتخابی خود، نسبت به دیگران کمتر می‌شود. ضمناً این امر در میان موس‌های خاک رایج است که برای این که خود را مبادی آداب نشان بدهند، از چیزهای مورد علاقه خود که می‌تواند یک بسته شکلات یا یک عشق باشد، بگذرند. در میان انواع موس‌ها، این نوع موس در تکامل ایده‌های دیگران چشمگیرتر است و مانند یک زمین خوب می‌تواند اجناس فراوان و با کیفیت خوب را تولید بکنند.

موس‌های خاک مایل به حفظ شغل خود هستند، به مدت طولانی در یک نقطه می‌مانند و از دست زدن به اقدامات خطرناک اجتناب می‌کنند. تأثیر علامت قمری آنها ممکن است آنها را وادار به تغییرات ناگهانی در اوضاع و احوال خودشان نماید. اما یک خانه امن همه چیز را ساکت می‌کند.

موس‌های خاک مشهور

شاهزاده چارلز، اندرو لوید ویر و لولو بریجدا

موش‌ها و ساعات آنها

ساعت موش

(از ۱۱ شب تا ۱ بامداد)

یک موش با تأثیر مضاعف. یک گروه از موش‌های نادر باطن‌گرا، تمام عمرشان را صرف جزئیات برنامه‌هایشان می‌کنند. برای این گونه موش‌های باطن‌گرا خورد و خوراک خیلی فراوان می‌شود و صحبت‌های روشنفکرانه زیادی به عمل می‌آورند.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

گاو و موش به صورت مطلوبی با هم جور درنمی‌آیند. تفاوت شدید بین خصوصیات این‌ها، باعث می‌شود موش‌های زاده شده در این ساعت دارای روح پرخاشگری و جاهطلبی باشند. اما در زمینه‌های خلاقیت همیشه خودی نشان می‌دهند.

ساعت بیر

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

یک موش با قلب بزرگ. اما به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن ببر، مشکلاتی بروز می‌کند و این موش حالت پرخاشگری خواهد داشت که ممکن است به صورت زودگذر باشد. در عشق و جنگ ناشکیبا و بی‌رحم خواهد بود.

ساعت گر به

(۵ صبح تا ۷ صبح)

کم شادترین موش هاست، اما بدون بهره هم نمی باشد. این موش کمتر جاه طلب و تندخواست و یک سری مهارت های دیپلوماتیک بارز هم دارد. بیشتر حساس است تا آتشین مزاج.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

یک موش با ترکیب عالی با تأثیر اژدها که به وی کمک می کند تا جلو زیاده طلبی اش را بگیرد. موش های تودار وقتی سعی می کنند زندگی را تحت قالب خشک درآورند، با مشکلات زیاد مواجه می گردند.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

یکی از هوس بازترین موش ها می باشد. حتی تودارترین موش ها نیز راهی برای جولان دادن هوای نفس خود خواهند یافت. اما موقعی هم بدون تصمیم و ایده که عجیب می نماید، باقی می مانند.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

از آنجایی که درک و تفاهم متقابل کمی بین موش و اسب وجود دارد، این امر باعث بروز مشکلاتی هم برای موش باطن گرا و هم برون گرا می شود. این گونه موش ها سختکوش و قدرت طلب می شوند. در هر گونه روابط عشقی با مشکل مواجه می گردند و دارای شخصیت برجسته ای می باشند.

ساعت بز

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

موش به شدت اجتماعی. دارای علایم سازگاری است، اما در موضوعات خارج از کار. خصیصه هوسبازی تمام بزها باعث بعضی اتفاقات می‌گردد. اما خونگرم می‌شوند.

ساعت میمون

(از ۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

دارای یک ترکیب عالی خصوصاً در هر زمینه تجاری می‌شوند. بسیار موذی و بدجنس، کینه توز و فوق العاده فرصت طلب می‌گردند. در عوض از نظر نفسانی سردمزاج خواهند بود و شخصیت قابل توجهی ندارند. ولی کمبودی از نظر عواطف نسبت به آنها ای که دوست دارند، نخواهند داشت.

ساعت مرغ

(از ۵ عصر تا ۷ شامگاه)

عدم تفاهم متقابل بین دو علامت متضاد منجر به مشکلات خصوصاً در زمینه مالی می‌گردد. مرغها علاقه‌ای به پسانداز کردن ندارند، موش‌ها نیز چنین هستند. تفاوت اخلاقی بین این‌ها خیلی زیاد است. اما دارای احساسات مشترک هستند.

ساعت سگ

(۷ شامگاه تا ۹ شب)

سگ‌ها معمولاً نکته نظرات مشترکی با موش‌ها ندارند، اما می‌توانند درک متقابل به وجود آورند. چنین موشی یک حس آرمانگرای غیرعادی را صاحب شده و برای دیگران به شدت فعالیت می‌کند. در جلوگیری از امیال

خود خوب هستند.

ساعت خوک

(۹ شب تا ۱۱ شب)

این موش خیلی سازگار بوده و خود را به خوبی وفق می‌دهد. این دو علامت نکات مشترک فراوانی دارند لذا از یک زندگی اجتماعی خوب برخوردار می‌شود. چندان قادر به جلوگیری از هوای نفس خود نمی‌شود، ولی گناه‌کبیره هم مرتکب نمی‌گردد. چنین موش‌هایی که باطن‌گرا هم باشند، خیلی نادر هستند و حیله‌گر نیز نمی‌باشند.

گاوها و عوامل آنها

گاو فلز

۱۹۰۱-۱۹۶۱-۲۰۲۱

کمتر کسی است که بتواند در مقابله با گاو پیروز بیرون آید. این‌ها به صورت خودکار قدرت را به دست می‌گیرند و اغلب با استفاده از حضور خود نیروی فراوانی را اعمال می‌کنند. این گاو فلز دوست دارد کارها بدون غرولند و ایجاد ناراحتی انجام بگیرد و خودشان هم کمتر صحبت می‌کنند. دارای انرژی فراوانی هستند، و در سرسرخی و سعی و کوشش کمتر نظیر دارند. با وجود این که خیلی‌ها گاو فلز را تحسین می‌کنند و حتی بعضی‌ها او را می‌پرستند، اما ممکن است دوست واقعی را کمتر بیابند. این‌ها که در عواطف و احساسات ثبات ندارند، ممکن است گرفتار ناراحتی‌های روحی و غم شده و یا چشم بسته اسیر عشق گردند.

گاو فلز سعی می‌کند در تمام روابط خود با دیگران حالت غالب را داشته باشد و در زمان عاشقی همیشه احساسات خود را تحت کنترل می‌گیرد. گاو فلز هر مسیری را که در پیش بگیرد، تأثیر فراوانی را اعمال می‌کند. و در بعضی مواقع موفقیت آنها منتج از اصالت آنهاست. و از نظر دیگران جذابیت شخصی وی حائز اهمیت است.

گاو‌های فلز مشهور

شاهزاده خانم دایانا، والت دیسنی و فرنک برونو

گاو آب

۱۹۱۳-۱۹۷۳-۲۰۳۳

گاوهای آب از خیلی از گاوهای دیگر انعطاف‌پذیرتر هستند و در برخورد با مشکلات سخت با فکر باز اقدام می‌کنند. این عامل باعث می‌شود تا آنها شانس بیشتری برای دستیابی به اهداف خود داشته باشند، بدون این که فشار مضاعفی بر دیگران وارد نمایند. این‌ها خیلی آسان دوست می‌یابند ولی مایل نمی‌شوند یک فرد عادی تلقی شوند. ضمناً به امنیت خانه خیلی اهمیت می‌دهند و با پشتکاری تمام کار و فعالیت می‌کنند تا سطح زندگی خانواده خود را بالا ببرند. آرمان‌گرایی فراوانی دارند ولی ممکن است بعضی از این‌ها با سر به مسیر مخالف بنشتابند. و ضمناً برای رسیدن به اهداف خود صبر و حوصله فراوانی از خود نشان می‌دهند.

احساسات این‌ها نسبت به بقیه خیلی ثابت‌تر است، اما ممکن است یک عشق پیچیده عواطف آنها را به آسانی دستخوش طوفان نماید. در چنین موقعی عواطف فراوان نهفته در قلب وی مانند آب لب زیر از سد پرآب سیل‌آسا سرازیر می‌شود. تعداد اندکی تأثیر زیادتر از این‌ها را دارند تأثیری که مانند یک دریای گرم همه را در خود غرق می‌کند.

گاو‌های آب مشهور

وینست ون گوف، واو ویئن لی و برت لنکستر

گاو چوب

۱۹۲۵-۱۹۸۵-۲۰۴۵

وقتی گاو چوب مجال ریشه دواییدن داشته باشد، تبدیل به انعطاف‌ناپذیرترین گاوها می‌گردد. و دارای یک حس جاهطلبی فراوانی

است که وقتی به آن پی برده شود، تأثیر قوی بر جای می‌گذارد. این گاو علیرغم این که نسبت به افکار دیگران بی‌تفاوت می‌شود، ولی تحسین عمیق دیگران را به سوی خود جلب می‌کند. آنها بی‌که از وی حمایت بکنند، در عوض تحت حمایت وی قرار می‌گیرند که کمتر موقع رنگ می‌بازد و یا تغییر می‌کند.

گاوها آب به طور دائم از خانواده خود حمایت می‌کنند و پاییند آداب و اخلاق باقی می‌مانند. در خانه روستایی دارای باعچه، احساس شادی می‌کند و از زندگی مدرن شهری چندان خوش نمی‌آید. از کار کردن به صورت تیمی رضایت ندارد و زمانی به شکوفایی می‌رسد که تحت کنترل باشد.

این گاو وقتی در رأس قرار بگیرد دائماً در معرض خطر سرنگون شدن در اثر تغییر ناگهانی اوضاع قرار می‌گیرد. مشکلات او ناشی از انعطاف‌ناپذیری وی است و وقتی به سن کمال می‌رسد، دیگر نمی‌تواند خود را عوض نماید. و مانند درختان مسن مستعد طوفان‌های سهمگین می‌شوند.

گاوها آب مشهور

مارگارت تاچر، پیتر سلرز و ریچارد برتن

گاو آتش

۱۹۳۷-۱۹۹۷-۲۰۵۷

گاوها آتش اغلب دارای افکار مشعشعی هستند که ممکن است همیشه قادر به کنترل آنها نباشند. این‌ها تمام ارزش‌های محافظه‌کارانه علامت خودشان را دارا هستند. اما این خصوصیات به وسیله مغز قدرتمند اصیلشان که اغلب مغشوش می‌گردد، دچار انحراف می‌شوند. این امر شخصیتی در او ایجاد می‌کند که دائماً در جدال با خودش می‌شود و در

نهایت منجر به افکار فوق العاده قابل توجه می‌گردد. این‌ها روی هم رفته نه تابع خاصیت محافظه کارانه عمیق خود هستند و نه آدم‌های معمولی. گاو‌های آتش از بهترین امکانات هر دو دنیا بهره‌مند می‌شوند بدون این که خود را به هر کدام از آنها متعهد نمایند.

مقابله با گاو‌های آتش ناممکن است و این‌ها اغلب دوست دارند موضوعاتی را از روی باورهای عجیب و غریب شخصی خود خلق نمایند. سختکوشی که از خصیصه‌های ذاتی گاو‌هاست، در این گاو آتش به آن اندازه که باید دیده نمی‌شود. با وجود این‌ها در راه رسیدن به اهدافشان بی‌رحم می‌باشند.

در عشق نمی‌توانند خود را وقف نمایند و اغلب دچار شکست می‌شوند. چینی‌ها عقیده دارند که گاو آتش چند بار ازدواج می‌کند ولی هرگز زوج مناسب خود را نمی‌یابد. و به زندگی خانوادگی پناه می‌برند.

گاو‌های آتش مشهور

پیتر کوک، لائورا اشلی و آرتور اسکار جیل

گاو خاک

۱۹۴۹-۲۰۰۹-۲۰۶۹

گاو‌های خاک خیلی به خود متکی می‌شوند و فوق العاده کاری می‌گردند. با اشتیاق کامل دست مساعدت به سوی دیگران دراز می‌کنند و هر موقع خودشان یاری داده شوند، از صمیم قلب سپاسگزار می‌شوند. این‌ها ضمن این که در پاسخ به وفاداری سریع و آن هم به مقدار زیاد عمل می‌کنند، در مقابل رفتار خیانت‌آمیز هم به شدت واکنش نشان می‌دهند. بنابراین دشمنان این‌ها باید انتظار رفتار خشن و بدون گذشت از سوی او را داشته باشند. گاو‌های خاک به دلیل این که در مقابل ناملایمات تاب تحمل دارند،

اغلب بدون احساسات تلقی می‌شوند که دور از حقیقت نیز نمی‌باشد. ولی با مهارت تمام آن را در عمق ضمیر خود مخفی می‌کنند. بنابراین مقدار زیادی خرد لازم دارند تا احساسات خود را به حد کمال برسانند. این امر درباره دیگر جنبه‌های زندگی آنها نیز صادق است که باعث آسیب‌پذیری آنها می‌گردد، زیرا تأثیرگذاری عمیق آنها در اطرافیان، برایشان اهمیت حیاتی دارد.

اگر خاک بدون آب بماند، ترک بر می‌دارد. این موضوع در مورد گاو خاک نیز که به تنها بی با مشکلات شدیدی مواجه می‌شود صادق است، در صورتی که دیگران پاسخ مشکلات او را دارند.

گاوهای خاک مشهور

آدولف هیتلر، توئیگی و پیتر شیلتون

گاوها و ساعات آنها

ساعت موش

(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

این گاو جفت مناسبی برای درگیری‌های دائمی نمی‌باشند، خصوصاً در زمینه عواطف عشق را پیچیده نمی‌کنند و روابط شخصی آنها ملایم است. خیره‌سری آنها با تجاوز و حمله توأم می‌شود. ضمناً افکار روشنی دارند.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

چنین گاو مضاعفی بی‌اندازه محافظه‌کار می‌شود و هیچ نوع قدرتی را نمی‌تواند با دیگری تقسیم نماید. یا فوق العاده مخرب می‌شود و یا بی‌اندازه خلاق. حد واسط این‌ها وجود ندارد.

ساعت ببر

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

چنین گاوی با تهذیب اخلاقی زیاد و سلیقه عالی در لباس پوشیدن خواهد بود، و مورد توجه و لطف جامعه واقع می‌شود. قدرت طلبی کمتر و درک مشکلات دیگران را زیاد خواهد داشت. افکار معمولی خواهد داشت و از نظر روابط جنسی ساده ولی پنهانکار خواهد بود.

ساعت گربه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

این گاو سازگار و غمخوار دیگران نخواهد بود. نیاز دائمی وی به طغیان با نیاز وی به حفظ ارزش‌های سنتی در جدال خواهد بود. در مسایل عشقی عاجز و شخصاً غیرقابل پیش‌بینی است.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

این گاو از نظر رهبریت فوق العاده قوی می‌شود اما در مورد طرق آن سردرگم می‌شود. دارای سری پرشور است و اکثر اقداماتش به صورت آنی و بدون فکر قبلی خواهد بود و نمی‌تواند خود را از کانون توجه دیگران به دور نگاه دارد. نیاز وی به تفوق فکری بر دیگران شدید و بی‌رحمانه است. در عشق ساده و بدون مخفی‌کاری است.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

این گاو خیلی حساس می‌شود و عقل فراوانی را با نکته نظرات اصلی و نافذ زندگی درهم می‌آمیزد. در بخشش گناه دیگران و پول خیلی خسیس

می شود. یک رهبر افسون‌کننده است که می‌تواند خطرناک باشد.

ساعت اسب

(۱) قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

این گاو فوق العاده کاری می‌شود، ولی در عشق و عاشقی ناگهانی که با عدم تفاهمنامه و درگ که متقابل زیاد همراه خواهد بود، خوشحال نخواهد بود. یک شخصیت قوی و با افکار سیاستمدارانه خواهد بود. در موقع خلق یک فرد کاری و انفرادی متولد شده است.

ساعت بزر

(۱) بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

این دو علامت باعث خشنودی یکدیگر نمی‌شوند و سردرگمی فراوانی وجود خواهد داشت. نیاز اجباری برای به دست گرفتن رهبری، از طریق علامت بزرگاهش می‌یابد. اما در زندگی عشقی افق روشنی دارد، و دارای ضمیر ساده‌ای است.

ساعت میمون

(۳) بعد از ظهر تا ۵ عصر)

میمون، روی این گاو که دارای افکار سنتی انعطاف‌پذیری است، حالت ترمز را خواهد داشت. در روابط جنسی سرد مزاج خواهد بود، با وجود این‌ها شانس زیادی خواهد داشت.

ساعت مرغ

(۵) عصر تا ۷ شامگاه)

این گاو خیلی عادی و به شدت محافظه‌کار می‌شود. عاشق روش طبیعی

است و در نتیجه جایی برای استانداردهای مضاعف وجود ندارد. قوانین وی حاکم است و وای به حال کسی که آنها را بشکند.

ساعت سگ

(٧ شامگاه تا ٩ شب)

حس وفاداری عامل اصلی است. در موقع گرفتن تصمیمات مهم، سرسرختی فراوان و نگرانی وارد صحنه می‌شوند. عشق برایش مستله‌ای نمی‌شود و اهمیت نیز ندارد.

ساعت خوک

(٩ شب تا ١١ شب)

این گاو بدون شیله و پیله بوده و خونگرم می‌باشد، به روند جاری اجتماع خیلی آگاه است، و اغلب نسبت به خورد و خوراک خود دقیق است. و خوب لباس می‌پوشد. اغلب مایل می‌شوند درباره روابط جنسی بلوف بزنند و از جر و بحث ناراحت نمی‌شوند.

بیرهای و عوامل آنها

بیر فلز

۱۹۵۰-۲۰۱۰-۲۰۷۰

عامل فلز یک کمک قدرتمندی است. به طور معمول وقتی بیرها مسافت طولانی را بدوند از نفس می‌افتنند و هر موقع چشمه باورهای آنها خشک بشود، در کنام خود پنهان می‌شوند. اما عامل فلز فوراً جهت تقویت روح لرزان بیر می‌شتابد. بدین طریق فلز آنها را قادر می‌سازد تا مجدداً وارد مسابقه زندگی شده و عقب‌ماندگی خود را جبران نمایند.

بیر فلز اغلب خودآزار، بعضی مواقع اقدامات فراوانی برای جلب توجه مردم به سوی خویش انجام می‌دهد. و می‌تواند به شدت قلدر و گردن کلفت باشد. در قضاوت درباره دیگران خوب نیست. و حتی قضاوت آنها درباره ارزش کاری که دم دست دارند، از این هم بدتر است. یا خود را در موقع آماده شدن به انجام کاری به عذاب می‌اندازند و یا در مورد موفقیت‌شان در انجام کار مورد نظر دچار شک و تردید می‌شوند.

این‌ها وقتی به تعادل می‌رسند، آن هم معمولاً در اثر شرایط بیرونی، به حداقل‌تر ظرفیت خود می‌رسند. با وجود این‌ها، بیرهای فلز حتی اگر شکست هم بخورند، یک علامت بارز پاک نشدنی روی جامعه جا می‌گذارند. و اغلب یک سر و گردن از نزدیک‌ترین رقبای خود بالاتر قرار می‌گیرند.

در نتیجه نیازشان طولی نمی‌کشد که تبدیل به کشاورز می‌شوند. به هر حال اصالت واقعی دارند و هیچ بیری به اندازه این‌ها مایل به درهم شکستن

سدهای راست دینی (ارتذکسی) نمی‌شود.
بیرهای فلز مشهور
بتهوون، ریچار برنسن و کیرنکار پنتر

بیر آب
۱۹۰۲-۱۹۶۲-۲۰۲۲

غريزه طفيانگری بيرها که ذاتاً سر پرشوري دارند، در اثر عامل آب
بي اثر و خشي می‌گردد. لحظات بي پروايي او به طور آشكاری به آرامش و
صلح مبدل می‌گردد. ولی طبق قاعده اين بيرها با قدم‌های بلند به سوي کار
مي‌شتابند. فكر باز و هوشياری از خصوصيات بارز بير آب است و بعضی
موقع فوق العاده شرافتمند و درستکار می‌شوند و اهداف خود را از طرق
صداقت و راستی به دست می‌آورند. اما وقتی خشمگین بشود، بهتر است
احتياط نمایيد، زيرا می‌توانند خيانت‌کار باشند. از سوي ديگر معمولاً در
موقع گرفتاري ديگران فوق العاده مهربان و غمخوار می‌گردند. خاصيت آب
باعث انحراف جاه طلبی فطری او می‌گردد. موقعی به موفقیت می‌رسد که
با جريان شدید ناملایمات که به نظر می‌رسد به طور دائم در خلاف اهداف
او جاري است، مبارزه بي امان نماید.

در روابط عشقی اغلب شکيبا هستند تا بي گذشت. و در مورد امورات
مالی ممکن است همه چيز خود را در اثر شکست در سرمایه گذاري از
دست بدنهند.

بيرهای آب مشهور
جيمي وايت، جان اشتينيك و هنا منديليکووا

بیر چوب ۱۹۱۴-۱۹۷۴-۲۰۳۴

این بیر نسبت به بیرهای دیگر کمتر بی پروا می باشد و تحت تأثیر عامل چوب زندگی را با دید متعادل تری می نگرد. با انواع دوستان خود با شادمانی برخورد می کند و نسبت به بیرهای با عوامل دیگر، در اجتماع با توفيق مواجه می گردد. اما می توانند مانند چوب بلوط سفت و سخت باشند.

بیرهای چوب به دلیل سخاوتمندی زیادشان میزبان فوق العاده ای هستند و چون علاقه وافری به مردم دارند، تحسین خیلی ها را به سوی خود جلب می کنند. و این هاست که پایه حمایت از او را تشکیل می دهند. اما تأثیر بیر قطع می شود و تغییر می کند. و اگر به اندازه کافی ریشه ندوانیده باشد از روی مهم ترین موانع سرنگون می شود. اگر روابط خود را با بیر چوب به هر دلیلی قطع کرده باشید انتظار نداشته باشید که او با التماس از شما بخواهد برگردید. اما در دوستی ثابت قدم هستند و اگر شما به فکر سلطه نباشید، به خوبی و خوشی ادامه خواهد یافت.

اگر بیر چوب موفق به یافتن خانه مورد دلخواهش بشود، خیلی احتمال دارد که خودش را بازنشسته نموده و به کارساز بودنش اجازه نمود بدهد.

بیرهای چوب مشهور
آلک گوئینس، جان آرلات و جو لوئیس

بیر آتش ۱۹۲۶-۱۹۸۶-۲۰۴۶

وقتی عامل آتش با علامتی که ذاتاً آتشین مزاج است درهم بیامیزد تولید یک بیر منور می کند در صورتی که بیر بی ثباتی از آب درنیاید. این بیر که دائمآ در جستجوی راههایی برای نشان دادن خودش است، دارای خلق و

خوی ملونی می‌باشد که به طور دائم در خطر قرار دارد.
این ببر که پر از تخیلات است، دارای این مشکل است که تمایل علام
وی به سریع بودن در مسافت‌کوتاه تشدید می‌گردد. یعنی این نوع ببر در
 مقایسه با ببرهای دیگر، سریع‌تر می‌سوزد. عامل ثابت این ببر چوب است
 که در تماس با آتش به آسانی می‌سوزد. به هر حال این ببرها واقعاً دارای
 مهارت‌های بدیعی هستند. وقتی با یک ببر چوب مواجه بشوید، درمی‌یابید
 که این‌ها بدون شک رهبران طبیعی هستند و توجه ما را جلب می‌کنند.
 این‌ها که به طور فطری خوشبین هستند موافع سر راه خود را نمی‌بینند
 مگر موقعی که دیگر خیلی دیر شده است. و در چنین حالتی چنان معموم
 می‌شوند که انگار دنیا به پایان رسیده است. حتی همین حالت گرفتگی
 این‌ها هم به صورت احساسات عمیق، با انرژی فراوان و با اصالت خواهد
 بود.

ببرهای آتش مشهور

ماریلین مانرو، مایلز دیویس و دایلان تامس

ببر خاک

۱۹۳۸-۱۹۹۸-۲۰۵۸

خاک تنها عاملی است که قادر است از سرعت حرکت ببر بکاهد و یک
 جای پای مطمئنی در مسیر او به وجود بیاورد. به همین دلیل دارای افکاری
 واضح و قضاوتی معقول هستند. اما باید دانست که این روشنی آنها سطحی
 است. بین عامل خاک و تأثیر قمری ببر جدال وجود دارد. اگر ببرهای خاک
 بتوانند بین این دو تأثیر مهم و متباین آشتبی به وجود بیاورند تبدیل به
 رهبران قوی می‌شوند که نسبت به ببرهای دیگر از این بابت برتر خواهند
 بود. و قادر خواهند بود با عزم راسخ گروه‌های زیادی از مردم را هدایت

نمایند. و بندرت تسلیم می‌شوند حتی اگر تمام نگاه‌ها از او بریده شوند. ولی در چنین حالتی رسیدگی به نیازهای اطرافیان خود را مشکل می‌یابند. و اگر سقوط بکنند، پیروانشان نیز به آنها خواهند پیوست. روابط موجود به نفع آنها به نظر می‌رسد، که ممکن است در درازمدت به ضرر توفیق آنها تمام بشود. به همین دلیل است که ببرهای خاک تمایل دارند به اندازه دشمنانشان دوست داشته باشند.

ببرهای خاک مشهور
دیوید استیل، دیوید اوون و تری ُوْگَن

ببرها و ساعات آنها

ببر موش
(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

غیریزه طغیانگری این ببر کاهش یافته و جای آن را حس قوی سربلندی و خشنودی می‌گیرد. به این آسانی‌ها از مسیر خود منحرف نمی‌شود و حس خودشناسی قوی خواهد داشت. هم سازگاری نشان می‌دهد و هم بی‌اعتنایی.

ساعت گاو
(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

جفت راحتی به حساب نمی‌آید و در کار و عشق درگیری به وجود می‌آورد. نیاز دائمی وی برای سلطه‌گری در اثر نبود تحمل و پایداری از بین می‌رود. در پرخاشگری‌های آنی و کم‌مدت بزرگ جلوه می‌کند. در جایی که سنن در مقابل بداعی می‌ایستند، خیلی خلاق می‌شود.

ساعت ببر

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

ببر مضاعف نیاز فراوانتری به چسبیدن به زندگی می‌یابد. در عشق بی‌مها با هستند و نمی‌توانند تقسیم قدرت را تحمل بکنند. فوق العاده بخشنده می‌شوند اما به مدت طولانی ناراحت می‌شوند.

ساعت گربه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

محظوظ می‌شوند و کمتر احتمال دارد که خود را دچار مشکل نمایند. حس سیاستمداری قوی دارند. اما با وجود این‌ها جدال شدید نیز وجود خواهد داشت. به هر حال ببر تمیز و مرتبی است که با ظرافت قدم برمی‌دارد اما نه با دل و جرأت زیاد.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

یک موجود بی‌پروا، با سری پرشور و بی‌امید و غیرقابل پیش‌بینی و کمتر احتمال دارد که از عدم اطمینان خودش دچار رنج بشود. سخاوتمندی زیاد دارد که با فطرت لافزنی وی جفت می‌شود. هم انقلابی تندر و می‌شود و هم سازشگر افراطی.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

عدم اطمینان دوره‌ای وی کمتر در دنیاک می‌شود و اغلب به وسیله جرقه‌های ناگهانی خودشناسی جایگزین می‌شود. کمتر بخشنده ولی عاقل است. و کمتر رفتار طفیانگری در او مشاهده می‌شود. حساس و تهذیب

شده می‌باشد.

ساعت اسب

(۱۱) قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

پرطاقت هستند اما در عشق ضعف نشان می‌دهند. نیاز فراوانی برای رهبری دارند و بیشتر به شخصیت خود متکی می‌شوند. به آسانی از کوره درمی‌روند و گفته می‌شود که به طور شگفت‌انگیزی کار و رفقای کاری خود را تغییر می‌دهند.

ساعت بزرگ

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

جفت آسانی به حساب نمی‌آید و نیاز فراوانی به کنترل دارد. در دنیای هنر پیشرفت فراوانی می‌کند خصوصاً در جایی که نقش بازی با افکار اصلی وفق بدهد.

ساعت میمون

(۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

رفتار میمون‌وار زیادی دارد یعنی طغيان‌کمتر و در عین حال تأکید فراوان روی مکاری و حیله‌گری. نسبت به خیلی چیزها رفتار سردی خواهد داشت و موضوعات عشقی کمتری خواهد داشت که آنها هم به شکستن قلب می‌انجامد. بیشتر خود را وفق می‌دهد و کمتر بی‌پرواست.

ساعت مرغ

(۵ عصر تا ۷ شامگاه)

کمتر انقلابی و سر پرسر و شوری دارد. با وجود این‌ها باز هم مقدار

فراوانی صفاتی باطن دارد. این دو علامت کمتر با هم سازگار هستند. و اگر یک شغل نظامیگری انتخاب نماید ممکن است این دو علامت با هم جفت و جور بشوند. کمی خودنما می‌باشد اما بندرت کمبود خودباوری دارد.

ساعت سگ

(۷ شامگاه تا ۹ شب)

فرد مناسبی برای رهبری دسته‌های کوچک افراد برتر است. هم وفادار است و هم آتشین مزاج، و یک تمایل قوی به یک مصالحه با دشمن را نیز به آن اضافه نمایید. کمی فطرت بخشندگی دارد و در روابط عشقی ناوارد است.

ساعت خوک

(۹ شب تا ۱۱ شب)

بیشتر در خودشان فرو می‌روند و کمتر خودشان را به خطر می‌اندازند. بیرهایی اجتماعی با انرژی فراوان و اشتهاهای سالم می‌شوند. از نظر جسمانی اغلب قوی می‌شوند و اما عشق آنها را اگر به سوی قلب بی‌پروا نکشاند، به سوی ضعف هدایت می‌کند.

گربه‌ها و عوامل آنها

گربه فلز

۱۹۵۱-۲۰۱۱-۲۰۷۱

گربه فلز نسبت به گربه‌های دیگر خوش‌بنیه‌تر بوده و کمتر مستعد فرو ریختن ناگهانی هستند. و برخلاف گربه‌های دیگر از رهبری رویگردان می‌شوند و یا از آن به درستی استفاده نمی‌کنند، گربه فلز حس جاه‌طلبی خود را بروز می‌دهد که معمولاً او را در رأس هدایت گروهی قرار می‌دهد. اما در این مرحله یک عقب‌نشینی وجود خواهد داشت. و خود گروه باید در باورها و اهداف این گربه سهیم بشوند.

مخالفت علنی باعث بیداری تأثیر قمری تر این گربه می‌شود و باعث می‌گردد عامل فلز این گربه یا خم بشود و یا ذوب گردد.

عرصه هنر بهترین جا برای شکوفایی گربه فلز است. با وجود این‌ها عامل فلز بیشتر جنبه ورزشکاری به او خواهد بخشید تا شانس ورزشکاری. در خودشیرینی سریع است. ضمناً دارای اعماقی است که اغلب منجر به ناخشنودی او می‌گردد و در چنین موقعی مستعد فرار می‌شوند.

گربه‌های فلز رماتیک‌ترین عاشقان هستند ولی ممکن است به آسانی دریابند که بیش از حد توانشان مغلوب واقع شده‌اند.

گربه‌های فلز مشهور

کنی دالگلیش، سلینا اسکات و باب گلداف

گربه آب

۱۹۰۳-۱۹۶۳-۲۰۲۳

گربه‌های آب معمولاً نسبت به امورات مربوط به نفع خود خیلی حساس هستند. عامل آب این گربه‌ها روی تأثیر قمری آنها اثر تشید کننده دارد و باعث می‌شود در خیلی از مواقع به زمان گذشته کشیده شوند و نتیجه آن یا باعث دلخوشی خواهد شد و یا مایه تأسف. ضمناً بعضی از این گربه‌ها در اثر فشار زیاد ناشی از به گذشته‌ها برگشت، خواهان یافتن مامنی می‌گردند. چینی‌ها می‌گویند که تخیلات انعکاسی گربه آب حالت اسرارآمیزی دارد که نقش جالبی در اجتماع برایشان به وجود می‌آورد.

شواهد تاریخی و عینی حاکی از آنست که گربه آب استعدادهای هنری دارد که اگر خوب پرورش یابند خیلی مؤثر واقع می‌شوند. اما اگر احساسات این گربه جریحه‌دار شود، و شخصیت معمولاً متین و خبره وی مخدوش گردد، عاملین را مورد لعن و سرزنش قرار می‌دهد. از اوضاع دارای فشار خوش نمی‌آید و خواهان اجتماعی متین و انجمنی خوشرفتار است.

گربه‌های آب مشهور

جان بارنس، جرج ارول و باب هوپ

گربه چوب

۱۹۱۵-۱۹۷۵-۲۰۳۵

عامل چوب پایه محکمی برای این گربه به وجود می‌آورد که وی قادر می‌شود در همه جهات شروع به کاوش نماید. اما از سوی دیگر احساس امنیت‌جویی در این‌ها چنان قوی است که کمتر مایل می‌شوند مامن امن

خود را رها نموده و به کاوش بپردازند.

گربه‌های چوب از لحاظی قربانی احتیاط و مواظبت بیش از حد خود هستند. این‌ها اغلب شانس پیش آمده برای رهبری را از دست می‌دهند. یکی از نشانه‌های عامل چوب، تمايل به تصدی شغل‌های کم مسئولیت است. مردم به این دلیل مشتاق گربه چوب هستند که این‌ها خواهان گمنامی می‌شوند که مورد پسند خیلی‌هاست.

گربه‌های چوب به این آسانی‌ها از کوره درنی روند. با وجود این‌ها دارای طبیعت هنرمندانه‌ای هستند که ممکن است در اثر انتقادات غیرمسئلانه به آسانی جریحه‌دار بشود.

این گربه‌ها عشقان ملاحظه کاری هستند و روابط متعادل را دوست دارند. اما به دلیل بی‌دفاع بودن، یک رابطه بد ممکن است زندگی این‌ها را دستخوش آشوب نماید.

گربه‌های چوب مشهور

استتلی متیوز، اینگرید برگمن و فرنگ سیناترا

گربه آتش

۱۹۲۷-۱۹۸۷-۲۰۴۷

گربه‌ها معمولاً زیر فشار کمر خم می‌کنند، اما عامل آتش ابزاری برایشان فراهم می‌کند که بتوانند بر مشکلات فایق آیند. ناراحتی شخصی بدون در نظر گرفتن نوع عامل باعث شکست گربه می‌شود، اما با افزوده شدن عامل آتش می‌تواند به سرعت بر اوضاع مسلط بشود. ضمناً می‌تواند بر حالت پرخاشگری او بیافزاید طوری که بر سر هیچ و پوچ به این یا آن یورش ببرد. عامل آتش علاوه بر موارد بالا فرصت پیشرفت را برای این گربه فراهم می‌کند. با وجود این‌ها هنوز هم خودشان را نسبت به گربه‌های نوع دیگر

منزوی‌تر خواهند یافت و ضمناً برای هر عملی که انجام می‌دهند نیاز به تأیید دائمی احساس می‌کنند. بزرگترین نعمت خدادادی این گونه گربه‌ها خصیصه سیاستمداری آنهاست و هر موقع هم که بخواهند از این استعداد خود به نحو مؤثر استفاده نمایند، مجبور می‌شوند دست از لحن ملایم و خوی آرام خود بکشند.

این نوع گربه‌ها دارای احساسات گرمی هستند و در زمان عاشقی خیلی احتمال دارد که از خط خارج بشوند.

گربه‌های آتش مشهور

فیدل کاسترو، کن داد و شیلا اسکات

گربه خاک

۱۹۳۹-۱۹۹۹-۲۰۵۹

گربه‌های خاک به نحوی نسبت به گربه‌های نوع دیگر کمتر جاهطلب می‌باشند. همیشه خونسرد و بر خود مسلط هستند مگر در موقعی که زیر فشار شدید قرار داشته باشند. و به خاطر دارا بودن عامل خاک چنان متعادل می‌شوند که اکثراً به پست‌های دارای نفوذ ارتقاء می‌یابند.

ظاهر آرام آنها باعث می‌شود تا افرادی قابل اتکا و ثابت قدم به نظر برسند. با وجود این‌ها وقتی بر اطلاعات آنها افزوده می‌شود، به طور تزايدی ناراحت می‌شوند.

ضمناً دارای یک حس دائمی ریاست‌طلبی هستند که با تأثیر قمری آنها در تضاد می‌باشد. در امورات مربوط به مال و دارایی فوق العاده قدرتمند می‌باشند و از سوی دیگر ممکن است به شدت فراگیر باشند. تشخیص نکات ضعف‌شان و سختکوشی برای جبران آنها، از صفات برجسته این نوع گربه‌هاست. و این کار را با حسن خلق فراوان و با فروتنی زیاد انجام

می دهند.

روابط آنها با دیگران اغلب نسبت به گربه‌های نوع دیگر کمتر سازگارتر است ولی معمولاً از دوام بیشتری برخوردار می‌باشند. ظاهر درست و دیده شدن در جاهای مناسب و با افراد خوش نام از نیازهای اصلی گربه‌های خاک است.

گربه‌های خاک مشهور

جان کلیز، دیوید فراست و داستی اسپرینگفیلد

گربه‌ها و ساعات آنها

ساعت موش

(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

گربه سرسخت و مقاومی می‌شود و کمتر از خطرهای بیرونی می‌ترسد. و فوق العاده با عواطف می‌شود. دارای افکار منظمی است و ضمناً احتمال دارد تا حدودی درباره برنامه‌ریزی‌ها دچار حقارت و عقده گردد.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

یک گربه قوی و خیلی سرسخت بوده و نکته نظرات کاملاً مشخصی درباره رویدادهای سیاسی دارد. در عشق و عاشقی چندان شانسی ندارد و معمولاً تمايلی به سرگردان شدن ندارد. اصالت دارد و سختکوش است و به این آسانی‌ها دنباله رونمی‌شود.

ساعت بیرون

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

کامل‌آنیاز به هل دادن دارد و حسن برنامه‌ریزی و نظم کمتری دارد. نیاز وی به رهبری و ریاست هویداست ولی اغلب نیاز به شهامت برای انجام نقش مقدم احساس می‌شود که ممکن است باعث فشار روحی وی گردد. بخشنده می‌شود ولی به سرعت خودش را عقب می‌کشد.

ساعت گربه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

تأثیر گربه مضاعف منجر به شخصیت فوق العاده حساس می‌گردد. یعنی ممکن است در نظم و برنامه‌ریزی خیلی دقیق باشد و یا در خلاقیت‌های هنری خیلی پیشرفت نماید. در عشق بی‌نهایت کوشانه هستند و عواطف آنها ممکن است کامل‌آتند و تیز باشد.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

سیاست آنها در اثر عامل اژدها و اژگون می‌گردد و اغلب رفتار خشن و تنیدی دارند. ضمناً به طور شگفت‌آوری حساس و هنرمند هستند و نسبت به حفظ ظاهر خود خیلی حساس می‌باشند. اما استعداد رهبری این‌ها کم است.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

عقل عامل مار به گربه افزوده شده و احساس عاشقانه آنها تقویت می‌گردد. این گربه خیلی متعادل و کندر و است و مایل است در زمان

تصمیم‌گیری وقت بیشتری صرف نماید. در امورات مالی خوب است.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

وقار زیادی در او هویداست. اما کارهای روزمره وی کمتر بر شخصیت او جلوه می‌بخشد. در عشق و عاشقی چندان قادر نیست و این احتمال وجود دارد که ناراحت بشود و از میدان دربرود. خیلی مستقل بار می‌آید.

ساعت بزر

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

در روابط اجتماعی قوی است و در دنیای هنر استعداد فوق العاده دارد. اما در سیاست دستی و مهارتی ندارد. عشاق خوش ذوقی هستند ولی برنامه‌ریز ضعیفی می‌باشند و خیلی انحراف پذیر می‌باشند.

ساعت میمون

(۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

یک گربه پردوز و کلکی از آب درمی‌آیند که مغز آنها فقط برای به راه انداختن زندگی در مسیری که مورد دلخواه آنهاست کار می‌کند. در بعضی مواقع کمی موذی می‌شوند و از مقابل حقیقت می‌گریزنند. در حرافی خیلی زبردست هستند و در امورات مالی خیلی زیرک

ساعت خروس

(۵ عصر تا ۷ شامگاه)

ترکیب این عامل یک گربه سیاستمداری به وجود می‌آورد که دارای چاشنی فراوانی از خلوص نیت است. فوق العاده منظم است ولی احتیاج به

جرقه استارت دارد. گربه خیلی شجاعی است ولی در عشق و عاشقی خیلی ضعیف می‌باشد. مغورو، باشهاست و بخشنده است.

ساعت سگ

(٧ شامگاه تا ٩ شب)

یک ترکیب عالی به حساب می‌آید و به بعد آرمانگرای عواطف گربه می‌افزاید. یک گربه شریفی می‌شود که راحتی دیگران را بر خود مقدم می‌داند. در عشق و عاشقی چندان قوی نمی‌شوند، اما خیلی وفادار می‌گردند.

ساعت خوک

(٩ شب تا ١١ شب)

با رعایت عفت لباس می‌پوشند اما با هر دو چشم به دنبال آخرین مد دنیا می‌گردند. سختکوش هستند و همیشه شانس پولدار شدن را دارند و خوب به آن می‌چسبند. گربه رئوف با قلب گشاده می‌باشند. کمتر اسرارآمیز و بیشتر اهل گپ زدن می‌شوند.

اژدهاهای فلز

۱۹۴۰-۲۰۰۰-۲۰۶۰

اژدهاهای فلز در حالی که به همه جای دنیا سر میزند، هرگز برای اندیشیدن توقف نمی‌کنند. روی همه تأثیر ژرف می‌گذارند و افکار مشعشع خود را بر همه آشکار می‌کنند. این‌ها قدرت سیاستمداری ندارند و ضمناً در کار همه دخالت می‌کنند.

وقتی عامل متحرك این‌ها یعنی فلز با عامل ثابت‌شان یعنی چوب درهم بیامیزد، تبدیل به یک سلاح قدرتمندی در دست این‌ها می‌گردد و اغلب از آن برای درهم کوییدن دشمن استفاده می‌کنند. و یا اطرافیان را وادار به اطاعت می‌کنند. اما اژدهاهای فلز بندرت خشن می‌باشند و آنها بی که مورد خشم و غضب این‌ها واقع می‌شوند، معمولاً افراد قلدر، قانون‌شکن و ضعیف‌کش هستند.

هر چیزی که وارد مغز آنها بشود، فکر می‌کنند که صحیح است و تمایل آنها به قطع رابطه با اشخاصی که توافق اخلاقی ندارد، منجر به این حقیقت می‌شود که دارای دوستان واقعی کمتر می‌باشند. اما به خاطر احساسات انساندوستی شان مورد ستایش واقع می‌شوند و هر کسی که مورد عشق این‌ها قرار بگیرد، تا آخر عمرشان تحت حمایت قرار می‌گیرند. و هیچ اژدهای دیگری به اندازه این‌ها آثار جاویدان بر جای نمی‌گذارند و تأثیر این چنین گسترده‌ای نمی‌بخشند.

اژدهاهای فلز مشهور

جان لنن، جفری آرچر و استر رنتزن

اژدهاهای آب

۱۹۵۲-۲۰۱۲-۲۰۷۲

خلق و خوی اژدهاهای معمولاً پر شر و شور در اثر خاصیت آرامبخشی
آب به شدت ملایم می‌گردد.

اژدهاهای که معمولاً دوست دارند هر کاری را در حداقل زمان و با سرعت
برطرف بکنند از این خاصیت آرامبخشی آب خوششان نمی‌آید. اما اژدهاهای
آب از مزایای بی‌شماری برخوردار می‌گردد.

این نوع اژدها که برخلاف اژدهاهای دیگر وظیفه‌شناس و سیاستمدار
می‌گردد، آمادگی فراوانی برای قبول شکست دارد. و در حالی که اژدهاهای
دیگر که دارای عوامل دیگری می‌باشند، به خاطر جاهطلبی یا مورد
خیرخواهی دیگران واقع می‌شوند و یا مورد لعن و نفرین، این نوع اژدهاهای
تمایل دارند از روی اندیشه به سوی اهداف خود پیش بروند. اما به دلیل این
که قبل از اقدام خیلی برنامه‌ریزی و فکر می‌کنند این احتمال وجود دارد که
فرصت را از دست بدهند.

وقتی این اژدها در معرض تصمیمات غیرمنصفانه قرار بگیرد و یا با
مخالفت غیراصولی مواجه گردد، طرف مخالف را زیر سیلی از بحث و
جدل داغ غرق می‌کند. و اگر طرف مجادله شما هستید و عاری از حقیقت
می‌باشید، خودتان را برای سیلی از حرف‌های نامربوط و نامعقول آماده
کنید.

اژدهاهای آب مشهور

جیمی کانرز، مل اسمیث و ایلین پیج

اژدهای چوب

۱۹۰۴-۱۹۶۴-۲۰۲۴

در اوایل زندگی در تعیین مسیر آینده‌شان دچار مشکل می‌گردند ولی بعد از این که خوب ریشه گرفتند به سرعت رشد نموده و تبدیل به شهر وندان استوار و قابل اتکا می‌گردند. اژدهاهای چوب طبق قاعده دارای دید وسیع می‌گردند. اما در عین حال دارای این تمایل می‌گردند که بر سر موضوعات شخصی چنان وارد جر و بحث بشوند که انگار از مسایل مهم بین‌المللی است. و این امر اغلب شخصیت بارز این اژدها را خدشه‌دار می‌کند.

این فرضیه که چوب نیاز به ریشه و ساقه دارد، حد و مرزی ندارد، اما در واقعیت اژدهاهای چوب یا فوق العاده محافظه کار می‌شوند و یا بی‌اندازه انقلابی افراطی. به هر حال این نوع اژدها نسبت به انواع دیگر، در سبک و روش خود پروای کمتری دارد.

عامل چوب برای اژدها یک امتیاز محسوب می‌شود و بر ماهیت متفکر بودن و عقل سليم وی می‌افزاید و او را در تجزیه و تحلیل وقایع یاری می‌دهد. این نوع اژدها در موقع خطر نیز نترس باقی مانده و از حق و حقیقت و ارزش‌ها دفاع می‌کند و روی کمک دیگران نیز حساب می‌کند. چینی‌ها عقیده دارند که چنین اژدهایی عمر طولانی خواهد داشت و بی‌اندازه عاقل خواهد بود. و ضمناً انتظار می‌رود تا آخر عمرشان فعال، خلاق و بانفوذ باقی بمانند. با این حساب آقای اژدهای چوب را باید مانند یک درخت مسن و بادوام بلوط به حساب آورد.

اژدهاهای چوب مشهور

باربارا کارتلند، گراهام گرین و بانو هلن ویندسور

اژدهای آتش

۱۹۱۶-۱۹۷۶-۲۰۳۶

اژدهای آتش مانند اژدهای افسانه‌ها که از دهانش شعله‌های آتش خارج می‌شود، سعی می‌کند تمام افرادی را که با او در تماس هستند تحت نفوذ خود درآورد. این‌ها که دارای شخصیت والایی هستند، هم الهام‌بخش می‌شوند و هم باطل و منحرف‌کننده، بعضی موقع دنیا را با دید روشن شگفت‌آور نگاه می‌کنند و گاهی به کلی از مرحله پرت می‌شوند. و بندرت آرام می‌نشینند یا دست از هدایت اطرافیان برمی‌دارند.

این نوع اژدها خیلی زود بالغ می‌شود و کمال‌گرای فوق العاده‌ایست و قدرت خارق العاده در جذب پیروان فراوان دارد. و هیچ کدام از علایم دیگر و به طور حتم اژدهای دیگر دارای چنان قدرت رهبری نمی‌باشند. اما همین عامل ممکن است علیه خودشان به کار رود.

مشکل دیگر این است که با این همه ارزش‌های قهرمانانه، مهارت‌های قابل توجه آنها در ورای چاپلوسی‌ها گم می‌شود. این اژدها ممکن است روابط با دیگران را بی‌دوام بیابد و تمايل وی به کمال در همه چیز یک مانع مثبت به حساب می‌آید که وی بتواند شرکا و رفقای کاری خود را که با این خواست جور درمی‌آیند، بشناسد.

بعضی اژدهاها خوشحال می‌شوند که بگذارند سرنوشت مسیر خود را طی نماید. اما نه اژدهای آتش. زیرا این‌ها مایل می‌شوند خودشان بر سرنوشت‌شان کنترل داشته باشند. و هیچ اژدهای دیگری سر چنین پرشوری ندارد. بالاخره این هم حرفي است.

اژدهاهای آتش مشهور

یهودی منوهین، رولد داہل و جنیفر کپریاتی

اژدهای خاک

۱۹۲۸-۱۹۸۸-۲۰۴۸

عامل خاک روی این اژدها خاصیت کاهش بخشی داشته و از سرعت وی در هجوم به صفت مشکلات و حل و فصل سریع آنها می‌کاهد. این نوع اژدها برای دیگران مفید است و برای آنها فرصت‌های مناسب را فراهم می‌کند و روی هم رفته سلطه جو نمی‌باشد. این‌ها نسبت به اژدهاهای نوع دیگر از فطرت ملایم‌تری برخوردارند و وقتی با کسی برخوردی داشته باشند کمتر عصبانی می‌شوند و کینه در دل نگاه نمی‌دارند.

اژدهای خاک شنونده خوبی است و نصایح مفید می‌دهد. با وجود این‌ها چیزی‌ها می‌گویند که این‌ها بعضی موقع از مرحله پرت می‌افتد و ممکن است دستپاچه شوند. و ضمناً اگر خویشتن‌داری قابل توجه خود را از دست بدھند، خشم بی‌امان خواهند داشت. اما خوشبختانه چنین حالتی کمتر روی می‌دهد و این‌ها اغلب مسایل را با خونسردی برطرف می‌کنند. اژدهای خاک درباره لیاقت‌های خود خیالش کاملاً راحت است و فکر او از بابت کار کردن یا زیستن در نزدیکی کسانی که برای همکاری با او تعیین شده‌اند آسوده است مگر این که دارای یک هدف فعال باشد که در چنین حالتی به شدت بی‌حال می‌گردد.

اژدهاهای خاک مشهور

مارتین لوترکینگ، شرلی تمپل و سر الاستیر برنت

اژدهاها و ساعات آنها

ساعت موش

(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

سرسخت و سازگار هستند. این‌ها کمتر احتمال غرولند نمودن دارند. اما

بعضی موقع حد پرخاشگری آنها بالا می‌شود و کنترل نمودن شان مشکل می‌گردد و از محدودیت‌های خودشان به خوبی با اطلاع هستند.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

بسیار کله‌شق هستند و بیشتر خواهان سلطه‌گری. و کانون قدرت را خوب تشخیص می‌دهند. قلب آنها کمی پیچیده است. اما نیاز آنها به آزاد بودن از محدودیت‌ها آشکار است. از نظر عشق و عاشقی سردرگم می‌شوند ولی در هنر اصالت زیاد دارند.

ساعت ببر

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

کله‌شق و بی‌پرواست. کلاً غیرقابل پیش‌بینی است، خصوصاً در عشق و عاشقی. نیاز به طفیان در لیست کارهای او قرار دارد و یک اژدهای نامتحمل به حساب می‌آید. خشن و انعطاف‌ناپذیر است ولی سرعت کمتری دارد.

ساعت گربه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

حساس و منظم است. نیاز وی به یک زندگی ملایم جلو نفوذ کله‌شقی این اژدها را می‌گیرد. از نظر وی عشق یک ماجرای لطیف است و شغل چندان الزاماً و نمی‌باشد. و از خیلی از اژدهاهای دیگر زیرک‌تر است.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

عقید بر این است که اژدهای مضاعف خوششانست و تقديس شده‌تر است. اما فطرت بی‌پرواينی او به همراه بخت و اقبال خوش او به جلو می‌روند. بعضی مواقع بيش از اندازه به خود متکی است و هرگز کمبود قدرت نخواهد داشت. شکست دادن اين نوع اژدها خيلي سخت است.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

عاقل‌تر است و در زمینه‌های علوم و مذهب خيلي پیشرفته‌تر است. در عشق و عاشقی خيلي عميق است و نياز وي به عشق ورزیدن بيشتر نمایان است. در خيلي از زمینه‌ها به کندی حرکت می‌کند و در صورت برخورد داشتن می‌توانند نارو بزنند.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

اين اژدها که کاري‌تر می‌باشد به شدت پیشرفته‌تر است. و از محدودیت‌ها می‌ترسد و نياز به آزادی برای بيان احساسات درونی خود دارد. هر کاره و یا هر کسی که باشند برترین هستند. اما از نظر عواطف ضعیف می‌باشند.

ساعت بزر

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

اين اژدها در تصمیمات مهم کمتر مثبت و ملون می‌باشد. عشق از اين بابت برایش مسئله‌ساز می‌شود که خجالت می‌کشد به طرف عشق خود

بگوید که از ایجاد تعهد طولانی خوشش نمی‌آید. حس تجاری ضعیفی دارد و در هنر مهارت تمام دارد.

ساعت میمون (۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

این اژدها حقه باز و سریع الاتصال است. از خصایص این اژدها احساس نیاز به زیر سلطه گرفتن دیگران است، و در این راه از تمام امکانات موجود استفاده می‌کند. رفتار سرد وی در امورات عشقی با حس قوی وی در تجارت جبران می‌شود.

ساعت خروس (۵ عصر تا ۷ شامگاه)

این اژدها کمتر گمراه می‌شود. در امورات اخلاقی بی‌تزویر است و همزمان نیاز فراوانی به رازداری فردی وجود دارد. اعتماد به نفس وی بالاست و وقت زیادی برای عشق‌های تفننی ندارد. صرفه‌جوست و منظم است.

ساعت سگ (۷ شامگاه تا ۹ شب)

در مورد این اژدها ممکن است کمی نفاق وجود داشته باشد. یک روی شخصیت وی خواهان عوض نمودن دنیا می‌باشد و روی دیگرش خواهان رهبری آن، اما فرقی نمی‌کند که کجا باشد. در عشق و عاشقی صداقت دارد. ولی خیلی زود سرشن کلاه می‌رود.

ساعت خوک

(۹ شب تا ۱۱ شب)

فوق العاده سختکوش است. علاقه عجیبی به لباس های جور و اجر و چیدن آنها در کمد جالب ای دارد. از عواطف کمی بدگمان است و انتخاب وی اغلب اشتباه از آب در می آید. وقتی راهنمایی بشود، حساب و کتاب مالی اش خوب می شود.

مارهای و عوامل آنها

مار فلز

۱۹۴۱-۲۰۰۱-۲۰۶۱

قدرت بصیرت عمیق وی به وسیله عامل فلز تقویت می‌گردد و به عنوان نوعی هادی برای انرژی اسرارآمیزی که بر تمامی مارها حاکم است عمل می‌کند. این بدین معنی است که جنبه‌های منفی و مثبت برای کاوش عمیق تر به رویش باز است. اگر مارها فلز را خم بکنند، به صورتی خم می‌کنند که نشانه محافظت از اموال خودشان باشد.

مارهای فلز اغلب خیلی تودار می‌شوند و اگر خودشان در مکونات قلبی خودشان را به روی شما باز نکنند، هرگز نخواهید فهمید که واقعاً چه افکاری دارند. و بعضی از مارهای فلز حتی خودشان نیز نمی‌دانند که چه افکاری دارند.

مارهای فلز طبق قاعده با خود بودن را ترجیح می‌دهند ولی اگر فرصت مناسب پیش بیاید هر دو جنس آنها می‌توانند خیلی اجتماعی باشند. مارهای فلز از استعدادهای خود حداکثر استفاده را می‌برند و پول جذب می‌کنند. هیچ کدام از مارهای دیگر دارای چنان منبع عظیمی از استعدادها نمی‌باشند و یا نمی‌توانند حداکثر استفاده را از آنها ببرند. قدرت جنسی بارز این‌ها ممکن است به راحتی بر زندگی شان حاکم بشود.

مارهای فلز مشهور

پیکاسو، کاسیوس کلی و باب دایلن

مار آب ۱۹۵۳-۲۰۱۳-۲۰۷۳

عامل آب یک حس قوی مالدوستی را در این مار به وجود می‌آورد. اثر قمری مار که همانا چسبیدن به دارایی‌های مورد علاقه‌اش است، وقتی با اثر عامل آب ترکیب بشود، اغلب منجر به صرفه‌جویی و مآل‌اندیشی می‌گردد. مارهای آب حافظه قوی دارند و می‌توانند افکار خود را به مدت طولانی روی موضوعی تمرکز نمایند. اگر مانعی بر سر راهشان باشد با حوصله اقدام به برطرف نمودن آن می‌کنند و بالاخره موفق می‌شوند.

این نوع مارها در یافتن عیب دیگران سریع هستند اما ممکن است در تشخیص حس جاه‌طلبی خودشان کنده باشند و اگر هدفی را در نظر گرفتند، هیچ کدام از مارهای دیگر در دستیابی به آن به اندازه این‌ها از جان‌گذشتگی نشان نمی‌دهند. این نوع مارها که بسیار با فرنگ می‌باشند و در انواع هنرها پایه‌گسترده‌دند، ذاتاً رهبران طبیعی نیستند و در کار تیمی یا شراکتی بهتر کار می‌کنند. عامل آب بهتر از عوامل دیگر به سطح طبیعی خود می‌رسد، این بدین معنی است که مارهای آب معمولاً به ارزش والای خود واقف هستند. از آنجایی که آب محل زیست خیلی از مارهاست، بنابراین مارهایی که با این عامل متولد بشوند، گفته می‌شود که باید دارای خاصیت سردستگی باشند.

مارهای آب مشهور

ویکتوریا وود، جی پل گیتی و گراهام گوج

مار چوب ۱۹۰۵-۱۹۶۵-۲۰۲۵

مارهای چوب قرص و محکم بوده و از انواع استعدادهای خود بهره

می‌گیرند تا خودشان را موفق نمایند. مارها عمیقاً بصیر هستند و چوب وقتی با این‌منی رشد می‌کنند که دارای ریشه‌های عمیقی باشند. این تعاریف به مار چوب برمی‌گردد که دارای ماهیت قابل اعتمادی می‌باشد. نوعی که وقت خودشان را با حوصله تمام در اختیار دیگران قرار می‌دهند.

این‌ها که از وضع ظاهر خود باخبر هستند و جذب خیلی‌ها می‌گردند، اما در بعضی مواقع به پوچی می‌گرایند و از تأثیر واقعی خودشان به روی آنها بی‌کارشان هستند، بی‌خبر می‌مانند.

این نوع مارها در صورت بی‌ریشه بودن به آسانی دستخوش وزش بادها می‌گردند و مدتی طول می‌کشد تا خود را بازیابند. در واقع بعضی از این‌ها هرگز به حالت عادی برنمی‌گردند و کارشان در حال جدال با بدشانسی‌شان به پایان می‌رسد. برای این قبیل مارها زندگی به صورت یک خواب زمستانی طولانی جلوه می‌کند. و هیچ ضمانتی وجود ندارد که این مار چوب بالاخره با پوست تازه‌ای بیرون بیاید. ولی این احتمال وجود دارد که بینند زندگی در اطراف آنها تغییر نموده است اما خود آنها به همان وضع سابق باقی مانده‌اند.

مارهای چوب مشهور

گرتاگاربو، استی芬 ادبرگ و هاورد هیوز

مار آتش

۱۹۱۷-۱۹۷۷-۲۰۳۷

عامل آتش در میان همه عوامل، تأثیر عمیق‌تری روی مار دارد. قدرت افسونگری فوق العاده مار وقتی با عامل آتش همراه بشود، شخصیتی از وی به وجود می‌آورد که مقاومت در برابر وی تقریباً ناممکن می‌گردد. و زمانی این صفت بارز او را می‌توان مشاهده نمود که وی یک شغل عمومی را برای

خود انتخاب نماید.

سیاستمداران مار، گیرایی خاصی خواهند داشت و این امر برای زمینه‌های هنری و سرگرمی‌های غیرجذی نیز صادق است. این‌ها تقریباً با شخصیت خود می‌درخشند و دیگران را به سرعت اغوا نموده و دنباله‌رو خود می‌کنند. اما جنبه درخشان آنها که ناشی از عامل آتش است، طرف منفی هم دارد که ممکن است همیشه تغییرناپذیر نباشد.

مارهای آتش برای حفظ مال و دارایی‌های خودشان نیاز مبرم به ایجاد امنیت دارند و این موضوع اغلب منجر به ایجاد حفاظه‌هایی می‌گردد که در نهایت راه‌های مهم فرار را به رویشان می‌بنند.

این نوع مارها دوستان فراوانی نداشتند و از آن تعداد قلیل دور و بر خودش نیز انتظارات بیشتری می‌طلبند. به هر حال هیچ کدام از مارها به حسودی و یا آتشین‌مزاجی این مار نیستند. و اگر کسی جلو احساسات آتشین او را بگیرد، هرگز این عمل او را فراموش نخواهد کرد.

مارهای آتش مشهور

جان اف کندی، نت کینگ کل و فردیناند مارکاس

مار خاک

۱۹۲۹-۱۹۸۹-۲۰۴۹

مارهای خاک در تصمیم‌گیری سریع خیلی توانا هستند. و مهارت زیادی در زمینه‌هایی که نیاز به فکر و دقت زیاد دارد، دارا می‌باشند و می‌توانند مسایل پیچیده را به راحتی حل و فصل نمایند. و به نظر می‌رسد که عامل خاک بر حرکات ماهرانه این نوع مار اثر مثبت بر جای می‌گذارد.

مارهای خاک به این آسانی‌ها از مسیرشان کنار زده نمی‌شوند و نسبت به دوستانشان وفادار می‌مانند و اگر مجبور بشوند می‌توانند با اقتدار کامل و

افسونگری رهبری بقیه را به عهده بگیرند.

این نوع مارها در مسایل مالی و پولی علاقه به پس انداز نمودن دارند و ضربالمثل چینی‌ها که می‌گویند: «مارها در مورد وقتیان دست و دلباز تر از پولشان هستند» در مورد این نوع مار بیشتر صدق می‌کند تا مارهای دیگر. مارهای خاک به دلیل پر بودن خیلی شکیبا هستند، زیرا به اندازه توانایی‌های خود کاملاً واقف هستند. در ارتباط با دیگران خوب گوش می‌دهند و جواب معقول می‌دهند.

صادق‌ترین مارها هستند و اگر تصمیمی را گرفتند مشکل بتوان آنها را منصرف نمود.

مارهای خاک مشهور

ژاکلین اوناسیس، اندره پروین و مگنوس مگنوسن

مارها و ساعات آنها

ساعت موش

(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

این مار ناآرام می‌شود و اکثراً کنترل کامل بر احساسات خود ندارد. و تمایل وی به اول شدن توأم با خشونت نمی‌باشد. در عشق و عاشقی حساس و پراشتیاق است. در امورات مالی مهارت‌های پیچیده‌ای دارد.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

این مار دارای جنبه مثبتی است اما همیشه مثمر ثمر واقع نمی‌شود. وفاداری را بر عشق ترجیح می‌دهد و علاقه وی به حکومت بر دیگران واضح‌تر است که اغلب مایه درد سر وی می‌گردد.

ساعت ببر

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

این مار با پستی و بلندی‌های ناگهانی خوگرفته است. وقتی تحت فشار باشد، قابل اتکا نمی‌باشد، و بعضی مواقع خیلی با تحکم برخورد می‌کند. اما ایده‌های سرکوب شده وی اغلب عالی و اصیل هستند.

ساعت گربه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

سازگاری زیاد این مار منجر به شخصیت عمیقاً حساس و هنرمندانه می‌گردد. و در اثر دقت در امورات مالی یک مسیر سالم برای رویارویی با لحظات بحرانی زندگی به رویش باز می‌شود.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

یک هماهنگی کامل بین اثرات به وجود می‌آید که به همراه حس اتکا به نفس قوی وی منجر به تقویت عقل ذاتی او می‌گردد. در پاسخ دادن سریع است و دارای منابع عظیم انرژی حیاتی است که می‌تواند در هر مسیری به کار ببرد. از نظر روابط جنسی کامل است.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

یک مار گرفته و اغلب نامطمئن خواهد بود. دارای عقل است ولی بیرون کشیدن آن از اعمق مخفی درونش نیاز به تلاش فراوان دارد. بعضی مواقع خیلی افسونگر می‌شود. در مورد پول خسیس می‌باشد.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

تعادل خوبی بین علایم به وجود آمده است. جنبه عملی او به شدت تکامل یافته است. اما وقتی منطق سليم وی با عقل غریزی او در هم بیامیزد ممکن است نتایج جدال برانگیزی به بار آورد. در عشق و عاشقی احتمال زیاد می‌رود که ثابت قدم نباشد.

ساعت بزرگ

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

موقعی پیش می‌آید که نیاز وی به دوست داشتن و دوست داشته شدن تبدیل به هرچه پیش آید خوش آید می‌شود و دست از بلندپروازی اش بر می‌دارد. خانواده نقش اساسی در زندگی این‌ها دارد و هرگونه تلاش هنری شانس زیادی برای موفقیت دارد.

ساعت میمون

(۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

دوز و کلک فروان است و هوش و اعتماد به نفس نیز پایانی ندارد. در برخورد با مردم بسیار ماهر است و تمایل دارد که مردم را عادی فرض نماید. در عشق گاهی گرم و گاهی سرد است.

ساعت خروس

(۵ عصر تا ۷ شامگاه)

تعدد اهداف بعضی موقع این معنی را می‌دهد که دستیابی به تمام آنها به این سادگی‌ها نخواهد بود. بعضی موقع بی‌تزویر می‌باشد و گاهی شدت آن افزایش می‌یابد. و قدرت وی در سازماندهی اوضاع متضمن پاداش‌هایی

است. مسیر عشق وی هموار نیست.

ساعت سگ

(٧ شامگاه تا ٩ شب)

صداقت و درستکاری وی غالب است و کمتر مایل به دور شدن از زشتی‌ها به هر شکل و فرمی که باشند، می‌باشد. خصیصه‌های زیاد آرامانگرایی وی باعث می‌شود دوستان زیادی داشته باشد و غم و غصه کمتری.

ساعت خوک

(٩ شب تا ١١ شب)

این مار به شدت اجتماعی است، سختکوش است و وقت کمتری را به بطالت سپری می‌کند. در برخورد با دیگران خیلی با تحکم عمل می‌کند و در عشق ممکن است مشکلاتی را به وجود آورد. و احتمال دارد قلب خود را خیلی زود تقدیم نماید.

اسب‌های و عوامل آنها

اسب فلز

۱۹۳۰-۱۹۹۰-۲۰۵۰

اسب‌های فلز بیش از انواع اسب‌های دیگر از غیرت شدید خودشان که یکی از علایم دوگانه قمری (علامت دیگر متأنست است) آنهاست دچار رنج و عذاب می‌شوند. این نوع اسب‌ها نه تنها در مسایل مربوط به عشق و عاشقی کمتر عدول‌کننده هستند و به شدت خود را گرفتار می‌کنند، بلکه مایل هستند جذبه زیادی روی جنس مقابل خود داشته باشند. ضمناً دارای شخصیت خیلی بر جسته‌ای می‌باشند، طوری که تعداد زیادی بسی اختیار جذب آنها می‌گرددند. هیچ کدام از اسب‌های دیگر چنین شخصیت جذابی ندارند، و وقتی در رأس دسته‌ای قرار می‌گیرد، تمایلات خود را بر پیروان خود اعمال می‌کند.

اسب‌های فلز بیشتر به فراست و بصیرت خودشان متکی می‌شوند که در میان اسب‌ها کمیاب است. و این فقط به کسانی مربوط می‌شود که اصالت فکری دارند و بس. این‌ها خیلی مستعد شک کردن در مورد توانایی‌های خودشان هستند. اما خوشبختانه دارای اساس محکمی هستند و خیلی زود خود را می‌یابند.

این اسب‌ها باید از کارهایی که به صورت ساعات طولانی و با برنامه باشد دوری گزیند زیرا منجر به این می‌شود که از محیط کار و همکارانش فراری گردد.

اسب‌های فلز مشهور
شاهزاده خانم مارگارت، جیمز دین و کلینت ایست وود

اسب آب
۱۹۴۲-۲۰۰۲-۲۰۶۲

عامل آب صبر و شکیبايی را هم به دو خاصیت کارآیی و منطق این اسب‌ها می‌افزاید و پایه‌ای برای کسب ثروت و حسن اخلاق وی به وجود می‌آورد. این اسب‌ها دارای حس قدرتمندی در تجارت هستند و با در هم آمیختن آن با مهارت‌های عملی چیزی به وجود خواهند آورد که برتر از هر نعمت دیگر است.

اسب‌های آب در لباس پوشیدن سلیقه خاصی دارند که اغلب مورد ستایش دیگران واقع شده و آنها از مد وی پیروی می‌کنند. چون آب موقعی حرکت می‌کند که همراه مَد باشد و یا در معرض وزش باد قرار بگیرد، نفوذ این اسب‌ها نیز با درخشش و شکوفایی ناگهانی همراه است.

این نوع اسب‌ها طیف گسترده‌ای از عقاید را دارند که مشتاق می‌شوند با دیگران سهیم بشوند، اما همیشه دارای یک فکر اصیل نمی‌باشد. ضمناً اطلاعات را به سرعت کسب می‌کنند و شایع می‌کنند.

اسب‌های آب بعضی مواقع نگران سلامتی خود می‌شوند و به رژیم غذایی خود و ورزش دقت بیشتری می‌کنند. ضمناً خیلی زود حوصله خود را از دست داده و چندین شغل را عوض می‌کنند تا به یک شغل طولانی پایبند بشوند.

اسب‌های آب مشهور
پل مکارنتی، باربرا استرایسند و نیل کیناک

اسب چوب

۱۹۵۴-۲۰۱۴-۲۰۷۴

اکثر اسب‌ها از جمع خوششان می‌آید و میزبان‌های عالی می‌باشند. در هر جمیع که باشند با صحبت‌های شیرین و لطیفه‌های جالب سر همه را گرم می‌کنند و از این بابت هیچ اسبی به پای این‌ها نمیرسد. همیشه مشتاق هستند که ایده‌های تازه را به کار بینند و در کاربرد داشتن و مفید بودن ابزار و وسایل تازه خیلی تیز می‌باشند. ضمناً یک ارزیاب کامل اجتماع هستند. دقیق و مستقیم فکر می‌کنند و معمولاً هرچه که فکر بکنند مطابق آخرين یافته‌ها خواهد بود. کار بیهوده کمتر انجام می‌دهند و نسبت به اسب‌های دیگر شفیق‌تر هستند و با توجه زیاد حتی به جزئیات گوش می‌دهند. در مقایسه می‌توانید اسب چوبی تروی را در نظر مجسم کنید. داخل آن محفظه‌ای برای مخفی شدن دیگران داشت، در صورتی که از نظر ظاهري معصوم و منزه بود ولی در درونش اسرار فراوانی نهفته بود. در غوغای عرصه عشق واقعاً سردرگم و ناراحت می‌شوند و ممکن است به طور کامل از میدان دربروند. از این که نمی‌توانند بین قلب و مغز خود تفاهم به وجود آورند به رنج می‌افتنند و هر موقع هم به خنده بیفتند کاری نمی‌توان کرد جز این که صبر کرد تا وزش طوفان تمام بشود.

اسب‌های چوب مشهور
دوک ویندسور، کریسی اورت و راون اتکینسن

اسب آتش

۱۹۰۶-۱۹۶۶-۲۰۲۶

اسب آتش غامض‌ترین علامت چینی‌هاست. آتش عامل ثابت اسب

است و وقتی آتش با آتش به شکل اسب در هم می‌آمیزد، یا جهنم به پا می‌شود یا بهشت. هیچ کدام از عوامل دیگر مانند این هوش و تخیل را به وجود نمی‌آورد و یا دارای چنان نیروی اراده‌ای باشد که دیده‌هایش را به واقعیت برساند.

ضمناً چینی‌ها عقیده دارند که اسب‌های آتش یا صاحب نعمت‌های خدادادی استثنایی می‌شوند و یا گرفتار بدشانسی عظیم می‌گردند. قشر دومی در یک دست نیوغ و استعداد فراوان خواهند داشت و در دست دیگر بدترین نوع بدشانسی را.

تعدادی هستند که از اسب آتش وحشت دارند، شاید او را به مکافات یوحنای شبیه می‌کنند. به هر حال اسب‌های آتش عاشق اکتشاف هستند و غیرممکن است این‌ها را به صورت عاطل و باطل در یک جا نشسته ببینید. اسب‌های آتش برای همیشه در لبه یک رویداد دلهره‌آور یا وحشتناک قرار می‌گیرند و یا چنین جلوه می‌کند. دارای شخصیت انعطاف‌پذیر فراوان هستند و در طول عمر غنی و پر از دگرگونی خودشان چندین خانه یا شغل را عوض می‌کنند. در عشق نامید هستند و مرتب‌گرفتار نوع غلط و ناسازگار می‌گردند. بالاتر از همه دوست ندارند جزیی از یک کل به حساب بیایند و در صورت وادر شدن به کارگروهی، هرگز احساس راحتی نمی‌کنند. به عبارت دیگر دوست دارند سردسته باشند والا خیر.

اسب‌های آتش مشهور
مایک تایسن، زولا باد و رامبراند

اسب خاک
۱۹۱۸-۱۹۷۸-۲۰۳۸

اسب خاک که نسبت به اسب‌های دیگر قرص‌تر و قابل اتکاتر است،

می تواند یک منبع پر انرژی به حساب بیاید و هر موقع روی وی حساب بکنند، می تواند بدون خستگی کار بکند. این نوع اسبهای با فکر عالی کمتر به دنبال ایده‌های باطل و یا عاری از منطق می‌روند و دوست دارند قبل از اقدام به هر کاری ابتدا درباره آن خوب فکر بکنند. اما بعد از این که تصمیم به اجرای کاری را گرفتند، با متناسب و قدم‌های استوار جلو می‌روند تا آن را به پایان و موفقیت برسانند.

این‌ها در عین حال که مانند بعضی اسب‌های دیگر پوج و بیهوده نیستند، اما داوری چندانی هم ندارند ولی از تمام استعدادهای منظم شخصیت خود حداکثر بهره را می‌گیرند. و در صورت رهبری مواضع خود را با عبارات واضح و بدون پیرایه بیان می‌کنند و در خیلی مواقع نقش پیچ و مهره را برای ارتباط دادن بازی می‌کنند. در کار شراکتی خوشحال است و در عشق نیز مسایل کمتری دارد.

اسب‌های خاک مشهور
بیلی گراهم، لثونارد برنتین و اسپایک میلیگن

اسب‌ها و ساعات آنها

ساعت موش (۱۱ شب تا ۱ بامداد)

سلیقه کمی در لباس دارد و حوصله کار کردن به مدت طولانی را ندارد. میل دارد در عقب سر دیگران به سر برد تا اگر کارها خراب بشود، تقصیر متوجه آنها باشد. در عشق و عاشقی آتشین مزاج است اما کمی دستپاچه می‌شود.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

این اسب دارای استعداد رهبری فراوانی است و با وجود این که همه اسب‌ها سختکوش هستند، اما این یکی سختکوش‌تر است. و ضمناً حس استقلال طلبی وی شدیدتر است و همین طور اسرار قلب او نیز پیچیده‌تر می‌باشد.

ساعت بیر

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

در اجرای هر پروژه‌ای انرژی فراوان مصرف می‌کند، در نتیجه خودش را از تب و تاب می‌اندازد. وی با کندی کار می‌کند و برای کارهایی مفید است که نیاز به استقامت و پایداری ندارند. در عشق هم پرفیض و برکت است.

ساعت گربه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

برای این اسب، نظم و برنامه با نیازهای منطقی وی در تضاد است. در نتیجه میل باطنی او برای به دست گرفتن رهبریت با استفاده از توان شخصی اش عملی نمی‌شود. در لباس پوشیدن تمیز و مرتب است و در عشق حساس.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

تمایل این اسب برای به دست گرفتن رهبریت و کنترل دیگران خیلی زیاد است. در سیاست ضعیف است و در حمله به طفره‌روها و قلدرها قوی

است. فرصت چندانی برای رسیدگی به زندگی خانوادگی ندارد و در عشق رمانتیک است.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

قريحه فطري او نمود بيشتری خواهد داشت ولی از نظر عملی عقب خواهد بود. چندان فعال نخواهد بود ولی مستعد رهبری است. از نظر هنری بيشتر استيل خواهد بود و در مورد لباس سليقه عالي خواهد داشت. در عشق هميشه مجادله خواهد داشت.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

علايم مضاعف اسب يعني جنبه کاري و منطق او تقويت خواهد شد و تمایل رهبری وي فراوان خواهد بود. اما از قلب رقيق رنج می برد و روابط عشقی او بی اندازه پر خواهد بود و به شدت استقلال طلب است.

ساعت بزر

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

چنین افرادي کلاً طبیعت هوس بازي دارند و اجرای نقش هنری از خصیصه های بارز اینها می باشد. داشتن علامت (بز) برای این اسبها از بعضی لحظ شاید مفید باشد. و در عشق نیز تا حدودی بدون فکر عمل می کنند.

ساعت میمون

(۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

اينها در کارشان درستکار نمی باشنند. و میل دارند کارهای سخت را به

گردن دیگران بیاندازند. مدیران برنامه ریز تحصیل کرده‌ای از آب درمی‌آیند و دارای حافظه قوی می‌شوند. و سعی می‌کنند از پشت صحنه اوضاع را کنترل بکنند. در عشق نیز نمی‌توانند احساسات خود را بنمایانند.

ساعت خروس (از ۵ عصر تا ۷ شامگاه)

این علایم ترکیب عالی به وجود می‌آورند و نافع بودن صفاتی خروس را به ماهیت پرکاری موجود در اسب می‌افزایند. بروز علایم خشم علی ممکن است بارها روی بددهد. خصوصاً در مقابله با نامردی‌ها. در عشق نیز کمی سرد و غیرصمیمی است.

ساعت سگ (۷ شامگاه تا ۹ شب)

این افراد به شدت آرمانگرا و وفادار هستند، ولی دارای خصیصه لجاجت نیز می‌باشند. همیشه قادر به بیان نکته نظرات خود نیستند. اما کمبود محبت و علاقه نخواهند داشت. در عشق هم با متناسب هستند.

ساعت خوک (۹ شب تا ۱۱ شب)

تنومند و بی‌اندازه کاری می‌شوند. سلیقه عالی در لباس دارند و از نظر سبک هرگز کمبودی ندارند. به شدت اجتماعی هستند ولی در ادغام با هر گروهی وحشتناک عمل می‌کنند. در عشق صادق هستند اما ممکن است اسرار آن را نتوانند حفظ کنند.

بزها و عوامل آنها

بز فلز

۱۹۳۱-۱۹۹۱-۲۰۵۱

عامل فلز وقتی با یک علامتی ترکیب می‌شود، جنبه مثبت آن را تقویت می‌کند، در مورد بز هم باعث می‌شود این بز نسبت به بزهای دیگر قرص‌تر شده و به ارزش خود واقف بشود. این نوع بزها که در هنر قوی می‌باشند، تمام سعی‌شان به خاطر خانواده، خانه و صلح به مفهوم عام است.

این بزها در ساختن خانه دست چیره دارند و کوچکترین جزئیات را از نظر دور نمی‌دارند. اما عامل فلز بر ضعف روابط اجتماعی این‌ها می‌افزاید. نکته نظرات خود را بد تحويل جامعه می‌دهند و یا اغلب دیر اقدام می‌کنند و یا خیلی کند انجام می‌دهند.

در زیر پوشش افسونگری این‌ها کمی افاده نهفته است. و طولی نمی‌کشد که این خصیصه خود را به شدت بروز بدهند و همه را برنجانند. از سوی دیگر هیچ بزی به اندازه این‌ها روی چیزهای خوب سرمایه‌گذاری نمی‌کند. هر چند که آنها بی‌کار می‌کنند، اغلب آرزو می‌کنند که کاش اعتبار بیشتری در نزد وی می‌یافتنند.

بزهای فلز ممکن است به ثروت و مکنت برسند، اما حفظ آن و یا شراکت طولانی ممکن است منجر به مشکلاتی بشود.

بزهای فلز مشهور

میخانیل گورباچف، ترنس کانرَن و روپرت موردادک

بز آب
۱۹۴۳-۲۰۰۳-۲۰۶۳

بزهای آب فوق العاده اجتماعی می‌شوند و میزبانان عالی محسوب می‌شوند و اغلب بی‌اندازه معروف می‌گردند که بخشی از آن به دلیل خلق و خوی ملايم و طبيعت آنهاست. و زندگی ساده و راحت را با تمام چيزهای همراه آن ترجيح می‌دهند.

آب اين خاصيت را دارد که از درون محفظه بسته خود راه غير پيش‌بيين شده‌اي را برای نشت به بيرون بيايد. و زمانی هم که از اين بز آب بخواهند که با واقعیت‌های سخت مواجه بشود، معمولاً بيراهه‌اي را انتخاب می‌کنند که بيشتر به ضررšان تمام می‌شود. ضمناً در انجام تغييرات اساسی در زندگی سريع عمل می‌کنند.

هرچند که در راه ابداع ايده‌های نو هميشه کارا نمی‌باشند، اما مفسرين عالي به حساب می‌آيند و با وجود اين که در اين راه چيره‌دست هستند، اما تحت تأثير شخصیت‌های قوى تر قرار گرفته و ناخودآگاه مایل می‌شوند رفتار آنها را تقلید نمایند.

بزهای آب طبق قاعده در مورد پول سخاوتمند نیستند و ضمناً ممکن است به آسانی در زير فشار زياد خم بشوند.

بزهای آب مشهور
ميک جگر، جان ميجر و سيلا بلک

بز چوب
۱۹۵۵-۲۰۱۵-۲۰۷۵

عامل چوب مانند افسار جلو هوسبازی‌های اين بز را می‌گيرد. اين بزها

وقتی تحت کنترل باشند به حد توانایی و آمادگی خود به سوی هدفشنان پیش می‌روند. ضمناً این قبیل بزها فوق العاده مبادی آداب، سازگار و سخاوتمند می‌شوند. و این عوامل باعث پیشرفت آنها در جامعه شده و درهای بسته را به رویشان می‌گشاید.

چینی‌ها این بز را احساساتی تعریف می‌کنند و می‌گویند که این‌ها به هر چیزی که نیاز دارند یا دوست دارند می‌چسبند. ضمناً هرچند که ممکن است ریشه عمیق بدوانند اما اشتیاق شدید به این کار ندارند. اگر بزهای دیگر ول گشتن را دوست داشته باشند، این بزها فعالیت کردن را ترجیح می‌دهند. خیلی هنرمند می‌شوند و به طور شگفت‌آوری اصالت دارند. خیلی راحت تحت حمایت و مراقبت دیگران درمی‌آیند و اگر اعتماد آنها مخدوش گردد ممکن است به طور یأس‌آوری خود را ببازند. هیچ کدام از بزهای دیگر به اندازه این‌ها برای دیگران احساس تعهد نمی‌کنند و یا خواهان جلب توجه نمی‌شوند.

بزهای چوب مشهور

اعلیحضرت جرج پنجم، استیو اوت و ویلیام ترنر

بز آتش
۱۹۰۷-۱۹۶۷-۲۰۲۷

یک جنبه این بز خواهان تجملات و پالودگی است. مرکز هستی این بز در صورت امکان داشتن یک خانه است که آن را به صورت ارگ و قلعه خود دربیاورد. اما اگر خانه کوچک اجاره‌ای باشد، تا حد امکان آن را تزیین خواهد نمود.

تمامی بزها نقش هنری را دوست دارند و عامل آتش بر این خاصیت می‌افزاید. و اگر بز آتش هنرپیشه بشود آن وقت به استعداد بی‌نظیر خود پی

می برد.

این نوع بزها انرژی فراوانی دارند و نسبت به بزهای دیگر صنعتگرتر هستند. ضمناً دارای این ضعف هستند که خیلی زود افول می کنند. و اگر تحت فشار قرار بگیرند خیلی زود عصبانی می شوند و نمی توانند جلو زبان خود را بگیرند.

در امورات مالی ضعیف هستند و در عشق هوسباز می باشند. ضمناً فوق العاده افسونگر هستند هرچند که در زیر ظاهر فریبینده آنها چیز چندانی وجود ندارد.

همه بزها معمولاً شراکت قوی به وجود می آورند تا حداکثر استفاده را از استعدادهای خود ببرند. اما این نوع بز نیازی به این کار ندارد. و عامل آتش به این نوع بز این امکان را فراهم می آورد که بتواند با زندگی از طریق روش خودشان برخورد نمایند. حالا خواه دلشان بخواهد و یا نخواهد. بستگی به خودشان دارد.

بزهای آتش مشهور
لرد الیویر، هربرت ون کاراجان و پل گسکوئین

بز خاک
۱۹۱۹-۱۹۷۹-۲۰۳۹

بزهای خاک را از بعضی لحاظ می توان به مرتع غنی تشبیه نمود. اینها دارای صداقت خاصی هستند و اغلب بسیار افتاده می باشند. بعضی مواقع احساس می نمایند که مایل هستند واقعی را یادداشت نمایند و افکار خود را به روی کاغذ بیاورند. و این کار را طوری انجام می دهند که انگار برنامه های آینده خود را بر مبنای آن طرح ریزی می کنند.

این نوع بزها در ظاهر این تأثیر را دارند که در قله خوبی های دنیوی قرار

دارند اما قلب آنها خواهان چیزهای خوب برای زندگی است.

بز خاک متکی به خود بعضی موقع قید و بندها را به کناری نهاده و کاملاً غیر مسنونانه رفتار می‌کند خصوصاً در موقعی که احساس بکند که انتهای قوس قژح به طلا ختم می‌شود. و بعضی از این‌ها برای کسب نام و نشان دست به هر کاری می‌زنند. این بزها که همدم‌های خوبی هستند، روابط مستحکمی در خانواده خود به وجود می‌آورند که ممکن است خودشان قطع آنها را مشکل بیابند. عامل خاک برای این بزها پایه محکمی به وجود می‌آورد که هر شغلی که انتخاب بکنند توأم با خیر و برکت شده و آنها را متین و باگذشت بار بیاورد.

وقتی بز خاک از خط خود خارج بشود فاجعه به بار می‌آورد.

بزهای خاک مشهور

سر ادماند هیلاری، بیلی کید و آیریس موردادک

بزها و ساعات آنها

ساعت موش

(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

این بز وقتی اوضاع خراب بشود، غرولند راه می‌اندازد. و حس خودآگاهی زیادی خواهد داشت. تیزهوشی و مهارت در کلام به همراه خودانگیزی وی بسیار مفید خواهد بود. در روابط جنسی به بیراهه خواهد رفت.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

حس قدرت طلبی این بز خیلی واضح است. اگر دارای شخصیت قابل

اتکا و محکمی باشد می تواند در حرفه خود پیشرفت نماید. اما در عشق و عاشقی ممکن است با مشکلات برطرف نشدنی مواجه گردد.

ساعت ببر

(۳بامداد تا ۵ صبح)

این بز بعضی موقع بی پروا می گردد، و مشکل کار در اینجاست که سعی می کند بهبودی از ضربه بد وارد را با دور شدن از خطر با هم هماهنگ نماید. در خیلی از زمینه ها فوق العاده پرجنب و جوش است و دارای اصالت می باشد. و عشق نیز هرگز تهدیدی علیه او نخواهد بود.

ساعت گربه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

شخص فوق العاده متعادلی است و عشق فراوانی به زندگی خانه اش دارد. خانواده اش باعث همبستگی خواهد شد ولی هرگز قید و بندی را برایش به وجود نخواهد آورد. روابط وی صاف و ساده می باشد و لذت بردن از زیبایی ها فراوان خواهد بود. در عشق و نوشیدن راه افراط را در پیش می گیرد.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

نفوذ فراوانی از جهات مختلف اعمال می شود که همگی به نفع این بز است. اما عشق و عاشقی موقعی مثير ثمر می شود که از اشتیاق فراوان و رفتار ملون کمتری برخوردار باشد. اگر هنرمند باشند مورد حمایت قرار خواهند گرفت.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

در تصمیم‌گیری کند و در عمل کندر هستند که برایشان مسئله‌ساز می‌شود. اما اعمق وجود وی مالامال از عقل است و حس زیباشناسی وی خیلی قوی می‌باشد. در روابط جنسی خیلی قوی اما حالت انفعالی دارد.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

یک ترکیب شادی‌آفرین با حداکثر امکانات در همه زمینه‌ها خواهد بود. و به دلیل دارا بودن استعدادهای عملی فراوان بیشتر قادر به خودانگیزی است. اما قلب وی ممکن است به خاطر ضعیف بودن در عذاب باشد.

ساعت بز

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

بز مضاعف شده زمینه را برای یک تقسیم‌بندی ناشیانه فراهم می‌آورد. و به دلیل تمايل به بازگذاشتن فرصت‌های خوب به دست آمده، خیلی از آنها بر باد می‌رود. با وجود این‌ها، هنرپیشه‌ها به شکوفایی و شهرت فراوان می‌رسند. روابط بلندمدت ممکن است نادر باشد.

ساعت میمون

(۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

خیلی ماهر خواهد بود و امکان دارد در حرفة خود خیلی پیشرفت نماید. یک فروشنده عالی است و در بحران‌ها خونسردی خود را حفظ می‌نماید. ضمناً در عشق و عاشقی هم خنک‌تر خواهد بود. تمایل وی به بی‌ریا عمل کردن مزایای فراوانی را در شغل او برایش پیش

می آورد. جدال بین خلوص نیت وی با هوسبازیش، روابط وی را دچار مشکل می کند.

ساعت سگ

(٧ شامگاه تا ٩ شب)

حس آرمانگرایی این‌ها غالب خواهد بود و تمایل بزها برای جنگ به خاطر منافع شخصی خودشان کمتر خواهد بود. کمی مضطرب می‌باشند و لجاجت و سرسختی آنها به صورت ناخوشایندی واضح‌تر جلوه‌گر خواهد بود. در عشق وفادار خواهند بود.

ساعت خوک

(٩ شب تا ١١ شب)

فوق‌العاده اجتماعی هستند، تنومند و سالم می‌باشند و همدم‌های خوبی به حساب می‌آیند، خصوصاً در موقع خوشی. در عشق دم‌دمی مزاج هستند و تمایل دارند قبل از این که نگاهی بکنند، بجهند و دربروند. در هنر پیشگی اصلاً دستی ندارند. و بسیار کاری می‌باشند.

میمون‌ها و عوامل آنها

میمون فلز

۱۹۲۰-۱۹۸۰-۲۰۴۰

عامل فلز باعث می‌شود تا این میمون خونسردترین و محساسبترین مغزها را داشته باشد. مشکل پیش آمده برای این‌ها هرچه که باشد با خونسردی تمام می‌نشینند و با حوصله کامل آن را حل می‌کنند. روی هم رفته قلب صافی دارند و نسبت به میمون‌های دیگر بسیخشنده‌تر هستند. چیزی‌ها این نکته را نیز خاطرنشان می‌سازند که اگر در جایی خیریه‌ای توزیع بشود، این میمون نیز در صف می‌ایستد تا چیزی دستگیرش بشود. به هر حال از کسانی که محروم واقع شده‌اند مراقبت فراوانی به عمل می‌آورد. طرز رفتار این‌ها در جامعه یکسان می‌باشد یعنی اگر در موقعیت سختی قرار داشته باشد وقار خود را از دست نمی‌دهد.

میمون‌های فلز در معامله‌ها صداقت و درستکاری خود را حفظ می‌کنند، اما اگر اوضاع بر وفق مراد این‌ها نچرخد اخم می‌کنند که این نیز به تدریج در اثر عامل فلز کاهش می‌یابد.

میمون‌های فلز مشهور

دیو بروبیک، رانلد سیرل و آرتور هیلی

میمون آب

۱۹۳۲-۱۹۹۲-۲۰۵۲

آب با سرعت حرکت خودش جاری می‌شود و سطح ثابت خود را

می‌یابد. ضمناً هر نوع مقاومتی را با صبر و حوصله خورده و برطرف می‌کند. این میمون که به عنوان یک محقق روابط انسان‌ها محسوب می‌شود، همیشه توصیه می‌کند که سعی کنید روابط صدمه دیده را اصلاح کنید.

میمون‌های آب مهارت زیادی در بیان عقاید خود دارند، و مطالب خود را با عبارتی به گوش شنونده‌ها می‌رسانند که مورد پسند آنهاست. این‌ها مطالب خود را خواه از روی افکار دیگران باشد و یا از ساخته و پرداخته‌های خودشان، در قالب صحیح و در وقت مناسب و با صداقت بیان می‌کنند که مقبول واقع می‌شود.

در مورد پول فکرشان خوب کار می‌کند، و ضمناً میل دارند مرموز باقی بمانند. و همین عمل ممکن است منجر به یکی دو مورد کار نه چندان شرافتمدانه بشود. اما به سرعت رد آن را پاک خواهند نمود. موقعی پیش می‌آید که میمون آب مجبور می‌شود با صداقت برخورذ نماید که به این آسانی‌ها مقدور نمی‌شود. وقتی تحت فشار قرار بگیرند، مایل می‌شوند راه خود را کج نموده و به آرامی ناپدید بشوند.

میمون‌های آب مشهور

نایجل لاسن، لیدی اتونیا فریزر و مایکل آسپل

میمون چوب ۱۹۴۴-۲۰۰۴-۲۰۶۴

عامل چوب روی میمون اثر کاهنده گذاشته و از او یک فرد غیر جدل‌برانگیز می‌سازد. ضمناً این نوع میمون‌ها خواست خویش را علنی بیان می‌کنند. و دوست دارند ریشه‌های خود را عمیقاً بدوانند، ولی اگر از ریشه درآمدند، آه و فغان چندانی در کار نخواهد بود.

میمون‌های چوب در هر وضعیتی که پیش بیاید، به سرعت و به خوبی

سر و سامان می‌یابند و قدرت فراوانی در ایجاد رابطه با دیگران دارند و همیشه به دنبال راهی هستند که آنها را با دیگران ربط بدهد.

میمون‌های چوب هر حرفی که به زبان بیاورند خیلی موثق هستند و جذب کارهایی می‌شوند که در ارتباط مستقیم با مردم باشد. از سوی دیگر از شکست‌ها رنج می‌برند که از این بابت فرقی با میمون‌های دیگر ندارند. ضمناً در مورد استحکام خانه خودشان خیلی وسوس به خرج می‌دهند و به تمام ریزه‌کاری‌های آن توجه می‌کنند.

میمون‌های چوب مشهور

انجلاریپان، تیم رایس و دایانا راس

میمون آتش

۱۹۵۶-۲۰۱۶-۲۰۷۶

عامل آتش روی شخصیت این میمون اثر مخرب به جای می‌گذارد. این نوع میمون‌ها بالاخره موفق می‌شوند زندگی خودشان را مطابق میلشان جلو ببرند و در برنامه‌های دیگران نیز مشارکت ثابت می‌کنند. ولی در رقابت بی‌رحم می‌شوند که بلافضله میمون آتش بودن آنها برای اهل فن بر ملا می‌شود. و هیچ میمون دیگری به اندازه این‌ها دوست ندارد که برنده باشد، در اوج قله قرار بگیرد و بقیه را زیر پا داشته باشد. تمام میمون‌ها به نسبت مقداری بد ذاتی و کینه‌توزی دارند، اما میمون آتش این‌ها را فراوان دارد. اگر با چنین میمونی برخورد داشته باشید یک مرتبه متوجه می‌شوید که قیافه جذاب و رفتار ملایم وی به یکباره تغییر می‌کند و تبدیل به فردی می‌گردد که معنی شکست را نمی‌داند. اما به طور مسلم هیچ کسی برای همیشه برنده نمی‌ماند و وقتی این میمون مزه شکست را چشید، دیگر در آن دور و برها پیدایش نمی‌شود. و جای خود را عوض نموده و به مکان دیگری می‌رود.

پول درآوردن این نوع میمونها در دست خودشان است و وقتی مال و منالی به دست آورده‌اند آن را حفظ می‌کنند.

میمون‌های آتش مشهور

بجورن بورگ، مارتینا ناوراتیلوا و کو استارک

میمون خاک

۱۹۰۸-۱۹۶۸-۲۰۳۸

اکثر میمون‌ها وقتی متوجه خطری بشوند که در شرف تکوین است، سریعاً از صحنه خارج می‌شوند، ولی میمون خاک کسی است که با کلبه به استقبال خطر می‌رود و کمتر جا خالی می‌کند.

میمون خاک از هر لحاظ اصالت دارد و هیچ کس نمی‌تواند به اندازه این‌ها ایده‌های کهنه و قدیمی را نوسازی نموده و مجدداً رایج نماید، این میمون‌ها می‌توانند فوق العاده اهل بحث و جدل و خطرناک باشند، اما دارای افسونگری فراوانی هستند که همه را خلع سلاح می‌کنند و ضمناً هم در اجتماع و هم در محیط کار تهییج‌کننده هستند.

این‌ها قادر به کسب درآمد زیاد هستند و ممکن است ثروت هنگفتی به دست آورده و بعد از دست بدھند. به هر حال به هر دلیلی که باشد پول‌های بی‌حساب مردم نقش مهمی در زندگی این‌ها دارد. چینی‌ها عقیده دارند که هر چند قرن یک بار بعضی از این‌ها در دین و سیاست، بدعت‌گزار شده و به وسیله پیروان مفسدۀ جوی خود مورد پرستش واقع شده و هم‌زمان مورد لعن و نفرین ابدی اکثریت مردم واقع می‌شوند و باعث قتل و ویرانی فراوان می‌گردند.

میمون‌های خاک مشهور

استیفن هندری، کایلی مینوگ و رکس هریسن

میمون‌ها و ساعات آنها

ساعت موش

(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

هیچ کس به اندازه این‌ها موانع سر راه را با صحبت نمودن برطرف نمی‌کند. خیلی مال دوست، فرصت طلب و بسیار باهوش هستند. هوای نفس این‌ها فراوان است ولی به صورت مناسب و در فرصت مناسب به کار می‌گیرند.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

خیلی اصالت دارند، بیش از حد معمول رهبریت دارند و به خود متکی هستند. به سختی از مسیر خود منحرف می‌شوند و خیره‌سری زیاد آنها ممکن است مشکل‌آفرین باشد. از نظر عشق و عاشقی هم طبل توخالی می‌باشند.

ساعت ببر

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

قدرت مقاومت کمتر و کمبود رفعت دارند. مایل می‌شوند حرف خود را با ایجاد آشوب به کرسی بنشانند. در شغل و عشق مواجه با پستی و بلندی می‌شوند وقتی در تنگنا قرار بگیرند، برخورد خشنی خواهند داشت.

ساعت گربه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

خیلی منظم و محاط هستند، و همین موضوع موجب مزایای شغلی

فراوان برایشان می‌گردد. اما خودشان را کمتر می‌توانند وفق بدهند، ولی حس زیباشناسی و عشق به تزکیه نفس در این‌ها فراوان است. به پول ارزش قابل می‌شوند و عشاق متینی هستند.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

یک ترکیب تقریباً کاملی هستند، خصوصاً در شغل که خوش‌شانسی اژدها خیر و برکت را به همراه می‌آورد. اما ممکن است در تشخیص حقیقت از دروغ دچار مشکل بشوند. در عشق نیز ممکن است بدون فکر عمل بکنند.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

هیچ وقت کمبود ایده نخواهند داشت، عقل نیز چاشنی ابزارهای دیگر این‌ها خواهد شد تا خود را به اوج قله برسانند. اما اشتباهات و شکست‌های زیاد نیز وجود خواهد داشت. از نظر هنر خیلی اصیل می‌باشند و در شرط‌بندی بازنده. اما عشاق گرمی هستند.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

حس پرکاری و منطق این‌ها الهام‌بخش خیلی چیزها می‌گردد، خصوصاً در شغل‌شان که نیاز به مهارت‌های جسمانی و مغز دارد. به قلب خودشان متکی بودن این معنی دارد که در عشق ممکن است بعضی مواقع گرفتار مشکل گرددند.

ساعت بز

(۱) بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

اکثر اوقات این نوع میمون در کارهای عام‌المنفعه و مددهای اجتماعی سپری می‌شود. در کشف نقاط ضعف و انحرافات سریع است و در اصلاح آن کوشایی باشد. در عشق نیز وعده و وعیدها و دروغ‌گفتن‌ها وجود خواهد داشت.

ساعت میمون

(۳) بعد از ظهر تا ۵ عصر)

اثر میمون مضاعف فرصتی را برای این‌ها به وجود می‌آورد که تقریباً در همه معاملات تجاری به سرعت پیش بروند. فروشنده‌های قهاری می‌شوند، تماس‌های بین مردمی از لازمه‌های این ترکیب است. در عشق نیز مشتری سردی می‌باشد.

ساعت خروس

(۵) عصر تا ۷ شامگاه)

یک شخصیت نصف شده محسوب می‌شوند و ذاتاً قوه تخیل خوبی دارند و برای بی‌تزویر ماندن باید خیلی کوتاه بیایند. زندگی به صورت نظامیگری شاید پاسخ این سؤال باشد. عشق نیز فقط دردسر است.

ساعت سگ

(۷) شامگاه تا ۹ شب)

آرمانگرایی این‌ها یک ارزش محسوب می‌شود و با دارا بودن حس وفاداری هر آن مهیای پیشرف هستند و برای امر تجارت مطلوب نمی‌باشند. و با این ترکیب که دارا می‌باشند، شغلی به دردشان می‌خورد که با

تهذیب اخلاقی توأم باشد. در عشق نیز بی ریا می باشند.

ساعت خوک

(۹ شب تا ۱۱ شب)

این‌ها دارای قلبی بزرگ و دستی باز هستند. وقتی به شانس طلایی ثروت و مکنت بی‌اعتنای باشند بیشتر دلخوش می‌شوند، خصوصاً اگر شادی نصیب‌شان گردد. وقتی نیاز ایجاب بکند کمتر جبهه‌گیری می‌کنند و بیشتر کار می‌کنند. در عشق نیز تا حدودی ساده برخورد می‌نمایند.

مرغ‌ها و خروس‌ها و عوامل آنها

مرغ یا خروس فلز
۱۹۲۱-۱۹۸۱-۲۰۴۱

صفا و صمیمیت که از ویژگی‌های این‌هاست در اثر عامل فلز تقویت می‌گردد. ضمناً هیچ کسی در سرخختی و حرافی به پای این‌ها نمی‌رسد. این‌ها در پشت صحنه واقع شدن را دوست ندارند و برای کشاندن خودشان به مرکز توجه همه با چنگ و دندان می‌جنگندند.

چینی‌ها می‌گویند که این‌ها برای جلب توجه مردم به سوی خودشان دست به هر کاری می‌زنند. و این را باید گفت که این‌ها روی هم رفته چیزی در چنته دارند که ارزش مباهات را داشته باشد. از سوی دیگر دارای مغز تحلیل‌گر عالی هستند و اغلب سخنوران برجسته جامعه محسوب می‌شوند. این‌ها نسبت به مال و ثروت شامه قوی دارند و همین طور دست بخشندۀ نیز دارند. اگر از آنها خواسته شود، نصایح عالی را از صمیم قلب ارائه می‌دهند. ضمناً باید توجه نمود که خودشان به این آسانی‌ها نصیحت پذیر نیستند.

ضمناً علیرغم وضع ظاهر آراسته و پراطمینانشان، امل‌ترین مرغ‌ها یا خروس‌ها هستند.

مرغ‌ها یا خروس‌های فلز مشهور
شاهزاده فیلیپ، ننسی رِگن و پیتر آستینوف

مرغ‌ها یا خروس‌های آب ۱۹۳۳-۲۰۵۳

به دلیل این که آب سطح خود را می‌یابد، این‌ها نیز روی هم رفته ساکت و با حوصله هستند. مرغ‌ها و خروس‌های نوع دیگر که معمولاً قلعه‌های خود را بر بالای بلندی بنا می‌کنند، این‌ها قلاع خود را در روی زمین می‌سازند و دور تا دور آن را با خندق احاطه می‌کنند. بنابراین فقط آنها بی می‌توانند به درون قلعه راه یابند که دعوتنامه رسمی این‌ها را در دست داشته باشند.

مرغ‌ها یا خروس‌های آب به ریزه‌کاری‌ها نیز توجه می‌کنند و تا سوژه مورد نظر را به طور کامل ارزیابی نکرده‌اند به آن اعتماد نمی‌کنند. این وسوسات می‌توانند مربوط به آدم‌ها یا امورات شغلی و یا هر چیز دیگر باشد. اکثر این‌ها از مساعدت دیگران خوشحال نمی‌شوند خصوصاً اگر در راستای امیال این‌ها نباشد. ضمناً در مقابل تأثیرات بیرونی مقاوم نیستند و ممکن است به آسانی در راه تلقینات دیگران قدم بردارند.

مرغ‌ها و خروس‌های آب مشهور

مایکل هسلتین، مایکل کین و مری کوانت

مرغ‌ها و خروس‌های چوب

۱۹۴۵-۲۰۰۵-۲۰۶۵

چوب‌ها به صورت درخت قادر هستند در همه جهات رشد یابند و این امر می‌رساند که این‌ها نیز به طور مرتب به رشد خود ادامه خواهند داد. و علیرغم این توسعه‌شان به طور دائم با خطر مواجه هستند.

این نوع مرغ و خروس‌ها خیالاتی هستند و تا زمانی که از پایه محکمی برخوردار نشده‌اند، خیلی احتمال دارد که با اولین شلاق طوفان سرنگون

بشوند. اما به محض این که هر نوع مسئولیتی را به عهده گرفتند نقش خودشان را با جدیت اجرا می‌کنند. و این موضوع وقتی سmod بیشتری می‌یابد که مسئولیت هدایت دیگران را به عهده بگیرند.

هیچ کدام از مرغها یا خروس‌های دیگر به بخشندگی این‌ها بیستند. و در عین حال هر کسی با این‌ها به مخالفت برخیزد، با واکنش شدید مواجه خواهد شد. و ممکن است بعضی از این‌ها کینه کسی را تا آخر عمر از یاد نبرد. ضمناً عامل چوب افکار این‌ها را مغشوش می‌کند و احتمال دارد نتوانند در موقع مقتضی تصمیم قاطع اتخاذ نمایند. و تعداد قلیلی از این‌ها صادق هستند و رضایت خاطر این‌ها در جمع و یا تنها یی به یک اندازه است.

مرغها و خروس‌های چوب مشهور
مری آرچر، کن لیوینگ استون و اریک کلپتن

مرغها و خروس‌های آتش

۱۹۵۷-۲۰۱۷-۲۰۷۷

عامل ثابت این‌ها فلز است و ترکیب آن با آتش یعنی درگیری. قدرت تأثیر قمری این‌ها توسط عامل آتش به صورت دائمی ذوب و بی‌اثر شده و در نتیجه دائماً با خودشان در جدال می‌شوند.

اگر یک روز بدرخشدند، حتم بدانید که روز دیگر به دنبال یافتن ثباتی در کار یا روابط خود با دیگران است. ضمناً هیچ کسی به اندازه این‌ها به قدرت خود برای باز کردن راهشان ایمان ندارد و به همین دلیل است که تعداد کمی از آنها واقعاً شکست می‌خورند.

این‌ها از نظر انگیزه چیزی کمتر از نوع‌های دیگر ندارند ولی وقتی بیشتر پیشرفت می‌کنند که گاه‌گاهی به نصایح دیگران گوش بدھند. ضمناً عامل

آتش روی مهارت‌های اساسی این‌ها تأثیر الهام‌بخشی دارد و نظم و انضباط هم لازمه کار است.

مرغ‌ها و خروس‌های آتش مشهور
استیو دیویس، نیک، فالدو و تورویل

مرغ‌ها و خروس‌های خاک ۱۹۰۹-۱۹۶۹-۲۰۲۹

این‌ها بسیاندازه مستقل و متکی به خود هستند و در صداقت و درستکاری خیلی مصروف می‌باشند. در انصاف و بسی تزویری نمونه بوده و خیلی کم سخن هستند. عمیق فکر می‌کنند و هر موضوعی را خوب سبک و سنگین می‌نمایند و بعد نظر خود را اعلام می‌کنند.

این‌ها مایل هستند افکار خود را مخفی بدارند، حتی اگر بعضی مواقع نظرات خود را درباره تهذیب اخلاقی آشکارا اعلام بکنند. ضمناً نسبت به انواع دیگر خجالتی‌تر می‌باشند. اما هرگز از قبول مسئولیت شانه خالی نمی‌کنند هرچند که ممکن است به خاطر خاصیت کم‌گویی شان کمتر قدم به جلو بگذارند.

این نوع مرغ‌ها و خروس‌ها اغلب مایل می‌شوند افکار و عقاید خود را به روی کاغذ بیاورند. و هیچ کسی به اندازه این‌ها دارای کتابخانه و دفتر و دستک برای ثبت وقایع نمی‌باشد. بعضی‌ها برای امروز برنامه‌ریزی می‌کنند، اما این‌ها برای ابدیت.

مرغ‌ها و خروس‌های خاک مشهور
استفی گرف، هاردی آمیز و فرنسیس بیکن

هرغها و خروسها و ساعات آنها

ساعت موش

(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

در صراحت کم و در همراهی آسان هستند. و این احتمال وجود دارد که از افسونگری فراوان استفاده نمایند. به اندازه بعضی‌های دیگر منظم نیستند ولی فوق العاده سرسرخت می‌باشند. و بعضی مواقع شدیداً عصبانی می‌گردند. از نظر روابط جنسی بدون شیله و پیله هستند.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

در هر زمینه‌ای که ارزش‌های سنتی دارای اهمیت باشد، ترکیب کاملی است، موفقیت کسب می‌کند. کشاورزی برای او ایده‌آل است و علیرغم خصیصه‌های تحکم و بلوف‌زنی، بسیار مسئولیت‌پذیر می‌باشد و در عشق سردرگم مضاعف می‌باشد.

ساعت بیر

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

در هر جا در صفت مقدم و اولین سخنگوست. زیان تنده و بلوابرانگیز دارد. علاقه شدیدی به ریاست بر دیگران دارد. در عوض در همه چیز فوق العاده بخشندۀ است و پر از ایده‌های اصیل می‌باشد. و در عشق نیز کمی بی‌پرواست.

ساعت گریه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

تمایل به حساس بودن و رعایت احترامش دارد. در هر شغلی که نظم داشته باشد به خوبی می‌درخشد. طبیعت ملایم وی به حس سیاستمداری اش کمک می‌کند. در عشق نیز رازدار است.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

دارای ترکیب عالی است که منجر به حس عدالتخواهی قوی می‌گردد و خیلی مایل می‌شود همه چیز مرتب و کامل باشد. کله‌شق نبوده و کار بیهوده و احمقانه انجام نمی‌دهد. و بدون مطالعه دست به کاری نمی‌زند. ولی در عشق به طور آنی و بدون فکر اقدام می‌کند.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

عقاید بی‌پیرایه و رک وی کمتر دیده می‌شود. و جای خود را به برخورد آرام‌تر و عاقلانه‌تر داده است. در عرصه هنر خصوصاً در نقاشی و خطاطی مهارت تمام دارد. و تمایل دارد به عشق چسبیده بماند.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

یک ترکیب خوبی است که منجر می‌شود این نوع مرغ‌ها یا خروس‌ها در سطح عملی پیشرفت نمایند. تمایل زیادی به ولخرجی دارند و نیاز کمتری برای شراکت حس می‌کند.

ساعت بز

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

علايم دوگانه اينها روی هم رفته مطلوب نبوده و مشکلاتی به وجود می آورد. دائمآ دچار وسوسه و هوسيازی می شود و از لحن مؤدبانه خبری نخواهد بود. و در برخورد در اجتماع راحت خواهد بود و خيلي بی خيال خواهد بود. احتمال روابط جنسی هم می رود.

ساعت میمون

(۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

در اينها عامل تيزکاري به اضافه پافشاری کم در درستکاري دیده می شود. هر جا اصالت با ايده های عاريه گرفته با مهارت خاص به کار برود، اينها با زيرکى خاص خود حضور دارند. در امورات جنسی سرد می باشند.

ساعت خروس

(۵ عصر تا ۷ شامگاه)

علايم مضاعف خروس منجر به ترکيب قدرتمندي از خلوص نيت با فخرفروشی و مهارت های درخشان در اينها می گردد. در هنر پيشرفت می کنند و دوست دارند خانه و باغچه زیبا بسازند. و از نظر عواطف تودار می باشند.

ساعت سگ

(۷ شامگاه تا ۹ شب)

آرمانگرا بوده و خيلي حراف می باشند. وقتی زير نظر باشند خيلي سرسرخت می شوند و هر موقع حق با آنها باشد بسيار خشن برخورد می کنند. سياستمدار زيردستی نiestند. درستکاري چاره مؤثری است. در عشق

ممکن است موفق بشوند.

ساعت خوک

(۹ شب تا ۱۱ شب)

پس انداز نمودن برایشان آسان نخواهد بود. ولی اگر با مشکلی مواجه نشوند به اندازه کافی درآمد خواهند داشت که به زندگی ادامه بدهند. بی اندازه پرکار و اجتماعی هستند. علاقه به ماشین سواری دارند و در عشق با قلب باز جلو می روند.

سگ‌ها و عوامل آنها

سگ فلز

۱۹۱۰-۱۹۷۰-۲۰۳۰

سگ فلز نه تنها در میان بقیه سگ‌ها بلکه در بین تمامی انسان‌های با علامت دیگر حیوانی در خدمت به جامعه مصمم‌تر و از خودگذشته‌تر است. عوامل ثابت و متغیر این‌ها هر دو فلز است که در نتیجه قدرت فراوانی را به این‌ها می‌بخشند. مردم تبت به این‌ها «سگ آهنی» لقب داده‌اند و دلیل آن خیلی واضح است. مأموریت آنها هرچه که باشد، به طور حتم اجرا خواهند کرد. و به خاطر از خودگذشتگی‌شان مورد رحمت خداوندی قرار گرفته‌اند. اگر یک مأموریت درخور ارزش را به سگ فلز واگذار کنید، آن را انجام یافته بدانید.

هیچ کسی به اندازه این‌ها به حقوق انسان‌ها اهمیت نمی‌دهد و یا خود را وقف حمایت از مظلوم‌ها و محرومین نمی‌کند.

ضمناً این حقیقت نیز وجود دارد که در مقابل بی‌عدالتی‌ها بی‌رحم هستند. اگر به نحوی برای آنها ثابت بشود که قابل اعتماد و ارزش نیستند، آن وقت خواهید دید که تا عدالت را درباره شما اجرا نکنند دست بردار نخواهند بود. و اجرای عدالت است که ارزش آنها را بالا می‌برد.

سگ‌های فلز مشهور

مادر ترزا، دیوید نیون و داگلاس بیدر

سگ آب ۱۹۲۲-۱۹۸۲-۲۰۴۲

در میان بقیه سگ‌ها، آنها بی که تحت عامل سگ آب متولد شده‌اند، در نکته نظرات خود کمتر مثبت هستند و در برخوردهایشان سیاست کمتری دارند. تمام سگ‌ها قلباً آرمانگرا هستند و در میان آنها سگ آب فطرت آرام‌تری دارد و در برخورد با مخالفت‌ها کمتر لجاجت و سرسختی نشان می‌دهد. و این امر ممکن است او را غیرقاطع نماید و باعث شود که این سگ برای مؤثر بودن واقعی در امری یا خیلی زود دست به کار شود یا خیلی دیر. و موقعی هم پیش می‌آید که سگ آب خود را تنها می‌یابد. چینی‌ها عقیده دارند که سگ‌های آب مؤنث دارای نعمت خدادادی زیبایی فراوانی می‌شوند و می‌گویند که عامل آب باطن تسليم‌پذیری اغواگونه و حساسیت فوق العاده آنها را برملا می‌کند.

ضمناً عامل آب باعث می‌شود تا چنین سگ‌هایی مفسرین و منتقدین جالب محیط خود باشند و از آنها سیاستمداران عالی و با قضاوت صحیح به وجود آورد. و اغلب دارای حس نوع‌دوستی شدید و لطافت طبع می‌باشند.

سگ‌های آب مشهور ایوا (حوا) گاردنر، پایر کار دین و تانی هنکاک

سگ چوب ۱۹۳۴-۱۹۹۴-۲۰۵۴

سگ‌های چوب از وسائل و تزیینات چوبی خوششان می‌آید و در استفاده از محیط‌های راحت و لباس‌های خوب افراط می‌کنند. اما این

سگ‌ها مادی نیستند. اگر پول و ثروت نصیب آنها گردد خوب و خوش‌آیند است و اگر از کف‌شان برود خیلی بد نخواهد بود.

ضمناً این احتمال وجود دارد که این سگ مانند یک درخت به طور ناگهانی سرنگون گردد. به هر حال وقتی این سگ با ناملایمات مواجه گردد به شدت مبارزه می‌کند و پیروز بیرون می‌آید.

بخشنده و پرکار است و برای اثبات ارزش خود دلایل فراوانی ارائه می‌دهد. اما بعضی مواقع در تصمیم‌گیری روی موضوعات مهم بدون همکری افراد مورد اعتماد و علاقه خود عاجز می‌ماند.

ضمناً گفته می‌شود که سگ‌های چوب از پذیرایی و سرگرم نمودن مردم زیاد لذت می‌برند و در این راه از تمام خونگرمی و حسن خلق خود بهره می‌گیرند.

سگ‌های چوب مشهور

الویس پرسلی، سر وینستن چرچیل و بریژیت باردو

سگ آتش

۱۹۴۶-۲۰۰۶-۲۰۶۶

عامل آتش به این سگ انرژی خلاقیت فراوانی می‌بخشد. این‌ها اغلب در دست آوردهای خود تماشایی هستند. و بعضی مواقع عامل آتش اثر منفی روی این‌ها به جا می‌گذارد. یعنی ممکن است شعله آن مانند هیپنوتیک اثر گذاشته و سگ آرمانگرا و از خودگذشته را به سوی اهداف غیرسازنده بکشاند. و اگر این شعله درون‌گرا باشد، می‌تواند شخصیت خودویرانگری به وی ببخشد. و همین طور این عامل ممکن است این سگ را وادار به مخالفت با خواستهای درونی خود بکند. و اگر به طور اتفاقی سگی باشد که خود را فراموش بکند و دست به اقدامی بزند که متوجه خطر آن به

دیگران نباشد، هرچند بسیار نادر، همین سگ آتش است.
به هر حال وقتی عامل آتش با اهمیت حیاتی خود با نفوذ قمری قادر تمند وفاداری و آرمانگرایی این سگ ترکیب بشود، از وی شخصیتی به وجود می آورد که با هر کسی مواجه بشود او را به راه راست و کارهای خیر الہام می بخشد.

چینی‌ها ادعا می‌کنند که سگ‌های آتش جنس مخالف خود را جذب می‌کنند. ضمناً نسبت به سگ‌های دیگر بیشتر جاه طلب هستند هرچند که استفاده از موفقیت‌های به دست آمده مشکل باشد.

سگ‌های آتش مشهور

جرج بست، پیتر ساتکلیف و ژین آشر

سگ خاک

۱۹۵۸-۲۰۱۸-۲۰۷۸

این‌ها نسبت به سگ‌های دیگر کمتر نگران اوضاع محیط هستند و با داشتن ماهیت کاری می‌توانند مسئولیت‌های سنگین را با خوش‌خلقی و از خودگذشتگی فراوان بپذیرند.

این نوع سگ‌ها با واقع‌بینی به حل مسایل می‌پردازند و در موقع مواجه شدن با مشکلات مایل هستند به جای هجوم بردن به سوی آنها، ابتدا آنها را خوب بررسی بکنند.

چینی‌ها عقیده دارند که این نوع سگ کمی اسرارآمیز است، اما در سخاوت وی هیچ شکی وجود ندارد. و این‌ها نیز مانند سگ‌های نوع دیگر به پول کوچکترین اهمیتی نمی‌دهند و به هر کسی که نیاز داشته باشد بدون دغدغه خاطر می‌دهند.

این نوع سگ‌ها با احتیاط کامل اقدام به عملی می‌کنند و موفقیت‌های

مختلف خود را بر مبنای واقعیت‌ها و بصیرت کامل کسب می‌کنند. اما باید متشرک تلاش خود هم باشند. ضمناً محبت را فراموش نمی‌کنند و علیرغم این که بی‌اندازه به خود متکی هستند، اغلب از راهنمایی‌های دیگران هم سود می‌جوینند. در این حالت است که ممکن است ارضا بشوند. به هر حال کسی در از خودگذشتگی سگ خاک شکی ندارد. ضمناً با پیروزی و شکست با متأنیت برخورد می‌کند.

سگ‌های خاک مشهور

مدونا، مایکل جکسن و دیلی تامسن

سگ‌ها و ساعات آنها

ساعت موش

(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

خیلی دلربا می‌شوند و فرصت طلب قهاری هستند. مقداری از نگرانی وی از اوضاع باعث می‌شود که بی‌انقطاع غر بزند. به هر حال دلربایی و افسونگری را خواهد داشت. عاشق آتشین مزاجی است ولی همیشه وفادار نمی‌ماند.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

خیلی مایل می‌شوند در کانون توجه دیگران واقع شده و کنترل بقیه را به دست گیرند. خیلی پرکار هستند و درست است که حس وفاداری دارند، ولی مایل می‌شوند ثمره آن به خودشان برگردد. عشق پیچیده‌ای خواهند داشت و کمی هم گران خواهد بود.

ساعت بیرون

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

یک ترکیب عالی از عوامل را دارد و برای شکل‌بخشی و سروسامان دادن به زندگی افراد بدیخت و بیچاره تلاش فراوان می‌کند. نیروی اراده و انرژی پر جنب و جوش وی مزایای فراوانی را به ارمغان می‌آورد. روابط جنسی و خانوادگی خوبی خواهد داشت و پدر و مادر خوبی از آب درمی‌آیند.

ساعت گریه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

در موقع مواجه شدن با خطر کمی ترسو می‌شود و کمتر می‌تواند با بحران‌ها مقابله بکند. ولی در موقع برخوردار شدن از زندگی آرام احساس آرامش خاطر می‌کند. و در امورات عشق و عاشقی خیلی احساساتی است.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

شخصیت تقسیم شده دارند و علیرغم داشتن تمایل به کمک‌رسانی به دیگران، با فکر نیازهای خود را مقدم دانستن به جدال برمی‌خیزد. سیاستمدار ضعیفی است و شدیداً عصبانی شدن نیز یک مشکل دیگر وی است. و وقتی عاشق می‌شود، فراری می‌گردد.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

این سگ با سرسختی تمام به تمایلات خود می‌چسبد. اما در تصمیم‌گیری ضعیف است خصوصاً اگر مجبور بشود این کار را با عجله

انجام بدهد. کمتر نگران اوضاع می‌شود و در زمان عاشقی اغلب افسونگری می‌کند.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

هر دو علامت این سگ سازگار هستند خصوصاً در امورات مربوط به روابط انسان‌ها. و به دلیل اهل منطق بودن، تمایل وی به حمایت از مستمندان و مظلومان قوی‌تر می‌باشد. در همه زمینه‌ها فعال و کاری است و در عشق هم زود تسلیم می‌شود.

ساعت بزر

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

خیلی هوسباز است و در عین حال تا حدودی خودآزار می‌باشد. وقتی زیادی را صرف نیکوکاری می‌کند و در هر اجرای هنری خیلی عالی می‌درخشد. اما وفاداری وی در عشق دستخوش دل هوسبازش می‌گردد.

ساعت میمون

(۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

حس وفاداری در این سگ کم است. اما ایده‌های روشن وی به اضافه تأثیر تیزهوشی‌اش دست‌مایه خوبی برای کمک به مستمندان است. در فروشنده‌گی قوی و در عشق سرد می‌باشد.

ساعت خروس

(۵ عصر تا ۷ شامگاه)

ظاهر این‌ها به دلیل صفاتی باطن و حس توداری که دارند کمتر نگران

او ضاع نشان می دهد. تمامی تمایلات خوب این ها مورد ستایش قرار می گیرد. هر چند که به دلیل نرسیدن چیز هایی که وعده داده بودند، مایه دلخوری خواهد بود. و در بیان احساسات خود صریح هستند.

ساعت سگ

(٧ شامگاه تا ٩ شب)

علامت مضاعف سگ یعنی وفاداری بیشتر، آرمانگرایی قوی تر و سرسختی فراوان تر. اما خارج از نوبت خود حرف می زنند، و تعداد کمی از این ها کمک زیاد به مستمندان می کنند. در امورات مربوط به خانواده قوی است و در عشق و عاشقی مشتاق است طرف مقابل را شادمان نماید.

ساعت خوک

(٩ شب تا ١١ شب)

یک ترکیب عالی از علایم است و در یاری رساندن به مظلومان و مستمندان انرژی فراوان به کار می برد. از نظر اجتماعی خیالش راحت است و در عشق و عاشقی زود شکست می خورند.

خوک‌ها و عوامل آنها

خوک فلز

۱۹۱۱-۱۹۷۱-۲۰۳۱

عامل ثابت خوک آب است. و وقتی با عامل به شدت متحرک فلز ترکیب بشود، موجب شخصیتی می‌شود که مستعد بی‌ثباتی و عدم اطمینان است. و این نوع خوک‌ها نکته نظرات اطرافیان خود را به طور اسفناکی غلط تعبیر خواهند نمود. و مخالفین خود را دست کم خواهند گرفت. و بر عکس دوستان خود را دست بالاتر از واقعیت به حساب خواهند آورد.

بیش از سایر خوک‌ها احساساتی هستند و تمایلات خود را مخفی نمی‌کنند و سعی در مخفی‌کاری ندارند. این خوک‌ها فوق العاده بلند همت هستند، سرسخت می‌باشند و تا کنون دیده نشده که بدون نبرد سخت تسلیم شده باشند.

بعضی مواقع خیلی از خود ممنون می‌شوند و مطلوب جامعه واقع نمی‌گردند. همچنین ممکن است خواست خودشان را مقدم بر خواست دیگران بدانند. در ابراز محبت صادق می‌باشند، اما وقتی در عشق شکست بخورند، عقل و کنترل خود را از دست می‌دهند. و روی هم رفته گمان بر این است که برای زندگی صلح‌آمیز سخت تلاش می‌کنند.

خوک‌های فلز مشهور

رائلد رِگن، جینجر راجرز و سر مايكل هُردن

خوک آب

۱۹۲۳-۱۹۸۳-۲۰۴۳

آب همیشه سطح خود را می‌یابد و وقتی در ظرفی قرار گرفت حتی از کوچکترین شکاف نیز به بیرون نشد می‌کند. این امر در مورد خوک‌های آب نیز صادق است. این‌ها عumoً خوداتکا هستند و خیلی به استعدادهای خود می‌بالند. اما اگر یک شکاف کوچکی در سپر حفاظتی آنها پیدا شود، این امکان وجود دارد که اوضاع آنها به کلی دگرگون شود. و اگر جلو خود را نگیرند، ممکن است به آسانی دروغ پرداز و متقلب از آب درآیند. ضمناً میل دارند به دیگران خیلی اطمینان داشته باشند و همیشه به امید فردای بهتر زندگی می‌کنند.

اما همین اعتماد زیاد به دیگران از خصوصیات برجسته این‌هاست. و هیچ کدام از خوک‌های دیگر مانند این‌ها در معاملات مهارت ندارند، هرچند که پیش‌بینی‌های بلندمدت نیاز به کمی تجدید نظر داشته باشد. خیلی از خود ممنون هستند، ولی اگر می‌خواهند در پایان کار موفق باشند، باید جلو آن را بگیرند.

خوک‌های آب مشهور

رابرت مکسول، ارنست ساندرز و ماریا کالاس

خوک چوب

۱۹۳۵-۱۹۹۵-۲۰۵۵

این نوع خوک‌ها خیلی کارساز هستند و هیچ کدام از خوک‌های دیگر به اندازه این‌ها از سر و کار داشتن با دیگران احساس راحتی نمی‌کنند. و این امر می‌رساند که خوک چوب وقتی شادتر است که دارای شریک باشد،

هرچند که چینی‌ها اخطار می‌کنند که ممکن است از دست و دلبازی و سخاوت این‌ها سوء استفاده بشود. و این امر وقتی واقعیت عینی می‌یابد که این خوک پول‌ساز باشد. و از سوی دیگر چون این خوک‌ها تلاش خستگی ناپذیر دارند، ممکن است پول و ثروت به سوی آنها سرازیر شود. مشکلی که این نوع خوک‌ها دارند این است که خیلی‌ها از حسن خلق این‌ها سوء استفاده می‌کنند و در این صورت است که امکان دارد یک خوک چوب خسیس بگردد.

خوک‌های چوب دلخوشی و سرگرم نمودن را می‌ستایند و از این بابت هیچ کدام از خوک‌های دیگر بهتر از این‌ها مثلاً بذله‌گویی یا نوعی رفتار نمایش‌گونه برای سرگرمی دیگران را خواه در یک اجتماع بزرگ باشد و یا سر میز شام در مهمانی انجام نمی‌دهد.

این‌ها که از نظر اجتماعی برجسته هستند، جمع را دوست دارند و حداقل سعی خود را به عمل می‌آورند تا شریک یا همدم قابل اعتماد واقعی را بیابند.

خوک‌های چوب مشهور
وودی الن، لستر پیگات و کوروش قهرمانی پور

خوک آتش ۱۹۴۷-۲۰۰۷-۲۰۶۷

اصطلاح «کله خوک» ممکن است به راحتی در مورد خوک آتش مصدق پیدا بکند. این‌ها چالاک‌ترین و قهرمان‌ترین خوک‌ها هستند و وقتی هدفی را تعیین نمودند، سر خود را مانند خوک پایین انداخته و به سوی آن می‌شتابند.

خوک آتش نیک‌فطرت و قدرتمند بوده و به عقیده چینی‌ها به قضاوت

خود کاملاً اطمینان دارد. و هیچ کدام از خوک‌های دیگر برای اثبات ارزش خود به اندازه این‌ها سختکوش نخواهد بود. این‌ها در عین حال که مورد ستایش خیلی‌ها قرار می‌گیرند، محبت خود را از هر کسی که تحت حمایتشان قرار بگیرد، دریغ نمی‌کنند.

از آنجایی که خوک‌های آتش از جمع خوب واقعاً لذت می‌برند، در نتیجه جذب شغل‌هایی می‌گردند که بتوانند مردم زیادی را به استخدام خود درآورند. ضمناً دوست دارند مردم به دنبال آنها بگردند و برای خشنودی دیگران دست به هر کاری می‌زنند. و باید یادآور شد که از نظر یک خوک آتش خانواده‌اش در مقام اول قرار داد و برای حمایت از آنها حاضر است با چنگ و دندان جنگ بکند.

در مسیر سراشیب زندگی هم ممکن است دچار نامیدی شده و احتمال این که احترام شخصی خود را از بین ببرد وجود دارد.

خوک‌های آتش مشهور

سلمان رشدی، استفن اسپایلبرگ و إلتون جان

خوک خاک

۱۹۵۹-۲۰۱۹-۲۰۷۹

در میان تمام خوک‌ها، خوک خاک از همه راضی‌تر است. به آسانی شاد می‌شود و از شاد نمودن دیگران لذت می‌برد. عامل خاک افکار مثبتی را به مغز این خوک‌های تنومند و پرکار طبیعی تزریق می‌کند، که منافع زیادی را به دنبال می‌آورد. این‌ها با شادمانی پول فراوانی را به جریان می‌اندازند و اگر شانس روکند، ثروت زیادی نصیب خود می‌کنند.

ضمناً عامل خاک بر شدت وسواس در کار این خوک‌ها می‌افزاید و مقدار فراوانی اراده قوی لازم است تا بر اشتهاي سيرى ناپذير خود بر چك نمودن

فایق آیند.

وقتی برای این نوع خوک‌ها مشکلی پیش بیاید خیلی ساده شانه‌های خود را بالا می‌اندازند و بی‌اعتنای شوند، این عمل صحیح این‌ها می‌رساند که بالاخره بزرگترین مشکلات هم با مرور زمان ناپدید می‌گردد. و به طور حتم فلسفه خوش‌بینی خوک‌های خاک در این فرایند همراه آنها خواهد بود. خوک‌های خاک که در لباس پوشیدن سلیقه خاصی دارند، در بعضی مواقع نمی‌توانند از ذوق خود بهره بگیرند و در نتیجه ممکن است بدترین نوع لباسی را که اصلاً مناسب موقعیت زمان نیست به تن نمایند. با وجود این‌ها بی‌جهت خود را ناراحت نمی‌کنند.

وقتی این خوک‌ها به چیزی دل ببنندند، تا آن را به دست نیاورده‌اند دست از تلاش نمی‌کشند. از نظر روابط جنسی نیز کمی ضعیف می‌باشد.

خوک‌های خاک مشهور

دوشس یورک، جولیئن کلیری و بن التن

خوک‌ها و ساعات آنها

ساعت موش

(۱۱ شب تا ۱ بامداد)

فوق العاده سازگار هستند و دارای عوامل تیرهوشی هستند که آشکارا واضح است. با هوش و سریع الانتقال هستند، اما خوب پوشیدن امر مهمی برایشان نمی‌باشد.

ساعت گاو

(۱ بامداد تا ۳ بامداد)

طاقة‌فرسا هستند و از جمع و مشارکت با دیگران لذت نمی‌برند. از نوع

انزواط می باشند و خیلی آسان به تنایی از عهده کارشان بدون کمک دیگران برمی آیند. بی اندازه پرکار هستند و عشق را ساده نمی گیرند.

ساعت بیرون

(۳ بامداد تا ۵ صبح)

دارای خلق و خوی تند هستند و به بزرگترها اهمیت نمی دهند. البته مانند دیگران پوچ نیستند، و دائمًا مترصد طغیان می باشند. سر پرشوری دارند، خصوصاً در عشق.

ساعت گربه

(۵ صبح تا ۷ صبح)

نسبت به لباس پوشیدن خیلی هوشیار هستند و در برخورد با مردم و امورات مالی خیلی روشن می باشند. با سیاست و محاط بوده و نظم و انضباط نقش حیاتی در زندگی روزمره اینها دارد. و در عشق بسیار حساس می باشند.

ساعت اژدها

(۷ صبح تا ۹ صبح)

بعضی مواقع غیرمعقول رفتار می کنند، و میل دارند درباره دیگران زود قضاوت بکنند. اما هیچ کسی به اندازه اینها صادق و سخاوتمند نمی باشد، حتی اگر اعتماد زیاد به دیگران علیه اینها باشد. در عشق نیز وفادار می باشند.

ساعت مار

(۹ صبح تا ۱۱ قبل از ظهر)

معمولًا در خانه است و دارای مال می‌باشد، علاقه به چیزهای هنری احتمالاً زیاد است. البته ممکن است چندان اهل پول خرج کردن نباشد ولی از بذل وقت دریغ نمی‌کند. در عشق هم تودار و محیل خواهد بود.

ساعت اسب

(۱۱ قبل از ظهر تا ۱ بعد از ظهر)

قادر است به طور معقول و عملی به مشکلات بپردازد. و در اکثر موارد روی منطق زیاد تأکید می‌کند. تعداد کمی می‌توانند مانند این‌ها اکثر ساعت روز را با شادی و دلخوشی به جلو برند. عاشق پرحرارتی است و زود هم شکست می‌خورد.

ساعت بزر

(۱ بعد از ظهر تا ۳ بعد از ظهر)

زندگی اجتماعی برای این‌ها عامل عمدۀ محسوب می‌شود و در موقع سروکار داشتن با موضوعات واقعًا مهم با عدم اطمینان مواجه خواهد شد. در امورات مالی خوب نیستند اما بزرگترین نقش بازی‌کن‌ها می‌باشند. و در عشق نیز هوسباز هستند.

ساعت میمون

(۳ بعد از ظهر تا ۵ عصر)

چون دارای دوز و کلک فراوانی است که حتی در خود میمون‌ها کمتر دیده می‌شود، این‌ها را مستعد تجارت می‌کند. خیلی باهوش می‌شوند و به این آسانی‌ها سرشان کلاه نمی‌رود. در عشق هم سرد می‌باشند. اما والدین

عالی از آب درمی‌آیند.

ساعت خروس (۵ عصر تا ۷ شامگاه)

دارای ظاهر بی‌تزویری بوده و به درد بازار و تجارت نمی‌خورند. اما در جاهایی که احتیاج به صراحة باید از شانس والایی برخوردار خواهند بود. از زندگی روستایی لذت می‌برند و عشق معمولی به حساب می‌آیند.

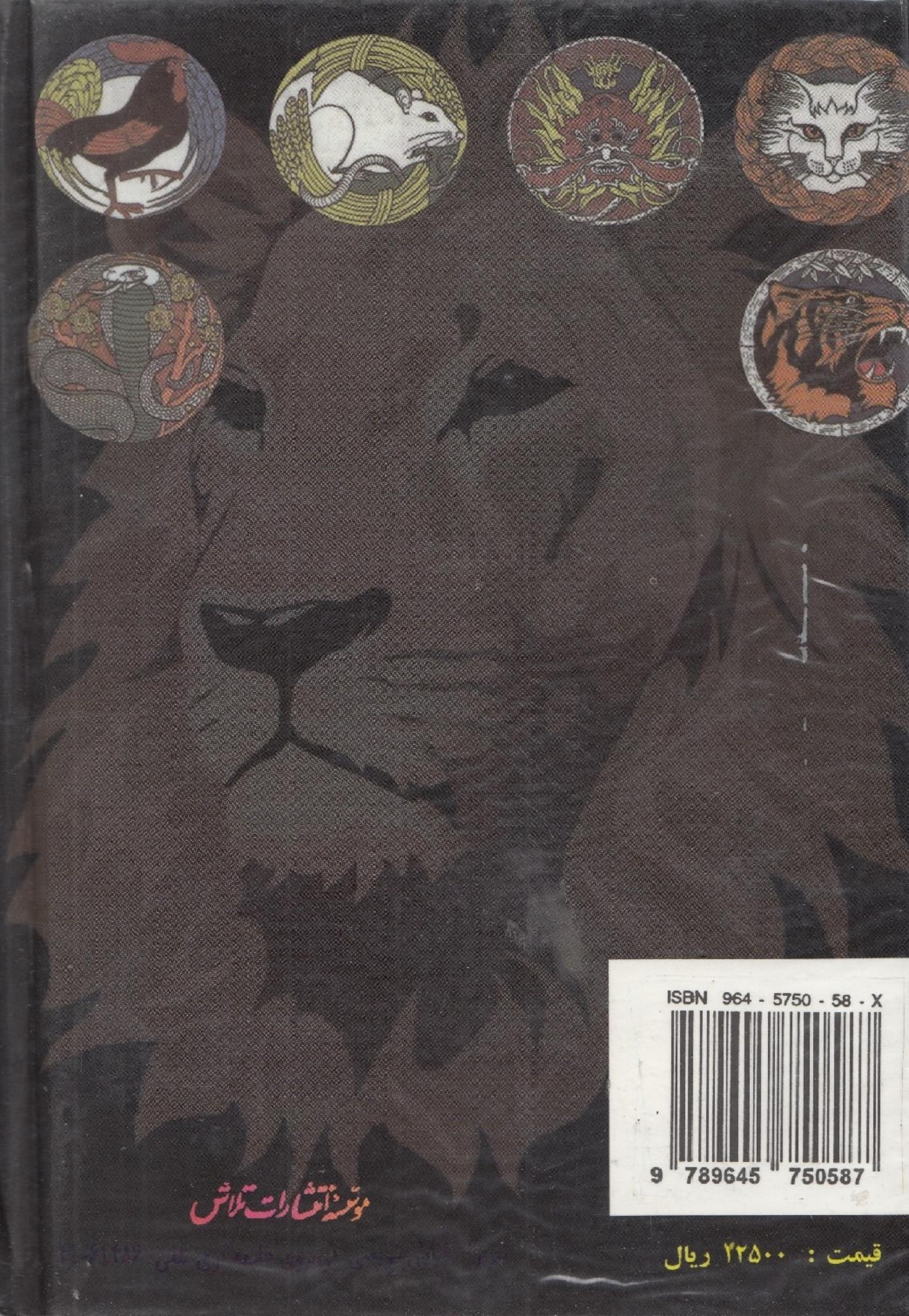
ساعت سگ (۷ شامگاه تا ۹ شب)

یک ترکیب بی‌نهایت مبارک که به حس و فاداری و آرمانگرایی توأم با صداقت فراوان این‌ها می‌افزاید. در یاری رساندن عالی هستند، بدخواهی دیگران کم خواهد بود. و در عشق هم متین است.

ساعت خوک (۹ شب تا ۱۱ شب)

علامت مضاعف خوک شانس گرفتن دنیا و پیروز شدن را نوید می‌دهد. هیچ کسی به اندازه این‌ها با چنان تلاش صادقانه کار نمی‌کند و یا با خوشی بازی نمی‌کند و در امورات مالی یک جادوگر است. در عشق خیلی آسان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما دارای قلب بزرگی است.

پایان



ISBN 964 - 5750 - 58 - X

9 789645 750587

معركة رات تلاش

رواية من تأليف طه حسين

قيمة : ٢٥٠٠ ريال